

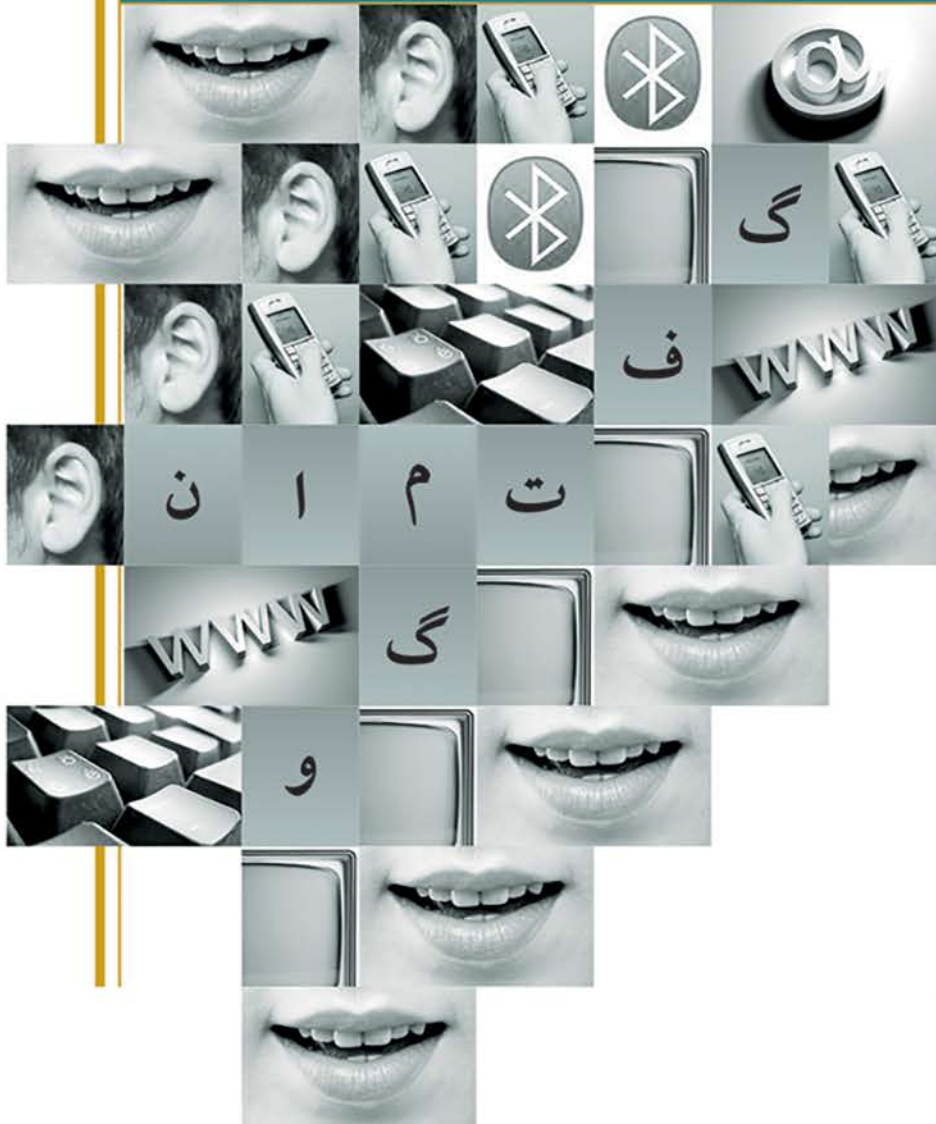


سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

نویسنده: تیم رپلی

مترجم: دکتر عبدالله بیچرانلو





راهنمای عملی
تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

نویسنده: تیم رپلی
مترجم: دکتر عبدالله بیچرانلو



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	رپلی، تیم Rapley, Tim
عنوان و نام پدیدآور	راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان سند/ نویسنده تیم رپلی؛ مترجم عبدالله بیچرانلو.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۲۶۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۲۲-۲ ریال؛ ۳۸۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	عنوان اصلی: Doing Conversation, Discourse and Document Analysis, 2007
موضوع	گفتمان
موضوع	تحقیق کیفی
شناسه افزوده	بیچرانلو، عبدالله، ۱۳۵۹، مترجم
شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۰ / ۲۲ / ۲۰۲ P3
رده‌بندی دیویی	۴۰۱/۴۱
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۵۴۰۱۳



راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نویسنده: تیم رپلی

مترجم: دکتر عبدالله بیچرانلو

ویراستار: آرش چنانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۲۲-۲

نوبت چاپ: اول - مهر ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال

چاپخانه: طنین پاسارگاد

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولیعصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن ۸۸۹۱۹۱۷۷ دورنگار ۸۸۹۳۰۷۶ Email: Nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

۹ سخن ناشر
۱۱ مقدمه ویراستار
۱۹ معرفی کتاب
۲۱ یادداشت مترجم

فصل اول - گفتمان کاوی

۲۵ اهداف فصل
۲۶ تأمل‌های مقدماتی
۳۰ تأمل‌هایی درباره خاستگاه‌ها
۳۳ تأمل‌هایی در مباحث کتاب
۳۶ نکات مهم فصل
۳۶ منابع تکمیلی

فصل دوم - آرشیوسازی

۳۹ اهداف فصل
۴۰ منابع داده‌ها
۴۳ منابع اسنادی (متنی)
۴۹ ملاحظات عملی بررسی اسناد
۵۲ ملاحظات تکمیلی کار با اسناد
۵۴ منابع شنیداری و دیداری
۵۸ ضرورت داده‌های طبیعی
۶۲ ملاحظات پایان فصل

نکات مهم فصل	۶۲
منابع تکمیلی	۶۳

فصل سوم- اخلاق و ثبت داده‌ها

اهداف فصل	۶۷
مسائل اخلاقی تولید و ضبط داده پژوهشی	۷۰
ضبط در فضاهای عمومی	۸۱
ملاحظات پایان فصل	۸۲
نکات مهم فصل	۸۲
منابع تکمیلی	۸۳

فصل چهارم- مسائل عملی ضبط

اهداف فصل	۸۷
ابزار ضبط	۸۸
چگونه بفهمید چه چیزی را باید ضبط کنید؟	۹۱
مسائل عملی مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز	۹۲
مسائل عملی قوم‌نگاری‌های شنیداری دیداری	۹۸
ملاحظات پایان فصل	۱۰۸
نکات مهم فصل	۱۰۹
منابع تکمیلی	۱۰۹

فصل پنجم- پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری

اهداف فصل	۱۱۳
معرفی گفتگوی ضبط‌شده	۱۱۵
توصیف صحنه	۱۱۷
متن پیاده شده مقدماتی	۱۱۸
مسئله جزئیات	۱۲۶
متن پیاده شده به روش جفرسون	۱۳۱

۱۳۳.....	متن‌های پیاده شده کاری در مقابل متن‌های پیاده‌شده گزارشی
۱۳۵.....	پیاده کردن داده‌های تصویری
۱۳۶.....	پیاده‌سازی عکس‌ها
۱۴۴.....	ملاحظات پایان فصل
۱۴۴.....	نکات مهم فصل
۱۴۵.....	منابع تکمیلی

فصل ششم - بررسی گفتگو

۱۴۹.....	اهداف فصل
۱۵۲.....	بررسی یک لحظه معمولی در گفتگو
۱۵۵.....	مدیریت تعاملی تشخیص‌های پزشکی در یک بیمارستان
۱۵۷.....	فرایند معمول زندگی اجتماعی
۱۶۹.....	ملاحظات پایان فصل
۱۷۰.....	نکات مهم فصل
۱۷۰.....	منابع تکمیلی

فصل هفتم - بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد

۱۷۳.....	اهداف فصل
۱۷۴.....	اسناد رایج
۱۷۹.....	مطالعه موردی: شیوه ایجاد سابقه درمانی
۱۸۲.....	مطالعه موردی: خوانش و گزارش یافته‌های یک گزارش
۱۹۰.....	مطالعه موردی: فهم نوار ویدئویی در دادگاه
۱۹۲.....	ملاحظات پایان فصل
۱۹۱.....	نکات مهم فصل
۱۹۱.....	منابع تکمیلی

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها

۱۹۵.....	اهداف فصل
----------	-----------------

۲۰۰	نقش پنهان تحلیلگر.....
۲۰۳	تمرکز بر موقعیت‌های کوتاه تعامل.....
۲۰۵	بررسی زمینه گروه متمرکز و داده‌های مصاحبه.....
۲۰۸	بررسی قدرت (و دیگر مفاهیم اساسی).....
۲۱۲	ملاحظات پایان فصل.....
۲۱۳	نکات مهم فصل.....
۲۱۴	منابع تکمیلی.....

فصل نهم - بررسی اسناد

۲۱۷	اهداف فصل.....
۲۱۸	تأمل درباره گفته‌های متن (و ناگفته‌های آن).....
۲۲۰	استدلال درباره موضوع.....
۲۲۲	بسط استدلال.....
۲۲۵	مسئله چه کسی، راهکار چه کسی؟.....
۲۲۹	اندیشیدن درباره تاریخچه امروز.....
۲۳۷	ملاحظات پایان فصل.....
۲۳۷	نکات مهم فصل.....
۲۳۸	منابع تکمیلی.....

فصل دهم - مطالعه گفتمان: دیدگاه‌های تکمیلی

۲۴۱	اهداف فصل.....
۲۴۲	کدگذاری، تحلیل و تأمل با بهره‌گیری از آرشیوتان.....
۲۴۶	پرسش‌هایی درباره کیفیت و بازتاب واقعیت.....
۲۵۰	گام‌ها و نکات مهم تحلیل گفتگو، گفتمان و سند.....
۲۵۲	ملاحظات پایانی فصل و کتاب.....
۲۵۲	منابع تکمیلی.....
۲۵۳	فهرست اصطلاحات.....
۲۵۷	مآخذ.....

سخن ناشر

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد.» (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۶)

رشد و توسعه اقتصادی و یا سیاسی بدون توجه به ارزشهای والای فرهنگی می‌تواند موجبات سستی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه را فراهم آورد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انجام تحقیقات و پروژه‌های پژوهشی و نیز برگزاری نشستهای علمی با اصحاب علم و فرهنگ و ارائه نتایج حاصل در قالب «گزارش پژوهش» و یا «کتاب»، تلاش خود را مصروف گسترش ارزشهای اصیل فرهنگی می‌کند.

امید است با بهره‌گیری از توان علمی پژوهشگران، بتوان گام مؤثری در برنامه‌ریزی جامع توسعه کشور برداشت.

اثر حاضر، یکی از کتاب‌های مجموعه هشت جلدی بسته تحقیقات کیفی سیج یعنی کتاب راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند نوشته تیم رپلی است که توسط دکتر عبدالله بیچرانلو ترجمه شده است.

یادآوری می‌شود، مطالب مندرج در این کتاب لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه

نیست.

مقدمه ویراستار بسته پژوهش کیفی سیج

- معرفی بسته پژوهش کیفی سیج^۱
- پژوهش کیفی چیست؟
- چگونه پژوهش کیفی انجام دهیم؟
- دامنه بسته پژوهش کیفی سیج

معرفی بسته پژوهش کیفی سیج

در سال‌های اخیر، شاهد رشد و تنوع بی‌سابقه پژوهش کیفی بوده‌ایم، به‌گونه‌ای که پژوهش کیفی به رویکرد پژوهشی جاافتاده و مورد توجهی در رشته‌ها و زمینه‌های مطالعاتی مختلفی تبدیل شده است. شمار روزافزونی از دانشجویان، استادان و پژوهشگران با پرسش‌ها و مسائلی در خصوص نحوه انجام دادن پژوهش کیفی - به‌طور عام / و استفاده از آن برای اهداف خاص خود مواجه‌اند. پاسخ به این پرسش‌ها و نیز حل

1. SAGE

مسائل در سطحی عملی، هدف اصلی بسته پژوهش کیفی سیج است.

کتاب‌های این بسته، در مجموع به موضوع‌هایی اساسی که در عمل، در اجرای پژوهش کیفی با آنها مواجه می‌شویم، می‌پردازند. هر کتاب بر روش‌های مهمی (برای مثال، مصاحبه یا گروه متمرکز) یا مطالبی (مانند داده‌های تصویری یا گفتمان) متمرکز است که برای مطالعه کیفی پدیده‌های اجتماعی به کار می‌روند. به علاوه، کتاب‌های این بسته با توجه به نیازهای خوانندگان مختلف نوشته شده‌اند. از این رو، این بسته و هر یک از کتاب‌های آن به‌طور جداگانه برای طیف وسیعی از خوانندگان ذیل، مفید خواهند بود:

- پژوهشگران بهره‌گیرنده از پژوهش کیفی که عملاً در علوم اجتماعی، پژوهش‌های پزشکی و بازاریابی، مطالعات تحلیل و ارزیابی سازمانی، کسب و کار و مدیریت، علوم شناختی و ... با مسئله طراحی و اجرای مطالعه‌ای خاص با استفاده از روش‌های کیفی مواجه‌اند.

- استادان و مدرسان دانشگاه در زمینه‌های یاد شده که از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند؛ انتظار می‌رود این مجموعه را مبنای تدریس خود قرار دهند.

- دانشجویان دوره‌های کارشناسی و تکمیلی علوم اجتماعی، پرستاری، علوم تربیتی، روانشناسی و دیگر حوزه‌هایی که در آنها روش‌های کیفی، بخش اصلی آموزش دانشگاهی از جمله فعالیت‌های عملی (مانند نوشتن پایان‌نامه) را تشکیل می‌دهند.

هر کتاب در بسته پژوهش کیفی سیج، به وسیله نویسنده‌ای سرشناس در زمینه تخصصی‌اش و نیز صاحب تجربه گسترده در خصوص روش کتابی که تألیف کرده، نوشته شده است. هنگام مطالعه کل این مجموعه، از آغاز تا پایان، با موضوع‌هایی - همچون اخلاق، طراحی پژوهش یا ارزیابی کیفیت - برخورد خواهید کرد که در هر نوع

پژوهش کیفی بسیار حائز اهمیت هستند. با این حال، این موضوعها در هر کتاب، از زاویه دید روش‌شناختی خاص نویسندگان و رویکرد آنها تبیین شده‌اند. از این رو، با رویکردهای متفاوتی به موضوعهای کیفی یا راهکارهایی درباره تحلیل داده‌های کیفی در کتاب‌های گوناگون مواجه خواهید شد که در مجموع، تصویری جامع از این عرصه در اختیار می‌گذارند.

پژوهش کیفی چیست؟

یافتن تعریف مشترکی از پژوهش کیفی که مورد پذیرش اکثر رویکردها و پژوهشگران پژوهش کیفی باشد، روزبه‌روز دشوار می‌شود. اکنون پژوهش کیفی، صرفاً «پژوهش غیرکمی» نیست، بلکه یک (یا چند) شاخصه خاص خود را یافته است. علی‌رغم رویکردهای گوناگون به پژوهش کیفی، می‌توان ویژگی‌های مشترک این رویکردها به پژوهش کیفی را شناسایی کرد. هدف پژوهش کیفی، نزدیک شدن به عالم واقعیت (اما نه از طریق سازوکارهای پژوهشی مشابه فعالیت آزمایشگاه‌ها) و شناخت، توصیف و گاهی تشریح پدیده‌ها از دل پدیده‌ها به روش‌های گوناگون است:

- از طریق تحلیل تجارب افراد یا گروه‌ها: این تجارب ممکن است برگرفته از سرگذشت زندگی افراد یا تحلیل فعالیت‌های (روزمره یا حرفه‌ای) آنها باشد؛ می‌توان با تحلیل دانش، روایت‌ها و رویدادهای روزمره، آنها را بررسی و مطالعه کرد.

- از طریق تحلیل تعامل و ارتباطات اجتماعی: این تحلیل را می‌توان بر اساس مشاهده یا ثبت تعامل و ارتباطات و سپس تحلیل مطالب به دست آمده انجام داد.
- از طریق تحلیل سند (متن، عکس، فیلم یا موسیقی) یا دیگر روش‌های مشابه ثبت تجارب و تعامل.

نقطه مشترک این روش‌ها، این است که آنها به دنبال تبیین شیوه ساخت جهان

پیرامون به وسیله مردم (مردم چه می‌کنند یا چه رویدادهایی برای آنها رخ می‌دهد) به بیانی معنی‌دار و دربردارندهٔ بینشی غنی هستند. کنش‌های متقابل و اسناد، شیوه‌هایی دانسته می‌شوند که در تعاضد یا تعارض با یکدیگر، فرایندها و برساخته‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. همه این رویکردها، شیوه‌هایی را در اختیار می‌گذارند که بتوان معنی را با روش‌های گوناگون کیفی بازسازی و تحلیل کرد و به پژوهشگران امکان می‌دهند که مدل‌ها، سنخ‌شناسی‌ها و نظریه‌هایی (کم و بیش تعمیم‌پذیر) را برای تبیین و تشریح مسائل اجتماعی یا روانشناختی ارائه کنند.

چگونه پژوهشی کیفی انجام دهیم؟

اگر در نظر بگیریم که رویکردهای روش‌شناختی، معرفت‌شناختی و نظری گوناگونی به پژوهش کیفی وجود دارند و مسائل مورد مطالعه، متنوع هستند، آیا می‌توانیم راه‌های مشترکی را برای انجام دادن پژوهش کیفی شناسایی کنیم؟ ما حداقل می‌توانیم برخی ویژگی‌های مشترک روش‌های انجام پژوهش‌های کیفی را شناسایی کنیم:

- پژوهشگران کیفی به دستیابی به تجارب، تعاملات و اسناد در زمینه و بافت^۱ طبیعی آنها علاقه‌مندند تا امکان موشکافی آنها در مطالب مورد مطالعه‌شان را فراهم کند.

- پژوهش کیفی از ارائه مفهومی به دقت تعریف شده از موضوع تحقیق و تدوین فرضیه‌هایی در آغاز پژوهش برای آزمودن پرهیز می‌کند. در مقابل، مفاهیم (یا فرضیه‌هایی، اگر استفاده شوند) در طول فرایند پژوهش، تدوین و پالایش می‌شوند.

- پژوهش کیفی بر این اصل تأکید دارد که روش‌ها و نظریه‌ها باید با موضوع تحقیق متناسب باشند. اگر روش‌های موجود با یک موضوع یا بافت مشخص،

1. Context

تناسب نداشته باشند، یا تطبیق داده می‌شوند، یا روش‌ها و رویکردهای جدیدی به‌کارگرفته می‌شوند.

- پژوهشگران، خود، بخش مهمی از فرایند پژوهش هستند؛ چه خود در نقش پژوهشگر در فرایند تحقیق حضور داشته باشند یا در اجرای یک تحقیق، تجارب خود را در اختیار دیگر پژوهشگران قرار دهند.

- پژوهش کیفی در مطالعه برای شناخت یک موضوع، به بافت آن و موردها^۱ (قضیه‌ها) اهمیت زیادی می‌دهد. بسیاری از پژوهش‌های کیفی، بر اساس موردکاوی یا مجموعه‌ای از مطالعات موردکاوی انجام شده‌اند و اغلب پیشینه قضیه (مورد) و پیچیدگی آن، زمینه مهمی را برای شناخت موضوع مورد مطالعه فراهم می‌کند.

- بخش مهمی از پژوهش کیفی مبتنی بر متن و نوشتار است از یادداشت‌های میدانی و دست‌نوشته‌ها گرفته تا توصیف‌ها و تفسیرها و نهایتاً ارائه کل یافته‌های پژوهشی. از این رو، تبدیل موقعیت‌های اجتماعی پیچیده (یا اشکال دیگر اطلاعات مانند تصاویر) به متن — و به‌طور کلی پیاده‌سازی و نوشتن — دغدغه‌های مهمی در اجرای پژوهش کیفی هستند.

- اگر روش‌های تحقیق با موضوع تحقیق تناسب داشته باشند، باید درباره روش‌های تعریف و ارزیابی کیفیت پژوهش کیفی به شیوه‌های معینی که مناسب یا خاص پژوهش کیفی هستند، بحث شود.

دامنه بسته پژوهش کیفی سیج

- کتاب طراحی پژوهش کیفی (نوشته اوو فلیک^۲)، درآمدی کوتاه به پژوهش کیفی از دیدگاه چگونگی برنامه‌ریزی و طراحی یک مطالعه انضمامی با استفاده

1. Case

2. Uwe Flick

از پژوهش کیفی به روش‌های گوناگون است. در این کتاب، تلاش شده با بررسی مسائل عملیاتی و شیوه حل این‌گونه مسائل در فرایند پژوهش، چارچوبی برای دیگر کتاب‌ها در بسته پژوهش کیفی سیج ترسیم شود. کتاب به مسائل مربوط به طراحی تحقیق کیفی می‌پردازد. این کتاب، سکوی آغاز اجرای یک پروژه پژوهشی را ترسیم و درباره مسائلی عملی همچون منابع در پژوهش کیفی، موضوع‌هایی روش‌شناختی مانند کیفیت در پژوهش کیفی و اخلاق نیز بحث می‌کند. این چارچوب، به‌طور تفصیلی‌تر در کتاب‌های دیگر بسته پژوهش کیفی سیج ترسیم شده است.

- سه کتاب به گردآوری یا تولید داده در پژوهش کیفی اختصاص یافته‌اند. آنها موضوع‌هایی را که مختصراً در کتاب نخست ترسیم شده، با تمرکز بر روی روشی خاص، به‌طور تفصیلی‌تر بیان می‌کنند. نخست؛ کتاب *راهنمای عملی مصاحبه* (نوشته استینار کوال^۱) به مباحث نظری، معرفت‌شناختی، اخلاقی و عملی مربوط به مصاحبه با مردم درباره موضوع‌هایی خاص یا سرگذشت زندگی آنها می‌پردازد. کتاب *پژوهش مشاهده‌ای و قوم‌نگارانه* (نوشته مایکل آنگروسینو^۲) دومین روش مهم برای گردآوری و تولید داده‌های کیفی را بررسی می‌کند. در اینجا نیز مسائل عملی (مانند انتخاب مکان، روش‌های گردآوری داده‌ها در قوم‌نگاری و مسائل خاص تحلیل آنها) در فضای موضوعات عمومی‌تر (اخلاق، بازنمایی‌ها، کیفیت و تناسب قوم‌نگاری به‌عنوان یک روش) بحث می‌شوند. در کتاب *راهنمای عملی گروه‌های متمرکز* (نوشته رزالین باربور^۳) سومین روش مهم از روش‌های کیفی تولید داده، معرفی شده است. در این کتاب هم مسائل عملیاتی مربوط به نمونه‌گیری، طراحی و تحلیل داده‌ها و شیوه

1. Steinar Kvale
2. Michael Angrosino
3. Rosalin Barbour

تولید آنها در گروه‌های متمرکز به‌طور دقیق بررسی شده‌اند.

- سه کتاب دیگر بسته پژوهش کیفی سیج به تحلیل انواع خاصی از داده‌های کیفی اختصاص یافته‌اند. کتاب به‌کارگیری داده‌های تصویری در پژوهش کیفی (نوشته مارکوس بنکس^۱) بر سه گونه داده کیفی (فراتر از داده‌های شفاهی حاصل از مصاحبه‌های گروه‌های متمرکز و داده‌های مشاهده‌ای) متمرکز شده است. استفاده از داده‌های تصویری نه تنها به روندی جدی در پژوهش‌های اجتماعی تبدیل شده، بلکه پژوهشگران را با مسائل عملی جدیدی در به‌کارگیری و تحلیل آنها و پدید آمدن موضوعات اخلاقی جدیدی مواجه کرده است. در کتاب تحلیل داده‌های کیفی (نوشته گراهام آر. گیبس^۲)، چند روش و مسئله عملیاتی در خصوص فهم انواع داده‌های کیفی بررسی شده‌اند. در این کتاب، توجه خاصی به فعالیت‌های کدگذاری، مقایسه و استفاده از تحلیل داده‌های کیفی با کمک رایانه صورت گرفته است. در کتاب یاد شده، تمرکز اصلی بر داده‌های شفاهی مانند داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، گروه‌های متمرکز یا زندگی‌نامه‌ها است. در کتابی که پیش‌رو دارید (نوشته تیم رپلی^۳) علاوه بر داده‌های شفاهی، انواع مختلف داده‌های مربوط به تحلیل گفتمان‌ها نیز بررسی شده‌اند. به‌علاوه در این کتاب، سازوکارهای استفاده از مطالب در دسترس محققان (مانند اسناد)، ضبط گفتگوهای روزمره و یافتن لایه‌های گفتمان‌ها موشکافی شده‌اند. همچنین درباره مسائلی عملیاتی همچون آرشوسازی (بایگانی)، پیاده‌سازی (ترانویسی) مطالب ویدئویی و نحوه تحلیل گفتمان‌ها با این نوع داده‌ها بحث شده است.

- کتاب مدیریت کیفیت پژوهش کیفی (نوشته اوو فلیک) به موضوع کیفیت در

1. Marcus Banks
2. Graham R. Gibbs
3. Tim Rapely

پژوهش کیفی می‌پردازد که به‌طور مختصر و کلی در بافت‌های خاصی در کتاب‌های دیگر بسته پژوهش کیفی سیج، بررسی شده است. در این کتاب، به کیفیت از زاویه به‌کارگیری یا تدوین مجدد شاخص‌های موجود یا جدید برای پژوهش کیفی نگاه می‌شود. کتاب یاد شده، مباحثات جاری درباره اینکه چه چیزی در روش‌شناسی‌های کیفی، کیفیت و اعتبار محسوب می‌شود را بررسی خواهد کرد و به راهبردهای متعددی برای ارتقاء و مدیریت کیفیت در پژوهش کیفی می‌پردازد. توجه خاصی به راهبرد تثلیث (سه‌گانه)‌سازی در پژوهش کیفی و استفاده از پژوهش کمی در خصوص ارتقای کیفیت پژوهش کیفی صورت گرفته است. پیش از اینکه به معرفی این کتاب و نقش آن در بسته سیج پردازم، مایلم از برخی افراد در انتشارات سیج تشکر کنم که نقش مهمی در تولید این بسته داشته‌اند، «مایکل کارمایکل^۱»، مدت‌ها پیش این پروژه را به من پیشنهاد کرد و در آغاز پروژه نیز بسیار کمک کرد. «پاتریک بریندل^۲» و «وانسا هاروود^۳» بخشی از مسئولیت پروژه را به‌عهده گرفتند و از آن پشتیبانی کردند و «جرمی توینبی^۴» در چاپ کتاب، بسیار کمک کرد.

1. Michael Carmichael
 2. Patrick Brindle
 3. Vanessa Harwoode
 4. Jeremy Toynbee

معرفی کتاب

تحلیل گفتمان در حال حاضر یکی از رویکردهای مهم در پژوهش کیفی است. تحلیل گفتگوها نیز مانند استفاده از اسناد به مثابه داده، سستی طولانی در تاریخچه پژوهش کیفی دارد. در این روش‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، اغلب بر ایجاد مجموعه‌ای از مطالب از طریق ثبت تعامل‌هایی که به‌طور طبیعی در حال وقوع هستند یا گزینش مقالات روزنامه‌ها یا اسناد - مثلاً پرونده‌های سازمانی - تأکید می‌شود. در این فرایند، روش‌های سستی جمع‌آوری داده‌ها - مثل مصاحبه‌ها یا گروه‌های متمرکز - که داده‌هایی را مختص فرایند پژوهش تولید می‌کنند نقش چندانی ندارند، بلکه در اینجا یافتن راه‌های دسترسی و تنظیم مطالب موجود برای اهداف پژوهشی، تعیین‌کننده هستند. از این رو، گام‌هایی همچون پیاده‌سازی مطالب تصویری (دیداری) یا صوتی (شنیداری) و آرشیوسازی، گام‌هایی اساسی در فرایند پژوهش هستند و موضوع‌هایی فنی یا حتی جزئی به شمار نمی‌روند. اخلاق در این فضا به‌گونه‌ای خاص و متفاوت، اهمیت و موضوعیت پیدا می‌کند.

۲۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

کتاب پیش‌رو، این موضوع‌ها را از منظر تحلیل گفتمان و تحلیل گفتگو بررسی می‌کند. برای این منظور، خوانشی متفاوت و شاید حتی نظام‌مندتر از کتاب‌های دیگر بسته پژوهش کیفی سیج درباره موضوع‌هایی چون پیاده‌سازی مطالب ارائه می‌دهد. با این حال، کتاب‌های دیگر بسته یاد شده، مکمل این کتاب هستند؛ چرا که مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز، موقعیت‌های خاصی از گفتگو به شمار می‌روند، نه صرفاً به دلیل محتوایی که در آنها ارائه می‌شود، بلکه به این دلیل که می‌توان آنها را هم به همین روش تحلیل کرد. از این رو، این کتاب و کتاب‌های «باربور» (۲۰۰۷)، درباره گروه‌های متمرکز و «کوال» (۲۰۰۷) درباره مصاحبه مکمل یکدیگر هستند. همین نکته درباره کتاب راهنمای استفاده از اقلام دیداری (بنکس، ۲۰۰۷) صادق است که در گفتمان‌کاوی نیز مفید است. در رویکرد عمومی‌تر تحلیل داده‌ها در کتاب «گیس» (۲۰۰۷) شیوه‌های کدگذاری مطالب مربوط و مناسب برای تحلیل گفتمان و گفتگو به‌ویژه شیوه استفاده از رایانه و نرم‌افزار به‌طور تفصیلی شرح داده شده‌اند. مهم‌تر از همه، این کتاب به رویکرد منحصر به فردی در چارچوب بسته پژوهش کیفی سیج اختصاص یافته، اما در عین حال در دامنه کلی مباحث این بسته می‌گنجد. ارائه ملاحظات موشکافانه درباره کیفیت و برنامه‌ریزی تحلیل در کنار پیشنهادهایی عمومی درباره طراحی پژوهش کیفی و مدیریت کیفیت در این فرایند از دیگر ویژگی‌های این کتاب محسوب می‌شوند.

اوو فلیک

یادداشت مترجم

کتابی که پیش‌رو دارید، برگردان یکی از کتاب‌های مجموعه هشت جلدی بسته تحقیقات کیفی سیچ یعنی کتاب راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند^۱ نوشته «تیم رپلی» است. نگارنده کتاب، تلاش کرده است مطالبی بسیار عملیاتی و کاربردی برای علاقه‌مندان به تحلیل گفتگو، گفتمان و سند ارائه نماید. از نقاط قوت کتاب، بهره‌گیری نویسنده از مثال‌های کاربردی و تجارب عملی در زمینه تحلیل گفتگو و ذکر مثال‌های متعدد در این زمینه است. کسانی که علاقه‌مند به مطالعه نظریات و سنت‌های نظری در زمینه تحلیل گفتگو، گفتمان و سند هستند، بحث‌های نظری کمتری در این کتاب خواهند یافت، البته در این زمینه آثار متعددی به فارسی ترجمه شده‌اند از جمله دو اثر برجسته که مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها منتشر کرده است: ۱. مجموعه مقالاتی از «نورمن فرکلاف» تحت عنوان تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه دکتر «شعبانعلی بهرامپور» و همکاران، ۱۳۷۹ و ۲. مجموعه مقالاتی از «تئون ای. وندایک»

1. Doing Conversation, Discourse and Document Analysis

۲۲ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

تحت عنوان مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه دکتر شعبانعلی بهرامپور و همکاران، ۱۳۸۲. همچنین می‌توان در این زمینه به دو اثر قابل توجه ذیل که به فارسی ترجمه شده‌اند، اشاره نمود:

۱. مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان نوشته «دایان مک دانل»، ترجمه «حسین علی نوذری»، انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.

۲. نظریه و روش در تحلیل گفتمان، نوشته «ماریان یورگنسن» و «لوئیز فیلیپس»، ترجمه «هادی جلیلی»، نشر نی، ۱۳۸۹.

محققانی که مشتاق بهره‌گیری عملی از تحلیل گفتگو، گفتمان یا سند و نیز به کارگیری مصاحبه، گروه متمرکز، قوم‌نگاری یا دیگر روش‌های مشابه در تحقیقات خود هستند، با مطالبی جالب و خواندنی در این کتاب مواجه خواهند شد. از نقاط ضعف کتاب، تمرکز زیاد از حد نگارنده بر تحقیقاتی است که در محیط‌های پزشکی انجام شده است و این موضوع برای محققان علوم اجتماعی که در بافت‌های متنوعی به‌ویژه در تحقیقات رسانه‌ای از تحلیل گفتگو و گفتمان استفاده می‌کنند، چندان جذاب نیست. علت این امر هم، تجربه خود نگارنده کتاب در زمینه اشتغال در محیط پزشکی بوده است. به هر ترتیب، شاید این ویژگی کتاب، به نوعی برای محققانی که در محیط‌های پزشکی و درمانی، به پژوهش‌هایی با روش‌های یاد شده اشتغال دارند یا علاقه‌مندند، جذاب باشد.

از مسئولان محترم پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمجتبی رضوی طوسی، رئیس محترم مرکز افکارسنجی برای پیشنهاد ترجمه این کتاب و پیشنهادهای آقایان دکتر پرویز سلمانی و دکتر محمود کریمی برای ارتقای کیفیت ترجمه حاضر و از سرکار خانم حمیده علی‌محمدی برای کمک در یافتن معادل‌های مناسب برخی واژگان و آقای آرش چنانی برای ویرایش متن ترجمه، قدردانی می‌شود.

فصل اول

گفتمان کاوی

گفتمان کاوی

- تأمل‌های مقدماتی
- تأمل‌هایی درباره خاستگاه‌ها
- تأمل‌هایی در مباحث کتاب

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- برخی مفروضات و دیدگاه‌های اساسی درباره گفتمان کاوی را بدانید و با جهت‌گیری کلی کتاب و هدف آن، آشنا شده باشید.

کسانی که درباره گفتگو، گفتمان و سند پژوهش می‌کنند، شیفته زبان، چه نوشتاری و چه کلامی هستند. من واقعاً مطمئن نیستم که علاقه‌مندان به گفتمان در چه زمینه‌ای مطالعه نکرده‌اند- همچون [فضای] اینترنت، تقریباً همه زمینه‌های فعالیت انسان (و غیرانسان) را بررسی کرده‌اند. آثار کلاسیکی درباره نژادپرستی، جنسیت و جنون نوشته

شده‌اند اما امروز هر اتفاقی رخ می‌دهد، از نقش «آها» در گفتگو بین دوستان تا قوانین دولت درباره تغذیه، مطالعه و بررسی می‌شود. محدوده منابع مطالب بالقوه برای تحلیل به همین اندازه گسترده است: اسناد رسمی، ... بحث و جدل‌های سیاسی، همه انواع خروجی‌های رسانه‌ای، گفتگوهای تصادفی، گفتگوهای محیط کار، مصاحبه‌ها، گروه متمرکز، قوم‌نگاری، اتاق‌های گفتگو در اینترنت و غیره.

هدف این کتاب، بررسی این موضوع است که چگونه می‌توانید درباره کاربرد زبان، پژوهش کنید. کتاب در پی تشریح تفصیلی موضوع‌هایی کاملاً عملی است که شما با آنها مواجه می‌شوید و نیز راه‌حل‌هایی بسیار عملی را در اختیار می‌گذارد که می‌توانید به کار گیرید.

تأمل‌های مقدماتی

اصطلاح «تحلیل گفتمان» اغلب برای تشریح سبکی از فعالیت که در این کتاب خواهید دید، به کار می‌رود. متأسفانه این اصطلاح برای شما معانی متعددی دارد. برای برخی افراد، تحلیل گفتمان به معنی بررسی این موضوع است که چگونه از برخی گفتمان‌های خاص، برای مثال «نژادپرستی» و «ملیت‌گرایی» در متن مصاحبه‌ها یا سرمقاله‌های روزنامه‌ها استفاده می‌شود. برای برخی، ممکن است به معنی توجه به این باشد که چگونه برخی واژگان یا عبارات‌های مشخص مانند «شواهد نشان می‌دهد» یا «بدیهی است» در نوار صوتی یک گفتگو یا یک مقاله علمی-پژوهشی منحصر به فرد برای بحث در خصوص قضیه خاصی، به کار می‌روند. فارغ از روش، دغدغه اصلی تحلیلگران گفتمان، این است که چگونه زبان در بافت‌هایی خاص به کار می‌رود. بافت از یک لحظه در گفتگو تا یک دوره تاریخی خاص را شامل می‌شود.

در یک سطح ابتدایی، کسانی که گفتمان‌کاوی می‌کنند زبان را کنشی و کارکردی می‌دانند: زبان، هرگز خنثی، شفاف و ابزار ارتباط نیست. به جای تشریح انتزاعی

فصل اول - گفتمان کاوی ۲۷

موضوع، اجازه دهید مثالی کلاسیک را مطرح کنم: دو خبرنگار مردی را در حال تیر خوردن می‌بینند. روز بعد دو تیر را می‌خوانیم:

- قتل سیاستمدار به دست مبارز راه آزادی

- قتل سیاستمدار به دست تروریست

برخی از سؤال‌هایی که مطرح می‌شود:

- کدام تیر حقیقت است؟

- کدام تیر درست است؟

- کدام تیر مبتنی بر واقعیت است؟

این، مسئله‌ای فلسفی یا انتزاعی نیست. این موضوع را در سال‌های اخیر در مباحثه‌های سیاسی درباره افرادی که توسط ارتش امریکا از افغانستان به زندانی در خلیج گوانتانامو منتقل شدند، شاهد بوده‌ایم. یکی از مباحثه‌ها [در فضای سیاسی امریکا] این بود که آیا باید این افراد را «اسرای جنگی» دانست و در نتیجه آنها از حقوق انسانی قانونی برخوردار شوند یا باید با آنها به مثابه «شورشانی قانون‌شکن» برخورد کرد؟ بسیاری از رهبران سیاسی، درباره دشواری‌های کنونی در خصوص تعریف اینکه چه کسی «آزادی‌خواه» و چه کسی «تروریست» است، اظهار نظر کرده‌اند. همان‌گونه که این مثال‌ها نشان می‌دهند زبان، پدیدآورنده است و زبان است که زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد. انسان به محض اینکه شروع به صحبت می‌کند یا می‌نویسد، جهانی را می‌آفریند.

بنابراین دغدغه تحلیلگران گفتمان این است که زبان چگونه به کار می‌رود. تمرکز تحلیلگران بر روی این موضوع است که با تبیین و توصیف پدیده‌ها به روش‌های مختلف چه نسخه خاصی از جهان، هویت یا معنا تولید می‌شود. با انتخاب هر روش تبیین و کنار گذاشتن روش دیگر، چه چیزی به دست می‌آید و چه چیزی از دست

می‌رود. من می‌توانم مثال کلاسیک اما پیش‌افتاده‌تر دیگری را ارائه کنم. توجه داشته باشید که همه اجزاء فهرست ذیل دربارهٔ من «صادق»، «درست» و «واقعی» هستند.

- من مسنم.

- من جوانم.

- من دکترم.

- من دکتر نیستم.

- من در ۱۰ آگوست ۱۹۷۳ متولد شدم.

- من در ۹ آگوست ۱۹۷۳ متولد شدم.

نگاهی به ساده‌ترین این گزاره‌های متعارض درباره من می‌اندازیم؛

دوگانه مسن / جوان: من گاهی اوقات، در کنار برخی افراد، جوان محسوب

می‌شوم. برای مثال، به گروهی از دانشجویان بزرگسال درس می‌دادم و یکی از آنها دیر وارد اتاق شد و حقیقتاً باور این موضوع برای او دشوار بود که فردی به سن من، استاد باشد و چنین گفت: «شما خیلی جوان هستید» و تصور اینکه من در اوقات دیگری، مسن معرفی می‌شوم، دشوار نیست. آیا من برای باشگاه رفتن خیلی پیرم؟ برای من احساس خیلی مسن بودن تا حد زیادی به عوامل زمینه‌ای همچون سن دیگر افراد اعضای باشگاه بستگی دارد. بنابراین چنین دسته‌بندی‌هایی به چنین عوامل زمینه‌ای مثل سن دیگر افراد، فضای خاص یا هنجارهای اجتماعی بستگی دارد.

اگر درباره جفت دوم از گزاره‌های فهرست شده فکر کنیم؛ با توجه به اینکه من در یک دانشکدهٔ پزشکی فعالیت می‌کنم، اغلب در تعامل‌های روزمره، موقعیت موقت و گذرای من به عنوان «دکتر» به من یادآوری می‌شود. هر از چند گاه از من می‌پرسند: «شما چه نوع دکتری هستید؟» وقتی توضیح می‌دهم

فصل اول - گفت‌وگو با کاوی ۲۹

که من دکترای تخصصی غیرپزشکی دارم، برخی افراد - غالباً متخصصان پزشکی - پاسخ می‌دهند: «پس شما یک دکتر واقعی نیستید یا شما *PhD* هستید.» مادرم، البته به شوخی می‌گوید: «تو ممکنه دکتر باشی اما دکتر به دردبخوری نیستی.» همچنین هنگام کمک گرفتن از متخصصان پزشکی در پژوهش، برای دسترسی راحت‌تر به آنها، خودم را به منشی‌هایشان «دکتر تیم رِپلی» معرفی می‌کنم، چون به تجربه می‌دانم که «تیم رِپلی» بدون عنوان، تنها یک پیام عادی برای مخاطب دارد، اما همراه با عنوان، اغلب باعث دسترسی مستقیم به پزشکان می‌شود. بنابراین، نحوه انتخاب من برای معرفی خودم و اینکه دیگران چطور مرا معرفی می‌کنند، می‌تواند آثاری داشته باشد که دارد.

در نهایت، موضوع دو تاریخ ذکر شده برای تولدم، به وجود دو سند متفاوت تولدم برمی‌گردد؛ یکی شناسنامه‌ام است که یکی از تاریخ‌ها در آن ثبت شده است. اخیراً به تاریخ دیگری پی برده‌ام که به وسیله ماما در بیمارستان ثبت شده است. از آنجا که من به فرزندی گرفته شده‌ام، هیچ راهی برای دانستن اینکه کدام تاریخ واقعی است، وجود ندارد. با این حال، در مؤسسات و سازمان‌های مختلف، تاریخ درج شده در شناسنامه‌ام مبنای تاریخ واقعی تولدم قرار می‌گیرد. برای گذرنامه، فرم‌های مالیات، امور بیمه و غیره، فقط یکی از اسناد و یکی از تاریخ‌ها، به کار می‌رود، اما در احوال شخصی زندگی‌ام، هویت‌م به عنوان فرزندخوانده، هر دو سند به کار می‌آیند. اسناد، واقعیت‌های خاصی را تولید می‌کنند و این واقعیت‌ها آثاری دارند.

بنابراین من می‌توانم خودم را به روش‌های متعددی معرفی کنم که این کار را می‌کنم و دیگران نیز می‌توانند مرا به روش‌های متعددی معرفی کنند. من یک فرزند پسر، در عین حال، یک پدرخوانده، یک دانشگاهی، یک پژوهشگر، یک کارمند، دبیر یک سمینار، یک بیمار و غیره.

نکته اینجاست که تمرکز بر کدام معرفی، جایگاه یا به عبارت دقیق‌تر کدام هویت، رده عضویت یا جایگاه در میان این همه عنوان مناسب و معنادار است و این هویت چه اثری دارد و چگونه با بافت‌هایی خاص و فرهنگ گسترده‌تر جامعه گره می‌خورد.

تأمل‌هایی درباره خاستگاه‌ها

درباره خاستگاه و پیدایش گفتمان‌کاوی، اطلاعات کاملاً روشنی وجود ندارد. به جای اینکه گفتمان‌کاوی را رویکردی یگانه و یکپارچه به مطالعه زبان متداول بدانیم، می‌توان آن را زمینه‌ای پژوهشی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های دارای ارتباط مبهم با یکدیگر و نظریه‌های مرتبط برای تحلیل گفتگو و متون بدانیم که از خاستگاه‌های گوناگونی سرچشمه می‌گیرند. این رویکرد، اغلب تا حدودی برخاسته از سنت «برساخت‌گرایی اجتماعی»^۱ دانسته می‌شود.

«ویویان بور»^۲ (۱۹۹۵) چهار انگاره مورد تمرکز برساخت‌گرایان اجتماعی را این‌گونه برمی‌شمرد:

۱. داشتن موضع انتقادی در قبال دانش و فهم پذیرفته و بدیهی انگاشته شده؛
۲. دانش ما از جهان، خصلت تاریخی و فرهنگی دارد؛
۳. این دانش به وسیله فرایندهای اجتماعی، ایجاد می‌شود، تداوم پیدا می‌کند و تجدید می‌شود؛
۴. دانش و کنش‌های ما در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند و از یکدیگر تأثیر متقابل می‌گیرند.

به بیان ساده، شناخت ما از اشیاء، مفاهیم یا انگاره‌هایی که بدیهی و مسلم می‌انگاریم مانند: «جنسیت»، «خشم» یا «غرایز» تا حدودی طبیعی یا از پیش تعریف شده نیست، بلکه نتیجه کنش‌ها و تعامل‌های انسانی، تاریخ بشر، جامعه و فرهنگ است. برای مثال،

1. Social Constructionism

2. Vivian Burr

فصل اول - گفتمان کاوی ۳۱

چرا باید مسئولیت نگهداری کودکان بر عهده بخش خاصی از جامعه باشد اغلب زنان؟ آیا والد بودن شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، مهارت‌ها یا منابع می‌شود که بخش‌هایی از جامعه (مادران) به‌طور ذاتی از آنها برخوردارند و در سراسر جهان یکسان است یا اینکه بسته به تاریخ و فرهنگ هر جامعه، متفاوت است؟ آیا والد بودن صرفاً محصول وراثت، زیست‌شناسی یا خون است یا اینکه شامل مجموعه‌ای از دانش‌ها و کنش‌های اجتماعی است که ممارست می‌شوند، یعنی در عمل رخ می‌دهند؟ آیا دانش ما دربارهٔ والد بودن همان چیزی است که دیگران می‌دانند یا اینکه دانشی آموخته و ایجاد شده بر اثر تعامل با دیگران است؟

بنابراین، برساخت‌گرایی اجتماعی، پرسش‌هایی را دربارهٔ هر چیزی که ما ممکن است بدیهی بپنداریم همچون هویت‌ها، فعالیت‌ها، دانش‌ها و فهم‌های ما مطرح می‌کند. چنین بحث‌هایی نباید ضرورتاً به مباحثه‌ها دربارهٔ اینکه چه چیزی «واقعی» است و چه چیزی «واقعی» نیست، منجر شود. همان‌گونه که «رز»^۱ می‌گوید: «اگر واقعیت‌هایی که از دل واژگان، متون، ابزارها، تکنیک‌ها، فعالیت‌ها، سوژه‌ها، ابژه‌ها و موجودیت‌ها برمی‌آیند، چون ساخت یافته‌اند، واقعی نیستند، پس آنها مجاز چه چیزی هستند؟» (۱۹۹۸: ۱۶۸) این رویکرد به ما نوعی جهت‌گیری در پژوهش می‌دهد که از خلال آن نگاهی جدی داشته باشیم به اینکه «چگونه» تربیت فرزند (یا جنسیت، قومیت، واقعیت‌ها، حقیقت و ...) به‌مثابه اجزاء اساسی دانش‌های عملی و کنش‌های فعال زندگی روزمره ما تولید و مبادله می‌شوند و نیز به خصلت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی بودن این دانش‌ها و کنش‌ها توجه جدی داشته باشیم.

همچنین مطالعه گفتمان تحت تأثیر دیگر نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط برخاسته از منابعی همچون زبان‌شناسی، روانشناسی انتقادی، و اسازی، پدیدارشناسی، پساساخت‌گرایی، کاربردگرایی و نویسندگانی همچون «اوستین»، «فوکو»، «گافمن»،

1. Rose

۳۲ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

«گارفینکل»، «ساکس»، «شوتز» و «وینگنشتاین» است. همچنین با شمار حیرت‌انگیزی از سنت‌های پژوهشی معاصر مواجهیم که به نحوی به تحلیل کاربرد زبان در محاوره‌ها یا متون می‌پردازند. این رویکردها در حیطه مطالعات پژوهشگران حوزه‌های ذیل قرار می‌گیرد:

- نظریه شبکه - کنشگر؛
- تحلیل گفتگو (که برخی آن را زاینده روش‌شناسی قومی^۱ می‌دانند)؛
- روش‌شناسی قومی (مردمی)؛
- قوم‌نگاری ارتباطات (با مردم‌شناسی پیوندی تنگاتنگ دارد)؛
- تحلیل گفتمان انتقادی (با زبان‌شناسی پیوندی نزدیک دارد)؛
- روانشناسی گفتمانی یا استدلالی^۲ (که در گذشته تحلیل گفتمان نامیده می‌شد)؛
- پژوهش فوکویی (که این نیز پیشتر تحلیل گفتمان خوانده می‌شد)؛
- زبان‌شناسی اجتماعی تعاملی؛
- تحلیل طبقه‌بندی عضویت (که با تحلیل گفتگو و روش‌شناسی قومی در ارتباط است)؛
- جامعه‌شناسی معرفت علمی (که گاهی با عنوان مطالعات علم و فناوری یا مطالعات اجتماعی علم و فناوری از آن یاد می‌شود).

هر یک از سنت‌های پژوهشی یادشده پیش‌فرض‌های خاص خود را درباره آنچه مطلب یا «داده مناسب» برای این نوع فعالیت به‌شمار می‌رود و نیز در خصوص بایدهای انجام دادن دقیق این نوع فعالیت دارند. همچنین هر سنت، اصطلاح‌شناسی

1. Ethnomethodology

۲. روانشناسی استدلالی که توسط «جانانان پاتر»، «درک ادواردز» و «مارگارت وترل» بنیانگذاری شد، نقد بر برخی اشکال روانشناسی را شامل می‌شود که اشاره می‌کنند که ذهن فرد «به طریقی» برای تحلیل در دسترس است (نظریه‌های ارتباطات، گروه نویسندگان، ترجمه گروه مترجمان با سرپرستاری سعیدرضا عاملی، ۱۳۸۷، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، جلد: ۱، ۳۹ م).

فصل اول - گفتمان کاوی ۳۳

خاص خود را دارد. برای مثال، برخی از «گفتمان‌ها» صحبت می‌کنند، در حالی که دیگران به «گزارش‌های تفسیری» اشاره می‌کنند، به همین ترتیب برخی از «هویت‌ها»، دیگران از «موقعیت‌های سوژه»، برخی دیگر درباره «طبقه‌ها» یا حتی «طبقه‌های عضویت» صحبت به میان می‌آورند. با این حال، از خاستگاه‌های گفتمان می‌توان به خوبی دریافت که گفتمان کاوی به چه چیزی می‌پردازد و چه مسیری را در پیش دارد و با این نگاه می‌توان بهترین راه مطالعه آثار دیگران درباره گفتمان را پیدا کرد. متأسفانه در این زمینه قواعد یا روش‌های سفت و محکمی که قابل تبدیل به چیزی شبیه مجموعه‌ای از قواعد یا روش‌هایی روشن و ثابت باشد، وجود ندارند. یک نویسنده، چنین کاری را مهارت فنی یا چیزی شبیه دوچرخه‌سواری دانسته است (پاتر، ۱۹۹۸: ۸-۱۴۷).

تأمل‌هایی در مباحث کتاب

این کتاب به منظور اینکه خوانندگان به مهارت‌های فنی جمع‌آوری داده‌ها و کار با گفتمان‌هایی از زمینه‌ها و دیدگاه‌های مختلف دست پیدا کنند، طراحی شده است. فصل بعدی در این باره بحث می‌کند که چگونه آرشیوی پژوهشی متشکل از داده‌هایی که در فعالیت پژوهشی خود دائم با آنها سروکار خواهید داشت، ایجاد کنی. من به طور گذرا مطالب متنوع قابل پژوهشی را که احتمالاً در دسترس شما هستند، مرور می‌کنم. همچنین مثال‌هایی را درباره اینکه چگونه من و دیگر پژوهشگران، مطالب گوناگونی را یافته، گردآوری و تحلیل کرده‌ایم، ارائه می‌دهم.

فصل سوم به بحث اخلاق و محرمانگی می‌پردازد. در این فصل، برخی اصول عمومی که باید در نظر داشته باشید و نیز برخی دستورالعمل‌های تفصیلی مفید را در تأمل درباره پروژه پژوهشی مورد نظرتان تشریح می‌کنم. تأمل درباره پیامدهای اخلاقی پژوهش شما، هرگز یک الزام یا مانع بروکراتیک یا سازمانی نیست. لازم است هر کس

که می‌خواهد پژوهشی انجام دهد به پژوهشگران احترام بگذارد و این موضوع را در رفتار خود در تمام طول پروژه نشان دهد.

دو فصل بعدی به تولید و پیاده‌سازی نوارهای صوتی و تصویری اختصاص دارد. فصل چهارم، انواع دستگاه‌های ضبط را که در حال حاضر در دسترس هستند، به اختصار معرفی می‌کند. در ادامه به بحث درباره اینکه چگونه شرکت‌کنندگان در پژوهش را گزینش کنیم، پرسش‌های پژوهش را طرح و مواجهه‌های میدانی را ثبت کنیم، می‌پردازد. هر یک از این سه موضوع، در ارتباط با به‌اصطلاح «داده‌های تولیدی پژوهشگر» - همچون داده‌های حاصل از گروه‌های متمرکز یا مصاحبه - و به اصطلاح «داده‌های طبیعی یا ناشی از رویدادهای طبیعی» - همچون مردم‌نگاری کنش و کنش متقابل مبتنی بر ضبط صوت یا تصویر، بحث می‌شوند. فصل پنجم، راه‌های مختلفی را برای پیاده‌سازی مطالب ضبط شده تولیدی تشریح می‌کند. من از برخی مطالبی که گرد آورده‌ام - صدای ضبط شده گروهی را که غذا آماده می‌کنند - به منظور نشان دادن شیوه‌های گوناگون پیاده‌سازی یک رویداد ضبط‌شده، استفاده می‌کنم.

فصل ششم، به این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان گفتگوهای روزمره و غیر آنرا بررسی کرد. من نشان می‌دهم چگونه سنت‌های پژوهشی تحلیل گفتگو و روانشناسی گفتمانی، با نوارهای صوتی و تصویری گفتگوها و تعامل‌ها کار می‌کنند. در بحث درباره متون پیاده شده گفتگو، برخی ویژگی‌های مهم گفتگو که اغلب هنگام تحلیل گفتگوها بر آنها تاکید می‌شود را، تشریح می‌کنم. فصل بعدی سراغ این موضوع می‌رود که چگونه اسناد و متون پدید می‌آیند، به‌کار می‌روند و در بافت‌های مختلف از آنها در گفتگوها استفاده می‌شود. در واقع، بحث به این موضوع می‌پردازد که چگونه اسناد و دیگر اشیاء فیزیکی (مانند خودکار یا رایانه) کنش‌ها و تعامل‌های مردم را هماهنگ و تولید می‌کنند. از طریق سه مطالعه موردی، بحث فصل قبل درباره چگونگی مطالعه گفتگو را بسط می‌دهم و به اختصار توضیح می‌دهم که چگونه تحلیل تفصیلی

فصل اول - گفتمان کاوی ۳۵

لحظه‌های گفتگو می‌تواند برای تحلیل ساختارها و نهادهای کلان حیات اجتماعی سودمند باشد.

فصل هشتم، برخی معضلاتی را که احتمالاً هنگام مطالعه گفتگو و گفتمان با آنها روبرو می‌شوید، تشریح می‌کند. در این باره بحث خواهم کرد که چگونه می‌توان به بهترین راه ممکن، داده‌های به دست آمده از گروه متمرکز را درک و از آنها استفاده کرد؛ نقش شما در تفسیر اینکه داده‌های شما بر چه چیزی دلالت دارند، چیست و اینکه تحلیل تفصیلی گفتگو درباره چیزهایی مانند «قدرت» چه می‌گوید. فصل نهم، بر تحلیل متون یا اسناد متمرکز است. با مجموعه‌ای از مثال‌ها و مطالعات موردی، برخی شیوه‌های ممکن برای پرداختن به متون گوناگون را ارائه می‌کنم. این فصل با مثالی درباره تحلیل تفصیلی چند سطر از صفحه آگهی یک روزنامه شروع می‌شود و با بحث درباره برخی اسناد مربوط به یک دوره ۵۰ ساله پایان می‌پذیرد. هدف فصل، طرح برخی پرسش‌ها و تاکتیک‌هایی است که ممکن است هنگام بررسی متون به کارتان بیاید.

فصل پایانی، مروری تفصیلی است بر اینکه چگونه همه مطالب استدلالی را کدگذاری و تحلیل کنیم. این فصل در مجموع روش‌های گوناگون پرسش از کیفیت تحلیل را ترسیم می‌نماید. همچنین برخی گام‌های اساسی در هنگام اجرای این سبک از فعالیت را تشریح می‌کنم؛ فهرستی از نکاتی که باید هنگام انجام دادن کار خودتان در نظر بگیرید. کوشیده‌ام بحثم را با مثال‌های تجربی - امیدوارم جذاب باشند - درباره اینکه افراد چگونه مطالب پژوهشی را تولید می‌کنند، روی آنها کار می‌کنند و سرانجام از طریق آنها نظریه‌پردازی می‌کنند، عمق ببخشم. در نوشتن این کتاب در پی ارائه مجموعه‌ای از ملاک‌ها و معیارهای مشخص که «باید» رعایت کرد، نبوده‌ام بلکه تلاش کرده‌ام روش‌ها، فنون و مطالبی کاربردی را پیشنهاد دهم که به شما در آغاز فعالیت پژوهشی کمک کند.

نکات مهم فصل

- زبان، نوشتاری یا کلامی، هرگز ابزار تعاملی خشی و شفافی به شمار نمی‌رود؛ برعکس، زبان، کنشی و کارکردی است؛

- افرادی که دربارهٔ گفتمان مطالعه می‌کنند به کاربرد زبان در زمینه‌هایی خاص علاقه‌مندند. آنها به دنبال بررسی این موضوع هستند که چگونه با تغییر شیوه بیان چیزی، هویت‌ها، تجارب، شناخت‌ها یا معانی خاصی، تولید می‌شوند؛

- شناخت ما از اشیاء، مفاهیم یا انگاره‌هایی که آنها را مسلم می‌پنداریم، طبیعی یا از پیش تعیین شده نیست، بلکه محصول کنش‌ها و تعامل‌های انسانی، تاریخ بشر، جامعه و فرهنگ است.

منابع تکمیلی

خوانندگان با مطالعه آثار ذیل، جزئیات بیشتری را درباره موضوع‌های ذکر شده در این فصل خواهند یافت.

- Burr, V. (1995) *An Introduction to Social Constructionism*. London: Routledge.
- Potter, J (1996) *Discourse analysis and constructionist approaches: theoretical background*, in J. Richardson (ed.), *Handbook of Qualitative Research Methods for Psychology and the Social Sciences*. Lieceter: BPS, pp. 40-125.
- Wetherell, M. (2001) *Themes in Discourse research: the case of Diana* in M.Wetherell, S.Taylor and S.J Yates (eds) *Discourse Theory and Practices: A Reader*. London: Sage, in association with The Open Univesity, pp. 14-28.

فصل دوم

آرشیوسازی

آرشیو سازی

- منابع داده‌ها
- منابع اسنادی (متنی)
- منابع شنیداری و دیداری
- ملاحظات پایان فصل

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- درباره شیوه ایجاد آرشیو پژوهشی خود، یعنی داده‌هایی که به طور روزمره با آنها سروکار خواهید داشت، بیشتر بدانید؛
- درباره برخی منابع احتمالی مطالب مورد استفاده هنگام کار؛ از مقاله‌های روزنامه‌ها گرفته تا گفتگوهای رادیویی تا تصاویر ویدئویی جلسات مشاوره، اطلاعات بیشتری داشته باشید؛

- با مثال‌هایی درباره اینکه چگونه من و دیگر پژوهشگران مطالب گوناگون را یافته، گردآوری و تحلیل کرده‌ایم، آشنا شوید.

منابع احتمالی اقلام و مطالبی که می‌توان بر روی آنها پژوهش کرد، گسترده و بی‌شمارند. اکنون شمار زیادی از فناوری‌های گوناگون را داریم که به شما امکان ایجاد، دسترسی، ذخیره‌سازی و کار با دامنه گسترده‌ای از مطالب را می‌دهد. از جمله آنها فناوری‌های چاپ مطبوعات، دوربین، دستگاه کپی، ضبط صوت، دوربین‌های ویدئویی، رایانه و اینترنت هستند که همگی نقش مهمی در فعالیت‌های پژوهشی کنونی دارند. این فناوری‌های معمولی به ما کمک می‌کنند که پژوهش‌مان را انجام دهیم و شاید نقش مهم‌تر آنها تأثیرگذاری و جهت‌دهی به مسئله مورد تمرکز در پژوهش ماست.

منابع داده‌ها

به بیان ساده، منابع احتمالی داده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. داده‌هایی که باید تولید شوند؛ ۲. داده‌هایی که از گذشته وجود دارند. برای مثال، مصاحبه‌ای پژوهشی را که درباره بیماری‌های ژنتیکی انجام می‌دهید با مقاله یک روزنامه درباره بیماری‌های ژنتیکی مقایسه کنید. مقاله روزنامه، فارغ از کار شما وجود دارد، در حالی که مصاحبه پژوهشی تنها با تلاش شما پدید می‌آید. بنابراین می‌توان منابع احتمالی داده‌ها را به دو دسته «داده‌های تولیدی پژوهشگر» و «داده‌های موجود» تقسیم‌بندی کرد. با این حال، فرض بر این است که در نوع اول، فعال‌تر و در نوع دوم، منفعل یا خنثی هستید. در هر دو مورد، فعالیت‌هایتان به‌طور کامل در تولید داده، حائز اهمیت‌اند. در هر دو مورد باید عملاً آنها را پیدا کنید، به‌طور فیزیکی گردآوری نمایید و تصمیم‌هایی درباره مطالبی که می‌خواهید گردآوری کنید و مطالبی که می‌خواهید کنار بگذارید، بگیرید. صرف‌نظر از شکل عملی مطالب-نوارهای ویدئویی برنامه‌های

فصل دوم - آرشیو سازی ۴۱

تلویزیونی، نوارهای صوتی گروه‌های متمرکز، مقاله‌های روزنامه‌ها، نماهای تصویری گروه‌های مباحثه اینترنتی یا کپی (رونوشت) مقاله‌های مجله‌های علمی - شما انتخاب خود را انجام داده‌اید، تصمیم گرفته‌اید که مجموعه معینی از مطالبی را که گردآوری کرده‌اید، «داده» خودتان بنامید.

بنابراین چه کاری باقی مانده است؟ در گزارش پژوهش، برخی چیزها، «داده» و برخی فعالیت‌ها «گردآوری داده» نامیده می‌شوند. دیگر چیزها و فعالیت‌ها چنین وضعیتی ندارند. مثلاً در یک پروژه، روی دو منبع رسمی داده‌ها کار می‌کنم:

- نوارهای تصویری مشاوره‌های پزشک - بیمار درباره وضعیت معین؛
- نوارهای صوتی مصاحبه‌های پژوهشی با بیماران درباره مشاوره.

با این حال، یافته‌های پژوهشی تا حد زیادی و به ناچار محصول کار با این ارقام است:

- متن پیاده شده مصاحبه‌های پژوهشی و تعامل‌های پزشک - بیمار؛
- یادداشت‌های میدانی دستی و تایپ‌شده درباره آنچه پیش، هنگام و پس از مشاوره‌ها و مصاحبه‌ها صورت گرفته است؛
- یادداشت‌های میدانی، نوارهای صوتی و پیش‌نوشت‌های جلسه‌های تیم پژوهشی و دیگر فعالیت‌های مرتبط؛
- اسناد رسمی توزیع شده به وسیله تیم پژوهشی (از جمله برگه‌های اطلاعات بیمار، فرم‌های مجوز، اسناد مالی و گزارش‌های پژوهشی)؛
- مقاله‌ها و کتاب‌های علمی - پژوهشی (شامل آثار دانشمندان علوم اجتماعی درباره تعامل‌های پزشک - بیمار، همچنین آثار محققان علوم پزشکی و کارشناسان اخلاق درباره یک وضعیت خاص درمانی و تعامل‌های پزشک - بیمار و نیز متون علمی - اجتماعی و متون روش‌شناسی پژوهش علمی)؛

- بروشورها و بریده‌جراید (در خصوص یک موقعیت خاص درمانی)؛
- وبسایت‌ها (سایت‌هایی که مورد توجه خاص پژوهشگران پزشکی و اجتماعی و نیز عموم افراد قرار دارند)؛

- دست‌نوشته‌های دسته‌بندی شده و یادداشت‌ها و نقل‌قول‌های تایپ شده خودم.

برای من، همه این مطالب و ارقام، «داده‌های من» یا حتی به بیان مورد ترجیح من، همه اینها آرشیو مرا تشکیل می‌دهند.

این آرشیو در کنار گفتگو با تیم پژوهشی، دوستان و افراد ناآشنا، تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو، خواندن رمان و ... به همراه یک فنجان قهوه مرا قادر به تولید یافته‌های پژوهشی و مقاله‌های تخصصی می‌کند.

من به راحتی می‌توانستم کل این بخش را تولید «داده^۱» نام‌گذاری و بحثم را تقریباً روی همین چیزها متمرکز کنم. با این حال علامت « » که برای واژه «داده» قرار داده‌ام، ممکن است بدین معنا باشد که با این اصطلاح، مسئله‌ای دارم. هنگام انجام دادن پژوهش، هرگز کاملاً مطمئن نیستم که واقعاً چه چیزی «داده» من است و چه چیزی «داده» من نیست. آیا نقل‌قول از یک نوار ویدئویی مشاوره پزشکی - بیمار، داده است؟ در حالی که نقل‌قول از یک مقاله علوم اجتماعی که درباره تعامل‌های پزشکی - بیمار بحث می‌کند، داده نیست؟ همه این حوزه‌های کاری، برای تولید استدلال‌های من مهم هستند.

به جای فکر کردن درباره «تولید داده» در معنای محدودش، باید به ایجاد یا تولید یک آرشیو بیندیشید یعنی مجموعه‌ای از مطالبی که شما را قادر به کار کردن و اندیشیدن درباره پرسش‌ها یا مسائل پژوهشی تخصصی می‌کند. در عمل، این به معنای گردآوری و مدیریت مجموعه‌ای از مطالب گوناگون است. روشن است که مطالب تشکیل‌دهنده آرشیو شما با محوریت سؤال پژوهشی و چارچوب نظری روشن شما

فصل دوم - آرشیوسازی ۴۳

گردهم می‌آیند. به منظور مروری کوتاه بر منابع احتمالی مطالب قابل پژوهش، می‌خواهم ادامه بحث را به دو حوزه تقسیم کنم: ۱. منابع اسنادی (متنی) ۲. منابع صوتی - تصویری.

یادآور می‌شوم این تقسیم‌بندی، کاملاً دلخواه است. برای مثال، هنگامی که نوار صدا، پیاده می‌شود، به یک معنا به متن تبدیل می‌شود. با این حال همین تقسیم‌بندی دلخواه یا کاری، صرفاً به دلیل نیاز من به ارائه مطالبی نسبتاً قابل دستیابی و قابل مدیریت صورت گرفته است.

منابع اسنادی (متنی)

در ظاهر، این‌گونه منابع برای آرشیوسازی، راحت‌تر به نظر می‌رسند و البته واقع امر هم همین است، چون بخش زیادی از مطالبی که می‌توانید روی آن کار کنید، از قبل در «فضای عمومی» - یا به صورت کاغذ یا دیجیتالی - منتشر شده است؛ نیازی به طی کردن فرایند دریافت مجوز برای استفاده از مطالب یا گزینش افرادی بسیار پرمشغله برای ضبط صدا یا تصویر نیست. ملاحظات اصلی شما بیشتر به این مربوط می‌شود که چگونه جستجو را آغاز کنید، سپس منبع‌یابی کنید و به‌گونه‌ای به ضبط و ثبت اسناد بپردازید. من در این بخش، فقط می‌خواهم چند مثال از اسنادی را که می‌توانید استفاده کنید، ارائه دهم و درباره برخی دشواری‌ها و مسائل عمومی صحبت کنم. در فصل نهم، برخی موارد تفصیلی‌تر را تبیین می‌کنم.

حاضرترین و در دسترس‌ترین منبع اسناد، مقاله‌های روزنامه‌ها و مجله‌ها هستند. این دسته از اسناد، منبع گسترده‌ای برای بیشتر پروژه‌های علمی به‌شمار می‌رود. شما باید فقط تنوع نشریه‌های هفتگی و روزنامه‌های سراسری و محلی و نیز شمار روزافزون مجله‌های عمومی و تخصصی را که به‌طور روزمره با آنها مواجه می‌شوید، در نظر بگیرید تا متوجه شوید چقدر مطلب سهل‌الوصول برای تحلیل در اختیار دارید. شما

می‌توانید با بررسی این مطالب درباره جهت‌گیری‌ها و روند سیر فرهنگ و رفتارهای نهادینه، بسیار بیاموزید. برای مثال، یک پدیده نو را بررسی می‌کنیم؛ مقاله‌ها و مجله‌های تخصصی که به موضوع رابطه مردان و بهداشت بدنشان می‌پردازند.

هنگامی که به جلد ماهنامه‌ای مانند «بهداشت مردان»^۱ نگاه کنید شاهد گفتمان‌های ویژه مردانگی خواهید بود. جلد هر شماره مجله، تیترهایی این‌چنین دارد: «چگونه شکمتان را در یک ماه به اندازه مناسب برسانید» یا «شش تمرین ورزشی مناسب» در کنار عکس‌هایی از مردان با شکم‌هایی متوازن. این وضعیت چند پرسش را به ذهن می‌آورد، از جمله: چه نسخه‌های (جدیدی) از مردانگی ترویج می‌شوند؟ چه پیوندهای (جدیدی) بین بدن مردان و هویت فردی آنها برقرار می‌شود؟ آیا با این وضعیت، [در غرب] مردان (اکنون) هدف چشم‌چرانی زنان قرار می‌گیرند؟ امیدوارم به راحتی متوجه شوید که تحلیل چنین تیترها و مقاله‌هایی که در این تیترها به آنها استناد داده می‌شوند، پرسش‌های بسیار جالبی را درباره شکل‌های جدید مردانگی مطرح می‌کند.

همچنین پژوهشگران، در بررسی چیزهای مانند آگهی‌های تجاری، جلد مجله‌ها، گزارش‌های روزنامه‌ها و مقاله‌های مجله‌ها، متن (و نیز عکس‌های) آنها را بررسی می‌کنند. بنابراین فعالیت پژوهشی در این زمینه از بررسی و مطالعه یک تیتر، یک مقاله یا یک نشریه تا شمار بسیار زیادی از روزنامه‌های سراسری و بین‌المللی را دربر می‌گیرد. در مطالعاتی که با آرشیوهای بزرگتری سروکار دارید، به‌طور حتم باید آرشیوتان را تا حدودی قابل مدیریت بسازید. برای مثال، «سیل»^۲ (۲۰۰۲) درباره این موضوع مطالعه کرد که چگونه روزنامه‌های منطقه‌ای و سراسری در فرهنگ‌های مختلف به موضوع سرطان پرداخته‌اند. آرشیو او از شماره‌های یک هفته روزنامه‌های انگلیسی‌زبان در سراسر جهان تشکیل شده بود که حاوی واژه «سرطان» و «لوسمی» یا

1. Men's Health
2. Seal

فصل دوم - آرشیوسازی ۴۵

«لوکمی» بودند. انتخاب او برای کار بر روی روزنامه‌های یک هفته، تحت تأثیر دغدغه‌های عملی گوناگونی همچون آرشیوسازی شمار قابل مدیریتی از مقاله‌ها (پژوهش اولیه او شامل ۲ هزار و ۴۱۹ مقاله انگلیسی‌زبان بود) و نیز هزینه عملی گردآوری این مقدار مطلب بود (او از طریق یک شرکت تخصصی که مطالب را صفحه‌شماری و گردآوری می‌کند و برای شما با پست الکترونیکی می‌فرستد، اقدام کرد). او به دلیل هزینه و مسائل احتمالی مربوط به ترجمه، فقط روی مقاله‌های انگلیسی زبان کار کرد. شما باید هشیار باشید که صرفاً یافتن، گردآوری، بررسی و سپس کار فیزیکی یا الکترونیکی با شمار زیادی از مقاله‌ها، وقت و هزینه زیادی می‌برد. منبع بالقوه و گسترده دیگر برای اسناد پژوهش، «نشریه‌های علمی» هستند. این نشریه‌ها، شامل نشریه‌های حوزه‌های علوم، پزشکی، هنر، علوم انسانی و اجتماعی می‌شوند و ممکن است متعلق به گذشته یا دوره حاضر باشند. روشن است که اصطلاح گذشته، نشان‌دهنده زمان مشخصی نیست و هر سند تولید شده در ۱۰ سال پیش یا مثلاً ۳۰۰ سال پیش (و حتی بسیار قدیمی‌تر) را شامل می‌شود. بسیاری از پژوهش‌های کنونی به تحلیل دامنه گسترده‌ای از مقاله‌ها و کتاب‌های علمی کنونی یا گذشته دیگر پژوهشگران می‌پردازند. بسیاری از این پژوهش‌ها به‌ندرت برای خواننده مبتدی توضیح می‌دهند که چگونه مطالب آنها یافته یا انتخاب (یا حتی تحلیل) شده‌اند. همچون بسیاری از کارهای پژوهشی، تحلیل نشریه‌های علمی، مستلزم ممارست زیادی در زمینه فهم عقل متعارف و برخی فعالیت‌های ادراکی مرتبط است. با مشاهده برخی پژوهش‌ها، این پرسش برای من مطرح شده بود که چگونه پژوهشگران اجتماعی مصاحبه‌های ساختاریافته را انجام می‌دهند؟ برای این منظور، روی نوارهای صوتی برخی مصاحبه‌های انجام شده کار می‌کردم. می‌خواستم بفهمم مصاحبه‌شوندگان چگونه به پژوهشگران پاسخ می‌دهند و مصاحبه مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد.

احساس کردم این موضوع حائز اهمیت است، چرا که مصاحبه کیفی یا عمیق، به

روشی رایج در علوم اجتماعی به‌ویژه در جامعه‌شناسی تبدیل شده و ادبیات گسترده‌ای در خصوص اینکه چگونه مصاحبه‌گر خوبی بشویم تولید شده است. از پیش، برخی متون مهم و برجسته را برای مطالعه در این زمینه می‌شناختم، تا حدودی به این دلیل که همه پژوهشگران هنگام بحث یا استدلال در خصوص انتخاب روش مصاحبه‌های کیفی به این مقاله‌ها و کتاب‌ها استناد می‌دادند. به سراغ این مقاله‌ها و کتاب‌ها رفتم و فهرست منابع آنها را بررسی کردم و همین روند را ادامه دادم. در واقع، ارتباط منطقی و منسجمی نداشتند؛ برخی از مقاله‌ها بسیار مرتبط و برخی دیگر کاملاً حشو بودند. همچنین برای یافتن مطالب جدیدتر به جستجو در ادبیات (مقاله‌ها و کتاب‌های) دیجیتال پرداختم. در واقع، به دنبال مطالبی جدیدتر درباره روش‌های مصاحبه کیفی بودم. متون پایه‌ای‌تری درباره روش‌های تحقیق (بسیار شبیه این کتاب) و نیز مباحثه‌های علمی‌تر روش‌شناختی و فلسفی پیدا و مطالعه کردم. همچنین مجموعه‌ای از مقاله‌های پژوهشی را گردآوری کردم که از روش مصاحبه‌های کیفی استفاده کرده بودند. در پایان، خرواری از مقاله‌ها و فصول کپی شده، مجموعه گسترده‌ای از کتاب‌های دارای چاپ اعلاء و عبارت‌های متکلف پیدا کردم. در همه این مدت کوشیدم مباحث مطرح شده در این کتاب‌ها را به‌گونه‌ای نظام‌مند استخراج کنم؛ الگوها و نقاط مشترک و نیز نقاط افتراق آنها را دریابم. در آغاز آرشیو سازی، با انبوهی از مطالب مواجه بودم؛ درصدد برآمدم که بر مبنایی معقول، متون مختلفی را که می‌خوانم، از یکدیگر تفکیک نمایم. این کار با گذشت زمان، آنگاه که به‌وجود گفتمان‌های مختلف درباره نحوه خوب مصاحبه کردن پی بردم، راحت‌تر شد. پس از چند تلاش ناموفق، سرانجام به یک سنخ‌شناسی از رهنمودهای روش‌شناختی گوناگون رسیدم که هم منسجم بود و از همه مهم‌تر، نمایانده مطالب آرشیوم بود.

یک منبع دیگر مطالب، منشورهای دولتی و مذاکره‌های پارلمانی هستند. بیشتر دولت‌ها نشریه‌های زیادی را منتشر می‌کنند که اغلب به صورت مجانی روی اینترنت

فصل دوم - آرشیو سازی ۴۷

در دسترس هستند. این نشریه‌ها معمولاً جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها یا راهبردهای آینده را تشریح می‌کنند و به این منظور مباحثات کنونی را مرور و موضوع‌های تخصصی را بررسی می‌کنند. به همین دلیل، بیشتر این اسناد، منابعی عالی برای فهم و ترسیم گفتمان‌های تخصصی هستند؛ به‌ویژه که آنها تغییرات گذشته یا احتمالی آتی را در زمینه قانون‌گذاری یا سازماندهی جامعه و نهادهای اجتماعی، مستند می‌کنند. در انگلیس، مذاکره‌های مجلس عوام و مجلس اعیان در مجموعه عظیمی از کتاب‌ها به عنوان «روزنامه مذاکره‌های مجلس»^۱ یا «اخبار مجلس» منتشر می‌شود. با این روزنامه، حجم عظیمی از مذاکره‌ها و مباحثات مربوط به قانون‌گذاری درباره هروئین تا «قانون تبعیض جنسیت» را می‌توان پیگیری کرد. از آنجا که اینها «اسناد عمومی» هستند، هر کسی می‌تواند به آنها دسترسی داشته باشد، صرفاً نحوه دسترسی فیزیکی به آنها و داشتن توانایی مطالعه حجم عظیمی از مطالب، مسئله است. در انگلیس، امکان دسترسی به برخی «اسناد محرمانه» اداره‌های دولتی نیز وجود دارد؛ برخی اسنادی که در ابتدا کاربرد محرمانه داشته‌اند. این اسناد، شامل نامه‌ها یا یادداشت‌های بین کارکنان سازمان‌های دولتی، کارشناسان یا سازمان‌های گوناگون غیردولتی و نیز مکاتبات بین‌المللی می‌شوند. برای مثال «گیدلی»^۲ (۲۰۰۳) از اسناد «آرشیو ملی»^۳ انگلیس در لندن برای بررسی تجربه «بنیادگرایان یهودی شرق لندن»^۴ در اوایل قرن بیستم استفاده کرد. پلیس و دیگر سازمان‌های دولتی انگلیس، فعالیت‌های گروهی این افراد را زیر نظر داشتند. گیدلی از طریق کار با این آرشیو، نه تنها انبوهی از مطالب شامل نسخه‌های پیاده شده جلسه‌های ضدجنگ و گزارش‌های دیدارهایشان را پیدا کرد، بلکه به نکاتی درباره گروه‌های افراطی و نیز تاریخچه زیر نظر گرفتن و کنترل این‌گونه گروه‌ها دست یافت.

1. Hasard
2. Gidley
3. National Archive
4. East London Jewish Radicals

شما می‌توانید همچون اسناد دولتی، به اسناد عمومی سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات خیریه و نهادهای غیردولتی نیز دسترسی پیدا کنید. اغلب سازمان‌ها نوعی اسناد عمومی دارند که شامل جزوهای ترویجی تا منشورهای مطبوعاتی و گزارش‌های شرکت‌ها می‌شوند. این اسناد به شما امکان می‌دهند تا مطالب معین زیادی را پیگیری نمایید. اگر در بررسی‌تان درباره گفتمان‌های مختلف پیرامون موضوع دخانیات را مطالعه می‌کنید، ممکن است به جستجوی بروشورها و کتاب‌ها یا مقاله‌های سازمان‌های غیردولتی طرفدار و مخالف دخانیات، گزارش‌های نهادهای تخصصی پزشکی نظارت‌کننده و منشورهای چاپی شرکت‌های تولیدکننده سیگار پردازید. روشن است که این منابع تنها بخشی از آرشیو شما را تشکیل می‌دهند. اما با توجه به رشد اینترنت - و اینکه بیشتر سازمان‌ها سایت اینترنتی دارند - توانایی شما برای دسترسی آسان به این مطالب احتمالاً مفید بسیار افزایش یافته است. دسترسی به اسناد خصوصی، داخلی یا درون سازمانی این سازمان‌ها - پشت صحنه آنها - اغلب بسیار دشوار است و معمولاً مستلزم آشنایی با افرادی در درون سازمان‌ها، اصرار و پیگیری زیاد یا فقط شانس محض است. در انگلیس، «قانون آزادی اطلاعات»^۱ این مسئله را تغییر داده و اکنون می‌توان اطلاعاتی را که به لحاظ تجاری، حساس شمرده نمی‌شوند، درخواست کرد.

منابعی که معمولاً محققان اجتماعی از آنها بسیار استفاده می‌کنند عبارتند از: خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، آثار ادبی و شعر. روشن است که خاطرات و زندگی‌نامه‌ها، با توجه به واقعی بودن آنها در مقایسه با آثار ادبی، به‌طور شفاف دوره تاریخی را که نویسندگان شرح می‌دهند، توصیف می‌کنند. عموماً در صورتی که فرد موردنظر، شهرت کافی نداشته باشد - به هر دلیلی - و خاطرات او منتشر نشده باشد، صرف اطلاع یافتن از وجود خاطرات او دشوار است. در سال‌های اخیر، وبلاگ‌ها یا صفحات اینترنتی خاطرات، به‌طور روزافزونی افزایش یافته‌اند. این خاطرات، منبعی جذاب و

1. Freedom of Information Act

فصل دوم - آرشیو سازی ۴۹

سهل الوصول هستند که هم دربردارنده فعالیت‌ها و تجارب روزمره و هم سلوک پنهان و دیدگاه‌های سیاسی افراد هستند. به‌علاوه، گرچه از آثار ادبی و شعر با عنوان تخیل نام برده می‌شود، اما می‌تواند به زیبایی، باورها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی گذشته و حال را مستند کند. برای مثال ادبیات زنانه معاصر به خوبی گونه‌هایی از زنانگی (و مردانگی) را مستند می‌کند. این روایت‌های داستانی هیچ‌گاه با جهان اجتماعی واقع بی‌ارتباط نیستند، بلکه راه دیگری برای منعکس کردن انگاره یا موضوع خاصی ارائه می‌دهند. آخرین منبع بالقوه مطالب، همان‌گونه که بارها پیش از این تکرار کرده‌ام، اینترنت است. اینترنت، فضایی است که از طریق آن، هم می‌توان به اسناد تخصصی دست یافت یا صفحات وب را بازبینی کرد و هم می‌توان از رسانه‌های ارتباطی مجازی، از جمله نامه‌های الکترونیکی، گروه‌های خبری و ... نیز بهره گرفت. اگر شما بخواهید از این منابع استفاده کنید، باید توجه داشته باشید که برای نقل مطلب از شرکت‌کنندگان در تعامل‌های اینترنتی اجازه بگیرید. برخی از گروه‌های خبری که عضو آنها هستیم، بعضی از مطالب دریافتی را به عنوان مطلب پژوهشی تأیید نمی‌کنند.

ملاحظات عملی بررسی اسناد

دسترسی عینی به اسناد، مهم است. یکی از نقاط طبیعی شروع کار، جستجو در اینترنت است. از این طریق اغلب می‌توانید برخی اسناد مورد نیاز خود را بیابید یا دست‌کم بدانید که کجا باید آنها را بیابید. اکنون کتابخانه‌های اینترنتی بسیاری وجود دارند که راهنماهای مجازی آنها به تفصیل این کتابخانه‌ها را معرفی می‌کنند. به‌علاوه کتابخانه‌های تخصصی‌تر نیز از طریق کاتالوگ معرفی می‌شوند.

راهکار دیگر، نزدیکترین کتابخانه عمومی یا دانشگاهی به شماست. شما اغلب درمی‌یابید که آنها دقیقاً آن چیزی را که نیاز دارید، ندارند. از این رو، باید بررسی کنید که آیا می‌توانید مطالب مورد نیازتان را از کتابخانه دیگری درخواست کنید. این کار،

همواره راهکار رضایت‌بخشی نیست چرا که برخی کتابخانه‌ها هنگام درخواست، محدودیت‌هایی را برای دسترسی به برخی اسناد مورد درخواست شما اعمال می‌کنند یا اصلاً تا زمانی که مقاله، کتاب یا مجله‌ای را که سفارش داده‌اید، نخوانید، تشخیص مفید بودن آن برای شما دشوار است. اگر پژوهش شما بسیار تخصصی است یا مستلزم بررسی اسناد تاریخی است، احتمالاً باید به کتابخانه‌های تخصصی (که اغلب با عنوان آرشیو شناخته می‌شوند) مراجعه کنید. در انگلیس، برخی از این آرشیوها عبارتند از: آرشیو ملی (رسمی دولت انگلیس)، «کتابخانه زنان»^۱ و «آرشیو ملی فیلم و تلویزیون»^۲. دسترسی به برخی مجموعه‌ها (کلکسیون‌ها)، کتابخانه‌ها محدود است که بسیاری اوقات به معنی ضرورت دریافت برخی مجوزهای خاص برای بازدید است. این مجوز، ممکن است شامل یک نامه از مدیر یا دانشگاه شما باشد تا عضو (افتخاری) آن مؤسسات شوید. دسترسی به برخی کتابخانه‌ها ممکن است آزاد باشد. در بیشتر موارد، شما باید از این کتابخانه‌های تخصصی شخصاً بازدید کنید.

ممکن است به دلایل دیگری، دسترسی شما به برخی اسناد محدود باشد.

- اگرچه حجم عظیمی از اسناد دولتی منتشر می‌شوند و در دسترس همگان قرار دارند، اما به دلیل امنیت عمومی، برخی پرونده‌ها، محرمانه هستند. این موضوع، مخصوصاً در خصوص گزارش‌های نظامی و جاسوسی، صادق است که اسناد محرمانه هستند و تنها پس از گذشت مدت مشخصی در دسترس عموم قرار می‌گیرند. حتی هنگامی که علنی می‌شوند، برخی از واژگان، نامشخص یا برخی از صفحات یا کل یک پرونده حذف شده‌اند؛

- دسترسی به اسنادی که برای مصرف داخلی یک سازمان یا تعامل‌های بین افراد تولید می‌شوند، عموماً دشوار خواهد بود. حتی ممکن است در اطمینان از اصل

1. Women's Library
2. National Film and TV Archive

فصل دوم - آرشیو سازی ۵۱

وجود آنها با مشکل مواجه شوید. روشن است که برای دسترسی به چنین اسنادی باید با برخی افراد یا سازمان خاصی که با آنها کار می‌کنید، وارد مذاکره شوید؛ - بسته به تمرکز موضوعی‌تان، ممکن است لازم ببینید با برخی اسناد کار کنید که نیازمند استفاده از زبان، مخفف‌ها و قراردادهای فنی یا تخصصی است. با این حال، در طول پروژه پژوهشی‌تان هنگامی که غرق کار میدانی می‌شوید، باید با اشتیاق با زبان اعضای آن حوزه آشنا تر شوید. در چنین مواردی، می‌توانید از یک فرهنگ‌واژگان تخصصی یا از یک فرد خبره در آن حوزه برای ترجمه اصطلاحات مربوط کمک بگیرید. همچنین خواندن گزارش‌هایی مربوط به آن حوزه که غالباً دیگر محققان اجتماعی نوشته‌اند، به شما کمک می‌کند درباره ترکیب‌ها و اصطلاحات رایج در زبان آن حوزه، نکاتی را بیاموزید؛

- در برخی زمینه‌ها، پی خواهید برد که یک سند یا مجموعه‌ای از اسناد مهم احتمالی، به زبانی نوشته شده‌اند که نمی‌توانید بخوانید. در این موارد باید در پی ترجمه مناسبی باشید یا از همکاران و دوستان خود که احتمالاً در این زمینه توانایی دارند، کمک بخواهید تا (بخشی از) آن‌را برای شما ترجمه کنند. پیش از اینکه هزینه‌ای برای ترجمه کامل یک سند بپردازید- که بسیار هزینه‌بر است- باید بررسی کنید که آیا آن سند مهم است و چه میزان از جزئیات آن‌را نیاز دارید. آیا به ترجمه کلمه به کلمه متن نیاز دارید یا چکیده‌ای از آن کفایت می‌کند یا آیا ترجمه بخش‌هایی از متن، نیاز شما را برطرف می‌کند؟

هنگام کار بسیار دقیق با اسناد، به نسخه اصلی اسناد نیاز پیدا می‌کنید. اما هنگام کار با اسناد کتابخانه‌ای یا اسناد داخلی یک سازمان، به شما اجازه داده نمی‌شود اسناد اصلی را از ساختمان آنها خارج نمایید. در دستیابی به برخی اسناد، اغلب به دلیل قدمت (و در خصوص اسناد سازمانی، به دلیل حساسیت احتمالی) ممکن است اجازه تهیه کپی از هیچ یک از اسناد پیدا نکنید و صرفاً بتوانید از روی آنها یادداشت بردارید. توجه داشته

باشید که ممکن است لازم باشد در هر بار بازدید، بسیار یادداشت بردارید یا کلمه به کلمه اسناد را با دست بنویسید یا (شاید ترجیح بدهید با لپ‌تاپ، تایپ نمایید). همچنین برخی کتابخانه‌ها ممکن است در خصوص تعداد اسنادی که در هر بار بازدید می‌توانید درخواست کنید و نیز تعداد صفحاتی که می‌توانید در هر بار کپی بگیرید، محدودیت‌هایی داشته باشند. نکته آخر اینکه به خاطر بسپارید درباره بخش‌هایی از اسناد (یا نقل قول‌های خاص) که می‌خواهید بدانید دقیقاً از کجا آمده، هنگام گردآوری اسناد، به‌طور تفصیلی یادداشت بردارید.

با آنکه همت خوبی در این زمینه دارم اما هنگام نوشتن، معمولاً پی می‌برم که مأخذ دست‌کم یکی از اسناد را نمی‌دانم. لطفاً تلاش کنید اشتباه مرا تکرار نکنید.

ملاحظات تکمیلی کار با اسناد

به‌طور کلی، شما با مجموعه‌ای از اسناد کار می‌کنید که عبارتند از:

– منابع اولیه: روایت‌هایی که از لحاظ زمانی مربوط به حال حاضرند یا روایت دست اول محسوب می‌شوند؛

– منابع دست دوم: روایت‌هایی از موضوع که به لحاظ زمانی یا مکانی، دورند یا روایت دست دوم به‌شمار می‌روند.

برای مثال، من علاقه‌مند بودم بدانم چرا ما همه هنگام تماشای تئاتر، ساکت می‌نشینیم، تقریباً تکان نمی‌خوریم و رفتار کسانی که این آداب را رعایت نمی‌کنند، محکوم می‌کنیم (و گاهی اوقات از آنها عصبانی می‌شویم). به آرشیوهای گوناگونی رفتم و مجموعه‌ای از مطالب را درباره تماشاگران تئاترهای لندن گردآوری کردم. فهمیدم که همین اواخر، در دوره‌ای بین قرن نوزدهم و بیستم، به‌ویژه در دهه ۱۸۸۰ میلادی، تماشاگران تئاتر به‌طور روزافزونی فرهیخته‌تر شدند. پیش از آن، تماشاگران تئاتر، گاهی فریاد می‌زدند، گاهی از بازیگران می‌خواستند مونولوگ (تک‌گویی)‌هایی را که

فصل دوم - آرشیو سازی ۵۳

خوب اجرا کرده بودند، تکرار نمایند، با دوستانشان که با هزینه بیشتری در صندلی‌های گران‌تری نشسته بودند، صحبت می‌کردند یا به سمت بازیگرانی که در ایفای نقش خود، توانا به نظر نمی‌رسیدند، خوراکی پرتاب می‌کردند. تغییر رفتار تماشاگران تئاتر، از هیجان‌آمیز بودن و شوخ و شنگی گذشته به جمع آرام و ساکت امروز، به واسطه تحولات مختلفی رخ داده است:

- رشد طبقه متوسط جدید (با ارزش‌ها و هنجارهای فرهیختگی نو)؛
- روشن بودن صحنه با لامپ‌های گازی (در حالی که خود تماشاگران، اکنون در تاریکی می‌نشینند)؛
- سرمایه‌گذاری برخی صاحبان سالن‌های تئاتر (با ساختن و نوسازی سالن‌های تئاتر به شکلی که طبقه‌های متوسط فرهیخته جدید، امکان تهیه خوراکی نیز داشته باشند).

این پروژه با استفاده از منابع ثانویه - بیشتر کتاب‌ها و مقاله‌های علمی درباره تاریخ نمایش، طراحی، تولید و مالکیت تئاتر - و منابع اولیه همچون دیدگاه‌های منتقدان قرن نوزدهم درباره برخی رفتارها و اقدامات تماشاگران و نیز خاطرات و نامه‌های بازیگران و تماشاگران، مقاله‌های روزنامه‌ها، مذاکرات و مباحثات پارلمانی و نشریه‌های تجاری تئاتر انجام شده است. اغلب بهترین نقطه شروع این است که دیگر آثار علمی درباره یک موضوع معین را مطالعه کنیم و بفهمیم که آنها از چه اسنادی استفاده و این اسناد را از کجا پیدا کرده‌اند. این منابع ثانویه عموماً اظهارنظرها و نسخه‌ها (بخش‌هایی از) اسناد اصلی را در بردارند و ممکن است حاوی جزئیاتی درباره مکان‌هایی باشند که این اسناد را از آنها دریافت کرده‌اند. معمولاً شما تمایل خواهید داشت که تحلیل خود را بر اساس اسناد اصلی یا اولیه قرار دهید تا اینکه صرفاً به گزارش‌های ثانویه اتکا کنید. حتی اگر پژوهش شما اساساً به این موضوع نمی‌پردازد که چگونه مطبوعات،

دانشگاهیان، افراد یا سازمان‌ها، درباره موضوع خاص مورد نظر تان اطلاعات کسب می‌کنند یا اینکه شما واقعاً علاقه‌مند به پیگیری تاریخچه و تحول افکار و دیدگاه‌ها، فرایندها یا نهادهایی که امروز برای ما شناخته شده‌اند، نیستید، اسناد مربوط به آن موضوع می‌تواند به شما در پژوهش و تأمل دقیق‌تر درباره موضوع مورد تحقیق تان کمک کند. آنها منابع مهمی برای هر شکلی از پژوهش هستند؛ چه بخشی از مراحل یا فعالیت‌های موسوم به «مرور ادبیات» یا «مرور مبانی نظری» باشند یا «تولید سؤال‌هایی برای گروه‌های متمرکز» یا راه‌هایی برای جرقه زدن افکار نو (و قدیمی فراموش شده) درباره پژوهش تان باشد. از این رو، دسترسی به منابع متنی و کار کردن با آنها برای همه فعالیت‌های پژوهشی ضروری است. منبع مهم دیگر در فعالیت‌های پژوهشی کنونی، منابع شنیداری و دیداری هستند که در سطور آتی به آنها می‌پردازیم.

منابع شنیداری و دیداری

اسناد مورد نیاز برای کار پژوهشی، بسیار گسترده و به‌گونه‌ای فزاینده متنوع هستند. در پژوهش اسنادی، شما با مطالبی کار می‌کنید که از پیش وجود داشته؛ اغلب منتشر شده‌اند و معمولاً عمده مسئله شما این است که به این مطالب دسترسی پیدا کنید. هنگام کار کردن با منابع شنیداری و دیداری، برخی از این مطالب مانند برنامه‌های تلویزیونی از پیش وجود دارند؛ در حالی که برخی دیگر مانند مصاحبه‌ها یا تصاویر ویدئویی تعامل‌ها را باید تولید نمایید.

منابع گوناگونی برای کار پژوهشی وجود دارند؛ برای مثال، برخی با نوارهای ضبط شده انواع برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی کار می‌کنند. پژوهش‌های زیادی روی مصاحبه‌های خبری؛ چه رادیویی و چه تلویزیونی، صورت گرفته است. «هریتج»^۱ و «گرت بیچ»^۲ (۱۹۹۱) از نوارهای ضبط شده صدا و تصویر اخبار برای بررسی

1. Heritage
2. Greatbatch

تعامل‌های مصاحبه‌گران خبری و مصاحبه‌شوندگان آنها، استفاده کردند. برای مثال، مصاحبه‌گران خبری به‌جای گفتن چیزی مانند «شما احمق هستید» معمولاً جمله‌ای مشابه این را می‌گویند: «آقای فلانی می‌گوید شما احمق هستید» یا «برخی افراد می‌گویند شما احمق هستید». این تنها یک مثال از رویه‌هایی است که «عینیت» یا «بی‌طرفی» را در مصاحبه‌های خبری ایجاد می‌کند و در نتیجه باعث تداوم موقعیت بی‌طرفی نهاد مصاحبه‌های خبری می‌شود. این سبک فعالیت، ما را ملزم به پرداختن بسیار ریز و جزئی به شکل گفتگو و تعامل‌های افراد در حال گفتگو می‌کند و اغلب توجه چندانی به خود موضوع گفتگوی آنها ندارد. «ویلیام» و همکارانش (۲۰۰۳) رویکرد متفاوتی را در پیش گرفتند که بر بررسی محتوای واقعی گفتگو متمرکز بود. آنها به دنبال بررسی این موضوع بودند که رسانه‌های خبری چگونه پژوهش در زمینه سلول‌های بنیادی جنینی را پوشش می‌دهند. آنها از نوارهای گزارش‌های خبری تلویزیونی که به این موضوع می‌پرداختند و مقاله‌های روزنامه‌ها برای ترسیم نحوه پوشش‌دهی استدلال‌های اخلاقی موافقان و مخالفان پژوهش در زمینه سلول‌های بنیادی در رسانه‌ها استفاده کردند.

پژوهشگران همچنین مستندها را تحلیل و این موضوع را بررسی کردند که چگونه برنامه‌های مستند، روایت خاص خود را واقعی یا عینی می‌نمایانند و بررسی کردند که این مستندها چه نسخه‌ خاصی از جهان را ترسیم می‌کنند. برخی دیگر از آنها گفتگوهای رادیویی را تحلیل کردند. برخی دیگر، بیشتر، محتوای گفتگوهای تلفنی برنامه‌ها یا موضوعات و مباحث خاصی را که در این گفتگوها پوشش داده شده بود، بررسی کردند. برخی محققان دیگر مانند «هاچی»^۱ (۱۹۹۶) بیشتر جنبه‌های شکلی این برنامه‌ها را بررسی کردند. او تبیین کرد که چگونه مجریان این برنامه‌ها، به‌جای اینکه بی‌طرف بمانند، بحث را داغ می‌کردند و معمولاً موضع مخالف فرد تماس‌گیرنده با

1. Hutchby

برنامه را می‌گرفتند. از این رو، گفتگو استدلالی‌تر می‌شد و گاهی اوقات نیز صریحاً موضع موافق دیدگاه فرد تماس‌گیرنده با برنامه را می‌گرفتند.

فرقی نداشت که پژوهشگران با چه روشی کار می‌کردند؛ آنها باید آرشیوهای اطلاعاتی خاص خود را ایجاد می‌کردند. برخی از محققان، نوارهای برنامه‌ها را از آرشیوهای موجود تهیه می‌کردند. برای مثال، ویلیام و همکارانش (۲۰۰۳) به آرشیوی دسترسی داشتند که همه بولتن‌های مهم تلویزیونی و مقاله‌های روزنامه‌های سراسری انگلیس را که در سال ۲۰۰۰ به موضوع ژنتیک انسان پرداخته بودند، دربر داشت. در این مورد، فردی پیش‌تر همه مطالب سراسری مهم را برای آنها گردآوری کرده بود. از این رو، تحلیل آنها مبتنی بر نمونه‌ای از آن آرشیو صورت گرفت. تنها کاری که بایستی انجام می‌دادند، جستجو در آن آرشیو بود تا همه مطالب مربوط به پژوهش در زمینه سلول‌های بنیادی را بیابند. به‌طور کلی، کار شما همواره این اندازه راحت نیست. چنین آرشیوهای جامعی ممکن است در زمینه موضوع مورد پژوهش شما وجود نداشته باشند. با این حال، دست‌کم باید درباره وجود چنین آرشیوهایی جستجو کرد. ممکن است برخی دانشگاهیان، بخش‌های دانشگاهی یا کتابخانه‌های تخصصی، چنین آرشیوی داشته باشند.

معمولاً باید از یک نقطه شروع کنید و عملاً به دنبال اطلاعات مورد نیاز خود بگردید و آنها را ثبت نمایید. ثبت و ضبط، اغلب نسبتاً ساده است، چرا که تنها چیز مورد نیاز، یک دستگاه تلویزیون و یک دستگاه ضبط ویدئو یا یک رادیو و یک دستگاه ضبط صوت است. شما همچنین می‌فهمید که بخش شنیداری - دیداری یک دستگاه امکاناتی را به منظور ضبط برنامه در اختیار شما قرار می‌دهد. همچنین اگر به هر دلیلی فراموش کردید یا نتوانستید یکی از برنامه‌های مورد نظرتان را ضبط کنید، می‌توانید با شبکه رادیویی یا تلویزیونی که برنامه را پخش کرده است، تماس بگیرید. آنها ممکن است با توضیح شما درباره علاقه پژوهشی‌تان، یک نسخه در اختیارتان قرار دهند.

فصل دوم - آرشیو سازی ۵۷

به‌علاوه، بسیاری از برنامه‌های رادیویی، روی اینترنت آرشیو می‌شوند، بنابراین ممکن است بتوانید آنها را از اینترنت دانلود کنید. هر کاری انجام می‌دهید لطفاً از سازوکارهای حقوقی مربوط به حقوق انحصاری [پدیدآورندگان] در کشورتان آگاه شوید. اگر شما بخواهید، از عکسی از یک برنامه تلویزیونی که در یک مجله چاپ شده، نسخه‌برداری کنید، به احتمال زیاد باید به دنبال دریافت اجازه از صاحب حقوق معنوی عکس باشید. این کار مستلزم تماس گرفتن با شبکه‌ای که برنامه را پخش کرده یا پدیدآورنده اصلی آن عکس است.

همچون اسناد متنی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز ممکن است شامل برنامه‌های تخیلی، سریال‌های خانوادگی و درام یا فیلم‌های داستانی باشند. البته در این مورد نیز تحت عنوان مطالعات فرهنگی، کارهای زیادی روی مضامین یا انگاره‌های خاصی که در برنامه‌های تخیلی به آنها پرداخته شده، انجام شده است. برای مثال، بار دیگر که یک فیلم عاشقانه کم‌دی را تماشا می‌کنید درباره‌ اینکه چه الگوی خاصی از جنسیت در این برنامه‌ها به تصویر کشیده شده، تداوم یافته و گاهی تغییر یافته و این برنامه‌ها چگونه به‌طور معمول، روابط جنس‌های مخالف را به عنوان تنها شکل ارتباط پدید می‌آورند، ببینید. به همین ترتیب، چگونه برخی برنامه‌های کنونی مثل مجموعه مستند «سفر ستاره»^۱، جنبه‌های اخلاقی فعالیت‌های انسانی را به نمایش می‌گذارند؟ چگونه بحث‌های مربوط به نقش بیوتکنولوژی (زیست‌فناوری) و نگرانی از «سایترگ»^۲ در این مجموعه منعکس و بررسی شده است؟ برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، امکان دسترسی به انبوهی از مطالب قابل پژوهش را فراهم می‌کنند؛ چون این برنامه‌ها امکان دسترسی به مطالبی را فراهم می‌کنند که تقریباً همه فعالیت‌ها و اشکال زندگی را دربر می‌گیرند و آنها را تبیین و توصیف می‌کنند. گروهی از پژوهشگران با نوارهای

۱. Star Trek

۲. ترکیب ارگانسیم و سایبر است که یکی از مترجمان (عزیز تاتار) در ترجمه‌ای آن را «انشین» (مركب از انسان و ماشین) ترجمه کرده است.

مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز کار می‌کنند. (رجوع کنید به باربو، ۲۰۰۷؛ کوال، ۲۰۰۷) معمولاً تحلیل و تفسیر این نوع داده‌ها، بیشتر از طریق بررسی محتوای گفتگوها صورت گرفته است. برای مثال «ادلی»^۱ و «وترل»^۲ (۱۹۹۷) از مصاحبه با گروه‌های کوچک نوجوانان پسر برای بررسی اینکه آنها چگونه درباره‌ی هویت جنسیتی خود صحبت می‌کنند، استفاده کردند. آنها متوجه شدند که چگونه این نوجوانان در صحبت‌های خود، تصاویر متکثر و اغلب متعارضی از مردانگی ارائه و چگونه تلاش می‌کنند خودشان را از شناخته شدن به عنوان مردانی بی‌بخار یا نرینه‌باور دور نگه دارند. این نوجوانان به دنبال معرفی خود به عنوان «مردانی جدید» بودند اما در معرفی هویت جدیدشان، همچنان به ارزش‌های «نرینگی یا مردانگی»^۳ تکیه می‌کردند.

ضرورت داده‌های طبیعی

«شگلاف»^۴ (۱۹۹۹) داستانی را درباره‌ی یک متخصص زبان‌پریشی^۵ (کسی که به اختلال‌های گفتاری ناشی از آسیب دیدن بخش‌های زبانی مغز می‌پردازد) تشریح می‌کند:

«او در حالی که به آزمایش بیماران زبان‌پریش مشغول بود، از اوقات استراحت بیماران که معمولاً قهوه صرف می‌کردند، برای بررسی نامه‌های الکترونیکی خود استفاده می‌کرد. یک روز هنگامی که می‌خواست نزد بیماران در اتاق قهوه‌خوری بازگردد، ناگهان شنید که بیماران بین خوشان یا به بستگان‌شان می‌گفتند که قادر به شرکت در جلسه بعدی آزمایش نیستند.»

(۱۹۹۹: ۴۳۱)

این داستان به خوبی مزایای بالقوه توجه به رفتار افراد در بستر زندگی روزمره‌شان

1. Edley
2. Wetherel
5. Machoness
4. Schegloff
5. Aphasia

را نشان می‌دهد. با استفاده از نوارهای صوتی و تصویری و مشاهده تعامل‌های طبیعی هنگام مصاحبه‌ها یا تصور و تخیل دانسته‌های قبلی خود، می‌توانید به دیدگاه متفاوتی درباره کنش‌های مردم برسید. اخیراً چرخشی از اتکای صرف بر داده‌های مصاحبه‌ها یا گروه‌های متمرکز صورت گرفته است. مسئله برخی پژوهشگران این است که با این نوع داده، شما صرفاً به گزارش‌ها یا روایت‌های خود شرکت‌کنندگان درباره کارهایشان اتکا می‌کنید. «استرانگ»^۱ (۱۹۸۰) نیز درست در مقدمه تحلیل بسیار هوشمندانه‌اش از مصاحبه با متخصصان درباره درمان بیماران الکلی توسط آنها، این‌گونه می‌گوید:

«با تأمل بیشتر، هیچ مطالعه مبتنی بر مصاحبه غیرمستقیم یا غیررسمی نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای داده‌های مشاهده‌ای باشد. از این رو، نتیجه‌گیری‌های من و همکاران از فعالیت‌های عملی [بیماران] که حاصل مصاحبه‌ها هستند، تا حدودی نامعتبرند. دلایل من [برای ارجحیت روش مشاهده] این است که در حال حاضر ما داده‌های بهتری برای درمان بیماران الکلی نداریم. به طور کلی من خودم حداقل تلاش کرده‌ام در این چند مطالعه‌ای که روی مشاوره‌های پزشکی انجام داده‌ام، به حداکثر تبحر و توانایی برسم. اما با وجود این دلایل، اظهار نظر درباره کارآمدی این روش برای پژوهش عملی درباره بیماران الکلی، هنوز به بررسی بیشتر نیاز دارد.»

(۱۹۸۰: ۸-۲۷)

من با نظر استرانگ موافقم. از نظر من مطالعه از طریق مصاحبه یا گروه متمرکز که «صرفاً» به گزارش خود شرکت‌کنندگان برای شناخت فعالیت‌های روزمره‌شان اتکاء می‌کند، مورد تردید است. مصاحبه یا گروه‌های متمرکز، از نظر زمان و هزینه، ابزاری اقتصادی (به‌صرفه) برای بررسی یک موضوع به شمار می‌روند. این روش‌ها، ابزارهای خوبی برای مطالعه درباره موضوعاتی هستند که امکان دستیابی آسان به آنها برای تحلیل وجود ندارد و با این روش‌ها، از مردم می‌خواهیم درباره این‌گونه موضوعات

1. Strong

اطلاعات و نظر خود را ارائه دهند. با این حال باید تاکید کنم که برای تحلیل بیشتر موضوعات، محدودیتی وجود ندارد و آزادانه می‌توان آنها را تحلیل کرد. همان‌گونه که «هلشتاین^۱» و «گوبریوم^۲» (۱۹۹۵) می‌گویند: «برای شناخت موضوع «خانواده» لازم نیست با مردم مصاحبه کنیم یا وارد خانه‌های مردم شویم. ما می‌توانیم مشاهده کنیم که چگونه خانواده، سازماندهی می‌شود و پدید می‌آید، در اتوبوس، فروشگاه‌های بزرگ، روزنامه‌ها و گفتگوهای رادیو تلویزیونی و نیز در قوانین و غیره درباره آن صحبت می‌شود.» نکته اینجاست که چه در مصاحبه و چه در گروه متمرکز یا در مشاهده یک دفتر یا فروشگاه باید به این نکته توجه داشته باشید که کنش‌ها و تعامل‌های مردم در احاطه بافت و زمینه خود آن کنش‌ها و تعامل‌ها قرار دارند. منظور از قرار داشتن در احاطه زمینه یا بافت، صرفاً این است که ما در سطحی گسترده، کنش‌ها و تعامل‌هایمان را به‌گونه‌ای شکل می‌دهیم که با هنجارها، قواعد و انتظارات نانوشته در بستر یا بافتی خاص تطبیق دهیم و آنها را بازتولید کنیم. شما کفایت فکر کنید که چگونه با یک دوست در مکانی دینی یا آموزشی، متفاوت از مکانی عمومی یا منزل رفتار می‌کنید یا داستان واحدی را برای دوستان مختلف یا اعضای مختلف خانواده به روش‌های گوناگون بازگو می‌کنید تا از بافت و فضای داستان، فهم دقیقی داشته باشند. همچنین شما فقط در یک نگاه، متوجه عجیب بودن یک فرد در یک موقعیت می‌شوید؛ این حس عجیب بودن ممکن است تا حدودی از نقض رفتارهای درستی که در آن بافت انتظار می‌رود، ناشی شود.

لازم است منظور افراد (محققان) را هنگامی که می‌گویند ترجیح می‌دهیم درباره تعامل‌های «طبیعی رخ داده» صحبت کنیم، بدانیم. منظور برخی افراد، این است که شما باید تنها از داده‌هایی استفاده کنید که تولید خود پژوهشگر نباشند. با این خوانش، شما

1. Holstein
2. Gubrium

فصل دوم - آرشیو سازی ۶۱

ترجیحاً با داده‌های به دست آمده از طریق مصاحبه یا گروه متمرکز کار نمی‌کنید، بلکه علاقه‌مند به ضبط و تحلیل موقعیت‌هایی هستید که در نبود شما اتفاق می‌افتند. با این نوع استدلال، تحقیق درباره «جام مقدس»^۱ که به‌طور معقول، دست هیچ پژوهشگری به آن نرسیده است، تنها از طریق داده‌های صوتی و تصویری، شدنی است. این کار، بدون استفاده از دوربین‌ها یا میکروفون‌های مخفی و عدم حضور در صحنه، رویایی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. همان‌گونه که مطالعات متعدد نشان داده است یک مشاهده دقیق و روشن، بستگی زیادی به این دارد که همه جوانب یک صحنه آشکار باشد و این مستلزم حضور «ناظرانی خاموش»^۲ مانند پژوهشگران، دوربین‌ها یا میکروفون‌ها است.

با این حال، منظورم از پرداختن به رخدادهای طبیعی این است که باید تلاش کنید دریابید که چگونه برخی کنش‌ها - چه بازجویی پلیس باشد یا مصاحبه کیفی - در حالت طبیعی، عادی یا معمولی رخ می‌دهند. بنابراین به جای اینکه از یک هماهنگ‌کننده گروه متمرکز بپرسید که چگونه گروه‌های متمرکز را اداره می‌کند، می‌توانید با ضبط جلسه‌های گروه‌های متمرکز به شناخت دقیقی در این زمینه دست یابید. به‌طور مشابه به‌جای اینکه از مشاوران حقوقی درباره نحوه ارائه مشاوره، بپرسید، می‌توانید با استفاده از ضبط جلسه‌های مشاوره، پاسخ پرسش‌تان را بفهمید. با این دیدگاه، اطلاعات تولیدی پژوهشگر - اطلاعات تولید شده از مصاحبه‌ها یا منابع دیگر - برای تبیین اینکه چگونه مشاوران حقوقی مشاوره می‌دهند یا هماهنگ‌کنندگان گروه‌های متمرکز، این گروه‌ها را اداره می‌کنند، نیز مفید است. منبع عمده این‌گونه داده‌ها، اغلب نوارهای صوتی یا تصویری ضبط شده از سلوک عملی مردم هستند. هنگام تحلیل نوارهای تصویری فعالیت مشاوران و مصاحبه با آنها درباره فعالیت‌های تخصصی‌شان، باید به این نکته توجه داشته باشید که کنش‌های شما و حضور تجهیزات ضبط چه تأثیری بر

1. Holy Grail
2. Silent Witness

۶۲ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

برخوردهای مشاوران با شما گذاشته است.

بنابراین، ضرورت بررسی تعامل‌ها در وضعیت طبیعی به این معناست که صرف‌نظر از منبع شما برای دستیابی به داده‌ها، باید عمده همت خود را بر این معطوف کنید که چگونه موضوع خاص مورد نظرتان در وضعیت طبیعی و عادی خود رخ می‌دهد. از این رو، محققان علاقه‌مند به این نوع مطالعات، سلوک گوناگونی را بررسی کرده‌اند از جمله شیوه راهبان تبتی برای استدلال منطقی، نحوه تشریح بدن موش‌ها توسط نورویبولژیست‌ها، نحوه پرسش مصاحبه‌گران کیفی و گوش دادن آنها به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و سرانجام نحوه ابراز مخالفت مردم با دوستانشان در هنگام گفتگو. همه این بررسی‌ها، حداقل مبتنی بر مشاهده محیطی و یا ضبط تصاویر یا صدای این فعالیت‌ها هنگام وقوع آنها صورت گرفته است. در فصل‌های بعد، شیوه تولید داده‌های صوتی و تصویری و کار با آنها را بیشتر تجزیه و تحلیل می‌کنم.

ملاحظات پایان فصل

امید است در این فصل به ایده‌هایی درباره منابع بالقوه مطالبی که می‌توانید با آنها کار کنید، دست یافته باشید و به مسائل شما در انتخاب بین گزینه‌های بسیار گوناگون نیفزوده باشد. در حالت مطلوب، آنچه باید انجام دهید این است که فهمی کلی از موضوع مورد بررسی در پژوهش‌تان پیدا کنید و روشی را که در تحقیق به کار می‌گیرید، بشناسید. در نتیجه، قادر به تصمیم‌گیری درباره اینکه به چه مطالبی برای یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌هایتان استناد کنید، خواهید بود.

نکات مهم فصل

- شما باید یک آرشیو ایجاد کنید- مجموعه‌ای متنوع از مطالبی که شما را قادر به بررسی و تأمل درباره مسئله یا پرسش‌های پژوهشی معینی نماید. آرشیو شما ممکن است شامل منابع اسنادی (متنی)، صوتی و تصویری باشد؛

فصل دوم - آرشیو سازی ۶۳

- دیگر آثار علمی مربوط به موضوع مورد نظرتان را مطالعه کنید و بفهمید که آنها از چه مطالب پژوهشی استفاده و چگونه آنها را گردآوری کرده‌اند؛
- برخی محققان معتقدند به جای صرف اتکاء به داده‌های صوتی و تصویری مبتنی بر پژوهش، مثلاً به دست‌آمده از طریق مصاحبه یا گروه‌های متمرکز، بهتر است به داده‌های حاصل از رویدادهای طبیعی، اتکا کنید.

منابع تکمیلی

منابع ذیل، روش‌هایی را که در این فصل به آنها پرداختم با جزئیات بیشتری بررسی کرده‌اند:

- Barbour, R. (2007) *Doing Focus Groups* (Book 4 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.

- Gidley, B (2004) *Doing historical and Archival research* in C.Seal (ed.), *Research kit*). London: Sage.

- Kvale, S (2007) *Doing Interviews* (Book 2 of The SAGE Qualitative Research kit). London: Sage.

Scott, J. (1999) *A Matter of Record: Documentry Sources in Social Research*, Cambridge: Polity Press.

- Taylor, S. (2001 a) *Locating and conducting discourse analytic research*, in M. Wheterell, S.Taylor and S.J. Yates(eds), *Discourse as Data: A Guide for Analysis*. London: Sage, in Association with The Open University, pp.5-48.

فصل سوم

اخلاق و ثبت داده‌ها

اخلاق و ثبت داده‌ها

– مسائل اخلاقی تولید و ثبت داده پژوهشی

– ملاحظات پایان فصل

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

– برخی اصول کلی را که لازم است در نظر داشته باشید و نیز برخی

دستورالعمل‌های جزئی‌تر را که به شما در تأمل درباره پروژه پژوهشی‌تان کمک

می‌کنند، بدانید؛

– بدانید هر کس که می‌خواهد پژوهش انجام دهد باید به کسانی که در پژوهش

مشارکت دارند، احترام بگذارد و این را در رفتارش در طول پروژه نشان دهد.

پیش از ثبت هر داده‌ای، باید پیامدهای اخلاقی پژوهش‌تان را بدانید. در سال‌های اخیر، نگرانی‌های روزافزونی در خصوص تعهدهای اخلاقی پژوهشگران مطرح شده است. اکنون کسانی که در پژوهش شرکت می‌کنند به جای «پژوهش‌شوندگان»^۱ از آنها با عنوان «مشارکت‌کنندگان پژوهش»^۲ یاد می‌شود.

این تغییر عنوان، نشان‌دهنده دغدغه حقوق شرکت‌کنندگان و نیز آگاهی از این مسئله است که فرایند پژوهش ممکن است تأثیرهایی منفی بر کسانی که در این فرایند شرکت می‌کنند، بگذارد. انجمن‌های حرفه‌ای گوناگون، برای مثال «انجمن جامعه‌شناسی انگلیس»^۳ و «انجمن روانشناسی آمریکا» و نیز بسیاری از مراکز دانشگاهی یا پژوهشی، اصول اخلاقی یا آیین‌نامه‌های پیشنهادی ریز و مفصلی درباره فعالیت مقبول و شایسته دارند. به‌طور کلی، باید از دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اخلاقی و چارچوب‌های مربوط به پژوهش‌تان، آگاه باشید (همچنین رجوع کنید به فصل هفتم Flick, 2007a). در بیشتر کشورها موارد ذیل، به سطح بالاتری از تأیید یا نظارت رسمی نیاز دارد:

- پژوهش‌های پزشکی؛

- کار پژوهشی با افراد آسیب‌پذیر (برای مثال، افراد صغیر یا کسانی که کم‌توانی ذهنی دارند)؛

- پژوهش درباره موضوعات حساس یا دارای ابعاد عاطفی و احساسی (برای مثال، کودک‌آزاری یا سقط جنین).

برای مثال، در انگلیس، هنگام پژوهش درباره بیماران یا کارکنان بیمارستان‌های دولتی (چه جراحان، چه مدیران یا نگهبانان)، پژوهشگران باید طرح پیشنهادی مفصلی را به یک کمیته اخلاق پژوهشی ذی‌صلاح بدهند تا امکان دسترسی‌های میدانی مورد

1. Research Subjects
2. Research Participants
3. British Sociological Association
4. American Psychological Association

فصل سوم - اخلاق و ثبت داده‌ها ۶۹

نظرشان فراهم شود. همچنین شما باید بدانید که برخی دانشگاه‌ها کمیته اخلاق دارند و شما باید، به عنوان دانشجو یا استاد، طرح‌نامه پروژه پژوهشی را قبل از آغاز کار میدانی به آنها تسلیم کنید. به علاوه ممکن است شما به رعایت برخی تعهدهای خاص قانونی ملزم شوید؛ برای مثال در انگلیس، دسترسی به سوابق پزشکی بیمار شدیداً تحت نظارت و مراقبت است. در خصوص برنامه‌های رسانه‌هایی مانند رادیو یا تلویزیون، باید مثلاً برای نسخه‌برداری از تصاویر یک برنامه، اجازه مکتوب از پخش‌کننده آن برنامه بگیرید. مهم‌تر از همه، پژوهش شما نباید آسیب یا خطری روانی یا جسمی برای هر کسی که در پژوهش شرکت می‌کند، ایجاد کند. این موضوع را باید هم به هنگام کار میدانی، زمانی که با مشارکت‌کنندگان پژوهش در تعامل هستید و هم هنگام نوشتن گزارش نهایی پژوهش و نیز انتشار احتمالی آن، در نظر داشته باشید. دوم اینکه هر کسی که در پژوهش مشارکت می‌کند، باید از مشارکت در پژوهش اطلاع داشته باشد و بداند که پژوهش درباره چیست و برای مشارکت در آن رضایت داشته باشد. این بدین معناست که شما نباید پژوهش مخفیانه یا غیرعلنی انجام دهید، نباید مخفیانه صدا یا تصویر کسی را ضبط کنید. برخی پژوهشگران در گذشته مخفیانه اقدام به ضبط صدا کرده‌اند؛ برای مثال، پژوهشگران، مکالمه‌های شبه‌نظامیان تندرو راست‌گرا یا گروه‌های نژادپرست را مخفیانه ضبط کرده‌اند که چنانچه این پژوهشگران خود را معرفی می‌کردند، ممکن بود با خشونت مواجه شوند. من هرگز به کسی این نوع پژوهش را توصیه نمی‌کنم چرا که شما هرگز نباید خود را در موقعیت‌های خطرناک قرار دهید ضمن اینکه می‌توان این‌گونه پژوهش‌ها را به روش‌هایی علنی انجام داد؛ مثلاً از طریق گفتگو با برخی از نمایندگان این گروه‌ها یا کار با دیگر منابع اطلاعاتی همچون منشورهای چاپی یا اینترنتی آنها.

اکنون فقط می‌خواهم برخی اصول کلی را که باید در نظر داشته باشید و نیز برخی دستورالعمل‌های جزئی را که به شما در تأمل درباره پروژه‌تان کمک می‌کنند، ارائه کنم.

۷۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

لازم به ذکر است که عمده آنچه توضیح می‌دهم در ضبط صدا یا تصویر یا عکس‌هایی که خودتان می‌گیرید، کاربرد دارد. این نکته‌ها، هم در مصاحبه‌ها (Kvale, 2007)، هم در گروه‌های متمرکز (Barbour, 2007) و هم در کار یک مشارکت‌کننده فعال و نیز مشاهده یا ضبط موضوع یا فعالیتی (Angrosino, 2007) همچون جلسه‌های مشاوره، جلسه‌های یک سازمان یا تعامل‌های کلاس درس کاربرد دارند.

ملاحظات و قواعد گوناگونی را می‌توان درباره ضبط صدا و تصویر در فضاهای عمومی در نظر گرفت که در پایان این بخش به آنها می‌پردازم. باید ذکر کنم که دستورالعمل‌های ارائه‌شده در بحث بعدی، ممکن است نگران‌کننده به نظر برسند. نترسید؛ عمده دستورالعمل‌های پیشنهادی، به سادگی قابل اجرا هستند؛ اگر شما ایده‌های خوبی در مورد یک موضوع دارای طرح تحقیق عملی داشته باشید، با مسأله خاصی روبرو نخواهید شد. بیشتر افراد از مشارکت در کارهای پژوهشی خوشحال می‌شوند.

مسائل اخلاقی تولید و ضبط داده پژوهشی

در این بخش می‌خواهم برخی دستورالعمل‌های شورای پزشکی عمومی انگلیس (۲۰۰۲) را تشریح کنم. این دستورالعمل‌ها حاوی نکات مفیدی هستند. تأکید کنم که می‌توانید آنها را به‌کار بگیرید تا نتیجه آن در پروژه پژوهشی شما منعکس شود؛ این دستورالعمل‌ها به هیچ‌وجه کامل یا بدون انعطاف نیستند؛ شیوه عمل شما کاملاً به مختصات پروژه شما بستگی دارد. به نظر می‌رسد دو دستورالعمل اول، نیازی به توضیح ندارند:

- برای ضبط کردن اجازه بگیرید و برای هرگونه استفاده یا انتشار، موافقت یا مجوز لازم را بگیرید؛
- به شرکت‌کنندگان در پژوهش، هنگام اجازه خواستن برای ضبط صدا، اطلاعات

فصل سوم - اخلاق و ثبت داده‌ها ۷۱

کافی بدهید. قبل از هرگونه ضبط، باید از شرکت‌کنندگان پرسید که آیا به شما اجازه ضبط می‌دهند. شایسته نیست که ناگهان در محل پژوهش، دوربین و سه‌پایه را بیرون بیاورید و بگویید «راستی! می‌توانم تصویر بگیرم؟» شما باید چیزی به‌نام «موافقت آگاهانه»^۱ مشارکت‌کنندگان را بگیرید. در حالت مطلوب، باید به مشارکت‌کنندگان، درباره ماهیت و هدف پژوهش (و اینکه دقیقاً با اطلاعاتی که ضبط می‌کنید، چه کاری انجام خواهید داد) اطلاعات کافی بدهید تا قادر به انتخابی آگاهانه درباره مشارکت در پژوهش باشند. در عمل، آنچه «اطلاعات مناسب»^۲، برای ارائه به مشارکت‌کنندگان در پژوهش [محسوب می‌شود، همواره فرایندی روشن نیست. می‌خواهم دو مثال درباره اینکه چگونه موافقت آگاهانه شرکت‌کنندگان در پژوهش را جلب کردم، ارائه کنم که یکی از آنها کمی سخت‌تر از دیگری بود. (رجوع کنید به نگاره‌های ۱-۳ و ۲-۳)

نگاره ۱-۳

مثال ۱: مصاحبه با مدیران صنعت ساختمان درباره نقش زنان

من در این پروژه با تلفن مصاحبه می‌کردم. در اولین گفتگوی تلفنی، کلیات پژوهش را توضیح می‌دادم که ما مشغول پژوهش درباره مشارکت زنان در صنعت ساختمان هستیم، می‌خواهم با شما درباره اقدامات کنونی شرکتشان در خصوص زنان مصاحبه کنم و اینکه چه کسی تأمین‌کننده هزینه پژوهش ماست. اگر آنها با مصاحبه موافقت می‌کردند، زمان ملاقات و اطلاعات مناسب مورد نظر را با آنها هماهنگ می‌کردم و همچنین می‌پرسیدم که آیا می‌توانم مصاحبه را ضبط کنم. هیچ‌کس با ضبط مخالفت نکرد. هنگام مواجهه با آنها در روز مصاحبه، از آنها درباره اینکه آیا سؤال‌های دیگری در خصوص پژوهش‌م دارند و نیز دوباره

1. Informed consent

دربارهٔ اجازه ضبط مصاحبه می‌پرسیدم. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در خصوص اینکه با مصاحبه‌ها چه کار خواهیم کرد، می‌پرسیدند. از این رو، توضیح می‌دادم که ما گزارشی را برای سازمان تأمین‌کنندهٔ هزینه‌هایمان می‌نویسیم و نتایج پژوهش را در نشریه‌های علمی منتشر می‌کنیم. همچنین نسخه‌ای از گزارش نهایی را به مصاحبه‌شوندگان ارائه کردم.

نگاره ۲-۳

مثال ۲: گروه‌های متمرکز و مصاحبه با پزشکان عمومی دربارهٔ بیماران دچار

مسائل الکلی

در آغاز، پزشکان عمومی و بیماران، از طریق نامه دعوت شدند. ما برای آنها نامه‌ای فرستادیم و مزایای پروژه را تشریح کردیم. همچنین کاربرگ اطلاعات و فرم مجوز را فرستادیم. کاربرگ اطلاعات، دقیقاً دو صفحه A4 بود. بخش آغازین آن، اطلاعاتی به این شرح را درباره اهداف پروژه ارائه می‌کرد:

هدف پژوهش چیست؟

مسائل مربوط به الکل، مشکلات مدیریتی برای بسیاری از پزشکان عمومی ایجاد می‌کنند. اکنون کاملاً پذیرفته شده است که:

شواهد پژوهشی حاکیست برخی مداخله‌های خاص باعث کاهش مسائل مربوط به الکل می‌شوند.

پزشکان عمومی معتقدند این کار مهم است اما بیشتر آنها بر این باورند که بیماران تمایلی به تغییر رفتار ندارند.

مجموعه متنوعی از عوامل اجتماعی باعث می‌شوند که پزشکان عمومی دربارهٔ انواع بیماران، به صورت گزینشی مداخله کنند.

هدف ما شناسایی و تبیین عوامل کلینیکی و اجتماعی است که در بحث دربارهٔ مسائل مربوط به الکل، تأثیرگذارند و اینکه آنها چقدر بر پیشبرد یا ممانعت در برابر کار با این بیماران مؤثرند.

ما از طریق مصاحبه‌های انفرادی می‌خواهیم تجارب شما را در زمینهٔ تشخیص و مدیریت مسائل مربوط به الکل در مشاوره‌های درمانی پزشکان عمومی بررسی کنیم. در مرحله بعد می‌خواهیم یافته‌های این گفتگوهای انفرادی را با مصاحبه‌های گروهی تکمیل نماییم.

کاربرگ اطلاعات همچنین شامل اطلاعاتی جزئی بود:

- مصاحبه‌ها کجا و کی انجام خواهند شد؛
 - بحث‌ها شامل چه موضوعاتی خواهند بود؛
 - با مطالب ضبط‌شده و متن‌های پیاده‌شدهٔ مصاحبه‌ها چه خواهیم کرد؛
 - مزایا و عوارض احتمالی شرکت در مصاحبه‌ها چیستند؛
 - با نتایج پژوهش چه خواهیم کرد؛
 - چه کسی پروژه را تأمین مالی می‌کند؛
 - جزئیات تماس برای اطلاعات بیشتر.
- اگر آنها با شرکت در پروژه موافقت می‌کردند، فرم موافقت را پر یا امضاء و ارسال می‌کردند یا هنگام مصاحبه، فرم کامل شده را به من می‌دادند یا جلوی من پر می‌کردند. فرم موافقت به این شرح بود:

فرم موافقت گفتگو دربارهٔ مسائل الکل در مشاوره‌های درمانی پزشکان عمومی
لطفاً در صورت موافقت، پاسخ خود را با بله مشخص نمایید.
- من موافق شرکت در مصاحبهٔ انفرادی برای پژوهش «گفتگو دربارهٔ مسائل الکل در مشاوره‌های درمانی پزشکان عمومی» هستم؛

- من موافق شرکت در مصاحبه گروهی برای تحقیق «گفتگو درباره مسائل الکل در مشاوره‌های درمانی پزشکان عمومی» هستم؛

- من موافق ضبط و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها هستم و می‌دانم که مطالب ضبط و پیاده‌شده، محرمانه تلقی و همواره با دقت و امنیت نگهداری خواهند شد و تنها اعضای تیم پژوهشی به آنها دسترسی خواهند داشت. همچنین می‌دانم نوارهای مصاحبه‌ها، ظرف شش هفته پس از پیاده‌سازی آنها، معدوم خواهند شد؛

- می‌دانم که هر زمان بخواهم، می‌توانم بدون هیچ دلیلی از تحقیق کناره‌گیری کنم.

نام: _____ تاریخ: _____

امضاء: _____

درست قبل از مصاحبه می‌پرسیدم که آیا سؤال دیگری درباره پروژه دارند و بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، سؤال‌های بسیار ریزی می‌پرسیدند.

همان‌گونه که این مثال‌ها نشان می‌دهند، برای هر پروژه لازم نیست که فرض‌های مهم نظری یا روش‌های تحلیل اطلاعات‌تان را توضیح دهید. لازم به ذکر است جزئیاتی که به شرکت‌کنندگان مختلف ارائه می‌کنید، متفاوت است. مهم‌تر از همه، کاربرد اطلاعات باید به شکلی روشن و قابل فهم - بدون دشواری فهم علمی یا ناخوانایی - باشد. با مرور پروژه «مصاحبه با مدیران صنعت ساختمان درباره نقش زنان»، هرگز کارهایی را که در این پروژه انجام دادم، تکرار نمی‌کنم. بر اساس قوانین کنونی، مشارکت‌کنندگان باید فرم موافقت را امضاء کنند. همچنین احساس می‌کنم که ارائه کاربرد اطلاعات پروژه، نه تنها اقدام اخلاقی پژوهشی مهمی است، بلکه مزیت‌های بالقوه‌ای برای پروژه شما دارد، چرا که مشارکت‌کننده احتمالی فرصت کافی برای تأمل درباره پروژه دارد. اگر به آنها متنی کاغذی یا دیجیتالی داده شود، به آنها کمک می‌کند تا با استفاده از متن در بحث با دیگران (مدیران، همکاران، دوستان و غیره) درباره

فصل سوم - اخلاق و ثبت داده‌ها ۷۵

پیامدهای احتمالی مشارکت در پروژه تأمل کنند؛ چرا که دیگران نیز می‌توانند سند را بخوانند. برخی از مزیت‌های این کار عبارتند از:

- هنگام نوشتن متن، ناگزیرید مجدداً دربارهٔ پروژه بیندیشید؛ ضرورت نوشتن متن به روشی روشن و قابل فهم، باعث می‌شود بر روی موضوع پروژه، طرح پژوهش و علت اهمیت پژوهش تأمل کنید؛

- این سند می‌تواند نوعی هویت یا مشروعیت حرفه‌ای به پروژه بدهد و بر تمایل دیگران برای شرکت در پروژه تأثیر بگذارد؛

- مشارکت‌کنندگان احتمالی می‌توانند با داشتن متن، بیشتر فکر کنند و این ممکن است به پرسیدن سؤال‌هایی جالب یا برخی اظهارنظرهای تأمل‌برانگیز دربارهٔ پژوهش شما بیانجامد. این اتفاق‌ها می‌توانند به منبعی بسیار مفید از اطلاعات بیشتر یا سؤال‌های پژوهشی بیشتر منجر شوند یا شما را وادارند که به دلیل روشن نبودن برخی بخش‌ها، کاربرگ اطلاعات پروژه را بازنویسی کنید.

پیش از شروع ضبط، ممکن است بخواهید به صورت برنامه‌ریزی‌شده شرکت‌کنندگان را به اظهارنظر دربارهٔ برخی ایده‌های موجود در برگهٔ اطلاعات برانگیزید. به این ترتیب، احتمالاً برگه اطلاعات، به سندی پویاتر و اطلاعات‌محور تبدیل می‌شود تا صرف یک اقدام صوری در جهت اخلاقی عمل کردن. با تشویق شرکت‌کنندگان به صحبت دربارهٔ ایده‌ها یا اطلاعات موجود در سند، همچون سؤال کردن از آنها دربارهٔ اینکه سؤال یا نگرانی‌ای دارند یا اینکه با آنها فقط دربارهٔ یکی از بخش‌های کاربرگ اطلاعات صحبت کنید، آنها احتمالاً نشان می‌دهند که واقعاً آن بخش را درست فهمیده‌اند یا خیر. گاهی، مشارکت‌کنندگان می‌گویند «کاربرگ، کاملاً روشن است» و شما می‌فهمید که آنها به این دلیل موافقت کرده‌اند که کار را علمی و دانشگاهی می‌دانند یا امیدوارند که ابهام‌ها در طول فرایند ضبط رفع شوند.

یکی از پیش‌فرض‌های کسب موافقت آگاهانه این است که مشارکت‌کننده بتواند

پیامدهای این موافقت را درک کند. گروه‌های خاصی در جامعه، مستقل نیستند؛ به این معنی که اختیار یا توانایی کافی برای درک موضوع را ندارند. این گروه‌ها شامل کودکان (در انگلیس، افراد کمتر از ۱۶ سال) و افراد کم‌توان ذهنی یا دارای بیماری‌های ذهنی (مانند آلزایمر یا اسکیزوفرنی) می‌شوند. نکته مهم در خصوص این گروه‌ها این است که باید از سرپرست قانونی (اغلب، یکی از والدین) یا خویشاوند نزدیک یا قیم اجازه بگیرید. در خصوص اغلب این دسته از مشارکت‌کنندگان، برای مثال، کودکان دبستانی، باید هم از والدین یا سرپرست قانونی آنها و هم از خودشان اجازه بگیرید. هنگام کار با این دسته از افراد ضعیف و آسیب‌پذیر، بهترین کار این است که با کارشناسان یا گروه‌های خبره در زمینه مربوطه یا کمیته‌های اخلاق پژوهش دانشگاه‌ها مشورت کنید. سرانجام، در خصوص برخی پروژه‌ها، برای مثال مطالعه فعالیت‌های روزمره در یک رستوران یا یک شرکت چاپ، احتمالاً از شما خواسته می‌شود که از محل بازدید و توضیحاتی مختصر به همه کارکنان ارائه دهید. به این ترتیب، شما نه تنها مزیت‌های پروژه را برای آنها توضیح و به سؤال‌هایشان پاسخ خواهید داد، بلکه فرایند کسب موافقت آگاهانه و رضایتمندانه را شروع می‌کنید.

باید چند دستورالعمل دیگر را در نظر داشته باشید:

- مطمئن شوید که شرکت‌کنندگان، تحت فشار (با اجبار)، اجازه مصاحبه نداده باشند؛

- در هیچ‌گونه ضبط مصاحبه‌ای که شرکت‌کننده اکراه دارد، شرکت نکنید.

یک شکل فشار ممکن است تاکتیک‌های شما برای بهره‌گیری از افراد در مصاحبه باشد. من اغلب هنگام تلاش برای جلب موافقت مشارکت‌کنندگان در ضبط صدا یا تصویر با حساسیت و وسواس زیادی عمل می‌کنم. درباره شیوه‌ای که می‌خواهید دیگران را متقاعد کنید با دقت عمل کنید و در حالت مطلوب، اجازه آنها را پیش از آغاز مصاحبه دریافت کنید.

فصل سوم - اخلاق و ثبت داده‌ها ۷۷

شما باید از فشارهای احتمالی که در ضبط تعامل‌های بین پزشکان و غیرپزشکان، برای مثال جلسه‌های مشاوره یا مصاحبه‌های شغلی، بروز می‌کند، آگاه باشید. در ابتدایی‌ترین سطح، دو گونه کنش ممکن است رخ دهد؛ پزشک ممکن است تصور کند که مشارکت‌کننده با ضبط موافق است و اغلب به‌طور غیرمستقیم از طریق صحبت با آنها و گفتن اینکه «ما چیزی برای پنهان کردن نداریم» فشار زیادی را بر آنها وارد کند. در مقابل، غیرپزشکان ممکن است احساس کنند که در صورت مخالفت با مصاحبه ممکن است در تعامل با پزشک، دچار مسئله شوند و تا حدودی کنش‌های پزشک در قبال خودشان را تغییر دهند. در حالت مطلوب، باید به مشارکت‌کنندگان امکان دهید با شما به‌طور مستقیم در تماس باشند، به‌گونه‌ای که اگر پس از ضبط، نظرشان تغییر کرد، به‌طور مستقیم با شما صحبت کنند و از شما بخواهند که مطالب ضبط شده را از بین ببرید. همچنین در برگه‌های اطلاعات و هنگام گفتگو با آنها باید تأکید کنید که موافقت یا عدم موافقت با مصاحبه، در تعامل با آنها تأثیری نخواهد گذاشت.

یک رهنمود دیگر، مربوط به دانستن زمان توقف ضبط است:

- اگر ضبط، تأثیر منفی بر مشارکت‌کنندگان یا فرایند پژوهش می‌گذارد یا اگر مشارکت‌کنندگان از شما خواستند، ضبط را متوقف کنید. اگر کسی از شما خواست ضبط را متوقف کنید، بی‌درنگ دستگاه را خاموش کنید. با این حال، دانستن اینکه چه هنگام، چه چیزی تأثیر منفی دارد، موضوعی است که نیازمند هوشمندی در قضاوت است و باید در این زمینه هشیار باشد. هنگام کار بر روی یک گروه متمرکز، یکی از مشارکت‌کنندگان بسیار احساساتی شد و شروع به استفاده از الفاظ نامناسب کرد. یک لحظه فکر کردم او ممکن است به دیگر افراد گروه آسیب بزند، پس از اینکه من و مشارکت‌کنندگان در گروه، وضعیتمان را تغییر دادیم، ضبط را متوقف کردیم، سپس او آرام گرفت و فضا را ترک کرد. پس از آن به سراغش

رفتم. فارغ از جایگاه پژوهشی‌ام، ضمن گفتگویی طولانی با او، به ماجرایش گوش دادم. اگرچه این قضیه، موردی حاد به شمار می‌رود، اما این‌گونه رفتارهای احساسی کم اتفاق نمی‌افتند. افراد ممکن است تحت تأثیر یک موقعیت، خویشتن‌داری خود را از دست بدهند. در تعامل‌های پژوهشی (مانند مصاحبه‌ها یا گروه‌های متمرکز)، گاهی، فضا یا محیط، حالت مشاوره‌ای پیدا می‌کند که افراد اطلاعات بسیار خصوصی خود را ارائه می‌کنند. وظیفه شما نیست که نقش مشاور را ایفا کنید، بلکه وظیفه شما این است که از پیامدهای احتمالی کنش‌هایتان – به‌ویژه هنگام پژوهش در خصوص مسائل احساسی یا عاطفی – آگاه باشید. ممکن است لازم باشد به اطلاعات تماس خدمات تخصصی یا گروه‌های پشتیبانی پزشکی دسترسی داشته باشید.

سه نکته دیگر را باید در نظر داشته باشید:

- بدون اجازه، از مطالب ضبط شده برای مقاصد غیر از آنچه اجازه و موافقت آنرا گرفته‌اید، استفاده نکنید؛
 - مطمئن شوید که مطالب ضبط‌شده، حاوی مسائل خصوصی و مربوط به آبرو و اعتبار مشارکت‌کننده نباشد؛
 - سازوکارهای امنیتی مناسبی برای نگهداری مطالب ضبط‌شده به‌کار بگیرید.
- راهی که معمولاً به دستیابی به هدف‌های یادشده کمک می‌کند، اطمینان دادن به همه مشارکت‌کنندگان است که همه اطلاعات، محرمانه تلقی خواهد شد و نامی از آنها در هیچ‌گونه متن پیاده شده یا گزارش پژوهشی ذکر نخواهد شد. محرمانگی و ناشناختگی معمولاً از راه‌های ذیل به دست می‌آید:
- هرگز فاش نکردن اطلاعات شخصی مشارکت‌کنندگان، هنگام صحبت با دیگران، به‌جز اعضای تیم پروژه؛

فصل سوم - اخلاق و ثبت داده‌ها ۷۹

- حذف هرگونه اطلاعات موجود در متن‌های پیاده شده یا گزارش‌های پژوهش که معرف دقیق مشارکت‌کنندگان یا محل دقیق پروژه باشد. به‌طور کلی، این نکته باید در مورد نام‌ها و مکان‌های واقعی رعایت شود. شما ممکن است هنگامی که مشارکت‌کنندگان یا محل پژوهش خود را از میان اجتماعی کوچک انتخاب می‌کنید، با مشکل مواجه شوید. برای مثال، یکی از همکارانم هنگام تحقیق درباره سازماندهی اجتماعی یک گروه ترویج دستورات عمل‌های درمانی (یک گروه چندرشته‌ای که کیفیت شواهد پژوهشی در زمینه یک وضعیت پزشکی خاص را ارزیابی و دستورات عمل‌های دولتی لازم را برای اجرای مهم‌ترین فعالیت‌ها صادر می‌کند) مجبور شد استنادها به برخی موقعیت‌ها، مقاله‌های پژوهشی، درمان‌ها و داروهای خاص گروه مصاحبه‌شده را حذف کند. اگر هر یک از این استنادها، حذف نمی‌شد، همه افراد جامعه پزشکی، دقیقاً گروه پژوهش شده را می‌شناختند. به‌طور مشابه، در خصوص پروژه حضور زنان در صنعت ساختمان، چون زنان معدودی در شرکت‌های مهم صنعت ساختمان، در سطوح عالی فعالیت می‌کنند، به ناچار استنادهای مربوط به اندازه و دامنه فعالیت شرکت‌هایی که مشارکت‌کنندگان درباره آنها صحبت کرده بودند را حذف کردم. هنگام انتشار نوارهای ویدئویی یا عکس‌ها، ناشناس ماندن دشوار است. محققان، اغلب چهره مشارکت‌کنندگان را کاملاً محو یا شطرنجی می‌کنند؛

- نگه‌داشتن همه نوارهای ضبط شده و نسخه‌های اطلاعاتی که معرف مشارکت‌کنندگان است (مانند فرم‌های موافقت و سوابق همکاری) در کشورها یا قفسه‌هایی امن. با توجه به فناوری امروز، این موضوع شامل نگهداری همه فایل‌ها یا اسناد الکترونیکی مربوط در فایل‌ها یا سرورهای امن است که جز شما فقط تیم پژوهش به آن دسترسی داشته باشد؛

- نوارهای ضبط‌شده تنها برای تیم پژوهش پخش گردد. لازم به ذکر است که در

۸۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

برخی پروژه‌های پژوهشی، تیم پژوهش برای پخش نوارها در محیط‌های دیگر، مانند نشست‌های علمی، یا کارگاه‌ها، ارائه‌ها یا همایش‌های علمی یا کلاس‌های دانشگاه، موافقت شرکت‌کنندگان را می‌گیرند. اخیراً به دلیل دغدغه آرشوسازی داده‌های کیفی برای فعالیت دیگر پژوهشگران، برخی محققان اجازه استفاده محققان دیگر تیم‌های پژوهشی از متن‌های پیاده‌شده را نیز می‌گیرند. مهم این است که هنگام گرفتن موافقت مکتوب مشارکت‌کننده، باید روشن باشد که چه نوع استفاده‌ای از مطالب ضبط شده صورت خواهد گرفت.

ضمن رعایت حرمت و شأن مشارکت‌کنندگان، باید به این موضوع نیز فکر کنید که گردآوری چه اطلاعاتی برای پروژه شما، اهمیت اساسی دارد. برای مثال، هنگام ضبط گفتگوهای برخی پزشکان و بیماران، دوربین را به گونه‌ای گذاشتیم که تنها تصویر میزی در اتاق مراجعه، را می‌گرفت و از تختی که بیماران روی آن دراز می‌کشیدند، تصویر نمی‌گرفت. بدین ترتیب، توانستیم بخشی از محرمانه ماندن و رعایت حرمت بیماران را به حداکثر برسانیم و آنها به ندرت ناچار شدند برهنه، نیمه‌برهنه، با پوشش یا بدون پوشش در مقابل دوربین ظاهر شوند.

در خصوص برخی گروه‌ها (به‌ویژه کودکان)، محرمانه ماندن صحبت‌های مشارکت‌کنندگان را به دلیل بروز برخی مسائل حقوقی نمی‌توان تضمین کرد. برای مثال، کودکی در مصاحبه ممکن است بدرفتاری والدین یا سرپرستان خود یا کودک دیگری را یا فعالیت‌های غیرقانونی آنها مانند سرقت یا مصرف موادمخدر را فاش کند. شما باید پیشاپیش مطمئن شوید که در صورت بروز چنین مسائلی، محرمانگی را به‌طور کامل حفظ خواهید کرد. بدیهی است که این به موضوع پژوهش بستگی دارد. اگر پژوهش شما به بررسی تجربه کودکان در زمینه مصرف موادمخدر یا الکل می‌پردازد، حفظ محرمانگی کامل را به کودکان تضمین می‌دهید. به‌طور کلی، اگر شما با این‌گونه

معضلات اخلاقی برخورد کردید، باید با سرپرست یا مدیر خود یا کارشناسان مربوط در این زمینه مشورت کنید.

ضبط در فضاهای عمومی

هنگام ضبط در فضاهای عمومی، معمولاً باید دستورالعمل‌های گوناگونی را دنبال کنید. اگر افرادی که از آنها تصویر می‌گیرید در یک بازار خرید، بخش پذیرش یک بیمارستان بزرگ یا در ایستگاه قطار باشند، چگونه می‌توانید موافقت آگاهانه آنها را برای تصویربرداری بگیرید؟ در چنین مواردی، چه بسا گرفتن موافقت تک‌تک افراد، به علت تعداد زیاد افرادی که ناگهان وارد فضای تصویربرداری می‌شوند، غیرممکن است. در چنین وضعی، باید رویه‌های گوناگونی را در پیش بگیرید. لازم به ذکر است که هیچ‌یک از این فضاها، به یک معنی، «عمومی» نیستند: بازارهای خرید، در مالکیت شرکت‌ها هستند، بخش پذیرش بیمارستان‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن، تحت نظارت یک سازمان هستند، حتی پارک‌های عمومی هم در مالکیت و نظارت شوراهای محلی [یا شهرداری‌ها] هستند. در چنین مواردی، شما معمولاً باید پیش از هرگونه تصویربرداری، از سازمان مربوط مجوز لازم را بگیرید. کاری که باید انجام دهید به فضای خاصی که می‌خواهید تصویربرداری کنید، اهداف شما از تصویربرداری و خواسته‌های سازمان مربوط بستگی دارد. برای مثال، «فُنْ لِهْمُ» و همکارانش، علاقه‌مند به اجرای پژوهشی در خصوص رفتار مردم در موزه‌ها و نگارخانه‌ها، به‌ویژه در مورد شیوه تماشا کردن و توجه به اشیاء به نمایش گذاشته شده و تعامل با دیگر تماشاگران بودند. او از مدیران موزه اجازه گرفته بود، با این حال ملزم شده بود علامت‌های بزرگی را کنار دوربین بگذارد تا مردم هنگام ورود متوجه تصویربرداری بشوند. در امریکا، پیش از هرگونه فیلمبرداری در فضاهای عمومی، باید از یک کمیته اخلاق، مجوز ویژه بگیرید.

ملاحظات پایان فصل

امیدوارم همه نکات ذکر شده روشن باشند؛ اما اینکه آنها چه ارتباطی با پژوهش شما دارند، به ویژگی‌های پژوهش شما بستگی دارد. تأمل درباره پیامدهای اخلاقی پژوهش‌تان، هرگز الزام یا مانعی بروکراتیک یا سازمانی نیست و برای هر پروژه‌ای از اهمیت اساسی برخوردار است. لازم است هرکس می‌خواهد پژوهشی انجام دهد، باید به افرادی که در پژوهش شرکت دارند، احترام بگذارد (و این احترام را با رفتار خود در طول پژوهش نشان دهد). اگر می‌خواهید پیامی را منتقل کنید، در خصوص پیامدهای کنش‌ها و رفتارهای خود حساس و هشیار باشید. با همه تدابیر احتیاطی که در این بخش ذکر کردم، می‌خواهم بگویم بیشتر اوقات، مردم از ضبط گفتگوهایشان با شما درباره کارهایشان، خوشحالند. فقط به‌خاطر بسپارید که اطلاعات روشن به آنها بدهید و از آنها اجازه بگیرید. مهم‌تر از همه با شرکت‌کنندگان در پروژه‌تان با احترام برخورد کنید، آنها «داده صرف» نیستند.

نکات مهم فصل

- وظیفه شماست که از دستورالعمل‌های مربوط، آیین‌نامه‌ها یا نظام‌نامه‌های فعالیت اخلاقی که ناظر بر پژوهش شماست، اطلاعات کسب کنید؛
- پژوهش شما نباید هیچ‌گونه آسیب یا خطری جسمی یا روانی برای مشارکت‌کنندگان ایجاد کند. هر کسی که در پژوهش حضور می‌یابد، باید از مشارکت در پژوهش، اطلاع داشته باشد، موضوع پژوهش و نیز موافقت‌نامه مشارکت در پژوهش را درک کند؛
- هرگز خود را در موقعیت‌های بالقوه خطرناک قرار ندهید.

منابع تکمیلی

منابع ذیل، با جزئیات بیشتری مسائل اخلاقی را به‌طور عام یا در مورد روش‌ها یا رویکردهایی خاص بررسی کرده‌اند:

- Barbour, R. (2007) *Doing Focus Groups* (Book 4 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Economic and Social Research Council (2005) "ESRC Research Ethics Framework". Online at <http://www.esrc.ac.uk/ref>; accessed on 21 feb. 2006.
- Flick, U. (2007a) *Designing Qualitative Research* (Book 1 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Kelly, M. and Ali S. (2004) *Ethics an social research*, in C. Seale (ed), *Researching Society and Culture* (2nd ed.). London: Sage, pp. 115-28.
- Ryan, A. (2005) *Ethical issues* in C. Seale, G. Gobo, J.F. Gubrium and D. Silverman(eds), *Qualitative Research Practice*. London: Sage, pp.230-47

فصل چہارم

مسائل عملی ضبط

مسائل عملی ضبط

- ابزار ضبط

- چگونه بفهمید چه چیزی را باید ضبط کنید؟

- مسائل عملی مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز

- مسائل عملی قوم‌نگاری‌های شنیداری دیداری

- ملاحظات پایان فصل

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- درباره برخی معضلات عملی، از جمله اینکه چه چیزی را ضبط کنید، چگونه

ضبط کنید و چه بخش‌هایی از نوار را با چه سطحی از جزئیات پیاده کنید، بیشتر

بدانید؛

- بدانید که هیچ پاسخ قطعی و مشخصی برای این مسائل وجود ندارد و بیشتر به

تناسب رویکرد تحلیلی شما با موضوع پژوهش تان بستگی دارد؛
- برخی نکات اساسی را که به شما در تصمیم‌گیری‌های خاص کمک می‌کنند، بدانید؛
- بدانید که هر کاری انجام می‌دهید سریعاً از طریق مثلاً دوربین تصویربرداری و دفترچه یادداشت شما وارد فرایند تحقیق نمی‌شود و همه چیز مطابق برنامه‌ریزی دقیق شما پیش نخواهد رفت.

ابزار ضبط

بخشی از ابزارهای بسیار حیاتی، وسائل ضبط است. معمولاً شما به این ابزارها نیاز دارید:

- دستگاه ضبط صوت یا دوربین تصویربرداری؛
- نوارهای صوتی یا تصویری (و چند نوار اضافی)؛
- باتری اضافی (احتیاطی)؛
- میکروفن(ها)؛
- دفتر یادداشت و خودکار؛
- دانش عملی کافی درباره اینکه چگونه با این تجهیزات کار کنید.

آخرین مورد این فهرست، بسیار مهم است. اگر شما درباره کار کردن با این ابزارها مطمئن نباشید، در طول کار دچار نگرانی خواهید شد. حتی زمانی که شما واقعاً با نحوه کار کردن با آنها آشنا هستید، همچنان احتمال دارد اشتباه‌های ساده‌ای انجام دهید. من تاکنون در ضبط حداقل بخشی از یک گروه متمرکز یا مصاحبه، اشتباه نکرده‌ام؛ اما در بخشی از یک مصاحبه، دکمه توقف را زده بودم. همچنین گاهی بعضی وسائل ضبط را شکسته‌ام و میکروفن را در خروجی اشتباه قرار داده‌ام (و مجبور به پیاده‌سازی صدای بسیار پایین نوار شده‌ام).

در حال حاضر، دستگاه‌های ضبط صدا و دوربین‌های تصویربرداری، بسیار متنوعی

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۸۹

وجود دارند. قصد ندارم مدل‌های خاصی را که شما استفاده می‌کنید، معرفی کنم، بلکه می‌خواهم نقاط قوت و ضعف انواع مختلف دستگاه‌های ضبط را توضیح دهم.

دستگاه ضبط صوت

این دستگاه‌ها هنوز کاربرد دارند. شما باید همواره یک میکروفن خارجی (متصل‌شونده) را آزمایش و متصل کنید. برخی دستگاه‌های ضبط‌صوت، میکروفن سرخود دارند؛ اما من هرگز از این نوع استفاده نمی‌کنم، چون اغلب صداهای محیطی را نیز می‌گیرند. همچنین باید آگاه باشید که با توجه به محدود بودن ظرفیت نوار صدا، باید گاهی اوقات، ضبط را متوقف کنید و مجدداً از سر بگیرید. این کار را باید در بیشتر گروه‌های متمرکز (و برخی مصاحبه‌های عمیق) انجام دهید. در حال حاضر، می‌توان از دستگاه‌های کمکی پیاده‌سازی برای پیاده کردن نوارهای صوتی استفاده کرد.

دستگاه ضبط مینی دیسک

این دستگاه‌ها، معمولاً با کیفیت بیشتر و شفاف‌تری از ضبط صوت، صدا را ضبط می‌کنند. چون بیشتر این دستگاه‌ها، میکروفن داخلی ندارند، شما باید از میکروفن خارجی (متصل‌شونده) استفاده کنید. آنها همچنین امکان ضبط مدت طولانی‌تری را بر روی هر دیسک فراهم می‌کنند، بنابراین مجبور نیستید ضبط را متوقف و دیسک را تعویض کنید. دشواری کار با این روش، از این مسئله ناشی می‌شود که دستگاهی برای پیاده‌سازی مینی‌دیسک‌ها طراحی نشده است. این، بدین معناست که باید دوباره صدا را روی نوار صوتی ضبط کنید (تا امکان پیاده‌سازی آن فراهم شود) یا ابزاری داشته باشید که دیسک را روی رایانه دانلود نماید (تا از یک پیاده‌ساز رایانه‌ای استفاده کنید).

ضبط صوت دیجیتال یا هارد دیسک

این دستگاه‌ها مستقیماً صدا را روی یک تراشه رایانه‌ای درون یک دستگاه، ضبط می‌کنند و کیفیت ضبط آن بسیار عالی است. آنها اغلب میکروفن‌های داخلی بسیار

۹۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

باکیفیتی دارند، بنابراین قبل از شروع کار از ضروری بودن یا نبودن میکروفن خارجی مطمئن شوید. این دستگاه‌ها مانند دستگاه ضبط مینی‌دیسک، زمان زیادی را ضبط می‌کنند، بنابراین شما نباید درباره ضبط نشدن هیچ‌یک از گفتگوها یا مصاحبه‌هایتان نگران باشید. این دستگاه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که مستقیماً به رایانه متصل می‌شوند به‌گونه‌ای که می‌توان فایل‌های صوتی را بسیار سریع و آسان روی حافظه رایانه ریخت و ذخیره کرد. مطالب ضبط‌شده با پخش‌کننده‌های رایانه‌ای، قابل پخش است. تنها نقطه‌ضعف این دستگاه‌ها در مقایسه با دیگر دستگاه‌های ضبط صدا، بهای بالاتر آن است. اکنون به‌طور روزافزونی، بسیاری از افراد از پخش‌کننده‌های MP3 برای پخش موسیقی و نیز ضبط صدا استفاده می‌کنند.

دوربین‌های تصویربرداری

شما می‌توانید یکی از این گزینه‌ها را انتخاب کنید:

۱. دستگاه‌های آنالوگ؛ تصویر را روی نوارهای وی‌اچ‌اس یا Hi8 ضبط می‌کنند؛
۲. دستگاه‌های دیجیتالی؛ تصویر را روی نوارهای مینی‌دی‌وی، کارت حافظه یا دی‌وی‌دی ضبط می‌کنند.

اگرچه برخی دوربین‌ها، میکروفن‌های نسبتاً خوبی دارند، معمولاً لازم است از میکروفن‌های اکسترنال استفاده شود. برخی اوقات، ممکن است از عدسی‌های با زاویه بازتر (که به لنز دوربین‌تان می‌بندید) و یک سه‌پایه استفاده کنید. برای پیاده و تحلیل کردن مطالب ضبط شده، می‌توانید از دستگاه پخش ویدئو استفاده کنید یا آنها را روی رایانه بریزید. اگر از دستگاه پخش استفاده می‌کنید، اغلب باید بتوانید بر روی فریم خیلی ثابت (نه تیره و لرزان) تصویر را نگهداری و امکانات مناسب برای پخش با دور کند داشته باشید. دوربین‌های تصویربرداری دیجیتال، اخیراً به امکانات بیشتری مجهز شده‌اند و تصاویر باکیفیت‌تری می‌گیرند. تصاویر این دوربین‌ها، هنگام تماشای

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۹۱

فریم‌های ثابت یا پخش با دور کُند، ثبات بیشتری (لرزش کمتری) دارند.

میکروفن‌های خارجی (متصل‌شونده)

این میکروفن‌ها معمولاً به دو دسته چندجهته و یکجهته تقسیم می‌شوند. یکجهته همان‌گونه که از اسمش برمی‌آید، یعنی صداهای یک جهت کلی (غالباً صداهای شعاع ۹۰ تا ۱۲۰ درجه)، را ضبط می‌کند. در حالی که میکروفن چندجهته، صداهای شعاع ۳۶۰ درجه را ضبط می‌کند. در ضبط صدای مصاحبه‌های چهره‌به‌چهره، میکروفن یکجهته کارآمد است، در حالی که در ضبط صدای گروه‌های متمرکز و رویدادهای طبیعی، باید از میکروفن‌های چندجهته استفاده کنید. همچنین می‌توانید از دستگاه‌هایی استفاده کنید که دو میکروفن چندجهته داشته باشند. این دستگاه‌ها برای ضبط گروه‌های متمرکز بزرگ یا جلساتی که فقط یک دستگاه ضبط دارند، مفیدند چرا که می‌توان آنها را در گوشه‌ای از اتاق یا میز گذاشت.

مرور صورت گرفته بر دستگاه‌های ضبط در دسترس، به هیچ‌وجه مبسوط یا حاوی جزئیات نیست اما نکاتی را برای ملاحظه در اختیارتان قرار می‌دهد. اغلب متوجه خواهید شد که انتخاب دستگاه ضبط به این بستگی دارد که دنبال چه چیزی در محیط پژوهش یا کارتان می‌گردید، چقدر می‌خواهید هزینه کنید، دوستان و همکاران شما معمولاً از چه چیزی استفاده می‌کنند یا چه دستگاهی را به شما پیشنهاد می‌کنند. نباید نگران باشید، فقط پیش از استفاده در پژوهش، با دستگاه کار کنید و درباره محدودیت‌های هر دستگاه، اطلاعات لازم را کسب کنید.

چگونه بفهمید چه چیزی را باید ضبط کنید؟

چه بسا شما از قبل ایده‌هایی دارید. ادبیات موضوع را مطالعه کرده‌اید، یافته‌ها و دریافت‌هایی داشته‌اید؛ دریافته‌اید که شکافی در ادبیات موضوع وجود دارد یا موضوعی هست که باید از زاویه متفاوتی بررسی شود. دیگران، طرح پروژه شما را

مطالعه کرده‌اند - همکاران، سازمان‌های پشتیبان مالی، مدیران، دوستان، کمیته‌های اخلاقی، نمایندگان گروه یا سازمان پژوهشی شما - و با علاقه، توصیه‌هایی را درباره اینکه چه اطلاعاتی را، چگونه و چه زمانی گردآوری کنید، ارائه کرده‌اند. اقدامات بعدی شما به منبع (منابع) داده‌های ضبطی شما بستگی دارد. بدیهی است که مسائل عملی ضبط یک مصاحبه چهره‌به‌چهره با مسائل عملی ضبط یک قوم‌نگاری تصویری درباره فعالیت یک دفتر حقوقی، متفاوت است. من در ادامه می‌خواهم بحث را به دو حوزه تقسیم کنم: نخست می‌خواهم به‌طور مختصر مطالب ضبط‌شده به اصطلاح «پژوهشگرساخته^۱» یعنی مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز را بررسی کنم. (برای مطالعه تفصیلی‌تر به کوال، ۲۰۰۷ و باربور، ۲۰۰۷ از بسته روش تحقیق سیج رجوع کنید) سپس به تعامل‌های طبیعی رخ داده، شامل نوارهای ضبط‌شده شنیداری یا دیداری و قوم‌نگاری می‌پردازم. همان‌گونه که در فصل پیش ذکر کردم، تقسیم‌بندی بین داده‌های پژوهشگرساخته و طبیعی، بسیار دشوار است و از این رو ممکن است گمراه‌کننده باشد اما اکنون به جهت سهولت بحث، همین تقسیم‌بندی را می‌پذیرم. می‌خواهم برای هر یک، سه فعالیت مرتبط با یکدیگر را بررسی کنم: «گزینش^۲ مشارکت‌کنندگان»، تهیه فهرست موضوعی و موقعیت‌های واقعی ضبط.

مسائل عملی مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز

گزینش مشارکت‌کنندگان

هنگام تولید داده‌های مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز، معمولاً گزینش مشارکت‌کنندگان، پرچالش‌ترین جنبه کار است. آگاه باشید که این کار ممکن است بسیار کند و پیچیده باشد. با این حال، فرایند یافتن مشارکت‌کنندگان و تنظیم مصاحبه‌ها یا گروه‌های

1. Researcher-initiated
2. Recruitment

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۹۳

متمرکز، هم روشن و هم در نتایج پژوهش شما بسیار تأثیرگذار است. «روبین»^۱ و «روبین» (۱۹۹۵) چهار زمینه مهم را درخصوص گزینش مشارکت‌کنندگان ذکر می‌کنند:

- یافتن مشارکت‌کنندگان صاحب دانش؛

- گرفتن دیدگاه‌های گوناگون؛

- آزمودن موضوعات نوپدید با طرح آنها برای مشارکت‌کنندگان جدید؛

- انتخاب مشارکت‌کنندگان برای بسط یافته‌ها.

همه اینها غایت‌های بسیار ارزشمندی هستند. با این حال، در عمل ممکن است فرایند کار تا حدودی متفاوت باشد - گزینش شرکت‌کنندگان نیز مانند بسیاری چیزها معمولاً برنامه‌ریزی نشده و تصادفی رخ می‌دهد.

در عمل، ممکن است مسائل گزینش مشارکت‌کنندگان بسیار متفاوت باشند. هنگام ارزیابی مشارکت‌کنندگان احتمالی باید مسیرهای متعددی را دنبال کنید؛ اغلب در آغاز به جلسات تصادفی، دوستان و همکاران و سپس به تماس‌های دیگر مصاحبه‌شوندگان یا شرکت‌کنندگان گروه متمرکز اتکا می‌کنید (به این کار اغلب، «نمونه‌گیری گلوله برفی»^۲ گفته می‌شود). تلاش برای کسب دیدگاه‌های متنوع درباره موضوع پژوهش‌تان حائز اهمیت است، چرا که همان مشارکت‌کنندگان معدود که دیدگاه‌های بسیار متفاوت و متعارضی دارند، اغلب ممکن است باعث تغییر نظریه‌های شما شوند. مهم‌تر از همه، یادداشت‌برداری‌های میدانی درباره فرایند گزینش و ذکر آنها در گزارش‌های پژوهش، حائز اهمیت زیادی است، چرا که تبیین شیوه دسترسی به مشارکت‌کنندگان و گزینش آنها، برای فهمیدن برخی نتایج پژوهش، از اهمیت اساسی برخوردار است. برای مثال،

1. Rubin

۲. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی (snowball sampling) در این شیوه نمونه‌گیری پس از انتخاب افرادی با ویژگی‌های خاص، با آنها مصاحبه یا از آنها خواسته می‌شود پرسشنامه‌هایی را پاسخ دهند سپس نام دیگر افرادی که همان خصوصیات را دارند از آنها سؤال می‌شود. (سفیری، خدیجه، روش تحقیق کیفی، انتشارات پویش: ۶۰-۵۹) م

هنگام تلاش برای گزینش پزشکان عمومی به منظور گفتگو دربارهٔ تعامل آنها با بیمارانی که مسائل الکلی دارند، یکی از آنها به من گفت: «این موضوع مهمی است، اما من نمی‌خواهم به پزشکی مشهور شوم که در حرفه‌اش به مسائل مربوط به الکل، علاقه‌مند است.» مسئله او برای شرکت در پژوهش و نگرانی او از اینکه همکارانش بیماران دارای مسائل الکلی را نزد او بفرستند، نشان‌دهنده موضوعی گسترده‌تر است که اکثر پزشکان عمومی، در تعامل با بیماران دارای مسائل مربوط به الکل، کارشان به کشمکش و دعوا می‌انجامد. این گفتمان - کشمکش پیوسته - موضوع اصلی مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز دیگر نیز بود.

ایجاد فهرستی از سؤال‌ها و موضوع‌ها

هنگامی که مصاحبه‌ها یا گروهی متمرکز ترتیب یافت و کاربرگ‌های اطلاعات مربوط و نیز فرم‌های موافقت فرستاده شد، باید در این خصوص تأمل کنید که چه موضوع‌هایی را می‌خواهید با هر مصاحبه‌شونده یا گروه متمرکز به بحث بگذارید. امیدوارم شما از پیش، یک راهنمای موضوعی یا طرح کلی آماده کرده باشید. فرق نمی‌کند که چه شیوه‌ای انتخاب کنید؛ چه یک طرح تایپ‌شده روی یک کاغذ با سربرگ رسمی و چه یک کاغذ دست‌نویس باشد، حتماً چیزی همراه خودتان داشته باشید که حاوی واژگان کلیدی یا سؤال‌های «خوب طراحی‌شده» باشد. همچنین ممکن است در گروه‌های متمرکز (و در برخی مصاحبه‌ها) بخواهید از منابع دیگری که پیشتر تهیه شده‌اند مانند عکس یا فیلم و غیره برای تمرکز یافتن و تسهیل بحث‌های گروه استفاده کنید.

محتوای سؤال‌ها، در ابتدا از طریق مطالعه ادبیات موضوعی علمی و غیرعلمی، به همراه تأمل‌ها و دریافت‌هایتان درباره اینکه چه زمینه‌های احتمالی برای طرح در مصاحبه مهم‌اند، شکل می‌گیرد. باید بدانید که ممکن است سؤال‌هایتان در طول پروژه

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۹۵

تغییر کنند. پرسش‌هایی که به مصاحبه‌ها یا گروه‌های متمرکز می‌برم، همواره تحت تأثیر مسائل مختلف تغییر می‌کنند. پرسش‌هایی که باید از فرد یا گروهی خاص بپرسم، پس از تعامل با او یا آنها از طریق گفتگوی تلفنی برای گزینش و نیز پس از برخی مطالعات یا شنیده‌ها درباره سؤال‌ها، تغییر می‌کنند. همچنین گفتگوهایم با همکاران پژوهشی‌ام، آنچه اخیراً مطالعه کرده‌ام، همایش‌هایی که شرکت کرده‌ام، مصاحبه‌ها یا گروه‌های متمرکز قبلی‌ام یا نتایج تحلیل‌های فعلی‌ام، نیز بر سؤال‌هایم تأثیر می‌گذارند.

می‌خواهم تأکید کنم که شما مجبور نیستید از سؤال‌هایی که در آغاز آماده کرده‌اید، استفاده کنید. نکته این است که باید صحبت‌های مشارکت‌کنندگان را دنبال کنید، آنها را همراهی و با آنها کار کنید و صحبت‌هایتان را شدیداً به طرح از پیش تعیین‌شده خود محدود نکنید. شما مجبور نیستید، پرسش‌های یکسانی را در هر دیدار بپرسید. شما در مصاحبه‌ها یا گروه‌های متمرکز گوناگون، اغلب درباره موضوعات گسترده‌ای صحبت می‌کنید؛ چه از طرف مشارکت‌کنندگان طرح شود یا خودتان آنها را مطرح کنید. این منطق اساسی مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز است که شما را قادر به گردآوری صحبت‌های متفاوت و مکمل درباره یک موضوع می‌کند.

ثبت

شما باید تصمیم بگیرید که چگونه می‌خواهید جلسه گفتگوی پژوهشی‌تان را ثبت نمایید. شما معمولاً این گزینه‌ها را در اختیار دارید:

- یادداشت‌برداری پس از جلسه؛

- یادداشت‌برداری حین جلسه؛

- ضبط صدای جلسه؛

- تصویربرداری از جلسه.

من همواره تلاش می‌کنم به دلایلی بسیار عمل‌گرایانه، صدا را ضبط کنم: می‌خواهم

با مشارکت‌کنندگان تعامل داشته باشیم، نمی‌خواهم مدتی سرم را پایین نگه‌دارم و به نوشتن مشغول باشم. همچنین نوار در مقایسه با یادداشت‌برداری، امکان ثبت بسیار دقیق‌تر تعامل‌های شفاهی را فراهم می‌کند. من می‌توانم نوار را مجدداً گوش دهم، گفتگو را پیاده کنم و سپس گزینشی بر اساس گفتگوها تحلیل‌های خودم را ارائه کنم. برخی افراد، از گروه‌های متمرکز تصویربرداری می‌کنند و برخی نیز مصاحبه‌های چهره‌به‌چهره (دونفره) را تصویربرداری می‌کنند، اما این‌گونه ضبط تصویر ممکن است مسائلی عملی را به بار آورد. سؤال اصلی که باید از خود پرسید، این است: آیا شما واقعاً به اطلاعات بیشتری که تصویر در اختیار شما قرار می‌دهد، نیاز دارید؟ برای اطمینان باید بدانید که تصویر از این مزایا برخوردار است:

- ثبت فعالیت غیرکلامی؛ همه ما معمولاً از حرکات‌ها و کنش‌های چهره و بدن برای تشریح معنی ایده‌ها یا موضوع‌های خاصی که می‌خواهیم به دیگران انتقال دهیم، استفاده می‌کنیم؛
- کمک به فرایند پیاده‌سازی؛ هنگامی که می‌خواهید جلسات گروه‌های متمرکز را فقط از روی نوار صوتی پیاده کنید، اغلب در تشخیص اینکه دقیقاً چه کسی، در حال صحبت درباره موضوعی خاص است، با مشکل مواجه می‌شوید. اغلب هنگامی که اطلاعات تصویری گوینده را هم در اختیار داشته باشید، این کار، آسان‌تر صورت می‌گیرد.

البته، تصویربرداری، هزینه‌های احتمالی مختلفی دارد:

- ممکن است مشارکت‌کنندگان با وجود دوربین، تمایل چندانی به مشارکت در جلسه نداشته باشند. برخی مشارکت‌کنندگان احساس می‌کنند تصویربرداری، خیلی مزاحم است و ضبط صدا، بیشتر به ناشناس ماندن آنها کمک می‌کند؛
- ممکن است زمان زیادی طول بکشد تا مشارکت‌کنندگان با تجهیزات

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۹۷

تصویربرداری خو بگیرند. به نظر می‌رسد که مردم، زمان کمتری برای فراموش کردن وجود دستگاه ضبط صوت نیاز دارند تا دوربین تصویربرداری، مخصوصاً دوربینی که تصویربردار آن، پیوسته در حال فعالیت است؛

- یک همکار پژوهشگر برای کار با دوربین تصویربرداری، مورد نیاز است.

همواره یافتن جایی مناسب برای گذاشتن (کاشتن) دوربین به‌گونه‌ای که همه شرکت‌کنندگان (و پژوهشگر) در میدان دید دوربین قرار گیرند، دشوار است. این ممکن است به علت شکل اتاق، جایی که افراد نشسته‌اند یا اندازه گروه باشد. در چنین مواردی، شما تنها می‌توانید دوربین را در جایی قرار دهید که بهترین شات (نمای) ممکن را بگیرد یا اینکه چند دوربین داشته باشید یا از فردی بخواهید پیوسته با آن کار کند.

اینکه فواید تصویربرداری بر هزینه‌های آن می‌چربد یا خیر، تا حد زیادی به پرسش‌های پژوهش شما بستگی دارد. شما باید همواره از خود بپرسید که آیا استفاده از دوربین، مخصوصاً با در نظر گرفتن مشکلات مربوط به حریم خصوصی مشارکت‌کننده، ضروری است؟ فرق نمی‌کند که شما جلسه خود را با نوار صوتی یا از طریق تصویربرداری ضبط می‌کنید، شما باید به فکر تکمیل مشاهده‌ها یا برداشت‌های خود درباره آن جلسه پژوهشی باشید: گفتگو یا کنش‌های واقعاً جالب و مرتبط، نوعاً پیش یا پس از خاموش شدن دستگاه ضبط صورت می‌گیرند. من همواره در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از اینکه خودم یا شرکت‌کنندگان، محل پژوهش را ترک می‌کنیم، یادداشت برمی‌دارم.

من معمولاً توصیفی از رویدادها را در مراحل ذیل ثبت می‌کنم:

- در مراحل اولیه پیش از روشن شدن دستگاه ضبط؛

- در طول ضبط؛

- پس از خاموش شدن دستگاه ضبط.

هر کاری می‌کنید، حتماً پس از جلسه در سطح معقولی یادداشت بردارید، چرا که شما نکته‌های ریز و ظریف را فراموش خواهید کرد. من معمولاً دست و پا شکسته، همه نکات یا اصطلاحات مهمی را که می‌توانم به‌خاطر بیاورم، یادداشت می‌کنم و بعداً در همان روز یا روز بعد، آنها را تکمیل می‌کنم. گزارش توصیفی نهایی، ممکن است در جزئیات متفاوت باشد؛ از یک پاراگراف مربوط به هر بخش (پیش، هنگام و پس از ضبط) تا توصیف‌های بسیار مبسوط‌تر و مشروح‌تر. این توصیف‌ها گاهی می‌تواند ادراک شما از جلسه ضبط‌شده را افزایش دهد. برای مثال، در مصاحبه با صاحب یک قهوه‌فروشی، هنگامی که می‌خواستیم درباره تمایلات جنسی او سؤال کنیم، او با لحنی بسیار آرام صحبت کرد. پس از مصاحبه، هنگامی که محل را ترک کردیم، او نوشت: «اینجا محیط کوچکی است و من نمی‌خواهم باعث نگرانی مشتریان آینده‌ام شوم.» سخن گفتن درباره موضوع یاد شده در چنین فضایی عمومی برای این مصاحبه شونده، مسئله‌ساز بود و این امکان برای من فراهم شد تا درک کنم که چرا موضوع گفتگو، ناگهان تغییر یافت. من و او بعداً درباره این موضوع و قواعد مربوط به جنسیت و فضای کسب و کار او گفتگو کردیم، که به من در کسب شناختی دقیق‌تر از موضوع کمک کرد.

مسائل عملی قوم‌نگاری‌های شنیداری دیداری

گزینش مشارکت‌کنندگان

در گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌ها، گزینش مشارکت‌کنندگان، نقشی اساسی در مسیر پژوهش‌تان دارد. با این حال، ممکن است شما مسائل و ملاحظه‌های مختلفی داشته باشید که باید در نظر بگیرید. شما معمولاً در پی ثبت و ضبط فعالیت‌های سازمانی جمعی خواهید بود که در نبود شما رخ می‌دهند، برای مثال یک جلسه گروهی یا جلسه دو نفره بین یک پزشک و بیمار. شما به ندرت تک‌تک شرکت‌کنندگان را از مکان‌های

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۹۹

مختلف انتخاب می‌کنید، بلکه گروهی از شرکت‌کنندگان را در یک محیط پژوهشی (یا گاهی اوقات گروه‌های مختلفی از افراد در محیط‌های مختلف) را انتخاب می‌کنید. لازم به ذکر است که بخش زیادی از آنچه درباره گزینش شرکت‌کنندگان برای قوم‌نگاری‌های صوتی یا تصویری، توضیح می‌دهم، بسیار شبیه آن چیزی است که در پژوهش از طریق گروه متمرکز و مصاحبه با شرکت‌کنندگان از یک سازمان واحد اجرا می‌کنید. با این حال، برخلاف رویه مصاحبه‌ها یا گروه‌های متمرکز که گروه خاصی از افراد را برای گفتگو هماهنگ می‌کنید و از آنها می‌خواهید به موضوع پژوهش شما بپردازند، در اینجا هدف شما ثبت جلسات به همان ترتیب طبیعی آنها و بدون دخالت غیرضروری شما یا دستگاه(های) ضبط‌تان است:

در این مورد، گزینش مشارکت‌کنندگان اغلب در سه مرحله به هم مرتبط رخ می‌دهد. شما باید:

- با فردی در محیط پژوهش که بتواند دسترسی اولیه به آن محیط را تسهیل کند،

تماس بگیرید؛

- از کسانی که محیط پژوهش را اداره می‌کنند، اجازه بگیرید؛

- موافقت مشارکت‌کنندگان مورد نظرتان را برای ضبط بگیرید.

من می‌خواهم دو قضیه را از تجربه‌های خودم بازگو کنم (رجوع کنید به نگاره‌های

۴-۱ و ۴-۲) که چگونگی وقوع مراحل یادشده را در عمل تشریح می‌کنند. یکی از این

دو قضیه ممکن است بسیار نادر به نظر برسد، به‌ویژه در خصوص مدتی که فرایند

تحقیق طول کشیده، اما به‌خاطر بسپارید که این فقط، یک نمونه است.

نگاره ۱-۴

مثال ۱: تصمیم‌گیری در یک بخش بیمارستانی

گفتگویی با یکی از دوستانم داشتم و او درباره قصدش برای شروع یک مطالعه سخن گفت. او قصد داشت با پزشکان متخصص و بیماران مختلف یک بیمارستان مصاحبه کند تا از نحوه تصمیم‌گیری درباره معالجه بیماران مختلف، شناخت پیدا کند. من به او گفتم به جای اتکای صرف به توضیحات بیماران و پزشکان، بهتر است از فرایند معالجه در حالت طبیعی آن تصویربرداری شود. چند هفته بعد، دوستانم با من صحبت کرد و گفت او ایده مرا به یکی از پزشکان برجسته‌ای که در بخش کار می‌کند، پیشنهاد داده و او بسیار استقبال کرده است. سپس من به جلسه آنها درباره اجرای تحقیق به روش مصاحبه دعوت شدم و در آن جلسه به‌طور مختصر دیدگاه‌هایم را درباره روش‌های مختلف ضبط فرایند تصمیم‌گیری پزشکان در هنگام معالجه بیماران، ارائه کردم. آن پزشک، مجذوب دیدگاه‌هایم شد و گفت او نظر دیگر اعضای تیمشان را نیز می‌پرسد. یک ماه بعد، برای بازدید بخش، همراه یک راهنما دعوت شدم. من به همه اعضای تیم، از جمله کارکنان اداری، پرستاران و پزشکان معرفی شدم و از من خواسته شد تا در یکی از جلسات پزشک و بیمار باشم. بازدید به من امکان داد سؤال‌هایی را درباره روندهای ویژه و معمول در آن بخش، تجهیزات و مستندسازی آنها بپرسم. در پایان بازدید، به شناختی از امکان انجام تحقیق رسیدم و متوجه شدم که به علت ازدحام و پراکنده بودن فعالیت‌های آنها، بهترین راه، ضبط صدای پزشکان و یادداشت‌برداری میدانی از فعالیت‌های مربوط است. مرحله بعد اجرای این تحقیق، مرحله جلب حمایت‌های مالی و گرفتن تأییدهای اخلاقی است که احتمالاً سه ماه تا یک سال طول می‌کشد، به‌ویژه اینکه پژوهش در محیط‌های پزشکی، نیازمند چند سطح تأیید اخلاقی

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۱۰۱

است. من پیش از شروع مطالعه، چند بار از محیط بازدید می‌کنم و احتمالاً در یکی از جلسات تیم پروژه، اطلاعاتی را درباره پژوهش ارائه می‌کنم. من در این جلسه می‌توانم به همه سؤال‌های آنها پاسخ دهم. قبل از هرگونه مشاهده یا ضبط، باید موافقت آگاهانه همه پزشکان متخصص و بیمارانی را که برای تحقیق مشاهده می‌شوند، بگیرم.

نگاره ۲-۴

مثال ۲: اعتبارسنجی اسناد در جلسات تیم

در خصوص این پروژه نیز یکی از دوستانم سراغم آمد. او یک قوم‌نگاری درباره سازمانی که اطلاعات و گزارش‌های علمی زیادی منتشر می‌کند، اجرا می‌کرد. مدیر آن سازمان از او خواسته بود که پژوهشی درباره سازوکارهای تولید این اطلاعات انجام دهد. بخشی از این فرایند پژوهشی، مستلزم جلسات متعدد یک تیم میان‌رشته‌ای برای بحث درباره صفحه به صفحه پیش‌نویس‌های سند بود. سند به منظور بررسی و اصلاح کیفیت اطلاعات این پیش‌نویس بود. دوستم احساس می‌کرد تصویربرداری از جلسات تیم، سودمند خواهد بود، چون هم بحث‌ها را ضبط خواهد کرد و هم‌زمان مربوط به بحث در خصوص هر سند یا متنی که چیزی از آن نقل شده یا چیزی در آن تغییر یافته، قابل نمایش خواهد بود. او پیشنهاد تصویربرداری از جلسات را ابتدا با هماهنگ‌کننده تیم تخصصی و سپس در جلسه بعدی تیم مطرح کرد و به سؤال‌های آنها درباره تصویربرداری پاسخ داد. تا جلسه بعد، مجوزها و تأییدیه‌ها را برای ضبط جلسات گرفتیم. کل فرایند، از طرح ایده امکان تصویربرداری جلسات تا استفاده از دوربین‌های تصویربرداری در جلسات، دو

هفته طول کشید.

همان‌طور که این مثال‌ها نشان می‌دهند، زمان واقعی برای دسترسی به محیط پژوهش، ممکن است بسیار متفاوت باشد. در بسیاری از پروژه‌های پژوهشی که اجرا می‌کنم، هنگام مذاکره برای دسترسی به محیطی پژوهشی، کار را با یک فرد معین شروع می‌کنم. این‌گونه افراد، «دروازه‌بان» نامیده می‌شوند و اغلب شامل دوست، دوستِ دوست یا همکار یا گاهی اوقات یک آشنای تصادفی می‌شوند. برخی مواقع، باید با کسانی که نمی‌شناسم تماس بگیرم، اما این کار ممکن است باعث دشوارتر شدن روند گزینش شرکت‌کنندگان در پژوهش شود. هنگامی که رابط‌هایی داشته باشید، آنها می‌توانند دسترسی شما به محیط را تسهیل کنند و اغلب در گفتگو با دیگر اعضای سازمان، نقش سخنگوی شما را ایفا خواهند کرد.

ایجاد فهرستی از سؤال‌ها و موضوع‌ها

برخلاف پژوهش به روش گروه متمرکز و مصاحبه، در این نوع پژوهش، شما آشکارا مسیر کنش‌ها یا گفتگوهای شرکت‌کنندگان را جهت‌دهی نمی‌کنید. شما تجهیزات ضبط را تنظیم می‌کنید تا روند طبیعی رویدادها را ضبط کند. با این حال، برای پاسخ به سؤال(های) پژوهشی‌تان و پیگیری برخی موضوع‌های مورد علاقه‌تان، باید بدانید چه چیزی را ضبط کنید. روشن است که هنگام وقوع پدیده‌ها در یک زمان و مکان مشخص، فهمیدن اینکه چه چیزی را باید ضبط کرد، بسیار آسان‌تر است. برای مثال، شما علاقه‌مند به بررسی مشاوره‌های کارشناسان وام بانک به مشتریان هستید. آنها احتمالاً دفتر مخصوص به خود یا اتاق جلسه دارند که در آن به مشتریان مشاوره می‌دهند یا روزها و قرارهای ملاقات خود را تنظیم می‌کنند. اما ممکن است گاهی

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۱۰۳

اوقات متوجه شوید که اتاق جلسات، بدون اعلام قبلی تغییر کرده و شما وقت زیادی را صرف نصب تجهیزات در یک اتاق کرده باشید و کابل زیادی را هم با خود نیاورده باشید که بتوانید از دوربین در اتاق جدید استفاده کنید یا ممکن است متوجه شوید که برخی کارها به صورت تلفنی انجام می‌شود و شما آداپتور برای ضبط صدای تلفن نیاورده باشید. یا ممکن است متوجه شوید آنها درباره برخی پیشنهادهایشان برای مشتریان، پیش از آمدن و پس از رفتن مشتریان بحث می‌کنند؛ مثلاً هنگامی که با همکاران خود چای یا قهوه می‌نوشند. بدون شناخت کافی از فعالیت‌های کاری مشارکت‌کنندگان، نمی‌توانید اطلاعات مورد نیاز خود را به دست آورید. راه‌حل عملی برای پرهیز از مسائل احتمالی، انجام دادن کار میدانی قوم‌نگاری پیش از هرگونه ضبط صدا یا تصویر است. دوره این کار میدانی، ممکن است از یک بازدید کوتاه از محیط پژوهش که بتوانید کسی را زیر نظر بگیرید یا فقط یک مصاحبه غیررسمی انجام دهید تا مجموعه‌ای از بازدیدهای گسترده باشد.

انجام دادن نوعی کار میدانی، نه تنها به شما کمک می‌کند که بفهمید چه اطلاعاتی نیاز دارید، محدودیت‌های پیش رویتان را که باید هنگام ضبط صدا یا تصویربرداری بتوانید رفع کنید، نشان خواهد داد.

از طریق یک دوره کار میدانی مختصر، شما می‌توانید بفهمید که:

- فعالیت‌های معمول مشارکت‌کنندگان، چیستند و با آنها درباره فعالیت‌های کاریشان گفتگو کنید؛

- آیا شما باید اسناد مورد استفاده آنها را ببینید و متوجه شوید یا اینکه امکان تهیه نسخه‌ای از هر یک از این اسناد وجود دارد؛

- آیا فعالیت‌ها، وظایف و تعاملات افراد، در مکان‌ها یا زمان‌های مختلف صورت می‌گیرد؟ آیا می‌توانید تجهیزات را در یک اتاق نصب کنید یا به تجهیزات سبک و

قابل حمل نیاز دارید؟ آیا روزها و زمان‌های خاصی برای بازدید مناسب‌ترند؟
- آیا آنها ابزار، تجهیزات یا فناوری پیچیده‌ای استفاده می‌کنند که باید با آنها آشنا شوید؟ آیا شما نیازمند زمان برای کار با تجهیزات آنها هستید یا نیاز دارید که آنها برای شما نحوه کار این تجهیزات را توضیح دهند و چرا؟
- آیا آنها از زبانی پیچیده یا تخصصی استفاده می‌کنند که باید با آن آشنا شوید؟
- شما چه تجهیزات تخصصی نیاز خواهید داشت و باید آنها را کجا قرار دهید؟

همان‌گونه که این فهرست نشان می‌دهد، اغلب به دلایل عملی و روش‌شناختی لازم است که نوعی کار میدانی مختصر صورت گیرد. چنین اطلاعاتی، مسیر سؤال‌ها و موضوع‌های پژوهشی شما را جهت خواهد داد، اغلب دریافت‌های اولیه شما را پالایش خواهد کرد و احتمالاً موضوعاتی جدید را برای بررسی در اختیار شما قرار می‌دهد. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، تغییر موضوعات مورد بررسی شما در طول پروژه کاملاً طبیعی است. پس از یک دوره کار مقدماتی با مطالب ضبط‌شده (و یادداشت‌های میدانی) به فضای میدانی پژوهش بروید گشت تا مطالب دیگری را ضبط کنید یا سؤال‌هایی را درباره موضوعات خاصی که در مطالب ضبط‌شده با آنها مواجه شدید، از شرکت‌کنندگان پرسید. در این مرحله ممکن است به جستجوی محیط‌ها یا موقعیت‌های دیگری برای ضبط بپردازید تا درباره فعالیتهایی که حالت عادی یا معمول آنها را مشاهده کرده‌اید، شناخت بیشتری پیدا کنید.

ضبط

شما اغلب به یک فضای میدانی وارد می‌شوید و دریافتی از آنچه باید ضبط کنید و مایلید ضبط کنید، دارید. شما از قبل می‌دانید که می‌خواهید یادداشت‌هایی میدانی بردارید. صرف‌نظر از اینکه چه نوع اطلاعاتی برای پروژه شما مطلوب است، باید دو سؤال را پرسید:

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۱۰۵

- شرکت‌کنندگان چه شکلی از ضبط مطالب را می‌پذیرند؟

- چه شکلی از ضبط در این محیط خاص، عملی است؟

در برخی پروژه‌ها، بعضی از مشارکت‌کنندگان، فقط اجازه ضبط صدا می‌دهند. این به مسائل حریم خصوصی یا سطوح توافق شده برای مشارکت در پژوهش مربوط است. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، برخی افراد، حضور دوربین را بسیار مزاحم می‌دانند. به‌طور مشابه، با در نظر گرفتن موضوعاتی که به دنبال شناخت آنها هستید ضبط صدا ممکن است تنها گزینه عملی یا ممکن باشد. این موضوع، به‌ویژه هنگامی درست است که مشارکت‌کنندگان، پرتحرک و پرجنب‌وجوش باشند مانند پرستاران یک بخش بیمارستانی که باید تلاش کنید دنبال آنها بروید، با دوربین کار کنید و با موانع برخورد نکنید (و مراقب باشید که تحرک شما مزاحم دیگران نشود). هماهنگی برای ضبط صدای یک جلسه گفتگو بسیار ساده‌تر است؛ شما فقط باید تجهیزات بسکی را با خود حمل کنید و به سرعت نیز می‌توانید آنرا تنظیم نمایید. هنگامی که میکروفن را نصب کردید، تجهیزات را آزمایش کنید (لطفاً در سمت خودتان آزمایش کنید تا چندان جلب توجه نکند). [یکی از مزیت‌های ضبط صوت این است که] اگر برای شما حضور در محل یک جلسه برای ضبط آن، دشوار باشد، اغلب مشارکت‌کنندگان در جلسه می‌توانند با دستگاه ضبط صوتی که شما در اختیار آنها قرار می‌دهید، کار کنند. [در این صورت حضور شما در جلسه ضرورت نخواهد داشت.] در برخی مواقع، مانند جلسات بزرگ، باید از دو دستگاه ضبط صوت یا دو میکروفن چندجهته که به یک فیش تک میکروفنه وصل می‌شوند، استفاده کنید.

ضبط صدا، نقاط ضعفی هم دارد؛ برای مثال، «آلیستون» (۲۰۰۲) در تحقیق خود، جلسات بین والدین و معلمان مدارس، را بررسی می‌کرد. جلسات هر از گاهی با حضور والدین در کلاس درس برگزار می‌شد.

بین هر جلسه، او وارد کلاس می‌شد تا نوار را عوض کند. نقطه ضعف این روش هنگامی آشکار شد که او شروع به گوش دادن و تحلیل نوارها کرد.

آلیستون هنگام گوش دادن به نوارها متوجه شد که معلم پیش از اعلام نمره‌های دانش‌آموز، اغلب، مکث می‌کند و صدایی شبیه خش‌خش کاغذ به گوش می‌رسد. هنگامی که خش‌خش به پایان می‌رسید، معلم اخبار مربوط به نمره دانش‌آموز را ارائه می‌کرد. همچنین به نظر می‌رسید که گویا معلم هنگامی که خبر نمره را می‌داد از روی یک متن می‌خواند و گاهی اوقات پیش از خواندن نمره، این‌گونه می‌گفت: «خوب، گزارش [مثلاً] آقای براون نشان می‌دهد که» آلیستون فهمید این گزارش‌ها که به وسیله معلمان دیگر نوشته شده‌اند، منابع اساسی برای انتقال اخبار «بد» درباره نمرات دانش‌آموزان به والدین آنها به شمار می‌روند. معلم با نشان دادن یک سند، گشتن دنبال سند و بلند خواندن آن برای والدین (به‌جای اینکه نگاهی اجمالی و کوتاه به متن بیندازد)، تلاش می‌کرد به والدین نشان دهد که او دیدگاه فرد دیگری را به آنها انتقال می‌دهد و خود این معلم، نویسنده اخبار بد درباره دانش‌آموز نیست بلکه او صرفاً چیزی را که معلم دیگری گفته است، گزارش می‌دهد. از این رو، والدین او را کاملاً مسئول نمی‌دانستند و از آنجا که آلیستون، صرفاً به ضبط صدای جلسه اتکاء می‌کرد، او فقط می‌توانست وجود اسناد را حدس بزند، از این رو با یکی از معلمان که در تحقیق مشارکت داشت، صحبت کرد و او حدس آلیستون را درباره استفاده معلمان از اسناد تأیید کرد. این قضیه، به خوبی یکی از نقاط ضعف احتمالی اتکاء صرف به نوار صوتی را نشان می‌دهد. اگر آلیستون می‌توانست از جلسه معلم با والدین تصویربرداری کند یا هنگام ضبط در اتاق بماند (و یادداشت بردارد)، به سرعت برای تحقیقش از اسناد استفاده می‌کرد. با این حال، اسناد، بخشی از کل منابعی بود که معلمان هنگام انتقال اخبار بد به والدین از آن استفاده می‌کردند. تصویربرداری نیز نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارد. شما اغلب باید تجهیزات بیشتری را با خود حمل کنید و وقت

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۱۰۷

بیشتری برای تنظیم و نصب آنها مورد نیاز است. هنگامی که در محل پژوهش هستید، باید در خصوص نحوه تصویربرداری بسیار بحث کنید و اغلب باید استقرار دوربین را در جاهای مختلف آزمایش کنید تا به بهترین نما دست یابید. این مسئله به اطلاعاتی بستگی دارد که شما می‌خواهید. در اغلب موارد، دوربین (یا دوربین‌ها) را روی سه‌پایه و به سمت جایی که افراد می‌خواهند کار کنند، نصب می‌کنید، سپس باید محل استقرار و ارتفاع سه‌پایه، زاویه دوربین و زوم به داخل و زوم به بیرون را تنظیم نمایید. شما در همه جا نمی‌توانید محل مناسبی برای استقرار دوربین یا میدان دید مناسبی برای گرفتن تصویر همه کنش‌ها پیدا کنید و ممکن است مجبور به جابه‌جایی مبلمان یا صندلی‌ها، استفاده از کابل طولانی یا استفاده از چند دوربین شوید. پس، قبل از شروع کار میدانی باید بدانید که چه چیزهایی را می‌خواهید ضبط کنید که اغلب عبارتند از:

- چهره، حرکات و بخشی از بدن مشارکت‌کنندگان؛

- هر ابزار، وسیله یا اشیای دیگری که مشارکت‌کنندگان به کار می‌برند؛

- هر سند مورد استفاده شرکت‌کنندگان.

هنگام تصویربرداری صفحات رایانه‌ای، باید بدانید که تصویر ضبط‌شده صفحه رایانه را با وضوح بسیار کمی خواهید دید. به دلایل فنی، کیفیت تصاویر، معمولاً بسیار ضعیف است. اگر می‌خواهید اطلاعات روی صفحه رایانه را به‌طور پیوسته ضبط کنید، باید نوعی رابط مستقیم بین رایانه و یک دوربین دیگر متصل کنید. هیچ زاویه یا نمای مشخص ایده‌آلی وجود ندارد، همواره باید از فضایی که در اختیار دارید و کارهایی که می‌توانید در این فضا انجام دهید، استفاده کنید و بدانید که افراد اغلب روی صندلی جابه‌جا می‌شوند، صندلی خود را جابه‌جا می‌کنند یا راه می‌روند. شما همچنین باید محل مناسبی را برای میکروفن در نظر بگیرید و مطمئن شوید که هیچ‌کدام از سیم‌ها باعث سکندری خوردن دیگران نشود.

سرانجام باید بدانید که هنگام ضبط کنش‌ها در یک محیط، آنجا خواهید ماند یا خیر؛ اگرچه باید بدانید که شرکت‌کنندگان گاهی اوقات حضور شما را نمی‌پذیرند و نیز گاهی اوقات، امکان حضور شما برای مشاهده وجود ندارد. معمولاً از طریق مشاهده، اطلاعات بسیار سودمندی دربارهٔ یک رویداد به دست می‌آید تا با اتکاء صرف به ضبط صوت یا تصویر. شما ممکن است بتوانید یک دوره کار میدانی مشاهده‌ای انجام دهید (فقط بنشینید و نگاه کنید) سپس در موقعیت‌های دیگری تجهیزات را در محل پژوهش، نصب و آنجا را ترک کنید. بدیهی است اگر بخواهید پیوسته با دوربین کار کنید به‌گونه‌ای که دوربین را برای گرفتن صحنه‌های در حال حرکت و در حال جابه‌جایی تنظیم کنید، باید در محل پژوهش حضور داشته باشید. با این حال، اغلب بهترین کار، این است که دوربین را بر روی سه‌پایه نصب کنید، بهترین زاویه را انتخاب کنید، دوربین را در محل بکارید و آنجا را ترک کنید. هنگامی که پیوسته با دوربین کار می‌کنید یا وول می‌خورید، کنش‌های شما، به سرعت در کانون توجه قرار می‌گیرند و بیش از حد بر توجه و تمرکز حواس مشارکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارند. فرقی نمی‌کند که چه کار می‌کنید، حضور تجهیزات تصویربرداری یا حضور فیزیکی شما تا حدودی بر صحنه تأثیرگذار است. باید میزان تأثیرگذاری خود بر صحنه را کاهش دهید و به تأثیر احتمالی حضورتان، حساس باشید.

ملاحظات پایان فصل

اگر نکات کاربردی بیان شده درباره ضبط، بسیار طولانی یا همگی دشوار و پیچیده به نظر می‌رسند، باید عذرخواهی کنم، اما باور کنید که این‌گونه نیست. من فقط تلاش کرده‌ام شرحی تفصیلی و با جزئیات از اقداماتی که باید انجام دهید، ارائه کنم. هرگاه بتوانید این سطح از جزئیات را ارائه کنید (من می‌توانستم بیشتر از این ارائه کنم)، می‌توانید چیزی را تولید کنید که پیش‌تر بدیهی می‌پنداشتید و فقط به این روند به

فصل چهارم - مسائل عملی ضبط ۱۰۹

صورت کاملاً فنی و چالشی ادامه دهید. بنابراین امتحان کنید. سطور قبلی را بیشتر به عنوان نکات یا ملاحظات مختصر بخوانید تا کارهایی که باید حتماً انجام دهید یا مسائلی که حتماً با آنها مواجه خواهید بود.

نکات مهم فصل

پیش از ورود به میدان کار (محیط پژوهش)، نکات لازم را درباره تجهیزات ضبطتان یاد بگیرید و هر اندازه می‌توانید با آن کار کنید؛
- بدانید که دسترسی به محیط پژوهش (و کار در این محیط) زمانی بسیار بیشتر از آنچه شما در ابتدا تصور می‌کنید، می‌برد؛
- منعطف باشید. آماده باشید که نظرتان را درباره اینکه چه چیزی بهترین منبع داده محسوب می‌شود و چه فرصتی، برای ضبط داده‌ها، مطلوب است، تغییر دهید.

منابع تکمیلی

منابع ذیل، جزئیات بیشتری را درباره ضبط داده‌هایتان در اختیار قرار می‌دهند:

- Barbour, R. (2007) *Doing Focus Groups* (Book 4 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Branlry, D. (2004) *Making and managing audio recording*, in C. Seake (ed.), *Researching and culture* (2nd end). London: Sage, PP. 207-24.
- Goodwin, C. (1994b) *Recording human interaction in natural settings*, *Pragmatics*, 3(2): 181-209.
- Kvale, S. (2007) *Doing Interview* (Book 2 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- ten Have, P (1999) *Doing Conversation Analysis: A Practical Guide*. London: Sage, chap 4.

فصل پنجم

پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری

پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری

- معرفی گفتگوی ضبط شده
- توصیف صحنه
- متن پیاده‌شده مقدماتی
- مسئله جزئیات
- متن پیاده‌شده به روش جفرسون

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- راه‌های مختلفی را که می‌توانید رویدادهای ضبط شده را پیاده کنید، بدانید؛
- از برخی مطالبی که جمع‌آوری کرده‌ام (نوار گفتگوی ضبط‌شده کسانی که غذایی را تهیه می‌کنند) سطوح متفاوت جزئیاتی را که می‌توانید به متن پیاده شده همان نوار اضافه کنید، بدانید.

«هاروی ساکس» (۱۹۸۴)، یکی از پیشگامان تحلیل گفتگو، منطق استفاده از

تجهیزات ضبط را این‌گونه معرفی می‌کند:

«من در آغاز با گفتگوهای ضبط شده روی نوار کار می‌کردم. این‌گونه مطالب، یک مزیت منحصر به فرد داشتند؛ می‌توانستم آنها را دوباره گوش کنم. می‌توانستم آنها را تا حد زیادی پیاده و مطالعه کنم - مهم نبود چقدر طول می‌کشد. نوارهای ضبط شده به خوبی رویدادها را ثبت می‌کردند. بی‌تردید، اتفاق‌های مختلفی روی داده بود، اما حداقل آن چیزی که روی نوار ضبط شده، اتفاق افتاده بود ... من با گفتگوهایی که ضبط کرده بودم، شروع کردم ... صرفاً به این دلیل که می‌توانستم به این کار ادامه بدهم و می‌توانستم بارها و بارها مطالب را مطالعه کنم و همچنین، به این دلیل که در نتیجه کار من، دیگران می‌توانستند به آنچه من مطالعه کرده بودم، نگاه کنند و از آن استفاده کنند. برای مثال، اگر آنها می‌خواستند با من مخالفت کنند، چه کاری می‌توانستند انجام دهند؟ (۱۹۸۴: ۲۶)

ضبط صدا و نیز به‌طور روزافزونی تصویر گفتگوها و تعاملات، گرچه به‌طور کامل رویدادها را ثبت نمی‌کند، اما امکان دسترسی به بسیاری از واقعیت‌های زندگی اجتماعی را فراهم می‌کند.

همان‌گونه که ساکس می‌گوید محققان فقط «تا حدودی» می‌توانند رویدادهای ضبط‌شده را پیاده کنند؛ طبیعتاً متن‌های پیاده شده، «برگردان» خیلی طبیعی رویدادهای ضبط شده هستند. آنها همواره بازنمایی ناقص و گزینشی متن‌ها هستند. فرایند عملی پیاده‌سازی تفصیلی و جزئی رویدادهای ضبط‌شده به شما امکان می‌دهد با آنچه مشاهده می‌کنید، آشنا شوید. باید بارها و بارها، نوار را گوش / تماشا کنید. با این فرایند، شما به تدریج متوجه شیوه‌های جالب و اغلب ظریف تعامل مردم با یکدیگر می‌شوید. اینها ویژگی‌های بدیهی انگاشته شده گفتار و تعامل مردم هستند که بدون ضبط کردن،

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۱۵

معمولاً متوجه آنها نمی‌شوید و به یاد نمی‌آورید، یا مثلاً از طریق یادداشت‌برداری قادر به ثبت جزئیات رویدادها در سطحی مطلوب نیستید. نکته مهمی که باید به خاطر سپرد این است که شما تحلیل خود را بر مبنای رویدادهای ضبط شده و یادداشت‌های میدانی انجام می‌دهید. به قول «اسپیلبرگ»، متن‌های پیاده‌شده (و نوارهای ضبط‌شده)، «دستیاران حافظه‌های ضعیف» هستند؛ (به نقل از گارفینکل، ۱۹۶۷: ۳۹) آنها می‌توانند به شما کمک کنند به یاد بیاورید در محیطی که مشاهده کردید «چه اتفاقی افتاد». مزیت دیگر پیاده کردن این است که می‌توانید از متن‌های پیاده‌شده در ارائه یافته‌های خود استفاده کنید.

برای فراهم شدن دسترسی به مجموعه‌ای از فرایندهای لازم، می‌خواهم از مطالبی استفاده کنم که در واقع خودم گردآوری کرده‌ام: تصاویر ویدئویی چند نفر که با هم غذا تهیه می‌کنند.

معرفی گفتگوی ضبط شده

من شخصاً این تصاویر را برای کتاب حاضر ضبط کردم. به چیزی احتیاج داشتم که از طریق آن بتوانم نشان دهم چگونه گفتگوهای واقعی و نیز حرکت‌های غیرکلامی، مثلاً حرکت‌های دست و چگونگی استفاده افراد از اشیاء را پیاده می‌کنیم. این هدف، مستلزم این بود که با تصاویر ضبط‌شده ویدئویی کار کنم. همچنین می‌خواستم عکس‌هایی از این تصاویر ضبط‌شده در اختیار شما بگذارم تا بدانید درباره چه چیزی صحبت می‌کنم. نیازی به گفتن ندارد که دنبال کردن توصیف‌های نوشتاری صرف درباره فعالیت‌های غیرکلامی، بسیار دشوار است و عکس‌های آنها ممکن است به انتقال منظور شما بسیار کمک کند. با این حال، هنگامی که می‌خواستم از عکس‌ها استفاده کنم، بایستی موافقت شرکت‌کنندگان و تأیید کمیته اخلاق ذی‌ربط را - اگر نوار متعلق به یک محیط رسمی بود - می‌گرفتم. راهکار ساده این بود که خودم یک موضوع جدید

را ضبط کنم و از شرکت‌کنندگان برای استفاده از گفتگوهای ضبط شده در این کتاب، اجازه بگیرم.

این ساده‌ترین و سریع‌ترین مسیر باعث شد که از برخی دوستانم در حال انجام دادن کاری تصویر بگیرم. این شیوه کار را انتخاب کردم تا فعالیت‌ها در محیطی با فضایی نسبتاً محدود انجام شوند، چون نمی‌خواستم تمام روز با دوربین، آنها را دنبال کنم یا پشت دوربین بایستم و دائم، نما را تغییر دهم. چیزی می‌خواستم که ناگزیر نباشم به دنبال تأییدیه کمیته اخلاق یا تأییدیه هر سازمان یا مؤسسه دیگری بروم، بنابراین همه فضاهای کاری را کنار گذاشتم. همچنین به چیزی نیاز داشتم که خیلی فنی و تخصصی نباشد که مجبور به کسب شناخت عمیق از آن کار یا مسائل جاری در یک سازمان شوم. اساساً چیزی می‌خواستم که افراد را درگیر کاری مشترک کند و درباره آن گفتگو کنند. سرانجام، از برخی دوستانم پرسیدم که می‌توانم از آنها در حال انجام دادن فعلیتی «در منزل» تصویربرداری کنم. بنابراین توافق کردیم که من از آنها در حالی که مشغول تهیه یک غذا هستند، تصویر بگیرم. البته مزیت این کار، این بود که ما یک وعده غذا را کنار هم بودیم.

موارد یادشده و دانستن چیزی که برخی آن‌را «معیارهای گزینش»^۱ می‌نامند، مهم‌اند. یک دوربین، میدان دید یک عکس یا تصویر را تنظیم و از این‌رو، شیوه خاصی از دیدن و فهمیدن آن صحنه را تولید می‌کند. به همین ترتیب، عواملی همچون، نیازها و خواسته‌های سازمان‌ها و کمیته‌های اخلاق، خروجی‌های پروژه‌های پژوهشی و قابلیت‌های فناوری‌ها، شیوه‌های خاصی برای دیدن، شناختن و توصیف جهان شکل می‌دهند و در این زمینه محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند. نکته مهم این است که خود نسخه ضبط‌شده رویدادها و متن پیاده‌شده آنها همواره گزینشی و همواره ناقص و محدود است. هرگز نمی‌توانید یک صحنه را به‌طور کامل روی متن پیاده کنید؛

1. Selection criteria

همان‌گونه که در بحث‌های آینده خواهید دید، حتی در یک تعامل چند دقیقه‌ای، متنی که پیاده می‌شود با سطح کامل جزئیات، فاصله بسیار زیادی دارد.

توصیف صحنه

در ساده‌ترین سطح، متن پیاده‌شده می‌تواند صرفاً «شرحی از یک رویداد» باشد. ارائه یک توصیف (شرح^۱)، رایج‌ترین شیوه‌ای است که ما چه به عنوان محقق و چه در زندگی عادی مان، هنگام ارائه گزارشی از چیزی که شاهد بودیم به کار می‌گیریم تا دیگران از برخی کنش‌ها و تعاملات اطلاع یابند. ممکن است انتظار داشته باشید که یک متن پیاده‌شده شکل یا سبک خاصی داشته باشد یا از قواعد خاصی تبعیت کند. هنگامی که شما صدا یا تصویری را به متن تبدیل می‌کنید یا تجربه عملی‌تان از یک صحنه در حال وقوع را مکتوب یا شفاهی توصیف می‌کنید، مشغول نوعی پیاده‌سازی هستید. یک راه برای توصیف صحنه‌ای که در این بخش به آن می‌پردازیم، این است که بگوییم:

از بن خواسته شده که یک خیار آماده کند - آن را پوست بکند و دانه‌هایش را درآورد. مری و جین دو راه متفاوت را برای آماده کردن آن خیار، به بن پیشنهاد می‌کنند.

این روش، صحنه را نسبتاً خوب توصیف می‌کند، اگر چه به شما یعنی خواننده، درباره اینکه چگونه تعامل شروع شده و دچار تغییر شده اطلاعات کمی می‌دهد. پس از اینکه تصاویر را نگاه کردم، می‌توانستم جزئیات بیشتری را اضافه کنم و بگویم:

از بن خواسته شده تا یک خیار آماده کند - آن را پوست بکند و دانه‌هایش را درآورد. مری، پیش از آماده کردن خیار متوجه می‌شود که خیار یخ‌زده است. او به میز تکیه می‌کند و با یک دست، خیار را برمی‌دارد، با دست دیگر، یک چاقو

را برمی‌دارد و با چرخاندن خیار در دستش آن را واری می‌کند. او با تبسمی بر لب، منتظر می‌ماند تا فاصله‌ای بین صحبت‌های بن و جین بیفتد و سپس با لحنی شوخی در صدایش می‌گوید: «یخ زده» ...

اکنون که سطح بیشتری از جزئیات ارائه می‌شود، می‌توانم کل صحنه را به این طریق توصیف کنم و فقط یک دقیقه از گفتگو و تعامل آنها، حدود پنج صفحه می‌شود. آشکار است که من می‌توانم گزارش تفصیلی‌تری به شما ارائه کنم - که حجم آن تقریباً به اندازه این کتاب باشد - یا با جزئیات کمتری، مثلاً در یک صفحه. بسیاری از اوقات که با نوارهای ضبط شده کار می‌کنید، شما اغلب این نوع توصیف گزارشی را ارائه می‌کنید. گاهی اوقات، کل متن پیاده‌شده به اندازه همین گزارش توصیفی است، گاهی، پیش از متن پیاده شده برای اطلاع خواننده که در این مواجهه، پیش از لحظه‌ای که متن آن پیاده شده، چه اتفاقی افتاده، توصیفی از آن رویداد را ارائه می‌کنید. این نوع کار، همواره هنگام تحلیل متن پیاده‌شده یعنی زمانی که می‌خواهید شرحی درباره متن پیاده‌شده بدهید، یا به آن جان بدهید، انجام می‌شود. شما با آماده کردن متن پیاده‌شده، همواره تلاش می‌کنید به خوانندگان درباره آنچه شما شاهد بودید (یا خودتان از نزدیک شاهد بوده‌اید یا از طریق تماشای تصاویر مشاهده کرده‌اید) اطلاعات بدهید. پرسشی که همواره با آن مواجه خواهید بود، این است که چه سطحی از جزئیات را در اختیار دیگران قرار دهید؟ یک گزینه این است که صرفاً گزارشی روایتی ارائه کنید، راه دیگر، نوعی «توصیف ساختاریافته»^۱ تر است که در ادامه این فصل چگونگی ایجاد و استفاده از این توصیف ساختاریافته‌تر را بررسی خواهیم کرد.

متن پیاده شده مقدماتی

رایج‌ترین گزینه، ارائه نوعی «متن پیاده‌شده کلمه‌به‌کلمه»^۲ [مویه‌مو] است که در آن

-
1. Structured description
 2. Verbatim transcript

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۱۹

عبارت‌های بیان شده را همراه با گوینده آنها مستند می‌کنید. در پیاده‌سازی قطعه متن ۱. که در ادامه خواهید دید - به سکانس مربوط به آن، بین هشت تا ۱۰ بار گوش داده‌ام (اما با خودم فکر می‌کردم که درباره کیفیت، خیلی خیلی وسواس نشان می‌دهم). چون با یک دوربین تصویربرداری دیجیتال کار می‌کردم، تصاویری را که گرفته بودم روی رایانه‌ام ریختم و نرم‌افزار «مدیا پلیر^۱» به راحتی (و رایگان) در دسترس بود. ابتدا، صدا را بدون نگاه کردن به تصویر گوش کردم. هنگام کار کردن با نوارهای صوتی یا فایل‌های صوتی دیجیتال که روی کامپیوترتان ریخته‌اید، استفاده از نوعی «دستگاه پیاده‌کننده^۲» یا نرم‌افزار رایانه‌ای که با گذاشتن پا روی یک پدال کار می‌کند، بسیار مفید است.

در خصوص نوارهای صوتی، سعی کنید با دستگاه پیاده‌کننده کار کنید. ویژگی این دستگاه، این است که هنگامی که نوار را متوقف می‌کنید، به صورت خودکار، آن را مقدار معینی به عقب برمی‌گرداند. این، بدین معناست که وقتی دوباره دکمه پخش^۳ (پلی) را فشار می‌دهید، می‌توانید دقیقاً به همان بخش از گفتگو که پیش از زدن دکمه توقف، گوش می‌کردید، گوش دهید و بدین ترتیب، هیچ‌یک از واژگان از قلم نمی‌افتند و شما نیز مجبور نیستید، بارها نوار را به عقب برگردانید. دستگاهی که با پدال کار می‌کند، همه فرایندها را از این نیز آسان‌تر می‌سازد، چون می‌توانید همه کارها - توقف، پخش، عقب بردن نوار و حرکت سریع به جلو - را با پایتان انجام دهید. اکنون می‌توانید یک نرم‌افزار رایانه‌ای بخرید که به صورت مشابه و با پا و پدال کار می‌کند. استفاده از دستگاه پیاده‌کننده، در حفظ وقت و حوصله بسیار کمک می‌کند. با ممارست و استفاده از نوعی پیاده‌کننده، هر یک ساعت نوار از یک گفتگوی دونفره (مثلاً یک مصاحبه انفرادی) باید حدود شش تا هشت ساعت طول بکشد.

-
1. Media Player
 2. Transcriber
 3. Play

۱۲۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

برای پیاده کردن فایل صوتی قطعه متن شماره یک- که در ادامه می‌آید- بار اول فقط به گفتگو گوش دادم و کوشیدم تا صحنه گفتگو را درک کنم. سپس یک صفحه را در رایانه‌ام باز کردم و فایل را مجدداً پخش کردم تا هر چیزی را که می‌شنوم، تایپ کنم. بارها و بارها، پخش فایل را متوقف می‌کردم تا بتوانم چیزهایی را که می‌شنوم به‌طور کامل تایپ کنم. سپس کل فایل صوتی را دوباره پخش کردم و متن اولیه را کنترل کردم، در هر جای متن که اصلاحی لازم بود، پخش را متوقف می‌کردم. این فرایند را چند بار تکرار کردم و اصلاحات لازم را انجام دادم - در بعضی موارد کلماتی را غلط نوشته بودم و در برخی موارد نام گوینده عبارات را یا در برخی موارد کلمات جاافتاده را اضافه می‌کردم تا وقتی که به اندازه کافی از کارم راضی شدم.

فضای متن شماره یک، آشپزخانه بزرگی است که سه نفر؛ بن، مری و جین، در حال تهیه غذا هستند. دوربین، کنار یک دیوار آشپزخانه روی سه پایه کاشته شده است. هنگامی که ما وارد فضا می‌شویم، مری و بن روبروی یکدیگر دور یک میز بزرگ نشسته‌اند. مری یک لیوان نوشیدنی روی میز گذاشته و به سمت بن به میز تکیه داده و یک خیار را برداشته است. جین نزدیک مری ایستاده، سبزی‌ها را روی پیشخوان آشپزخانه پاک کرده و چیزی را در ماهی‌تابه سرخ می‌کند. ما زمانی وارد گفتگوی آنها می‌شویم که مری می‌گوید: «همش (خیار) یخ زده»

قطعه متن یک (قاعده تهیه خیار: آشپزخانه ۱۰ : ۱۷-۳، ۱۷-۲)

۱. مری: همش، یخ زده

۲. (مکث)

۳. جین: یخ زده؟

۴. مری: بله ((خنده)). فکر نکنم بتونی ازش استفاده کنی

۵. (مکث)

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۲۱

۶. بن: یخ زده
۷. مری: بله، ته یخچال
۸. بن: یخ زده
۹. مری: بله: بینم شاید یک قسمتش، نزده باشد
۱۰. (مکث)
۱۱. مری: بله
۱۲. جین: همش یخ زده؟
۱۳. مری: : نه. این قسمتش خوبه. خوبه، وقتی پوستش می‌کنی
۱۴. بن: آه ها!
۱۵. مری: چهار تا برش بزن، از طول
۱۶. بن: اوه و بعدش فقط ((تداخل))
۱۷. مری: و بعدش ((تداخل)) فقط دانه‌ها را دربیار
۱۸. جین: یا اینکه دو برش مساوی بزن و از یک قاشق چای‌خوری استفاده کن
۱۹. و برو دنبال کارت
۲۰. مری: تو می‌تونی هر روشی را که ترجیح می‌دی، انتخاب کنی
۲۱. جین: = (و) قطعاً قاعده‌ای وجود داره ((خنده مری))
۲۲. بستگی به این داره که کدام روش را انتخاب کنی
۲۳. مری: قطعاً. وگرنه قاعده‌ای نخواهد بود
۲۴. بن: پس قاعده محرمانه‌ای خواهد بود
۲۵. مری: ها؟
۲۶. بن: قاعده محرمانه‌ای هست ((خنده مری))

بایستی تصمیم می‌گرفتم که چگونه پویایی گفتگوی ضبط‌شده را نشان دهم. بایستی انتخاب‌های مختلفی انجام می‌دادم که چه چیزی را نگه دارم و چگونه نگه دارم و چه چیزی را کنار بگذارم و نگه ندارم. می‌خواهم به‌طور مختصر برخی از تصمیم‌هایی را که در تولید این متن گرفتم، با شما در میان بگذارم تا درباره نکاتی که باید هنگام پیاده کردن متن‌های خودتان در نظر داشته باشید، بیشتر بدانید.

نخست، به عنوان متن پیاده شده توجه کنید - آنرا «قطعه متن یک» نامیده‌ام. محققان اغلب از واژه‌های مختلفی برای نشان دادن بخش‌های خاصی از گزارش‌هایی که پیاده کرده‌اند، استفاده می‌کنند. رایج‌ترین واژه، همین قطعه متن است؛ برخی دیگر از محققان از اصطلاح «متن‌های پیاده‌شده» و بخشی دیگر «بخش» یا «پاره‌ای» از متن را ترجیح می‌دهند. به‌کار بردن هر یک از این توصیف‌ها، دلیلی دارد. برای مثال، اصطلاح «بخش» دلالت بر این دارد که آنچه نشان داده شده، صرفاً بخش یا تنها پاره‌ای یا گوشه‌ای از فضا را نشان می‌دهد نه همه کنش‌ها و تعاملات را و به هیچ‌وجه مستندکننده همه کنش‌ها و تعاملات فضای مورد نظر نیست. این مفهوم ناقص بودن متن پیاده‌شده با یک توصیه من ارتباط دارد؛ توصیه من این است که همه متن‌های پیاده شده‌ای که در اختیار شما قرار می‌دهم را «شرح»^۱ بدانید. من مفهوم شرح را دوست دارم چون چند کارکرد متن‌های پیاده‌شده را نشان می‌دهد: برای خواننده شرح می‌دهد که چه رویداد خاصی در آن نقطه مورد نظر از یک رویداد یا تعامل رخ داده و برای خواننده بخشی از استدلال تحلیلی مرا هم شرح می‌دهد.

دوم، به بخش‌هایی از متن داخل پرانتز که بخشی از عنوان متن را تشکیل می‌دهند، توجه کنید. «قاعده تهیه خیار» - و یک عنوان فنی‌تر؛ «آشپزخانه ۱۰: ۳،۱۷-۲،۱۷» چیزی را که عنوان فنی نامیده‌ام، ویژگی نسبتاً مهمی است، چرا که این کد به من امکان می‌دهد بسیار سریع بدانم که این نقطه متن مربوط به کجاست. در این مورد، می‌دانم که این

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۲۳

بخشی از نوار اصلی است که عنوان آن را «آشپزخانه» گذاشته‌ام و این کلیپ شماره ۱۰ است که روی رایانه‌ام ریخته‌ام (که من نام فایل را کلیپ ۱۰ «آشپزخانه» گذاشته‌ام. اگر من به آن فایل نگاه کنم و با سرعت آن را تقریباً دو دقیقه و ۱۷ ثانیه (۲:۱۷) ببرم و سپس تا حدود سه دقیقه و ۱۷ ثانیه پخش کنم، می‌توانم به تصاویر اصلی نگاه کنم و صدای آنها را گوش دهم. عنوان توصیفی‌تر - قاعده تهیه خیار- برای این است که در یک نگاه بتوانم بفهمم، کدام بخش از گفتگو است. به این معنا، نقش آن، یادآورنده یا کمک‌حافظه است. این شیوه کدگذاری در خصوص گفتگوهای طولانی که نمی‌خواهید همه متن پیاده شده را بخوانید تا چیز مهمی را که چند ماه پیش پیاده کرده‌اید، به خاطر آورید، حائز اهمیت است.

نمی‌خواهم توصیه کنم که حتماً از سیستم خاص من برای کدگذاری استفاده کنید، بلکه شیوه‌ای را برای مشخص کردن قطعه متن‌های مورد نظرتان ابداع کنید؛ به گونه‌ای که به راحتی بتوانید بفهمید آنها را از کجا پیاده کرده‌اید - کدام بخش از متن یا نوار را برداشته‌اید - تا قادر باشید دوباره به نوار گوش دهید یا دوباره متن اصلی پیاده‌شده را بخوانید تا برداشت‌ها و ایده‌هایتان را مجدداً بررسی کنید.

سوم، توجه داشته باشید که هر گوینده در سمت راست متن پیاده‌شده معرفی می‌شود. در این قطعه متن، ما سه گوینده (متکلم) داریم: جین، مری و بن. چه فرقی در نحوه خواندن متن ایجاد می‌شود اگر من آنها را «الف»، «ب»، «ج» نامگذاری کنم یا «زن ۱، زن ۲، مرد» یا «دوست، مادر و پسر»؟ هرگونه که گویندگان را نامگذاری کنید، قرائت خاصی از تعامل ارائه می‌کنید. این موضوع مخصوصاً هنگام پیاده کردن گفتگوهای رسمی، مثلاً معلم/دانش‌آموز یا فروشنده/مشتری روشن می‌شود. در چنین مواردی به راحتی تصمیم می‌گیرید که از دسته‌بندی‌های رسمی‌تر مانند «پزشک» و «بیمار» استفاده کنید تا عنوان‌های غیررسمی مانند اسم کوچک افراد (که ما معمولاً جنسیت فرد را از آن می‌فهمیم) یا عنوان‌های خنثی‌تری مانند «الف» یا «ب». شما باید در این‌باره فکر کنید

که چه دسته‌بندی‌هایی مناسب است. یک قاعده کلی، این است که اغلب از توصیف‌کننده‌هایی استفاده کنیم که با افراد شرکت‌کننده در تعاملات (گویندگان) تناسبی داشته باشند. برای مثال، هنگام پیاده کردن معاینه‌های پزشکان عمومی، «پزشک» و «بیمار» (یا مخفف آنها «پ» و «ب») شاید مناسب‌ترین عنوان باشد؛ زیرا کسانی که در این تعاملات شرکت می‌کنند، اغلب از یکی از این هویت‌ها (پزشک یا بیمار) برخوردارند. با این حال، اجازه ندهید که این دسته‌بندی‌های رسمی‌تر، بر تحلیل شما غالب شوند، چون گاهی اوقات ممکن است افراد تعامل‌کننده با هم صمیمی باشند. لازم به ذکر است که در متن‌هایی که پیاده شده‌اند، اغلب مثلاً افرادی را که صحبت می‌کنند، می‌بینید و افراد دیگری که صحبت نکرده‌اند اما در آنجا حضور داشته‌اند، مثلاً یک پژوهشگر یا یک همکار دیده نمی‌شود. این ناظران خاموش، همواره در متن‌های پیاده‌شده، دیده نمی‌شوند، مخصوصاً در متن‌هایی که از نوارهای صوتی پیاده شده‌اند، اما ممکن است این افراد با سیر گفتگو ارتباط داشته باشند.

چهارم، یادتان باشد به هر خط گفتگو یک شماره بدهید تا هنگامی که درباره یک قطعه متن می‌نویسید، این امکان را پیدا می‌کنید که سریع به بخش خاصی از گفتگو که مورد نظر شماست، ارجاع دهید، بدون اینکه لازم باشد آن بخش را به‌طور کامل بازنویسی کنید. شما گزینه‌های مختلفی برای نوشتن شماره خطوط دارید. گاهی ممکن است فقط بخواهید در هر پنج خط، علامت‌گذاری کنید، بنابراین فقط خط‌های ۱، ۵، ۱۰، ۱۵ و ... را با شماره‌های متناظر آنها یعنی ۱، ۵، ۱۰، ۱۵ و ... علامت‌گذاری کنید. این روش، هنگامی که شما بخش‌هایی بسیار طولانی یک گفتگو را بازنویسی می‌کنید و به جزئیات بسیار زیادی از خطوط خاصی از متن ارجاع نمی‌دهید، مفید است. در موارد دیگر ممکن است فقط بخواهید به نوبت هر فردی که صحبت می‌کند، یک شماره بدهید و یک نوبت ممکن است حاوی یک کلمه یا یک پاراگراف کامل باشد. این روش نیز هنگامی مفید است که بخواهید با جزئیات زیادی به آنچه در گفتگو بیان

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۲۵

شده، ارجاع دهید. انتخاب با شماست که کدام روش را برگزینید و احتمالاً برای استفاده از هر یک از سبک‌ها، ترجیحی شخصی دارید. برخی نرم‌افزارهای تایپ، امکان شماره‌گذاری خودکار را هنگام تایپ فراهم می‌کنند. این نرم‌افزارها، مخصوصاً هنگام پیاده کردن مصاحبه‌ها یا گفتگوهای بسیار طولانی مفیدند.

سرانجام، توجه داشته باشید که من چگونه گفتگو را انجام داده‌ام و چگونه آن‌را به شکل متن درآورده‌ام. صحبت‌های هر گوینده در چند خط ذکر می‌شود و این حس را به وجود می‌آورد که آنها هنگام صحبت کردن بسیار منطقی صحبت می‌کنند. با این حال، همان‌گونه که همه ما می‌دانیم، گفتگوها همواره، همچون این گفتگو، منظم صورت نمی‌گیرند؛ من تلاش کرده‌ام برخی ظرافت‌های گفتاری را نشان دهم. برای مثال، در بند ۱۶ با علامت‌گذاری عبارت «اوه و بعدش فقط» از طریق قرار دادن واژه تداخل در میان علامت (()) تلاش کرده‌ام نشان دهم که کجا صحبت‌های گویندگان تداخل پیدا کرده است. منظور از تداخل این است که وقتی بن می‌گوید «اوه و بعدش فقط»، مری هم، هم‌زمان می‌گوید: «و بعدش فقط» (۱۷). همان‌طور که در بحث‌های آینده این فصل خواهیم دید، هنگامی که سبک پیاده‌سازی «جفرسون»^۱ را می‌بینیم، متوجه می‌شویم راه‌های فنی‌تری برای پیاده‌سازی گفتگوها وجود دارند.

همچنین به‌جای نوشتن کلمه «فقط»، می‌توانستم بنویسم «فَقْ» گویی که حرف «ط» از صحبت بن افتاده است. همچنین می‌توانستم از واژه‌های رسمی (کتابی) استفاده کنم تا گفتاری مثلاً به‌جای بعدش در «اوه و بعدش فقط»، می‌توانستم از «سپس» استفاده کنم. یا از «آه‌ها» در بند ۱۴، تلاش کرده‌ام به صورت متنی واکنش او را بازتولید کنیم. چنین صداها یا الفاظی مانند «آه‌ها» یا «هه؟» گاهی اوقات به ویژگی‌های فرازبانی^۲ گفتار دلالت دارند. همان‌گونه که می‌دانید، شما می‌توانید بین دو سبک گفتاری [عامیانه]

1. Jefferson
2. Paralinguistic

یا نوشتاری [کتابی و رسمی] انتخاب کنید. من همچنین در قطعه متن یک برخی ویژگی‌های تعاملی دیگر مانند خنده (۴، ۲۱، ۲۶)، لحن سؤالی (۳، ۲۱، ۲۵) و مکث (۲، ۵، ۱۰) را اضافه کرده‌ام. پرسش این است که مدت این سکوت‌های کلامی که من مکث نامیده‌ام، چقدر است؟ می‌توانستم مدت این مکث‌ها را به ثانیه بنویسم: مکث در سطر دو حدود سه ثانیه است، در سطر پنج حدود شش ثانیه است و مکث در سطر ۱۰ حدود چهار ثانیه است، چنین توصیفی چه چیزی را به این متن پیاده شده اضافه می‌کند؟ همچنین آیا من بایستی، دیگر لحظه‌هایی را که مکث صورت می‌گرفت - مثلاً در سطر چهار بین خندیدن مری و گفتن «من فکر نمی‌کنم» - اضافه می‌کردم؟ می‌دانم که این پرسش‌ها پاسخ درست یا غلط ندارند. شما گزینه‌های متعددی دارید برای اینکه چه چیزی را در متن بگنجانید و چگونه آنرا بگنجانید.

مسئله جزئیات

باید انتخاب کنید و انتخاب‌های شما اغلب در مواردی رخ می‌دهد که متن پیاده‌شده ممکن است میزانی از عدم تطابق و انسجام با نوار ضبط شده گفتگوها داشته باشد. هر چه انسجام و پیوستگی بیشتر باشد، متن پیاده‌شده، فنی‌تر خواهد بود. منظور از فنی این است که شما مجبور خواهید شد از مجموعه خاصی از ابزارهای نشانه‌گذاری برای انتقال ویژگی‌های کلامی مورد نظرتان استفاده کنید و مجبور خواهید بود که اطلاعاتی را درباره نشانه‌گذاری‌هایی که می‌خواهید استفاده کنید، در اختیار دیگر خوانندگان قرار دهید. «پلند»^۱ (۲۰۰۲) اگر چه به متن‌های پیاده‌شده مصاحبه‌ها اشاره کرده است، اما فهرست بسیار مفیدی از چیزهایی که او احساس می‌کند، باید در متن‌های پیاده‌شده گنجانده شود، تدوین کرده است (نگاه کنید به نگاره ۱-۵).

1. Poland

نگاره ۱-۵: دستورالعمل‌های پُلند برای پیاده‌کنندگان متن‌ها

برای پژوهش کیفی مهم است که متن‌های پیاده‌شده، گزارش کلمه‌به‌کلمه چیزهایی باشند که در مصاحبه (یا هر بافت دیگری) رخ داده‌اند؛ یعنی آنها را نباید ویرایش یا مرتب و منظم کرد تا بهتر به نظر برسند.

مکث‌ها

مکث‌های کوتاه در طول گفتار را با مجموعه‌ای از نقطه‌ها (...), نشان دهید. تعداد این نقطه‌ها به مقدار زمانی که مکث طول کشیده، بستگی دارد (برای مثال، دو نقطه برای کمتر از نصف ثانیه، سه نقطه برای یک ثانیه، چهار نقطه برای یک و نیم ثانیه). مکث‌های طولانی‌تر را با کلمه مکث در داخل پرانتز نشان دهید. از (مکث) برای فاصله‌های دو تا سه ثانیه‌ای استفاده کنید و از (مکث طولانی) برای نشان دادن مکث‌های چهار ثانیه‌ای یا بیشتر استفاده کنید.

خندیدن، سرفه کردن و ...

داخل پرانتز نشان دهید؛ مثلاً (سرفه)، (آه)، (عطسه)، از (خندیدن) برای نشان دادن خندیدن یک نفر و (صدای خنده) برای نشان دادن خندیدن چند نفر استفاده کنید.

سکت‌ها

هنگامی که صحبت یک فرد در وسط جمله قطع و در صحبت او وقفه ایجاد می‌شود با (-) در محل قطع سخنان او نشان دهید (مثلاً: شما چه کار-)

صحبت متداخل

هنگامی که صحبت یک نفر با صحبت فرد دیگری تداخل پیدا می‌کند، از خط تیره (-) استفاده کنید و جمله متداخل را با (تداخل) شروع کنید و سپس به‌جایی

که صحبت‌های فرد اول تداخل پیدا کرده، برگردید (در صورتی که او به جمله‌اش ادامه داده باشد). برای مثال:

الف. او گفت که مجبور-

ب. (تداخل)، کی، جیم؟

الف. نه، لری.

صحبت مخدوش و نامفهوم

کلمه‌هایی را که واضح نیستند، داخل کروشه بنویسید و اگر حدس می‌زنید که چه کلمه‌ای است، بعد از نوشتن آن، علامت سؤال قرار دهید؛ برای مثال:

«در آن زمان [دو برابر شدند؟]»

از X برای نشان دادن کلمه‌هایی که به هیچ‌وجه قابل فهم نیستند استفاده کنید. تعداد X ها باید نشان‌دهنده تعداد تقریبی واژگانی باشد که قابل تشخیص نیستند. برای مثال؛ «جین رفت XXXXXX و سپس به خانه [آمد؟ رفت؟]»

تأکید

با برجسته نوشتن، تأکید شدید را نشان دهید. برای مثال «او چه کار کرد؟»

صدای بریده

صداهایی را که حالت مقطع دارند، تکرار کنید و بین آنها خط تیره قرار دهید. اگر روی آنها خط تیره قرار دهید. اگر روی آنها تأکید می‌شود، آنها را برجسته کنید. برای مثال؛

«ن ن نه، دقیقاً نه» یا «خ خ خ یلی خوشحال شدم»

بازگویی صحبت دیگران

هنگامی که یک گوینده به صدای خودش لحنی می‌دهد که نشان دهد ادای

فرد دیگری را درمی‌آورد یا در درونش با خودش صحبت می‌کند، از علامت نقل قول استفاده کنید و با (تقلید صدا) نشان دهید. برای مثال؛
الف: می‌دونین بعدش چی گفت (تقلید صدا) من پستم اگر به تو اجازه بدم
به من دستور بدی و من با خودم گفتم: نشونت می‌دم.
منبع: پُلند (۲۰۰۲: ۶۴۱).

پرسش درباره اینکه چه سطحی از نشانه‌گذاری استفاده شود، ارتباط تنگاتنگی با این دارد که شما با داده‌های خود چه کاری می‌کنید. سطح جزئیاتی که پیش‌تر در قطعه متن یک دیدید، انتخاب شده بود تا سطحی نسبتاً پایه از پیاده کردن را نشان دهد. البته ساده‌ترین سطح پیاده‌سازی، بسیار متفاوت است. هنگامی که شما مقاله‌هایی را می‌خوانید که نقل‌قول‌هایی از مصاحبه‌ها را بیان می‌کنند، اغلب ماهیت تعاملی آن گفتگوها را از دست می‌دهید: مثلاً پرسش‌های مصاحبه‌گران، مکث‌ها، الفاظ واکنشی (کلماتی مانند: ها، بله و غیره)، لحن و خنده، به‌ندرت در این مقاله‌ها دیده می‌شوند. امیدوارم در خواندن قطعه متن یک - که پیش‌تر درباره آن بحث شد - به نوعی فهم از فضای آن تعامل‌ها رسیده باشید؛ فهم جملات، تعاملات و کارهای گویندگان. این قطعه متن، فقط یک دقیقه از تعامل را در بردارد و دقیقاً ۱۰ دقیقه طول کشید تا این سطح از جزئیات را که خودم راضی باشم، پیاده کردم. پس از این مقدار پیاده کردن، مطمئن بودم که کلمات را درست فهمیده‌ام، ترتیب کلمات، درست است و به شما شناختی از ویژگی‌های دیگر این تعامل (گفتگو) می‌دهد. برای مثال، هنگامی که نوار را دوباره گوش دادم، در حالی که بخش یاد شده (متن یک) را می‌نوشتم تا متن پیاده‌شده را با صدا تطبیق دهم، متوجه شدم که هنوز باید چند کلمه و یک مکث را اضافه کنم. این، دو چیز مهم را نشان می‌دهد:

- تلاش کنید کل تحلیل تان را فقط بر مبنای متن پیاده شده انجام ندهید؛
- متن های پیاده شده، اسنادی زنده و در حال تکامل هستند، آنها همواره در معرض تغییر و تحولند.

من شخصاً دوست ندارم هیچ گونه تحلیلی را صرفاً با اتکا به متن های پیاده شده انجام دهم. آنها را بازتولیدی تخت و یکنواخت از تعاملات می دانم، به گونه ای که ممکن است به آسانی ذهن شما را درباره رویداد مورد نظر منحرف کنند و نکته های ظریفی را که از شنیدن یک لحن خاص یا یک صدا یا سرعت صحبت کردن (کند یا تند ادا شدن جملات) دستگیرتان می شود، از دست بدهید. به خاطر دارم در یک جلسه درباره داده هایی که من در تهیه آن نقش داشتم، گروه حاضر در جلسه مدت زیادی پیش از گوش دادن به نوار درباره متن پیاده شده صحبت کرد. استنباط ما درباره اینکه بخشی از مصاحبه، غیرطبیعی و بسیار کند است، پس از گوش دادن نوار، تغییر کرد و آن چیزی که به عنوان پرسش بسیار محتاطانه مصاحبه گر روی کاغذ آمده بود، دوباره به طور مستقیم گوش داده شد.

از طریق گوش دادن دوباره به نوارها یا رویدادهای ضبط شده، پیوسته به این می اندیشید که دقیقاً در لحظات خاصی از آن رویدادها چه اتفاقی افتاده است. همان گونه که ممکن است جهت گیری تحلیلی شما تغییر یابد، ممکن است به متن های پیاده شده دارای جزئیات بیشتر هم نیاز پیدا کنید. اکنون می خواهم سبک یا گونه خاصی از پیاده سازی را که اغلب به وسیله تحلیلگران محاوره یا متخصصان روانشناسی استدلالی به کار می رود، معرفی کنم. برای کسانی که این گونه تحلیل ها را انجام می دهند، مستندسازی سطح بسیار خوبی از جزئیات تعامل، حیاتی است.

متن پیاده‌شده به روش جفرسون

در دهه ۱۹۶۰ میلادی، «گیل جفرسون»، سبک خاصی از نشانه‌گذاری متن پیاده‌سازی شده را طراحی کرد تا با استفاده از علائم موجود بر روی ماشین تایپ، جنبه‌های معینی از گفتار را که در تعاملات روزمره وجود دارند، در متن ارائه کند. اکنون این سیستم نشانه‌گذاری، کاربرد بسیار فراگیری دارد و تقریباً به یک استاندارد و مبنای حرفه‌ای برای کسانی که تحلیل محاوره انجام می‌دهند، تبدیل شده است. نگاره ۲-۵ مهم‌ترین علائمی که از سوی کسانی که این روش را به کار می‌برند، نشان می‌دهد.

نگاره ۲-۵: قراردادهای ساده‌شده پیاده‌سازی به روش جفرسون

علامت	نمونه	توضیح
(۵/۰)	آن (۵/۰) عجیبه؟	مدت سکوت در مقیاس دهم ثانیه
(.)	باشه (.). خیلی خوب	مکث خیلی کوتاه، کمتر از دو دهم ثانیه
:::	من :::: ن نمی‌دانم	دو نقطه‌ها نشان‌دهنده کشیده شدن صدایی هستند که به آن چسبیده‌اند، تعداد ردیف‌های آنها مدت کشیده شدن آن صدا را نشان می‌دهد.
=====	من می‌دانم که	خط زیر واژه نشان‌دهنده تأکید گوینده است.
]	الف: [خوب در آنجا ب: [واقعاً منظورم	کروشه راست جایی را نشان می‌دهد که صحبت گوینده با یک گوینده دیگر تداخل پیدا می‌کند.
=	می‌دونی = من خوب	علامت مساوی نشان می‌دهد که هیچ فاصله قابل شنیدنی بین دو کلمه وجود ندارد.

<p>کلمات نوشته شده با حروف بزرگ [در زبان انگلیسی] نشان‌دهنده بلندی صدا در مقایسه با بقیه واژه‌هاست.^۱</p>	<p>حدود یک میلیون</p>	<p>واژه نوشته شده با حروف بزرگ [در زبان انگلیسی]</p>
<p>واژه بین دو علامت درجه یا [علامت وقف در زبان عربی] نشان‌دهنده آهسته‌تر بودن تلفظ در مقایسه با دیگر کلمات است.</p>	<p>آها°</p>	<p>°</p>
<p>واژه‌های بین علامت‌های «بزرگتر» و «کوچکتر» نشان‌دهنده سرعت بیشتر بیان کلمه‌ها یا عبارات در مقایسه با بقیه جمله است</p>	<p>< فکر نمی‌کنم ></p>	<p>> <</p>
<p>واژه‌های بین علامت‌های «کوچکتر از» و «بزرگتر از» نشان‌دهنده سرعت کمتر بیان آنها در مقایسه با دیگر عبارات است.</p>	<p>> من نمی‌دانم <</p>	<p><></p>
<p>علامت سؤال نشان‌دهنده بالا آمدن آهنگ صدا است.</p>	<p>ا راستی؟</p>	<p>؟</p>
<p>توقف کامل، نشان‌دهنده پایین آمدن آهنگ صدا است.</p>	<p>بله ه</p>	<p>ه</p>
<p>ردیفی از ه ها که پیش از آن یک نقطه قرار گرفته، نشان‌دهنده درون سینه دادن نفس و بدون نقطه، به معنی بیرون دادن نفس است. تعداد ه‌ها نشان‌دهنده مدت درون یا بیرون سینه دادن نفس است.</p>	<p>من می‌دونم. ه ه ه</p>	<p>ه ه ه</p>

۱. چون حروف بزرگ در الفبای فارسی، معنی ندارد، به نظر می‌رسد می‌توان یا برجسته نوشتن تا حدودی مفهوم مورد نظر را رساند.

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۳۳

پرانتهای خالی نشان‌دهنده قابل شنیدن نبودن عبارت یا صدا بوده است.	چه یک () چیز	()
واژه داخل پرانتزها، نشان‌دهنده محتمل‌ترین کلمه‌ای بوده که پیاده‌کننده، شنیده است.	چی کار داری (می‌کنی)	(واژه)
واژه‌های داخل دو پرانتز، دربردارنده توصیفات پیاده‌کننده است.	من نمی‌دونم (عطسه))	(())

برگرفته از جفرسون (۲۰۰۴)

این شیوه (قراردادهای جفرسونی) می‌تواند به عنوان شیوه‌ای کاملاً فنی و پیچیده بازتولید گفتگو استفاده شود. هنگامی که نخستین بار با متن‌هایی پیاده‌شده برخورد می‌کنید که از این شیوه نشانه‌گذاری استفاده کرده‌اند، بسیار دشوار است که متن را دقیق بفهمید و بدانید که در گفتگو دقیقاً چه اتفاقی افتاده است. هنگامی که اولین بار تلاش کردم متن‌های پیاده‌شده به سبک جفرسون را پیاده کنم، ناچار بودم یک نسخه از علامت‌ها را جلوی چشمم قرار دهم تا هنگام خواندن، راهنمای من باشد. همچنین قبلاً متن‌ها را با صدای بلند می‌خواندم تا بفهمم علامت‌ها دقیقاً چه تأثیری در تغییر صدا و سرعت بیان عبارت‌ها دارد. باید کمی تمرین کرد اما بعد از مدت کوتاهی به تدریج خواندنی‌تر و قابل فهم‌تری می‌شوند. همچنین هنگامی که هم‌زمان به نوار یک متن پیاده شده گوش می‌دهید، متن برای شما قابل فهم‌تر می‌شود.

متن‌های پیاده‌شده کاری در مقابل متن‌های پیاده‌شده گزارشی

تصمیم‌گیری درباره اینکه چه سطحی از جزئیات را پیاده کنید، تصمیمی مهم است. شما باید واقعاً درباره پیاده‌سازی در دو مرحله فکر کنید. مرحله اول، تولید متن کاری خودتان است. این متنی است که شما به‌طور روزانه با آن کار می‌کنید و آن‌را با

گوش‌دادن (یا تماشا کردن) مکرر گفتگوهای ضبط‌شده، ایجاد می‌کنید. این متن، چندین بار تغییر می‌کند و غالباً، نظرهای تحلیلی، بر مبنای آن داده می‌شود. این فقط ابزاری است که به شما کمک کند به خاطر آورید آن نوار یا فایل، حاوی چه اتفاقی بود؛ راهی است برای اینکه شما را در فهمتان از یک رویداد راهنمایی کند. به یک معنا، ابزاری است که به شما کمک می‌کند تا آنچه را که با سرعت بالایی می‌شنوید، با سرعتی پائین مطالعه کنید، تا قادر باشید درباره برخی ویژگی‌های آن فضا بیندیشید. سطح جزئیات به این بستگی دارد که چه چیزی را بررسی می‌کنید؛ اگر شما می‌خواهید بدانید که در لحظه‌به‌لحظه یک گفتگو چه اتفاقی افتاده است، باید کارتان را شبیه به روش پیاده‌سازی جفرسونی تکمیل کنید.

متن پیاده‌شده کاری شما در مقایسه با گزارش‌هایی که می‌نویسید احتمالاً سطح بیشتری از جزئیات را تولید خواهد کرد. بهتر این است که به محض اینکه متوجه چیز خاصی در نوار می‌شوید آن‌را با جزئیات زیاد پیاده کنید، نه اینکه توجه خود را به چیزهایی محدود کنید که در ابتدا فکر می‌کنید، ضروری هستند و باید آن‌ها را پیاده نمایید. حتی اگر شما هم‌زمان به تحلیل محاوره نمی‌پردازید، اگر با تأکیدها یا واژه‌هایی خاص، آهنگی خاص در کلام، یا صدای خنده یا توالی خاص تداخل گفتار در یک بحث توجه کنید، ممکن است به شما کمک کند بتوانید در نهایت تحلیل دقیقی داشته باشید. با این حال، نمی‌توانم تأیید کنم که روش شما (که حداکثر جزئیات را پیاده نمی‌کنید) برای فهم و تحلیل، شما را از کار مجدد با نوارها یا فایل‌ها بی‌نیاز کند. متن، همواره تالی است و در مقایسه با خود نوار یا فایل، در مرتبه دوم قرار دارد. در واقع، متن، یک ابزار کمکی برای حافظه است. مرحله دوم پیاده‌سازی، ایجاد متن پیاده‌شده گزارشی شماست؛ این متن، سندی است که در گزارش نهایی یا تز شما و (احتمالاً) متن منتشر شده تحقیق شما گنجانده خواهد شد. شما باید [در گزارش نهایی‌تان] جزئیات کافی را در اختیار خواننده قرار دهید، باید شواهد متنی کافی در اختیار آنها

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۳۵

قرار دهید که شما به چه دلیلی تحلیل‌های خاصی از متن پیاده‌شده ارائه کرده‌اید. از این‌رو، آوردن همه جزئیاتی که پیاده کرده‌اید برای نشان دادن مبنای استدلال‌تان ضروری نیست [بلکه همان سطح معقولی که به صورت گزارشی ارائه می‌کنید، مفید است].

پیاده کردن داده‌های تصویری

متن‌های پیاده‌شده قبلی، تنها اطلاعاتی را درباره گفتگوهای کلامی (صوتی) در اختیار شما قرار می‌داد. همان‌گونه که در آغاز این فصل ذکر کردم، من گفتگوی مربوط به آشپزخانه را تصویربرداری کردم، بنابراین انبوهی از دیگر تعاملات مربوط به این گفتگو را دارم که شناخت (و تحلیل) را از فضای گفتگوی مشارکت‌کنندگان ارتقاء می‌دهد. برخی از این تعاملات عبارتند از:

نگاه: جهت نگاه هر یک از شرکت‌کنندگان و اینکه هنگام تعامل (گفتگو) چگونه تغییر می‌کند.

تماس: تماس با بخشی از بدن خود، تماس با دیگر گویندگان و تماس با اشیاء و مصنوعات و استفاده از آنها.

حرکت‌ها: کنش‌هایی همچون اشاره کردن یا تشریح تصویری یک مفهوم.

ژست: جهت سر، شانه‌ها، پایین‌تنه و ...

موقعیت در فضا: جایی که افراد در ارتباط با دیگر مشارکت‌کنندگان، اشیاء و مصنوعات، قرار گرفته‌اند.

کنش‌های دیگر: از جمله کارهایی همچون راه رفتن.

محققان مختلف، راه‌های متفاوتی را برای ارائه اطلاعات به خوانندگان متن‌های پیاده‌شده

درباره کنش‌ها در پیش گرفته‌اند. مهم‌ترین گزینه‌هایی که در اختیار دارید، عبارتند از:

- گزارشی از کنش‌های مربوط به گفتگوهایی که پیاده کرده‌اید، ارائه نمائید؛

- لابه‌لای همان گفتگوهایی که پیاده می‌کنید، گزارشی از کنش‌ها نیز ارائه نمائید؛
- این کنش‌ها را با استفاده از یک شیوه علامت‌گذاری، لابه‌لای گفتگوها بگنجانید؛
- تصویر کنش‌ها را به موازات گفتگوهای پیاده‌شده، بکشید؛
- عکس‌های این کنش‌ها را در کنار متن‌های پیاده‌شده قرار دهید؛
- تصاویر ویدئویی را در کنار متن‌های پیاده‌شده قرار دهید تا استفاده شوند.

در ادامه می‌خواهم بخشی از متن پیاده‌شده [مربوط به آشپزخانه] را بیاورم و نشان دهم که چگونه برخی از این گزینه‌ها را می‌توان در عمل اجرا کرد. لازم به ذکر است که به علت پیچیدگی بازتولید این کار به صورت متن پیاده‌شده، تنها می‌خواهم بخش بسیار کوتاهی از متن پیاده‌شده را بیاورم و برخی از ویژگی‌های صحنه را بررسی کنیم.

پیاده‌سازی عکس‌ها

در متن پیاده‌شده‌ای که خواهید دید، هم از پیاده‌سازی ساده و هم ارائه گزارش توصیفی کنش‌های غیرکلامی استفاده شده است. پیش از اینکه متن پیاده‌شده را بخوانید، مهم است تصویری از محل استقرار هر یک از افراد در محیط داشته باشید. جین، پشت به مری و بن ایستاده است. جین، روبه‌روی یک رف است و غذا را در ماهی‌تابه، هم می‌زند. بن و مری، دور یک میز بزرگ، روبه‌روی هم نشسته‌اند.

قطعه متن پیاده شده ۱-۱ (باز پیاده‌شده بخشی از قطعه متن یک)

۱. ((جین به مری نگاه می‌کند))
۲. جین: همه یخ زده‌ان؟
۳. مری: نه
۴. ((جین به ماهی‌تابه نگاه می‌کند))
۵. مری: این قسمتش خوبه. خیلی خوبه، وقتی پوستش می‌کنی

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۳۷

۶. ((جین به مری نگاه می‌کند و نگاهش را به سوی ماهی‌تابه بر می‌گرداند))

۷. بن: آها

۸. مری: چهار تا برش بزن، از طول

۹. ((جین به مری و بن نگاه می‌کند))

۱۰. بن: و بعدش فقط ((تداخل))

۱۱. مری: و بعدش ((تداخل)) فقط دانه‌ها را دربیار

۱۲. ((جین به بن نگاه می‌کند و به سمت او اشاره می‌کند))

۱۳. جین: یا اینکه

۱۴. ((مری به جین نگاه می‌کند و لبخند می‌زند))

۱۵. جین: دو برش مساوی بزن

۱۶. ((مری به بن نگاه می‌کند))

۱۷. جین: و از یک قاشق چای‌خوری استفاده کن

۱۸. ((مری، چاقو را به سمت بن پرتاب می‌کند))

۱۹. و برو دنبال کارت

۲۰. مری: تو می‌تونی

۲۱. ((جین، سریع نگاهش را به سمت ماهی‌تابه برمی‌گرداند))

۲۲. هر روشی را که ترجیح می‌دی، انتخاب کن

همان‌طور که می‌بینید، این گزارش توصیفی، کمی فضا را برای ما زنده می‌کند و برای ما روشن می‌کند که افراد در حال گفتگو چه می‌گویند. متأسفانه، بن در تصویر نیست و ما فقط اطلاعاتی از صحبت‌های او داریم، احساس من، این است که اطلاعات اضافه‌شده به شما، یعنی خواننده، نشان می‌دهد که همه این افراد در حال گفتگو چگونه تعاملشان را از طریق کنش‌های کلامی و غیرکلامی هماهنگ می‌کنند. دو نفر از آنها

(مری و جین) رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند (دوست یکدیگر هستند) و بدون فهم یکی، نمی‌توانید رفتار دیگری را درک کنید. برای مثال، دستورالعمل پیشنهادی جین در بند ۱۵ - دو برش مساوی بزن - در مخالفت مستقیم با دستورالعمل مری است. توجه داشته باشید که جین، نگاهش را از ماهی‌تابه برمی‌دارد و به دیگر شرکت‌کنندگان نگاه می‌کند و این درست زمانی است که مری تازه دستورالعملش را در خط هشت به بن گفته است - چهار تا برش بزن، از طول - و سپس او (جین) رو به سوی ماهی‌تابه برنمی‌گرداند تا اینکه او دستورالعمل پیشنهادی خود را به‌طور کامل بیان کند. به این طریق، ما می‌توانیم بفهمیم که دستورالعمل مری، تلویحاً اشاره دارد که می‌توان به یک روش دیگر هم خیار را برش زد و جین، صحبت او را پی می‌گیرد و کامل می‌کند که روش دیگر برای آماده کردن خیار چگونه است. برای بررسی بیشتر، می‌توانیم بخشی از همین متن پیاده‌شده را دوباره با استفاده از یک شکل دقیق‌تر علامت‌گذاری پیاده کنیم که از علامت‌های دقیق‌تری برای نشان دادن نحوه وقوع این گفتگو استفاده می‌کند.

قطعه متن ۱-۲ (باز پیاده شده بخشی از قطعه متن یک)

۱. مری: = نه. این قسمتش خوبه. خیلی خوبه، وقتی پوستش می‌ک: نی
 ^ ^

جین: سرش را به سوی ماهی‌تابه برمی‌گرداند سرش را به سوی مری برمی‌گرداند
 ۲. بن: آها

۳. مری: چهار:ر تا برش: بزن. = از طول [و بعدش]
 ^ ^

جین: سرش را سریع به سمت مری و بن بر می‌گرداند سرش را به سمت ماهی‌تابه بر می‌گرداند

همان‌طور که می‌بینید، با توجه به اینکه کجا سرش را برمی‌گرداند، بهتر متوجه

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۳۹

می‌شویم که چه چیزی مدنظر اوست. هنگامی که مری، کلمه «چهار» را می‌گوید، جین در مقایسه با حرکات قبلی، سرش را نسبتاً سریع تکان می‌دهد که به این معناست که او دستورالعمل متفاوتی با دستورالعمل مری در ذهن دارد روش پیشنهادی او این است که خیار را به دو قسمت مساوی برش بزن. بنابراین، متن ذکر شده می‌خواهد نشان دهد که در کجا، کنش مشخصی اتفاق افتاده است.

با تولید متن تشریح شده، توانستم بحثم را برای شما تشریح کنم و چیزهایی را که در تصویر دیده بودم، در اختیار شما قرار دهم. مطمئناً، چیزهای زیادی در آن لحظه از تصویر وجود داشت که من اطلاعات آنها را در اختیار شما قرار ندادم. گزارش کاری من در مورد فقط قسمت کوچکی از این بخش، چیزی شبیه متن ذیل است:

قطعه متن ۱-۳ (بخش دوباره پیاده شده قطعه متن یک)

مری: سرش را به صورت افقی تکان می‌دهد و ته خیار را می‌برد

V

مری: = نه.

^

جین: به ماهی‌تابه نگاه می‌کند و به تکان دادن ماهی‌تابه ادامه می‌دهد

مری: سریعاً سر بریده شده خیار را به سوی خود برمی‌گرداند و به آن نگاه می‌کند

V

۲. مری: این

مری: سر دیگر خیار را به سوی خود بر می‌گرداند و به آن نگاه می‌کند

V

۳. مری: یک قسمتش

مری: سرش را به سوی تکان می‌دهد

V

۴. مری: خوبه

مری: به سمت بن خم می‌شود، چاقو را برمی‌دارد و خیار را افقی نگه می‌دارد

۵. مری: خیلی خوبه. وقتی

همان‌طور که می‌بینید، این نسخه از متن پیاده‌شده، جزئیات بیشتری را در اختیار می‌گذارد و بیشتر بر فعالیت مری بر روی خیار متمرکز است. نسخه اولیه، حتی از این هم، مشوش‌تر بود و فضای زیادی را روی کاغذ می‌گرفت که احتیاج به فلش‌ها و ترسیم بیشتری داشت. به همین دلیل، این سطح از جزئیات را در قطعه متن ۱-۲ نیاوردم، چرا که کمکی به بحث مورد نظر نمی‌کرد. اکنون باید پس از اطلاعاتی که در اختیارتان قرار دادم، بدانید که چگونه متن‌های پیاده‌شده می‌توانند به عنوان ابزارهایی بیانی، به ما کمک کنند؛ همان‌گونه که در قطعه متن ۱-۲ دیدید، متن پیاده‌شده به ما در تبیین رفتار جین کمک کرد. اگر در قطعه متن ۱-۳، همه کارهایی که مری انجام داده بود را تشریح می‌کردم، بحث رسایی خود را از دست می‌داد و غرق جزئیات می‌شدم. یک راه دیگر برای اینکه آنچه دیده‌اید را به خوانندگان خود منتقل کنید، این است که عکس‌ها یا فریم‌هایی برگرفته از تصاویر ویدئویی را در اختیار آنها بگذارید (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به بنکس، ۲۰۰۷).

به این ترتیب، شما به‌جای تشریح متنی کنش‌ها و حرکات، شرحی تصویری در اختیار آنها قرار می‌دهید. برای مثال اجازه دهید در عکس‌های یک تا پنج - که در ادامه خواهید دید - لحظه‌ای را که جین، دستورالعمل پیشنهادی خودش را برای تهیه خیار ارائه می‌کند، مرور کنیم. به این ترتیب می‌توانید برخی ژست‌ها و حرکات بدن افراد در حال گفتگو را درک کنید. برای مثال، توجه کنید که چگونه مری در فریم اول رو به بن (در سمت چپ و خارج از زاویه دوربین) ایستاده است و در فریم دو می‌بینیم که او با تبسمی بر لب به جین نگاه می‌کند. برای اینکه بتوانم این عکس‌ها را در این کتاب ارائه

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۴۱

کنم، چند لحظه از تصاویر ویدئویی در حال پنخش در نرم‌افزار مدیا پلیر رایانه‌ام، را متوقف و فقط روی گزینه «کپی» کلیک کردم، سپس آنها را به فایل دیگری منتقل و در آنجا اندازه عکس را کوچک کردم، اما توجه داشته باشید که برخی از نسخه‌های نرم‌افزار مدیا پلیر، امکان کپی فریم تصاویر را به شما نمی‌دهند.

شما اغلب نمی‌توانید از طریق استفاده از عکس‌ها، همه ابعاد دقیق حرکات و ژست‌های افراد در حال گفتگو را نشان دهید. برای مثال، نگاه کنید به تفاوت حرکت دست‌های جین در فریم‌های یک تا پنج؛ در ابتدا او به سمت بن اشاره می‌کند، سپس دست چپش را بالا می‌آورد و آن را به گونه‌ای قرار می‌دهد که گویی چیزی در دست دارد. با توجه به اینکه او می‌گوید: «و از یک قاشق چایخوری استفاده کن» با این ژست، تلاش می‌کند که نحوه در دست گرفتن قاشق چایخوری را نشان دهد. او سپس دستش را به جلو و بالا حرکت می‌دهد، انگار چیزی را با این قاشق خیالی می‌ریزد. بسیاری از اوقات، این سطح از جزئیات درباره سیر حرکت دست‌ها، در عکس‌ها دیده نمی‌شود. البته در این مورد تا حدودی به دلیل سرعت حرکات است به علاوه اینکه من فقط از یک نرم‌افزار مدیا پلیر نه چندان پیشرفته استفاده می‌کنم.

نکته این است که صرف‌نظر از فناوری در اختیار شما، بدون دسترسی و مراجعه به تصاویر ضبط شده، همواره متوجه برخی ویژگی‌های رویداد ضبط شده، نمی‌شوید و همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم، حتی خود تصاویر ضبط شده صرفاً یک منظر از صحنه رویداد را نشان می‌دهند.

یک گزینه دیگر، این است که همراه متن، بخشی از تصاویر ضبط شده را روی لوح فشرده (سی‌دی) قرار دهید یا اینکه بخشی از آن را روی یک سایت قرار دهید. با این حال، همان‌طور که در بحث مربوط به اخلاق ذکر شد، باید برای انجام دادن این کارها از مشارکت‌کنندگان در پژوهش‌تان، اجازه بگیرید؛ فرقی هم ندارد که عکس باشد یا فایل صدا یا تصویر. برخی از پژوهشگران برای این منظور، چهره مشارکت‌کنندگان را

۱۴۲ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

شطرنجی می‌کنند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد راه‌های دیگری برای این کار وجود دارد و برخی افراد با کمک صفحه کلید رایانه شکل‌های خاصی از علامت‌گذاری را استفاده می‌کنند تا چیزهایی مانند جهت نگاه یا برخی کنش‌ها را نشان دهند.

عکس‌های ۱ تا ۵: بخشی از متن ۱ که مجدداً پیاده‌سازی شده است.

توجه: واژگان برجسته شده، نشان‌دهنده لحظه‌ای هستند که عکس‌ها گرفته شده‌اند.



عکس (۱) جین: = یا اینکه



عکس (۲) جین: دو بُرش مساوی بزن

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۴۳



عکس (۳) جین: و از یک قاشق چایخوری استفاده کن.



عکس (۴) جین: و برو دنبال کارت



عکس (۵) مری: تو می‌تونی هر روشی را که ترجیح می‌دی، انتخاب کنی.

ملاحظات پایان فصل

پس از اینکه داده‌های مورد نیاز خود را به صورت صدا یا تصویر ضبط کردید، معمولاً می‌خواهید همه یا بخشی از آنها را مکتوب کنید. در این فصل، گزینه‌های مختلفی را در خصوص سطحی از جزئیات که می‌توانید داده‌ها را پیاده کنید، پیشنهاد داده‌ام. در فصل‌های آینده با روش‌های گوناگونی که محققان دیگر برای این منظور به‌کار گرفته‌اند و متن‌های خود را پیاده کرده‌اند، آشنا خواهید شد و باید بفهمید که با توجه به پرسش‌ها یا علائق پژوهشی خودتان کدام یک از روش‌ها را انتخاب کنید. همان‌طور که بارها در فصول قبلی گفته شد ما از طریق پیاده‌سازی، صحنه‌ای را که می‌خواهیم توصیف کنیم، شکل می‌دهیم. با این کار، فهم خود و خواننده را از رویدادهای آن لحظه از تعامل و آنچه مهم است، شکل می‌دهیم. بهترین راه برای یادگیری اینکه چگونه متن‌هایی دقیق‌تر تولید کنیم، این است که دونفره یا گروهی پیاده کنیم. هنگامی که با دیگران کار می‌کنید، درباره نحوه پیاده‌سازی جملات یک گفتگو با هم بحث و از یکدیگر سؤال می‌کنید. نکته مهم‌تر اینکه گوش دادن گروهی، کمک می‌کند هنگام بحث با یکدیگر برای دوباره گوش دادن و تحلیل مجدد گفتگوها، به نتیجه‌ای منطقی برسید. هرگز نباید متن پیاده شده نهایی، آغاز کار تحلیلی شما باشد؛ بلکه باید اساس تحلیل شما از هنگام گوش دادن یا تماشا کردن مکرر گفتگوهای ضبط شده و فرایند پیاده‌سازی شکل بگیرد.

نکات مهم فصل

- نوارهای ضبط شده گفتگوها و متن‌های پیاده شده، همواره گزینشی و ناقص هستند؛
- تلاش کنید همه تحلیل‌تان را تنها بر مبنای متن‌های پیاده شده یک گفتگوی ضبط شده ارائه نکنید. متن‌های پیاده شده، اسنادی زنده و رو به تکامل هستند؛ همواره

فصل پنجم - پیاده‌سازی داده‌های صوتی و تصویری ۱۴۵

امکان تغییر آنها وجود دارد؛

- هنگامی که شروع به پیاده‌سازی جزئی و ریز تعاملات می‌کنید، کار کردن با فرد دیگری یا کار مشترک گروهی روی یک نوار، بسیار مفید است و به شما در پیاده‌سازی دقیق و نیز تحلیل دقیق گفتگوها و تعاملات کمک می‌کند.

منابع تکمیلی

منابع ذیل، با جزئیات بیشتری مسائل اخلاقی را به‌طور عام یا در مورد روش‌ها یا رویکردهایی خاص بررسی کرده‌اند:

- Antaki, C. (2002) "An Introductory Tutorial in Conversation Analysis". Online at <http://www.staff.lboro.ac.uk/~ssca1/sitemenu.htm>; accessed on 5 Oct. 2005.
- Ashmore, M. and Reed, D. (2000) "Innocence and nostalgia in conversation analysis: the dynamic relations of tape and transcript", *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research [Online Journal]*, 1(3). Online at <http://www.qualitative-research.net/fqs-texte/3-00/3-00ashmorereed-e.htm> accessed on 12 jan 2006.
- Banks, M. (2007) *Using Visual Data in Qualitative Research* (Book 5 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Kvale, S. (2007) *Doing Interviews* (Book 2 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Poland, B.D. (2002) *Transcription quality*, in J. Gubrium and J. Holstein (eds), *Handbook of Interview Research: Context and Method*. Thousand Oaks, CA: Sage, pp. 629-50.

فصل ششم

بررسی گفتگو

بررسی گفتگو

- بررسی یک لحظه معمولی در گفتگو

- فرایند معمول زندگی اجتماعی

- ملاحظات پایان فصل

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- درباره نحوه مطالعه گفتگوها و محاوره‌ها، بیشتر و دقیق‌تر بدانید؛

- روش پژوهشگران حوزه تحلیل محاوره و روانشناسی استدلالی در خصوص کار

با گفتگوهای صوتی و تصویری ضبط شده را بدانید؛

- پس از بحث درباره مجموعه‌ای از گفتگوهای پیاده شده، برخی ویژگی‌های مهم

گفتگو را که پژوهشگران هنگام تحلیل محاوره‌ها بررسی می‌کنند، بشناسید.

در نگاه اول، ممکن است مفید بودن بررسی گفتگو برای شناخت جامعه و فرهنگ،

عجیب به نظر برسد. در زندگی روزمره مان، بارها می‌شنویم که [به اصطلاح خودمانی] «حرف، فقط حرفه» [و ارزش دیگری ندارد]. ممکن است شنیده باشید که می‌گویند: چوب‌ها و سنگ‌ها، می‌توانند استخوان‌های مرا بشکنند اما حرف‌ها هرگز نمی‌توانند به من آسیبی برسانند. هنگامی که از کسی می‌خواهیم در برابر چیزی که گفته است، پاسخگو باشد، می‌گوید: «حالا من یه چیزی گفتم.» از این دیدگاه، هرگونه بررسی گفتگو، کار بی‌ارزشی است. با این حال، اگر یک لحظه درنگ کنید، پی می‌برید که تبادل نظر یا گفتگو به معنای اعم آن، احتمالاً اصلی‌ترین راه ابراز دوستی، برقراری رابطه با دیگران، یاد گرفتن چیزها، انجام دادن بسیاری از کارها و غیره است. همان‌گونه که «موئرمَن»^۱ (۱۹۹۲) توضیح می‌دهد: گفتگو، بخش اساسی تعامل اجتماعی است و تعامل اجتماعی، بخش اصلی و تقویت‌کننده و نیز فضای آموزنده و تجربه شده حیات اجتماعی است (۱۹۹۲: ۲۹).

هاروی ساکس، یکی از بنیان‌گذاران تحلیل گفتگو، یک استراتژی پژوهشی اساسی برای تحلیل گفتگو را تبیین کرده است: فقط تلاش کن بفهمی، نگاه کن تا بفهمی چگونه افراد اقدام به تولید چیزی می‌کنند که آنها در عمل تولید می‌کنند (۱۹۹۵، شماره ۶۴، پاییز: ۱۱). برای بررسی توصیه ساکس، به مثال‌هایی توجه کنید:

قطعه متن ۱ (بیچ^۲ و متزینگر^۳، ۱۹۹۷: ۵۶۹ - متن پیاده‌شده با اندکی تغییر)

سو: برای من سؤال شده که او همه این چیزها را از کجا فهمیده

فیونا: من :::: من نمی‌دونم شاید از محل کار یا از «کی»^۴

بنابراین سو، با صدای بلند از خودش می‌پرسد چگونه کسی که با عنوان «او» ذکر می‌شود، چیزی را فهمیده است. من فکر می‌کنم غالب افراد این‌گونه می‌شنوند که فیونا

1. Moerman
2. Beach
3. Metzinger
4. Kay

فصل ششم - بررسی گفتگو ۱۵۱

می‌گوید: حس می‌کنم که او از طریق محل کار یا «کی» فهمیده است. فیونا در اقدام به نمایش عدم اطمینان یا عدم اطمینان واقعی، تلاش می‌کند بگوید: مرا مسئول دقیق بودن اطلاعات او ندان.

یک مثال دیگر از این دست را بررسی می‌کنیم که از محاکمه فردی برای تجاوز به عنف گرفته شده است. ما گفتگوهای جایی از فیلم را می‌خوانیم که وکیل مدافع در حال سؤال کردن از قربانی این تعرض است.

قطعه متن ۲ (درو^۱، ۱۹۹۲: ۹-۴۷۸)

وکیل: خب، آیا او، در اون شب از تو پرسید که ا: که

می‌خوای با او رابطه داشته باشی؟ (۵، ۰)

وکیل: او از تو نپرسید؟ (۵، ۲)

شاهد: چیزی را که او در آن شب به من گفت، به یاد نمی‌آورم. (۲، ۱)

وکیل: تو گفتگوهایی نسبتاً طولانی با متهم داشتی، درسته؟ (۷، ۰)

وکیل: در شب چهاردهم فوریه؟ (۰، ۱)

شاهد: ما خیلی صحبت کردیم.

در اینجا نیز می‌توانیم ببینیم که چگونه واژگان جمله «به یاد نمی‌آورم»، ارتباط منسجمی با کارکرد حافظه فرد گوینده ندارد، بلکه می‌توان آنرا یک کنش اجتماعی دانست. او از طریق گفتن پاسخ «به یاد نمی‌آورم» از تأیید سؤال، اجتناب و نیز از تأیید و عدم تأیید اطلاعاتی که احتمالاً باعث تردید درباره پرونده او می‌شود، خودداری می‌کند. سپس وکیل مدافع این روند بحث را ادامه می‌دهد و او پاسخ می‌دهد که ما خیلی صحبت کردیم. او با تظاهر به فراموشی یا مطمئن نبودن، وانمود می‌کند که

کنش‌های مرد متهم در قبال خودش را بی‌اهمیت می‌دانسته است. او کنش‌های مرد متهم، درخواست او برای رابطه غیراخلاقی و گفتگوی طولانی را به خاطر نمی‌آورد، چون در آن زمان توجه چندانی نمی‌کرده است. نتیجه این است که او در آن زمان، علاقه خاصی به مرد متهم نداشته یا دلیل خاصی برای توجه به او نداشته، مهم‌تر از همه، این زن نباید متهم به ترغیب آن مرد در ارتکاب به عمل انجام شده بشود. بنابراین، این سبک تحلیل غالباً به وسیله کسانی انجام می‌شود که به تحلیل گفتگو و روانشناسی گفتمانی (استدلالی) مشغولند. همان‌گونه که مثال‌های ذکر شده نشان می‌دهند، واژگان ظاهراً معمولی، پیش پا افتاده یا بدون غرض مانند «نمی‌دانم»، «احتمالاً» و «به یاد نمی‌آورم» بر احوال شرکت‌کنندگان در یک بافت تأثیر می‌گذارند و معنی دارند. در این مثال‌ها؛ آنها می‌توانستند (از میان چیزهای مختلف) مثلاً بگویند «مرا مسئول چیزی که می‌گویم، ندان.» این اثر واژگان، با کاراکتر فرد، شخصیت یا روانشناسی ارتباط ندارد. برخی افراد ممکن است از این واژگان (احتمالاً و به یاد نمی‌آورم) بیشتر از دیگر واژه‌ها استفاده کنند، اما کنش اجتماعی که در استفاده از این واژگان و از طریق آنها در این دو بافت تشریح شده رخ می‌دهد، آشکارا مجزا از شخصیت گویندگان آنها است. بنابراین، یک راه بررسی گفتگو این است که برخی شیوه‌های تعامل اجتماعی که بدیهی انگاشته می‌شوند - اما به آنها توجه نمی‌شود - را با دقت مشاهده کنیم. منابع اصلی این مشاهده‌ها، نوارهای ضبط شده از تعامل و گفتگوهای طبیعی است.

بررسی یک لحظه معمولی در گفتگو

به منظور بررسی برخی راه‌هایی که می‌توان گفتگو را تحلیل کرد، بخش کوتاهی از یک گفتگوی معمولی‌تر و پیش پا افتاده‌تر را بررسی می‌کنیم.

قطعه متن ۳ (مینارد^۱، ۱۹۹۱: ۴۶۱)

جان: نظرت درباره دوچرخه‌های داخل محوطه دانشگاه چیه؟

جودی: به نظرم، وحشتناکه.

جان: درسته، خیلی وحشتناکه.

جودی: اه هه

در نگاه اول، این گفتگو چندان جالب به نظر نمی‌رسد. با این حال، توجه کنید که جان چگونه می‌خواهد دیدگاهش را در مورد دوچرخه‌های داخل محوطه دانشگاه ابراز کند. او به جای اینکه به جودی بگوید درباره دوچرخه‌های داخل محوطه دانشگاه چه فکری می‌کند، از جودی سؤال می‌کند. بنابراین او جودی را دعوت می‌کند تا نظرش را درباره این موضوع، بیان کند و جودی پاسخ می‌دهد که «به نظرم وحشتناکه». سپس در همان لحظه، جان دیدگاهش را می‌گوید. چرا اصلاً باید این گفتگو برای ما جالب باشد؟ آنچه اینجا داریم، کار جالبی است؛ این دو نفر کاری را انجام می‌دهند که ما به‌طور معمول انجام می‌دهیم. ما می‌توانیم گفتگوی آنها را به این شرح، بازگو کنیم:

جان از جودی دعوت می‌کند تا درباره یک موضوع صحبت کند.

جودی درباره موضوع، صحبت می‌کند.

آنگاه جان، نظرش را درباره همان موضوع بیان می‌کند و نظر او بسیار با نظر

جودی تطبیق می‌کند.

اکنون تصور اینکه همه ما به شیوه‌ای مشابه این گفتگو عمل می‌کنیم، دشوار نیست. به زمان‌هایی که از سینما یا یک تالار سخنرانی بیرون می‌آیید، فکر کنید. چیزی که غالباً اتفاق می‌افتد، این است که به‌جای اینکه مستقیم بگویید از این فیلم/سخنرانی، خوشم نیامد، از همراهانتان، مثلاً سؤال می‌کنید: نظرت در مورد این فیلم چیه؟ آنها در پاسخ

می‌گویند: عالی بود و سپس شما واکنش خود را با آنچه آنها گفته‌اند «تطبيق» می‌دهید، مثلاً می‌گویید: من از اولش خوش اومدم، اما اواخرش، خسته‌کننده بود.

این شیوه صحبت کردن که مینارد (۱۹۹۱) آن را «توالی دیدگاه - ابراز^۱» می‌نامد، می‌تواند راه جالبی برای احتیاط کردن باشد. به‌جای اینکه بدون دانستن موافقت یا عدم موافقت فرد دیگر با شما، دیدگاه خود را مستقیم ابراز کنید، پس از شنیدن دیدگاه او می‌توانید دیدگاه‌تان را در فضایی دوستانه ابراز نمایید (مینارد، ۱۹۹۱: ۴۶۰) چون می‌توانید آنچه گفته‌اند را با بیان خودتان درباره موضوع تطبيق دهید.

این مثالی از این موضوع است که چگونه برخی افراد به‌ویژه تحلیلگران گفتگو و روانشناسان گفتمانی (استدلالی)، گفتگوها را تحلیل می‌کنند. آنها شیوه صحبت کردن افراد در حال گفتگو را بررسی می‌کنند. تحقیقات زیادی، آنچه «هریج^۲» (۱۹۹۷)، «نهاد اجتماعی تعامل^۳» نامیده را بررسی کرده‌اند که چگونه انواع تعامل شامل نقل یک قضیه، ابراز مخالفت، پاسخ گفتن و غیره به‌طور زمینه‌ای و در فضای تعامل و گفتگو با یکدیگر تولید می‌شوند. تحقیقات زیادی نیز به بررسی «مدیریت نهادهای اجتماعی در تعاملات» پرداخته‌اند که چگونه نهادهایی خاص همچون قانون، روانشناسی، خانواده، آموزش یا فعالیت‌های مربوط به آنها همچون شهادت حقوقی، کیفیت ارزیابی زندگی، تغذیه خانواده، تدریس و غیره به‌طور زمینه‌ای و در تعامل افراد با یکدیگر تولید می‌شوند.

همچنین روانشناسان گفتمانی، این موضوع را بررسی کرده‌اند که چگونه مفاهیم ظاهراً روانشناختی همچون احساس، حافظه، نگرش و غیره موضوعاتی عمیقاً اجتماعی هستند که به‌طور زمینه‌ای و در کنش‌ها و تعاملات مشترک ایجاد می‌شوند تا اینکه صرفاً در ادراک افراد باشند.

1. Perspective-display sequence
2. Heritage
3. Social Institution of Interaction

مدیریت تعاملی تشخیص‌های پزشکی در یک بیمارستان

مینارد توضیح می‌دهد که چگونه فرایند «توالی دیدگاه - ابراز» هنگامی که برخی پزشکان، اطلاعات تشخیصی منفی یا ناخوشایندی را ارائه می‌کنند، اتفاق می‌افتد. او فعالیت چند پزشک متخصص را هنگام توضیح تشخیص خود به والدین درباره وضعیت سلامت کودکانشان ضبط کرد.

قطعه متن ۴ (مینارد، ۱۹۹۲: ۳۳۹ - متن پیاده‌شده با اندکی تغییر)

۱. پزشک: بابی چگونه؟
۲. مادر: خب، اون خیلی خوبه،
۳. مخصوصاً در مدرسه. من به معلمش توضیح دادم
۴. که شما گفتید او باید
۵. به یک کلاس ویژه بره، شاید من خودم
۶. مطمئن نبودم. معلمش می‌گه - می‌دونین، من فقط
۷. نظرش را پرسیدم - معلمش می‌گه بابی
۸. در مدرسه خیلی خوبه
۹. و آنها هر چی به او می‌گن،
۱۰. اووم، واکنش‌های خوبی نشون می‌ده. الان معلم بابی فکر می‌کنه که اون نباید
۱۱. به یک مدرسه دیگه فرستاده بشه.
۱۲. پزشک: معلم بابی فکر نمی‌کنه که اون نباید به یک مدرسه دیگه
۱۳. فرستاده بشه.
۱۴. مادر: بله اون (معلم) با کمی تفاوت،
۱۵. همین را گفت، گفتم، من - من - من می‌دونم که
۱۶. اون (بابی) ... نیاز داره، می‌دونین من به اون (معلم) توضیح دادم

۱۷. که من می‌دونم، مطمئنم که

۱۸. بابی به کلاس یا چیز خاصی نیاز داره.

۱۹. پزشک: شما فکر می‌کنین، مسئله اون چیه؟

۲۰. مادر: گفتار.

۲۱. پزشک: بله. بله، مسئله اصلی اون، همان‌طور که شما می‌دونید،

۲۲. مسئله زبان.

۲۳. مادر: بله زبان.

پزشک یک پرسش باز درباره کودک از مادر می‌پرسد؛ بابی چگونه؟ (۱) سپس مادر پاسخ می‌دهد که «اون خیلی خوبه» (۲) و برای این سخن خود، با ارجاع به سخنان معلم بابی، شواهدی ارائه می‌کند. (۶-۱۱) سپس پزشک بخشی از صحبت مادر را تکرار می‌کند. (۱۲-۱۳) مادر در پاسخ به صحبت پزشک، دیدگاه خودش را بیان می‌کند که **من مطمئنم** که او (بابی) به کلاس یا چیز خاصی نیاز داره. (۱۷-۱۸) پزشک، سؤال دیگری را می‌پرسد و از او دعوت می‌کند تا نظرش را درباره اینکه **مسئله** بابی چیست، بگوید. (۱۹) او در پاسخ می‌گوید: گفتار. (۲۰) بلافاصله پزشک دیدگاه خودش را ابراز می‌کند. او با گفتن «بله، بله»، نظر مادر را تأیید می‌کند (۲۱) و مسئله را با بیان خودش می‌گوید: مسئله زبان. (۲۲) مادر با او موافقت می‌کند و او نیز توصیف خود از مسئله را مطابق با بیان پزشک تغییر می‌دهد. (۲۳) پزشک به جای بیان دیدگاه خود در ابتدای صحبت‌هایشان، در بیان نظرش، تعلق می‌کند. در ابتدا، مادر، اخبار خوبی از پسرش می‌دهد. سپس خبرهای بد را می‌گوید که پزشک از او می‌خواهد در این باره توضیح دهد که او این کار را می‌کند. توجه دارید که او **فقط** هنگامی تشخیص خود را بیان می‌کند که بر اثر ارائه خبرهای بد توسط مادر، «فضای مناسب» فراهم شده است. همچنین پزشک خبر بد تشخیص خود را به عنوان «تأیید» آنچه خود مادر می‌گوید، ارائه می‌کند. همان‌گونه که مینارد می‌گوید یک پزشک می‌تواند از «توالی دیدگاه - ابراز» برای تأیید دیدگاه والدین یک بیمار هنگام ارائه خبر بد

تشخیص، استفاده کند. به این ترتیب، والدین «خوب» باید درباره فرزندانشان خبره باشند. نکته جالب اینکه حتی پزشکان می‌توانند از توالی دیدگاه - ابراز برای تأیید افکار خود والدین هنگامی که تشخیص پزشکان با افکار والدین متفاوت است، استفاده کنند. همچنین مطالعه مینارد چیزی را درباره یکی از روش‌های مورد استفاده تحلیلگران گفتگو و روانشناسان استدلالی نشان می‌دهد. او نشان می‌دهد شما می‌توانید بخش کوتاهی از یک گفتگو را به‌طور جزئی بررسی کنید تا شیوه بیان آن لحظه خاص از گفتگو را بفهمید. با بررسی بخش کوتاهی از گفتگو، متوجه یک چیز جالب، چیزی که شما فکر می‌کنید شاید یک شیوه «منتظم» صحبت کردن باشد، می‌شوید. سپس در پی نمونه‌ها و موارد دیگری از این نوع صحبت کردن می‌گردید. به این طریق، شما تلاش می‌کنید در این باره یک پرونده بسازید که این شیوه منتظم گفتگو، چیزی است که مردم به عنوان بخشی از زندگی روزمره خود انجام می‌دهند و این بخشی از شیوه تعامل روزمره ماست.

فرایند معمول زندگی اجتماعی

ما می‌توانیم درباره همه قطعه متن‌هایی که پیش‌تر تشریح شد، تفسیرها و اظهارنظرهای دیگری داشته باشیم که ما را به برخی از مختصه‌های اساسی مورد بررسی تحلیلگران در هنگام تحلیل گفتگو، رهنمون شوند.

سازوکار نوبت‌گیری^۱

یکی از چیزهایی که می‌توان به آن توجه کرد، این است که چگونه همه گویندگان هنگام گفتگو نوبت می‌گیرند. درباره زمانی فکر کنید که با یک دوست صحبت می‌کنید، گفتگو، اغلب به نحوی جریان دارد که شما صحبت می‌کنید، او صحبت می‌کند، شما، او و تا پایان. این نوبت‌گیری‌ها ممکن است از گفتن یک واژه باشد تا صدا یا حرکتی

1. Turn-taking

(مثلاً شانه بالا انداختن) تا جمله‌های طولانی. در چنین موقعیت‌هایی، این‌گونه نیست که شما به این ترتیب یاد شده «فقط بتوانید صحبت کنید» یا «دائم در حال صحبت باشید»، بلکه این ویژگی طبیعی صحبت کردن است که گاهی صحبت دیگران را قطع می‌کنیم یا می‌خواهیم نوبت صحبت کردن را به دست بگیریم و این ترتیب نوبت‌گیری رعایت نمی‌شود. این ویژگی عادی صحبت کردن است.

در برخی جلسه‌ها، سازوکار نوبت‌گیری، از پیش تعیین شده است؛ برای مثال، در دادگاه‌ها یا در یک جلسه مجلس (پارلمان) که فقط افراد معینی در زمان‌های معین می‌توانند صحبت کنند. در دادگاه، قاضی تعیین می‌کند که چه کسی متهم است، چه کسی شاکی است و به دیگران دستور می‌دهد که به پرسش‌ها پاسخ دهند. کسانی که اجازه صحبت کردن ندارند باید در تمام مدت جلسه، ساکت و شاهد روند دادگاه باشند. اگر آنها نظم را رعایت نکنند، ممکن است از دادگاه اخراج یا بازداشت شوند. توجه کنید که در قطعه متن ۲، مکث‌های پس از پرسش‌های وکیل، قابل شنیدن هستند و همان‌گونه که شاهد، مکث می‌کند، با توجه به فضای دادگاه، او مسئول پایان دادن به سکوت در مقابل اعضاء هیئت‌منصفه است. می‌توانیم ببینیم که وکیل پس از هر دو سؤالش، هنگامی که شاهد صحبت نمی‌کند، او را وامی‌دارد به پرسش قبلی‌اش پاسخ دهد. با این حال، سازماندهی اجتماعی بیشتر نهادها - چه نهادهای پزشکی، چه نهادهای پژوهش علمی یا روابط علمی - از لحاظ حقوق و مسئولیت‌های افرادی که در آنها مشارکت دارند [همچون فضای دادگاه] غیرمنعطف، زمخت و از پیش تنظیم‌شده نیستند.

نکته جالب دیگر اینکه چگونه سازماندهی نوبت‌گیری می‌تواند حقوق و مسئولیت‌های خاصی را ایجاد کند. هنگامی که نوبت‌ها به‌طور غیرمنعطفی از قبل تعیین نشده باشند، برای مثال، در گفتگوی شما با دوستتان در حال خوردن قهوه یا چای، شما نمی‌توانید کاملاً مطمئن باشید که چه هنگام نوبت صحبت کردن شماست،

ممکن است از شما سؤالی بپرسد که باید جواب بدهید یا لازم باشد نظر خود را درباره عکسی که او در تعطیلات گرفته و درباره آن صحبت می‌کند، با شغف ابراز کنید. شما باید گوش کنید، باید در آن لحظه باشید (در رویاهای خود سیر نکنید). شما باید گوش کنید تا بدانید چه هنگام پاسخ دهید یا واکنش شما مثلاً این باشد که «این عکس، چقدر زیباست». اگر شما آنجا نباشید (حواستان پرت باشد) ممکن است بی‌توجه تلقی شوید که در آن صورت مجبور به جبران بی‌توجهی خود خواهید شد؛ مثلاً با گفتن «متأسفم، غرق فکر بودم» یا «ببخشید! قضیه، چی بود؟» به این ترتیب، سیستم نوبت‌گیری، یک روش قوی برای هماهنگ کردن و نشان دادن تفاهم افراد در حال گفتگو در یک لحظه است. بنابراین، با پاسخ «خوبم» به سؤال دوستان که «حالت چطوره؟» شما می‌توانید نشان دهید که گفته او را به عنوان یک سؤال، سؤالی که از شما پرسیده شده، درک می‌کنید. سپس اگر دوست شما بگوید «داشتم حال دوست کنار دست شما را می‌پرسیدم»، در آن صورت متوجه می‌شوید که از شما سؤال نشده و اکنون شما باید جبران کنید.

سازوکار توالی و طراحی نوبت

در همهٔ قطعه متن‌هایی که در این فصل تشریح شد، می‌توانیم کنش‌های افراد در حال گفتگو را که به صورت متوالی، نظم یافته‌اند، بررسی کنیم. خیلی مهم است که بدانیم این سبک کار، هرگز فقط به بررسی یک جمله یا گفته واحد نمی‌پردازد، بلکه این موضوع را بررسی می‌کند که چگونه کنش‌هایی خاص - چه کلامی و چه غیرکلامی - شکل می‌گیرند، بروز پیدا می‌کنند و در سلسله‌ای از کنش‌های جاری، درک می‌شوند. شما می‌توانید این‌گونه درباره آن فکر کنید: کنش‌های ما هم تحت تأثیر کنش‌های پیشین ما شکل می‌گیرند و هم کنش‌های آینده ما را شکل می‌دهند. پیش‌تر توضیح دادم که چگونه گفتگوی قطعه متن ۳ آنچه را که مینارد «توالی دیدگاه - ابراز» می‌نامد، نشان می‌دهد. توالی بسیار معمول دیگر، توالی «پرسش -

پاسخ^۱ است که شما سؤالی می‌پرسید و فردی پاسخ می‌دهد. توالی‌ها، سلسله‌ای از کنش‌ها را ایجاد می‌کنند که با توجه به اولین کنش، کنش‌های مرجح پس از آن انجام می‌شوند. بنابراین، هنگامی که شما سؤالی می‌پرسید، معمولاً انتظار پاسخ دادن به همان سؤال را دارید. زمانی که شما پاسخ آن سؤال را دریافت کردید، می‌توانید توالی جدیدی را مثلاً با سؤال دیگری درباره موضوعی متفاوت شروع کنید یا پاسخ قبلی را دنبال کنید و همان توالی گفتگوی فعلی را ادامه دهید.

آنچه لازم به ذکر است اینکه چگونه نوبت‌گیری‌ها در توالی گفتگوها طراحی می‌شوند. بنابراین، در قطعه متن ۴، پزشک در سطر ۱ پرسشی را می‌پرسد، مادر در سطور ۱۱-۲ پاسخی می‌دهد. پاسخ او، پاسخی نسبتاً جدید است. او می‌توانست بگوید: «خب، اون خیلی خوبه، مخصوصاً در مدرسه» (۲-۳) و در همین نقطه پاسخش را به پایان می‌برد اما او در واقع، پاسخی نسبتاً مشروح می‌دهد. او به پزشک می‌گوید که از معلم بابی درباره چیزی که پزشک گفته بود، پرسیده است. این احتمالاً به عنوان یک انتقاد از این پزشک، قابل شنیدن است - شاید این مادر به این پزشک اعتقادی ندارد؟ برای اینکه انتقاد، حالت شدیدی به خود نگیرد، مادر می‌گوید که من فقط «نظرش (معلم) را پرسیدم» (۶-۷) - و این کار مادر، پسندیده است. برای فهمیدن اینکه نوبت‌گیری‌ها چگونه طراحی می‌شوند، شما باید کنشی را که گفتار برای انجام دادن آن طراحی می‌شود و معانی انتخاب‌شده برای انجام دادن آن کنش، را بررسی کنید. در این مورد، می‌بینیم که نوبت مادر (در پاسخ به پرسش نخست پزشک) طراحی شده تا نشان دهد که بابی در مدرسه کنونی‌اش خوب است، با وجود تعارض آشکار با توصیه قبلی پزشک که بابی باید به مدرسه دیگری برود. او (مادر) این کنش را با توصیف گفتگویی با معلم بابی انجام می‌دهد تا معلم را در موضع بیان‌کننده غلط بودن احتمالی نظر پزشک، قرار دهد نه خودش را.

فصل ششم - بررسی گفتگو ۱۶۱

پزشک بخشی از سخنان پیشین مادر را در بندهای ۱۲-۱۳ تکرار می‌کند (معلم بابتی فکر می‌کند که اون نباید به یک مدرسه دیگه فرستاده بشه) که پزشک این جمله را پس از داستان مادر درباره واکنش معلم می‌گوید و به‌طور تلویحی، دیدگاه معلم را زیر سؤال می‌برد. می‌خواهم خیلی کوتاه، بخشی از این گفتگو را بررسی کنیم؛

قطعه متن ۴،۱ (بخشی از قطعه متن ۴)

پزشک: معلم بابتی فکر می‌کنه که اون نباید به یه مدرسه دیگه فرستاده بشه.
مادر: بله اون (معلم) با کمی تفاوت، اووم، همین را گفت، گفتم، من - من - من می‌دونم که اون (بابتی) نیاز داره، می‌دونین، من به اون (معلم) توضیح دادم که من مطمئنم بابتی به کلاس یا چیز خاصی نیاز داره.
بنابراین مادر به تردید پزشک واکنش نشان می‌دهد؛ وقتی که می‌گوید: «بله اون (معلم) با کمی تفاوت همین را گفت» آنچه در پی این جمله می‌آید برای پاسخ دادن به سؤال اول پزشک و جمله تردیدی پزشک درباره نظر معلم است. مادر این‌گونه شروع می‌کند «گفتم من - من - من می‌دونم که اون (بابتی) ... نیاز داره» و سپس روند صحبتش را تغییر می‌دهد. با توجه به جمله‌های بعدی، ما می‌توانیم حدسی عالمانه داشته باشیم که او می‌خواست چیزی شبیه «کلاس یا چیزی خاص» را بگوید، اما کاری که او عملاً انجام می‌دهد، بسیار هنرمندانه‌تر است. ابتدا او توضیح می‌دهد که «من به اون (معلم) توضیح دادم» و بنابراین صحنه خاصی را می‌آفریند: آنچه در پی این جمله مادر می‌آید باید به عنوان چیزی که او واقعاً در گفتگو با معلم برای او توضیح داده، تلقی شود و چیزی که [او ادعا می‌کند] به معلم گفته، این نیست که «من می‌دانم بابتی به یک کلاس نیاز دارد» بلکه چیزی حتی قطعی‌تر از آن است؛ «من مطمئنم که بابتی به کلاس یا چیز خاصی نیاز داره». بنابراین، پاسخ مشروح او، اثر بسیار جالبی دارد، چرا که نشان می‌دهد برخلاف معلم، می‌داند که بابتی به کمک نیاز دارد و در نتیجه، نظر او

۱۶۲ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

در راستای نظر قبلی پزشک است.

انتخاب واژگان و تأثیر آن بر شفافیت گفتار

ویژگی دیگری که تحلیلگران بررسی کرده‌اند، واژگانی است که مردم هنگام گفتگو به کار می‌برند. همان‌گونه که در فصل‌های پیشین و در بحثم درباره قطعه متن‌های این فصل توضیح دادم، با در نظر گرفتن اینکه راه‌های متعددی برای توصیف یک فرد، یک کنش، یک صحنه، وجود دارد، شما باید فکر کنید، استفاده از هر واژه‌ای برای توصیف، چه تأثیری در مقایسه با دیگر واژگان دارد. اگر ما قطعه متن ۲ (محاکمه تجاوز به عنف) - که پیش‌تر ذکر شد - را بررسی کنیم، متوجه می‌شوید که این موضوع چه اهمیت عمیقی دارد. خود محاکمه درباره موضوعی مورد مشاجره است، اینکه می‌توان آن را «تجاوز به عنف» نامید یا «رابطه غیراخلاقی توافقی».

ما در قطعه متن ۲، توصیف‌های موازی متعددی داریم از جمله:

- پرسید/گفت

- گفتگو/صحبت کردن

در هر دو مورد، نسخه اول (پرسید، گفتگوها) متعلق به وکیل مدافع متهم است و نسخه دوم (گفت، صحبت کردن) متعلق به شاهد که در مقایسه با واژگان وکیل، توصیف‌کننده‌هایی عام‌تر هستند. به تفاوت‌های بین دو جمله فکر کنید:

- من چیزی را که او در اون شب از من پرسید، به یاد نمی‌آورم؛

- من چیزی را که او در اون شب به من گفت به یاد نمی‌آورم.

جمله اول، او را در موقعیتی قرار می‌دهد که احتمالاً برخی صحبت‌های مهمشان را به خاطر می‌آورد؛ ممکن است به یاد نیاورد که از او چه چیزی پرسیده شده اما احتمالاً برخی چیزهای دیگری را که درباره آن با هم صحبت کرده‌اند به یاد می‌آورد. جمله دوم - جمله‌ای که او پاسخ می‌گوید- برای این به کار می‌رود که بگوید من هیچ چیز از

جزئیات چیزهایی را که با هم صحبت کردیم، به یاد نمی‌آورم.

سازمان ساختار

سازمان ساختار به این اشاره دارد که روند کلی گفتگو چگونه سازماندهی می‌شود. برای مثال، در گفتگوهای تلفنی با دوستان‌تان، احتمالاً شما بیشتر این ساختار از توالی گفتگوها را تجربه کرده‌اید:

- شروع؛ که در آن شما سلام می‌کنید و گاهی اوقات باید بپرسید با چه کسی صحبت می‌کنید و آیا او همان فردی است که می‌خواهید با او صحبت کنید؛
- دلیل تماس؛ که در آن شما علت زنگ زدن را توضیح می‌دهید، مثلاً «مدت زیادی بود که با هم صحبت نکرده بودیم» یا «خبری از فلانی داری؟»
- بحث درباره موضوعی که دلیل تماس بوده؛ که ممکن است مدتی ادامه پیدا کند یا نکند؛

- بروز موضوعی جدید؛ این مورد ممکن است اتفاق بیفتد یا نیفتد؛
- پایان؛ که در آن شما خداحافظی می‌کنید.

همه گفتگوهای تلفنی با دوستان، به این صورت نیستند اما این مدل، برای ما آشناست و در هر تماس تلفنی که می‌گیریم یا با ما تماس می‌گیرند، نسبتاً صادق است. البته در مورد برخی از دوستان که شما می‌دانید پایان دادن گفتگو با آنها سخت است، احتمالاً از این عبارتها استفاده می‌کنید:

«بعداً می‌بینمت» یا «به نظرم بهتره بعداً با هم صحبت کنیم». اگر آنها همچنان به گفتگو ادامه دهند، احتمالاً به راهکارهای جدیدی برای مقابله با این وضعیت می‌رسید. بنابراین هنگام تحلیل اینکه چگونه ادامه یک گفتگو شکل می‌گیرد، توجه به برخی از ویژگی‌هایی که توضیح دادم، به شما کمک می‌کند کنش‌های افراد در حال گفتگو را در سطح گسترده و روزمره زندگی درک کنید. هرگاه گفتگوهای دیگر افراد را می‌شنوم

یا گفتگوهای خودم با دیگران را مرور می‌کنم یا تصاویر ضبط‌شده از گفتگوها را تماشا می‌کنم، متوجه مجذوب شدن خودم می‌شوم و پیوسته از کارهایی که هنگام تعامل با دیگران انجام می‌دهیم، شگفت‌زده می‌شوم. با فکر کردن درباره تأثیر برخی ویژگی‌های گفتگو - که به آنها اشاره شد- با توجه به تجارب خودتان و تصویرهایی که از گفتگوها گرفته‌اید، احتمالاً به نحوه بروز گفتگوها حساس‌تر می‌شوید. باید تأکید کنم که پیشنهادها ارائه‌شده را نباید به عنوان دستورالعمل تلقی کنید که باید حتماً هنگام انجام دادن پژوهش‌تان، اجرا کنید، بلکه این پیشنهادها ارائه شده‌اند تا نکاتی را هنگام تحلیل محاوره‌هایی که گردآوری کرده‌اید، در نظر داشته باشید.

اکنون می‌خواهم دو سازمان معمول دیگر در زندگی اجتماعی را بررسی کنم: سازمان موافقت و مخالفت و روایت یک قضیه. می‌خواهم با بررسی این دو، به شما راه‌های متفاوت ارائه اطلاعات به منظور پایه‌گذاری یک بحث استدلالی را نشان دهم. یکی از آنها فنی‌تر است و شدیداً به گردآوری قضیه‌ها (موردها)ی متعدد و برشی از متن‌های مختلف نیاز دارد، در حالی که برای بررسی دیگری، فقط یک قطعه متن را تحلیل می‌کنیم.

دیدگاهی درباره جنبه‌ای از روایت

در اینجا، قطعه متن مفصلی از اثر ساکس (۱۹۹۵) ارائه می‌شود. گفتگو در جایی شروع می‌شود که «اگنس» درباره خانه‌ای که پُرشا اخیراً دیده است، سؤال می‌کند.

اگنس: من مطمئنم که رویاییه، استخر شنا داره ها؟

پُرشا: اوه، خدایا! ما «هه»، ما یکشنبه شب تا ساعت دو شنا می‌کردیم.

اکنون می‌خواهم بررسی کنم نقش «هه» چیست. نقش «هه» های مختلف در یک گفتگو این است که از طریق گفتن «هه» چیزی منتقل می‌شود که گوینده فرض می‌کند، شنونده باید منظور او از آن را بداند. نوع انتقال «هه» ممکن است بسیار گیج‌کننده باشد

فصل ششم - بررسی گفتگو ۱۶۵

که آیا این صوت بر چیزی مسخره، شرم‌آور، جدی، غیرجدی و غیره دلالت دارد. راه‌های متعددی پیش روی گوینده است تا به شنونده بفهماند که منظورش چیست، به گونه‌ای که شنونده درباره صحبت گوینده دچار خطا نشود. بنابراین، برای مثال، در صحبت درباره شنا کردن، با استفاده از «هه» قبل از صحبت از شنا، می‌فهماند که من جدی نیستم. در حالی که ممکن است به ابراز طعنه تعبیر شود اما به حالت شوخی و بامزگی نزدیکتر است. در اینجا است که باید گوینده به شنونده بفهماند که منظورش کدام است.

این گفتگو و تحلیل آن به روشنی به ما نشان می‌دهد که چگونه یک صوت، چقدر در تعامل بین دو متکلم نقش دارد. اکنون در این توالی گفتار، پُرشا چیزی را منتقل می‌کند. توجه دارید که چگونه ساکس به ما می‌گوید که موضوع انتقال یافته ممکن است «بسیار گیج‌کننده» باشد و پُرشا تلاش می‌کند آگنس را راهنمایی کند که صحبتش را آن گونه که منظور پُرشا بوده، بشنود. بنابراین، به این ترتیب «هه» کار زیادی برای پُرشا انجام می‌دهد:

- هه «راهنمایی می‌کند» یا «اصلاح می‌کند» که گزارشی که قرار است شنیده شود، به عنوان یک سخن بامزه شنیده شود، نه یک سخن طعنه‌آمیز یا جدی یا غیره. به این ترتیب، «هه» معنای خاصی به صحبت‌های بعد از خودش می‌دهد؛

- در پیش‌بینی اینکه جمله بعد از «هه» جمله بانمکی تفسیر شود، باعث می‌شود واکنش متناسب با یک جمله بانمک ترجیح داده شود. واکنش ترجیحی این است که آگنس پس از پایان یافتن جمله، بخندد.

جنبه جالب این قضیه، سادگی، در عین حال سرگرم‌کننده بودن آن است. اظهار نظر ساکس، بسیار ساده و در عین حال برای من بسیار متقاعدکننده است. قوت استدلال او در ارائه مجموعه‌ای از قضیه‌ها (موردها) نیست، بلکه در بررسی دقیق و جزئی قضیه‌ها

است. اظهارنظر او درباره این قضیه (مورد) - که تشریح شد- را می‌توان به دیگر موقعیت‌های تعامل و گفتگو تعمیم داد. ما می‌توانیم به راحتی درباره شیوه‌هایی بیندیشیم که مردم با ارائه چنین اطلاعات زمینه‌ای (مربوط به زمینه و بافت کلام) - چه از طریق خندیدن یا حرکات یا واژگان- به دیگران می‌فهماند که سخنان آنها را چگونه تعبیر کنند و بفهمند.

اظهارنظرهایی درباره عرف اجتماعی رد و مخالفت کردن

آثار زیادی نوشته شده‌اند که در مجموع نمونه‌های زیادی از گفتگوهایی را بررسی کرده‌اند که در آنها افراد چیزی، مثلاً دعوت، پیشنهاد یا تقاضایی را می‌پذیرند یا رد می‌کنند (دیویدسون^۱، ۱۹۸۴؛ درو، ۱۹۸۴) یا با اظهارنظرها و ارزیابی‌هایی، موافقت یا مخالفت می‌کنند (پومرتز، ۱۹۸۴). آنها شیوه‌های معمول پذیرش، رد، موافقت و مخالفت در جمله‌های انگلیسی امریکایی را مستندسازی کرده‌اند. در آغاز، نمونه‌هایی از موافقت و پذیرش را ذکر می‌کنیم.

قطعه متن ۵ (دیویدسون، ۱۹۸۴: ۱۱۶، متن پیاده‌شده با اندکی تغییر)

الف. خب، کمکم می‌کنی؟

ب. قطعاً کمکم می‌کنم.

قطعه متن ۶ (پومرتز، ۱۹۸۴: ۶۰)

ج. این واقعاً دریاچه صافیه، نه؟

د. محشره.

همان‌طور که می‌بینید پذیرش (در قطعه ۵) و موافقت (در قطعه ۶)، معمولاً با سرعت و بدون فاصله در گفتار (و گاهی هنوز جمله طرف مقابل تمام نشده است) و

فصل ششم - بررسی گفتگو ۱۶۷

نسبتاً صریح، ساده و سراسر است، انجام می‌شود. این موضوع را با نحوه رد کردن و مخالفت مقایسه کنید.

قطعه متن ۷ (هریتج، ۱۹۸۴: ۲۷۱)

((همسر ب تازه دچار دررفتگی دیسک شده))

الف: داشتیم فکر می‌کردیم که می‌تونیم کمکی بکنیم.

ب: (خب ا)

الف: (منظورم اینه که چیزی برای همسرت بخریم یا کار دیگه‌ای؟)

ب: خب، خیلی لطف داری، ا ا ا

در حال حاضر نه: چون هنوز پسرها خونه هستن.

قطعه برگزیده ۸ (پومرتز، ۱۹۸۴: ۷۳)

الف: من فکر می‌کنم که به او (مری) زنگ بزنم و از او بپرسم که آیا این کار را دوست داره، چون او پرستار خویبه و من فکر می‌کنم آنها او را بپسندند، تو این‌طور فکر نمی‌کنی؟

ب. خوب، من باید بگم، سالهاست مری را ندیده‌ام. من باید - تا جایی که به خاطر دارم، بله.

الف. خوب، پس تو فکر می‌کنی اون برای این کار مناسبه؟

ب. اوم - اه - من نمی‌دونم - چیزی که من اه، تردید دارم اه ... ام اینه که اون ممکنه.

الف. اه ام ا من شک دارم که اون ...

تفاوت، روشن است. در رد کردن یا ابراز مخالفت، معمولاً ترکیبی از این کنش‌ها

صورت می‌گیرد:

- تعلق‌ها: یک مکث قبل از پاسخ یا یک مکث در درون خودپاسخ یا یک تعلق قبل از این که پاسخ داده شود؛

- تردیدها: مانند «ام»، «اوم» و نفس خود را بیرون دادن یا درون سینه بردن؛

- مقدمه‌چینی‌ها: مانند «خب»، «آه»، علامت‌های موافقت مانند «بله» یا «آره»؛

- تسکین‌ها: عذرخواهی‌ها یا تشکرها؛

- شرح و تفصیل‌ها: بهانه‌ها، توضیح‌ها، توجیه‌ها و استدلال‌ها.

نکته جالب اینجاست که بسیاری از اوقات، «نه» می‌گوییم بدون اینکه صریحاً آن را بگوییم و دیگران هم صحبت‌های ما را می‌فهمند که «نه» می‌گوییم، بدون اینکه شنیده باشند ما با صدای بلند «نه» گفته باشیم.

محققان به این نتیجه رسیده‌اند که ما می‌توانیم یک رد یا مخالفت احتمالی را پیش از آنکه عملاً اتفاق بیفتد، «متوجه شویم».

تحلیلگران گفتگو با این‌گونه تحلیل‌های تطبیقی جزئی گفتگوها، ترسیم کرده‌اند که چگونه موافقت/پذیرش و مخالفت/رد کردن، به‌طور معمول در زندگی روزمره انجام می‌شود. این، بدین معنا نیست که همه ما مانند ربات‌ها رفتار می‌کنیم و این تنها سبکی است که مردم این کارها را انجام می‌دهند، بلکه منظور این است که ما در تعاملات اجتماعی، به‌طور معمول، تقریباً مطابق این نظم تعاملی هنجاری خاص، عمل می‌کنیم. شما فقط به شیوه‌های متعددی فکر کنید که یک «نه» صریح و سریع ممکن است یک گوینده را فردی بی‌تعارف یا بی‌ادب یا کسی که در مورد موضوع خاصی، نظر قلبی و صادقانه خود را بیان کرده یا به عنوان کسی که شیطنت می‌کند، معرفی نماید. همچنین در برخی موارد، یک «نه» صریح و سریع ممکن است پاسخ مرجحی باشد؛ برای مثال، هنگامی که کسی ظاهر خود را ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «این مدل جدید موهایم، باعث می‌شود، زشت دیده شوم».

این دو کنش جایگزین اما نامساوی و غیرهمسنگ - یعنی کنش‌های مرجحی که سریع و سریع هستند و کنش‌های مرجحی که با تأخیر و مرصع هستند - چیزی را تشکیل می‌دهند که تحلیلگران محاوره آن‌را «سازماندهی ترجیح» می‌نامند. مفهوم «ترجیح» در نظر آنها بر تجارب انتزاعی و روانشناختی درونی افراد دلالت ندارد، بلکه بیانگر یکی از راه‌های نظام‌مندی است که افراد در حال گفتگو به‌طور عمومی در طیفی از کنش‌ها، بافت‌ها و موقعیت‌های مختلف، گفتار و تعامل خود را سازماندهی می‌کنند.

ملاحظات پایان فصل

هنگامی که می‌خواهید تحلیلی دقیق انجام دهید، دغدغه پیوسته شما، توصیف گفتگوها و تعاملات طبیعی است. انجام دادن چنین تحلیلی ممکن است نشان دهد که فعالیت هر عضو عادی جامعه، مستلزم برخورداری از انبوهی از دانش‌ها و فعالیت‌های ضمنی و بدیهی انگاشته شده است. چنین رویکردی، برای همگان مفید نیست، چرا که در آن صورت، غالباً دیدگاه‌های توصیفی ساده‌انگارانه‌ای را ایجاد می‌کند همچون اینکه با یک نگاه، همه این چیزها را می‌توان فهمید. آنچه همه ما می‌توانیم از این نوع بررسی‌ها و مطالعات بفهمیم این است که گفتار، صرفاً یک رسانه ساده و کم‌اهمیت برای زندگی اجتماعی نیست، بلکه از طریق گفتار، در گفتارمان و تعامل‌های ماست که زندگی اجتماعی را تجربه، تولید و حفظ می‌کنیم. همان‌گونه که ساکس می‌گوید:

«در هر لحظه‌ای از گفتار، مردم، فرهنگ‌هایشان، نقش‌ها و شخصیت‌هایشان را تجربه و تولید می‌کنند ... من و شما، حیات گفتگوها را زندگی می‌کنیم و جهان اجتماعی را به عنوان گویندگان و شنوندگانی باانگیزه و به مثابه خالقان ناطق نظم اجتماعی، هر یک با شعله‌های شادی و غم و هر یک با سبک زندگی شخصی مورد افتخارمان تجربه می‌کنیم.» (به نقل از موثرمان، ۱۹۸۸)

نکات مهم فصل

- متخصصان تحلیل گفتگو و روانشناسی استدلالی (گفتمانی) غالباً نحوه انجام شدن کنش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی در گفتار و تعامل و از طریق آنها را بررسی می‌کنند؛

- آنها اغلب ویژگی‌های گفتگو را بررسی می‌کنند؛ مثلاً چگونه گویندگان، در حال گفتگو، نوبت‌گیری می‌کنند؛ گفتار چگونه تحت تأثیر کنش‌های پیشین شکل می‌گیرد و کنش‌های بعدی را به وجود می‌آورد؛ چگونه گفتار برای انجام دادن کنش‌هایی خاص، طراحی می‌شود؛ مردم چه واژگانی را استفاده می‌کنند و چگونه سیر گفتگو سازمان می‌یابد؛

- آنها گاهی تحلیل‌هایی جزئی درباره نمونه گفتگوهای منحصر به فرد انجام می‌دهند. آنها همچنین نمونه‌های مشابهی از گفتگوها را گردآوری و مقایسه می‌کنند تا برخی راه‌های نظام‌مندی که گویندگان برای سازماندهی گفتگو و تعامل در کنش‌ها، بافت‌ها و موقعیت‌های مختلف، به کار می‌گیرند، شناسایی کنند.

منابع تکمیلی

منابع ذیل، اطلاعات بیشتری مسائل را درباره سبک‌های تحلیلی بحث شده در این فصل در اختیار شما می‌گذارند:

- Hepburn, A. and Potter, J.(2003). "Discourse analytic practice, in C. Seale", D. Silverman, J. Gubrium and G. Gobo (eds), *Qualitative Research Practice*. London: Sage, pp. 180-96
- Silverman, D. (1998) *Hervey Sacks: Social Science and Conversation Analysis*. Cambridge: Polity Press.
- Ten Have, P (1999) *Doing Conversation analysis: A Practical Guide*. London: Sage.

فصل هفتم

بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد

بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد

- اسناد رایج

- مطالعه موردی: شیوه ایجاد سابقه درمانی
- مطالعه موردی: خوانش و گزارش یافته‌های یک گزارش
- مطالعه موردی: فهم نوار ویدئویی در دادگاه

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- بدانید که چگونه اسناد و دیگر چیزهای بی‌جان (مانند خودکار یا رایانه)، کنش‌ها و تعاملات افراد را تولید و هماهنگ می‌کنند؛
- از طریق سه مطالعه موردی درباره بحث فصل قبل، درخصوص نحوه مطالعه گفتار بیشتر بدانید؛
- بدانید که چگونه تحلیل جزئی لحظات گفتار می‌تواند چیزهایی درباره ساختارها و نهادهای زندگی اجتماعی بگوید.

این فصل به بررسی زمینه‌ای از زندگی اجتماعی که به نحو مناسب و قابل قبولی درباره آن پژوهش می‌شود، می‌پردازد: نقش اسناد و متون در زندگی روزمره و نهادهای مختلفی که با آنها سروکار داریم. به حجم گسترده اسناد کاغذی و الکترونیکی که باید پیوسته با آنها کار کنید، فکر نمایید تا متوجه اهمیت آنها به مثابه ابزار اساسی سازماندهی در فرهنگ‌های امروزی بشوید. در این فصل می‌خواهم به‌طور مختصر، برخی راه‌های ایجاد، استفاده و استنتاج اسناد و متون برای بافت‌های مختلف را تحلیل کنم. من نمی‌خواهم متن‌ها یا اسناد را به صورت انتزاعی بررسی کنم، بلکه کنش‌ها و تعاملات خصوصی و جمعی افراد را با اسناد و درباره اسناد بررسی می‌کنم.

اسناد رایج

هنگامی که درباره اسناد و متون صحبت می‌کنم، این واژگان را در گسترده‌ترین مفهوم برای دلالت بر مجموعه‌ای متنوع از اسناد مکتوب و تصویری که می‌خوانیم، استفاده می‌کنیم و به مثابه بخشی از زندگی روزمره با آنها سروکار داریم، به‌کار می‌برم. من به چیزهایی مانند تخته سیاه یا منوی دستی چند برگی غذا که هنگام مراجعه به رستوران می‌خوانیم تا صفحه رایانه فروشنده تلفنی یک کالا یا یادداشت‌های دستی که برای مطالعه و مرور سریع قبل از امتحان بر می‌داریم، فکر می‌کنم. ما هرگز بی‌طرفانه یا انتزاعی با اسناد کار نمی‌کنیم، آنها همواره در زمینه و بافتی معین، مورد توجه قرار می‌گیرند و نیز همواره با شیوه‌هایی خاص خواننده یا استفاده می‌شوند. برای مثال، اگر شما درباره متن این کتاب فکر می‌کنید، ممکن است این سؤال‌ها را بپرسید:

- چگونه این سند را در این لحظه می‌خوانید؟

- چقدر یادداشت‌های شما با متن کتاب ارتباط دارند و چقدر ادبیات آن در

یادداشت‌های شما تغییر می‌یابد؟

- آیا این متن، یک نسخه کپی یا اصل کتاب است؟

فصل هفتم - بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد ۱۷۵

- آیا شما بخش‌هایی از آن را با صدای بلند برای دیگران بازخوانی می‌کنید؟
- بخش‌هایی را که بازخوانی می‌کنید، چگونه شروع می‌کنید و چگونه به پایان می‌برید؟

- کجا این سند را می‌خوانید؟

- آیا در کتابخانه می‌خوانید؟

- با دوستان؟

- در یک سمینار؟

بنابراین هنگام فکر کردن درباره اسناد رایج، باید پرسش‌هایی درباره زمینه و بافت این‌زمانی و این‌مکانی بی‌واسطه که در آن قرار دارید- فضا، افراد و موقعیتی که بی‌واسطه در آن قرار دارید- پرسید. هنگام فکر کردن به پژوهش درباره اسناد مورد استفاده دیگران، فقط با قوم‌نگاری آن بافت - یعنی از طریق مشاهده یا مصاحبه رسمی یا غیررسمی با شرکت‌کنندگان - به همراه اطلاعات ضبطی صوتی و تصویری به پاسخ پرسش‌های خود می‌رسید. همچنین ممکن است مجبور به دنبال کردن سندی در مکان‌ها یا بین افراد گوناگون شوید. شما باید از خود پرسش‌هایی درباره اهمیت آن سند برای کارهای مختلف در موقعیت‌هایی گوناگون پرسید. برای مثال، اگر من به یکی از کتاب‌هایم که متن علمی نسبتاً پیچیده‌ای است، می‌اندیشم، فکر کردن درباره سرگذشت رابطه‌ام با آن کتاب، برای من جالب خواهد بود؛ اینکه چه نوع فعل و انفعالاتی در من و از طریق من رخ داده تا صاحب این کتاب شده‌ام. برخی مواجهه‌های رخ داده مرتبط با همین کتاب به این شرح هستند:

- در یک قهوه‌فروشی نشسته بودم، کتاب را بررسی می‌کردم و بخش‌های خاصی از آن را می‌خواندم تا به دوستانم توضیح دهم که این کتاب، با زبان علمی پیچیده‌ای نوشته شده است - که باعث خنده آنها و بحث درباره اهداف گوناگون تألیف کتاب‌های علوم اجتماعی و تجربی شد.

- بیرون یک قهوه‌فروشی نشسته بودم، در اثناء یک گفتگو درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های بین برخی نظریه‌پردازان برجسته اجتماعی، بخش‌هایی از این کتاب را به عنوان مستند نوع کار علمی آکادمیکی که علاقه‌مند به پیگیری بودم و اینکه چرا این کار با دیگر نظریه‌ها متفاوت است، خواندم.
- در حالی که مشغول پیاده‌روی بودم، اصطلاحات خاصی از کتاب را به خاطر می‌آوردم و بخش‌های دیگری از آنرا در ذهن خلاصه می‌کردم تا به یک دوست توضیح دهم که چرا کتاب برای مطالعه مفید است و مخاطب را به سوی چه نوع سبک‌هایی از اندیشیدن هدایت می‌کند.
- در حالی که بیرون از قهوه‌فروشی مورد علاقه‌ام نشسته بودم، مشغول خواندن کتاب بودم تا زمان ملاقات با یکی از دوستانم برسد. ناگهان یک غریبه از من پرسید: آیا کتاب جالبی است؟ این سؤال، مرا به بحثی طولانی درباره اینکه مطالعه این کتاب، شبیه زندگی در شهری است که در آن زندگی می‌کنیم، کشاند.
- همان‌گونه که می‌بینید، کتابی واحد، محور اصلی مجموعه متنوعی از مواجهه‌ها و بخشی از فعالیت‌های مختلف در هر یک از این مواجهه‌ها بوده است.
- همچنین بررسی اسناد رایج، امکان بررسی و مطالعه آنچه برخی محققان، «فرهنگ مادی»^۱ یا «حیات اجتماعی اشیاء»^۲ نامیده‌اند را فراهم می‌کند. این کار، آگاهی شما را در این باره که چگونه اشیاء، چه کتاب باشد، چه اسپری آسم یا ویلچر، وارد کنش‌ها و تعامل‌های ما می‌شوند و آنها را دگرگون می‌کنند، افزایش می‌دهد. مجدداً اگر درباره متن کتاب حاضر فکر کنید، می‌توانید این پرسش‌های پژوهشی را بپرسید:
- آیا این متن را در حالی که خودکار یا مدادی در دست دارید، می‌خوانید؟
- آیا شما زیر واژگان مهم خط می‌کشید؟

1. Material culture
2. Social life of objects

فصل هفتم - بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد ۱۷۷

- آیا خواندن شما با دردست داشتن خودکار یا مداد، تفاوت پیدا می‌کند؟

- آیا هنگامی که متن، کپی شده باشد، برخورد متفاوتی با آن خواهید داشت و

خواندن شما متفاوت خواهد بود؟

- نسخه کپی را چگونه تهیه کردید؟

آیا برخی دستگاه‌های کپی، شما را عصبانی می‌کنند، مثلاً هنگامی که برخی از واژگان

یا شماره صفحات، کپی نشده باشند؟

- چگونه روش مناسب کار با دستگاه کپی را یاد گرفتید؟

بنابراین، نه تنها با بررسی افراد و شرایط محیط‌تان، بلکه با بررسی به اصطلاح فرهنگ مادی - اشیاء، فناوری‌ها، مصنوعات، محیط ساخته شده - می‌توانید بفهمید که این فرهنگ مادی، بخشی از رفتار و گفتار مردم آن محیط است. به این معنا، شما می‌توانید بفهمید چگونه اسناد چه کاغذی یا رایانه‌ای و فناوری‌های مربوط به آنها (علامت‌گذارها، خودکارها، ماژیک‌ها، دستگاه‌های کپی، رایانه‌ها، چاپگرها و غیره) هم کنش‌ها و تعامل‌های ما را محدود می‌کنند و هم قابلیت‌ها و امکاناتی را در اختیار ما قرار می‌دهند. مهم‌تر از همه، آنها معمولاً نقشی اساسی در مسیر کارهای ما با اسناد دارند.

برای مطالعه این چیزها، احتمالاً نیازمند اطلاعات قوم‌نگارانه به همراه اطلاعات ضبط‌شده صوتی یا تصویری خواهید بود.

سرانجام اینکه کار بر روی اسناد رایج ممکن است پرسش‌هایی را درباره اینکه چگونه کنش‌ها و تعامل‌های ما در بافت‌ها و ساختارهای کلان‌تر و فرامحلی قرار می‌گیرند و تولید می‌شوند، به وجود آورد. بنابراین، درباره این سند می‌توانید بپرسید:

- این متن بخشی از مطالب چه رشته‌ای است؟

- چگونه است که پژوهش کیفی، در برخی رشته‌ها، با ارزش دانسته می‌شود و در

برخی دیگر چنین نیست؟

- چگونه است که دولت به طور روزافزونی اهمیت بیشتری به شناخت فنون

پژوهشی می‌دهد تا دانش نظری؟

- آیا این واقعیت که شما این متن را، برای مثال در یک سمینار متشکل از گروهی

۱۵ نفره می‌خوانید، نشان‌دهنده یک رویه خاص تأمین منابع علمی توسط دانشگاه

است؟

- چرا شما این کتاب را می‌خوانید؟

- آیا شما جلد کتاب و دیدگاه‌های نویسندگان برجسته در این زمینه را خواندید؟

- چگونه ارزیاب‌های متن (کسانی که کتاب را داوری و ارزیابی می‌کنند) و

نظرات آنها انتخاب می‌شوند؟

- انتشار آثار علمی آکادمیک چه سازوکاری دارد؟

- به چه علت کتاب‌ها و موضوعات خاصی، بیشتر سفارش داده می‌شوند؟

چنین سبکی از پرسش‌ها، تحلیل شما را فراتر از کنش‌ها و تعامل‌های این‌زمانی و

این‌مکانی بی‌واسطه‌ای که مشاهده می‌کنید، سوق می‌دهد. این سبک، شما را به سوی

گردآوری، مطالعه و مذاقه در دیگر اسنادی که تاریخ، سیاست و خط سیر نهادهایی

خاص را ترسیم می‌کنند، هدایت می‌کند. همچنین ممکن است شما از اطلاعات صوتی

یا تصویری بهره بگیرید تا نشان دهید که چگونه نهادهایی خاص - مثلاً جنسیت،

درمان یا آموزش - دقیقاً زمانی بازتولید می‌شوند که گفتگو درباره اسناد یا استفاده از

آنها شروع می‌شود.

برای آغاز بررسی اینکه چگونه می‌توانید کاری کنید که ویژگی‌هایی همچون مادیت

اسناد و زمینه‌های کلان‌تر بی‌واسطه را در نظر داشته باشید، می‌خواهم چند نمونه از

کارهایی که اسناد رایج را بررسی کرده‌اند، ارائه کنم.

مطالعه موردی: شیوه ایجاد سابقه درمانی

«تونی هاک»^۱ (۱۹۹۸ و ۱۹۹۲) مقاله‌های متعددی نوشته است که در آنها چگونگی تولید یک سند خاص و کنش‌های مربوط به آن را به لحاظ مکانی، زمانی و تشریح مساعی بررسی کرده است. او در چندین مقاله، جلسات متعدد بین کارکنان یک بخش خدمات درمانی و بیماری به نام «آنا لیزه» را دنبال می‌کند. مجموعه داده‌های او، از این منابع تشکیل شده است:

۱. یک نسخه کپی از گزارش پرونده پزشکی که پس از مصاحبه اولیه با «آنا

لیزه» توسط یک پرستار تشکیل شد؛

۲. نوار صوتی و متن پیاده شده بازدید یکی از کارکنان از منزل «آنا لیزه» و مصاحبه با او و والدینش؛

۳. نوار صوتی و متن پیاده شده مشورت تلفنی یکی از کارکنان با همکارانش در بیمارستان برای صحبت درباره امکان پذیرش «آنا لیزه»؛

۴. نوار صوتی و متن پیاده شده مصاحبه با «آنا لیزه» که در «مرکز مداخله در بحران» انجام شد؛

۵. نوار صوتی و متن پیاده شده بحث یکی از کارکنان با یکی از همکارانش در مرکز مداخله در بحران؛

۶. یک نسخه کپی از گزارش پرونده پزشکی دوم که به وسیله یکی از کارکنان نوشته شده (نسخه تغییر یافته هاک، ۱۹۹۲: ۱۴۸).

همان‌طور که می‌بینید، هاک به داده‌هایی دسترسی داشت که به او در مستندسازی پرونده، مصاحبه‌ها و گفتگوها قدرت تحلیل می‌داد. بنابراین، او می‌توانست سیر پرونده را دنبال و بررسی کند که گزارش پرونده پزشکی دوم تا چه حد با آن مصاحبه‌ها، گفتگوها و گزارش پرونده اول، ارتباط دارد. در مقاله‌ای که هاک نوشته است، برای خوانندگان، امکان دسترسی به هر دو گزارش

1. Tony Hak

۱۸۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

پرونده و بخش‌هایی از متن‌های پیاده شده مصاحبه‌ها با آنالیزه و خانواده‌اش فراهم شده است. در ادامه، بخشی از گزارش پرونده دوم را بازتولید کرده‌ام:

«روشن است که مراجعه‌کننده (بیمار) توهمات دارد. او خیال می‌کند که در رادیو درباره فساد اخلاقی او صحبت می‌شود و پدرش هم همه چیز را از رادیو می‌شنود، از طرف دیگر، او غالباً صداهایی را می‌شنود. به نظر می‌رسد که او صدای پدرش را، حتی هنگامی که حضور ندارد، می‌شنود. برای من روشن نیست که اینها تا چه حد توهمند.» (گزارش پرونده دوم: هاک، ۱۹۹۲: ۱۵۴)

او همچنین امکان دسترسی خواننده را به بخش‌هایی از مصاحبه فراهم کرده است و آنها را در کنار بخش‌هایی از گزارش دوم قرار داده است.

قطعه برگزیده ۱ (هاک، ۱۹۹۲: ۵۰-۱۴۹، متن پیاده‌شده با اندکی تغییر)

گزارش پرونده

مصاحبه در خانه

(بخش اول)

آنالیزه: من رابطه غیراخلاقی داشته‌ام	او خیال می‌کند که مرتکب
و همه این موضوع را می‌دانند.	رابطه‌ای غیراخلاقی شده و
پرستار: چطور همه این را می‌دانند؟	این موضوع در رادیو فاش شده
آنالیزه: پخش شده است.	است.
پرستار: کجا پخش شده است؟ در رادیو یا چیزی؟	
آنالیزه: و در تلویزیون	
پرستار: که شما مسئله اخلاقی داشته‌اید؟	
آنالیزه: نه اینکه با چه کسی ارتباط داشته‌ام.	

(بخش دوم)

آنالیزه: من هر حرکتی در طبقه بالا
انجام می‌دهم، پدرم می‌شنود.
همچنین او خیال می‌کند که پدر او
می‌تواند دائماً صدایش را بشنود. به
نظر می‌رسد او صدای پدرش را حتی
زمانی که حضور ندارد، می‌شنود.

(بخش سوم)

آنالیزه: هنگامی که من ناگهان صداها
را شنیدم، کاملاً دیوانه شدم.
از طرف دیگر، او غالباً
صداهایی می‌شنود.

همان‌طور که حتی با این قطعه بسیار کوتاه می‌توانید متوجه شوید، گفتگوهای آنا لیزه و پرستار در سند دوم تغییر چشمگیری می‌یابد. توصیف‌های او از موقعیتش به صورت نسخه رسمی و مبتنی بر واقعیت آنا لیزه بازتنظیم و بازتولید می‌شوند. برای مثال، توجه داشته باشید که چه چیزی در گزارش پرونده دوم، هست یا نیست؛ توصیف آنا لیزه که «من رابطه غیراخلاقی داشته‌ام و همه این را می‌دانند» در گزارش پرونده دوم (یا اول) نیست. همچنین عبارت‌های او که «اینکه با چه کسی ارتباط داشته‌ام، در رادیو و تلویزیون پخش شده است» به این تبدیل شده است که «او خیال می‌کند که مرتکب رابطه‌ای غیراخلاقی شده و این موضوع در رادیو فاش شده است». همان‌طور که هاک می‌گوید، اگر فقط به گزارش‌های پرونده دسترسی داشتید، می‌توانستید نحوه توصیف این بیمار و زبان گزارش‌های پرونده را بررسی کنید. همچنین می‌توانستید بررسی کنید که چگونه چنین اسنادی به اطلاعات مورد نیاز برای تشکیل پرونده نظم می‌دهند. اگر فقط به مصاحبه دسترسی داشتید، می‌توانستید بررسی کنید که چگونه کارکنان بخش بیماری‌های روانی با بیماران تعامل می‌کنند و چه نوع اطلاعاتی با ارزیابی روان‌درمانی

مرتبط هستند و آنها چگونه به چنین مصاحبه‌هایی، ساختار و جهت می‌دهند. با این حال، با دسترسی به مجموعه‌ای کامل از جلسه‌ها و اسناد، می‌توانید درباره این خدمات بیشتر بدانید. می‌توانید بفهمید که در طول چند جلسه، آن‌ا لیزه به عنوان بیماری که نیازمند مراقبت‌های روان‌درمانی است، معرفی می‌شود و مهم‌تر اینکه چگونه این جلسه‌ها و گزارش‌های پرونده با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. برای این منظور، شما می‌توانید به شناختی از فعالیت‌های روان‌درمانی برسید - چگونه روان‌درمانی تلاش می‌کند تا کنش‌های بیماران را به یافته‌های روان‌درمانی تبدیل کند و آنها چگونه وضعیت‌ها را تشخیص می‌دهند. به این ترتیب، روش‌هاک، به خواننده، امکان دسترسی به برخی شیوه‌هایی که روان‌درمانی بیماران را می‌شناسد، درک و طبقه‌بندی می‌کند، می‌دهد.

مطالعه موردی: خوانش و گزارش یافته‌های یک گزارش

راه دیگر برای فکر کردن درباره اسناد رایج، بررسی نحوه ارجاع به اسناد و نقل قول از آنها در یک تعامل است. جنکینگز^۱ و باربر^۲ (۲۰۰۶، ۲۰۰۴) مطالعه‌ای را درباره جلسه‌های «کمیته‌های درمان و داروی بیمارستان»^۳ (دی‌تی‌سی) انجام دادند و نقش اسناد را در این جلسه‌ها بررسی کردند. نقش دی‌تی‌سی نظارت و کنترل ارائه داروهای جدید در یک بیمارستان خاص و در برخی موارد، محدود کردن مصرف دارو برای تیم‌های درمانی خاصی یا ممانعت از استفاده داروهای جدید در بیمارستانی خاص بود. برخی از این داروها، بسیار پرهزینه است، از این رو دی‌تی‌سی باید تصمیم بگیرد که عرضه یک دارو، به صرفه است یا خیر. استفاده از اسناد در این فرایند، مهم است؛ چرا که کمیته تا حدودی نیازمند تصمیم‌گیری بر مبنای اسناد و شواهد پژوهش منتشرشده درباره اثربخشی درمانی و هزینه‌ای داروها است.

داده‌ها از مشاهده و ضبط صدای چهار جلسه پیاپی دو کمیته دی‌تی‌سی متفاوت

1. Jenkins
2. Barber
3. Hospital Drug and Therapeutic Committees(DTC)

فصل هفتم - بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد ۱۸۳

تشکیل می‌شد. به علاوه، آنها همه اسناد و مدارک مورد نیاز که برای هر جلسه آماده می‌شد را دریافت می‌کردند. این مهم بود، چرا که در برخی از جلسه‌ها، یکی از شرکت‌کنندگان، اغلب گزارش کوتاهی از مدارک پژوهشی مربوط به دارویی خاص تهیه می‌کرد. در جلسه‌های دیگر، انتظار می‌رفت شرکت‌کنندگان، مقاله‌های پژوهشی را که پیش از جلسه بین آنها توزیع شده بود، خوانده باشند. یکی از دل‌بستگی‌های جنکینگز و باربر این بود که چگونه این گزارش‌های مکتوب هنگامی که بازخوانی می‌شدند، تغییر می‌یافتند (یا نمی‌یافتند). برای مثال، این جمله نسبتاً ساده در متن «دز اسپرین، ۳۲۵ میلی‌گرم بود» که هنگام بازخوانی به وسیله داروساز، این‌گونه تغییر یافته است:

قطعه برگزیده ۲ (جنکینگز و باربر، ۲۰۰۶: ۱۸۰ - متن پیاده‌شده با اندکی تغییر)

داروساز: نکته دیگر درباره آن، این است که دز اسپرین استفاده شده، ۳۲۵ است.

رئیس: که بسیار بالاتر است.

داروساز: بالاتر از آن مقداری که فکر می‌کنم اغلب افراد استفاده کرده‌اند. اینجا

فهرستی از وقوع عوارض است.

توجه داشته باشید چگونه در بازتولید جمله متنی، این جمله با زمینه و فضای خصوصی گفتگوی آنها تطبیق داده می‌شود. داروساز پیش از ارائه اطلاعات از این عبارت استفاده می‌کند: «نکته دیگر درباره آن، این است که». به این ترتیب، آنها این موضوع را به‌گونه‌ای مطرح می‌کنند که احتمالاً با فعالیت کمیته ارتباط دارد. رئیس کمیته هم در این توجه دادن یا برجسته کردن موضوع شرکت می‌کند و ارزیابی می‌کند که این سطح دز «بسیار بالاتر است». سپس داروساز ادامه می‌دهد و ارزیابی رئیس کمیته را تأیید می‌کند. بنابراین، بدین ترتیب، یک واقعیت درباره این دارو (میزان دز دارو) با تصور کمیته (دی‌تی‌سی) از «دنیای واقعیت‌های معمول» (میزان دز معمول برای استفاده) مقایسه و دارو ارزیابی می‌شود و بنابراین، ارزیابی منفی صورت می‌گیرد.

اگر ما بخشی از گزارش را با نحوه ارائه گزارش توسط داروساز مقایسه کنیم، می‌توانیم کار مشابهی را - درباره متن‌های تغییر یافته تحت تأثیر موقعیت - ببینیم.

گزارش چکیده (جنکینگز و باربر، ۲۰۰۶: ۱۸۱)

ملاحظات

۱. فقط با تجویز متخصص؛
۲. عدم توصیه برای آنژین (گلودرد) غیر مزمن؛
۳. نبود اطلاعات مطمئن درباره مصرف هم‌زمان با آسپرین؛
۴. عدم توصیه به مصرف با «وارفارین»^۱؛
۵. امکان ترجیح آن به «تیکلوپیدین»^۲ (۳٪) که عوارضی ایجاد می‌کند و مجوز ندارد؛
۶. مصرف فقط برای بیماران نامقاوم یا بدون علائم مثبت در مقابل آسپرین. عدم الویت با توجه به مزایای بسیار اندک در مقابل افزایش هنگامت هزینه‌ها؛
۷. چگونه بیمار نامقاوم را مشخص کنیم؟

قطعه برگزیده ۳ (جنکینگز و باربر، ۲۰۰۶: ۱۸۱ - متن پیاده شده با اندکی تغییر)

داروساز: آنها گفته‌اند که باید با تجویز متخصص باشد (.). برای آنژین (گلودرد) مزمن توصیه نمی‌شود (.). به هیچ‌وجه اطلاعات مطمئنی درباره مصرف هم‌زمان با آسپرین وجود ندارد که من فکر می‌کنم یکی از مواردی است که احتمالاً آنها می‌خواهند استفاده کنند (.). به همراه وارفارین توصیه نشده است (.). امکان دارد قابل ترجیح به تیکلوپیدین باشد که گاهی اوقات، بدون مجوز استفاده می‌شود و به‌طور قطع عوارضی ایجاد می‌کند که یقیناً برای ما ناشناخته و مبهم

1. Warfarin
2. Ticlopedine

فصل هفتم - بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد ۱۸۵

هستند.) من فکر می‌کنم که باید در بیمارانی استفاده شود که در مقابل آسپرین نامقاوم یا بدون علائم مثبت هستند و به‌طور قطع، چون قرار است که با تغییر درمان برای همه، با افزایش هنگفت هزینه‌ها مواجه شویم، عدم اولویت پیشنهاد می‌شود.) و من فکر می‌کنم سؤال اصلی من این بود که چگونه نامقاوم را تعیین کنیم چون شما می‌دانید که کمی مورد اختلاف است.)

بخش‌هایی از متن در قطعه برگزیده ۳ که برجسته شده‌اند، نشان می‌دهند داروساز علاوه بر چکیده گزارش اصلی، از واژگانی اضافی استفاده می‌کند. اگر شما هر دو متن را مقایسه کنید، می‌بینید که داروساز از اطلاعات زمینه‌ای زیادی برای فهماندن اطلاعاتی که ارائه می‌نماید، استفاده می‌کند.

توجه داشته باشید که آنها برای ارائه شکل خاصی از نگرانی‌هایشان درباره این داروی خاص، چگونه عبارت‌ها را به‌کار می‌برند. برای مثال، آنها می‌گویند: «به هیچ‌وجه اطلاعات مطمئنی وجود ندارد» که این شیوه بیان، در مقایسه با عبارت چکیده گزارش یعنی «نبود اطلاعات مطمئن» نگرانی احتمالی شدیدتری ایجاد می‌کند. به همین ترتیب، در جمله پایانی، ذکر «سؤال اصلی من» و در ادامه گفتن «چون شما می‌دانید که کمی مورد اختلاف است» نگرانی احتمالی را افزایش می‌دهد.

بنابراین، کار مذکور نشان می‌دهد که چگونه متن‌ها در فرایند بازخوانی آنها، تغییر می‌کنند. مثال یاد شده برای این نیست که بگوییم باید به‌گونه دیگری عمل شود یا صریحاً از کار داروساز انتقاد کنم؛ این‌گونه زمینه‌ای کردن (تطبیق دادن یک موضوع با زمینه و فضای تخصص و ادبیات یک حوزه) اقدامی معمولی است که هنگام بازخوانی متن‌ها صورت می‌گیرد. نکته‌ای که باید دانست، این است که هنگام بازخوانی متن‌ها یا نقل کردن و استناد دقیق به آنها، متن‌ها به موقعیت و زمینه خصوصی [فضا و زمینه‌ای که در آن قرار می‌گیرند و درباره آن بحث می‌شود] تعدیل و هماهنگ‌سازی می‌شوند. این هماهنگ‌سازی به صورت ذکر مقدمه‌ای برای چیزی که می‌خواهید بخوانید، یا با

اضافه کردن نظرها و جمله‌های گویی که گویی در متن وجود دارد یا با صحبت‌های شما پس از اینکه متن را خواندید، اتفاق می‌افتد. در این فرایند، جمله‌ها و عبارت‌های متن، تغییر پیدا می‌کنند و با ادبیات و عبارت‌های مخاطب، تطبیق داده می‌شوند. همچنین کار جنکینگز و باربر به ما نشان می‌دهد که کمیته‌های درمان و دارو چگونه عمل می‌کنند؛ چگونه با مدارک و اسناد پژوهشی کار می‌کنند و هنگام استفاده از آنها و بهره‌گیری از شواهد پژوهشی چه تغییراتی می‌دهند. با در نظر گرفتن اینکه همه جنبه‌های پزشکی کنونی، به طور روزافزونی «مستندمحور» می‌شوند - مستندات پژوهشی محکم از آزمایش‌های تصادفی و دیگر روش‌های دقیق که ظاهراً بدون جهت‌گیری، با ثبات و قابل انتقال هستند، با این حال، این نویسندگان (جنکینگز و باربر) سؤال‌های دیگری را درباره امکان‌پذیر بودن این دید (تغییر یافتن اسناد) ایجاد می‌کنند. همان‌گونه که آنها نشان می‌دهند، مستندات پژوهشی، همواره باید برای مشارکت‌کنندگان با ادبیات و مختصات زمینه و موقعیتی که آنها در آن قرار دارند، تطبیق داده شوند:

مطالعه موردی: فهم نوار ویدئویی در دادگاه

گودوین^۱ (۱۹۹۴) مطالعه‌ای تحلیلی را درباره محاکمه «رودنی کینگ» اجرا کرد. چهار افسر سفیدپوست پلیس امریکا، کینگ، یک سیاه‌پوست را متوقف و ضرب‌وشتم کرده بودند. بدون اینکه افسران بدانند، یک عابر، از این حادثه تصویربرداری کرده بود. یکی از چیزهایی که تحلیل گودوین به خوبی نشان می‌دهد این است که خود متن‌ها - البته در این مورد، تصویر نوار ویدئویی - گویا نیستند، بلکه همواره از جانب آنها صحبت می‌شود. در پرونده محاکمه رودنی کینگ، دفاع وکیل مدافع افسران پلیس و شهادت یک کارشناس پلیس، دست به دست هم دادند تا فهم خاصی از تصاویر صورت گیرد. در طول محاکمه، وکیل مدافع استدلال می‌کرد که تصاویر، ثبت عینی حادثه است و از شهادت مجموعه‌ای از کارشناسان استفاده کرد تا به هیئت‌منصفه

1. Goodwin
2. Rodney King

فصل هفتم - بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد ۱۸۷

بفهماند که تصاویر ویدئویی کتک زدن نمونه‌ای از فعالیت پلیسی شایسته است. وکیل مدافع افسران پلیس با موفقیت در دادگاه بدوی استدلال کرد که تصاویر نشان می‌دهند افسران فقط فعالیت پلیسی خود را دقیق و روش‌مند انجام می‌دهند (۱۹۹۴: ۶۱۷).

تحلیل گودوین، مبتنی بر تصاویری بود که او از «کورت تی‌وی»^۱ یا «تلویزیون دادگاه» پخش شده و او ضبط کرده بود. شیوه «برداشت» از تصاویر ویدئویی کنش‌های افسران پلیس و رودنی کینگ، موضوع اصلی این محاکمه شد. قطعه برگزیده ۴، متن پیاده شده بخشی از دفاعیه‌های وکیل مدافع افسران است. متن، مربوط به گفتگوهای جلسه دادگاه است که هم‌زمان با نمایش نوار ویدئویی حادثه و توقف نمایش نوار، درباره آن اظهار نظر می‌شود.

قطعه برگزیده ۴ (گودوین، ۱۹۹۴: ۶۱۷ متن پیاده شده با اندکی تغییر)

۱. وکیل مدافع: چهار، اوه پنج، اوه یک [این اعداد نشان‌دهنده شدت ضربه هستند].

۲. ما می‌بینیم که یک ضربه زده می‌شود =

۳. درسته؟

۴. کارشناس: درسته؟

۵. قدرت ضربه، مجدداً افزایش یافته است

۶. به همان شدت قبلی

۷. و پایین آمدن شدت ضربه، متوقف شده است

۸. وکیل مدافع: و در ...

۹. در این نقطه که مربوط است

۱۰. به لحظه چهار و سیزده دقیقه و بیست و نه ثانیه

۱۱. می‌بینیم که ضربه‌ای زده می‌شود
۱۲. و در نتیجه شاهد پایان مدت کاهش شدت ضربه هستیم
۱۳. درسته سروان؟
۱۴. کارشناس: بله درسته.
۱۵. شدت ضربه اکنون به سطح قبلی افزایش یافته است
۱۶. بعد از یک دوره کاهش شدت.

این متن کوتاه دو سکانس دارد: (۷-۱) و (۱۶-۸) که ویژگی‌های مشترک بسیاری دارند:

در اینجا می‌بینیم که وکیل مدافع توصیفی می‌کند، سپس سؤالی درباره آن توصیف می‌پرسد و کارشناس شاهد به آن سؤال پاسخ می‌دهد و در پاسخ دادن، بازتوصیف‌هایی را ارائه می‌کند. نکته مهم این است که آنها (وکیل و کارشناس) چگونه از طریق پرسش و پاسخ‌هایشان به دنبال راهی برای «برداشت» از تصاویر فیلم هستند.

در خصوص اولین سکانس، وکیل مدافع، زمان تصویر صدا می‌زند «چهار، اوه پنج، اوه یک» (۱) و سپس تصویر را این‌گونه توصیف می‌کند: «ما می‌بینیم که یک ضربه زده می‌شود. (۲) به شیوه بیان او در توصیف کنش توجه داشته باشید؛ این کنش باید به عنوان **تنها یک ضربه** شناخته شود، نه کتک زدن یا یک حمله. او سپس برای گرفتن تأیید [از کارشناس] می‌پرسد: درسته؟ (۳) کارشناس شاهد، این موضوع را تأیید می‌کند (۴) و کنش دیده شده در تصویر را مجدداً توصیف می‌کند. بر اساس گفته کارشناس، این نباید به عنوان **یک ضربه** دیده شود، بلکه به عنوان لحظه‌ای که **قدرت ضربه مجدداً افزایش یافته ... پایین آمدن شدت ضربه، متوقف شده است.** (۷-۵) با این بازتوصیف، تنها تصویر ضربه، اکنون به عنوان لحظه دقیق **تشدید سطحی** دقیق از ضربه دیده می‌شود. (۶) در خصوص سکانس دوم، (۱۴-۸) همین روند رخ می‌دهد، به جز اینکه در این سکانس، وکیل مدافع نیز از عبارت «پایان مدت کاهش ضربه»

(۱۲) برای توجیه کردن کار افسران پلیس استفاده می‌کند. در این مثال، وکیل مدافع حول کدگذاری و برجسته کردن هر یک از ضربه‌ها در تصویر (چهار، اوه پنج، اوه یک و ساعت چهار و سیزده دقیقه و بیست و نه ثانیه) به عنوان کنش‌هایی متمایز و جداگانه تلاش می‌کند. چهل و هفت ضربه‌ای که در چند لحظه به بدن رودنی کینگ وارد می‌شود، از طریق تعامل بین وکیل مدافع و کارشناس پلیس، به عنوان به‌کارگیری زور در نوبت‌های جداگانه و متمایز، تغییر می‌یابد. هر یک از این ضربه‌ها، فقط باید به عنوان یک لحظه تشدید یا عدم تشدید زور، شناخته شود. لحظه‌ها بین ضربه‌ها، به عنوان «یک دوره ارزیابی» شناخته می‌شوند (گودوین، ۱۹۹۴: ۶۱۷) که افسران پلیس در حال ارزیابی کنش‌های رودنی کینگ هستند تا علائمی از همکاری او را ببینند. وکیل مدافع افسران، استدلال خود را این‌گونه به پایان برد که «رودنی کینگ و تنها، رودنی کینگ در کنترل موقعیت قرار داشت» (همان: ۶۱۸).

استدلال وکیل مدافع تا حدودی به وسیله فناوری دستگاه نمایش ویدئو میسر شد که شما می‌توانید در هر لحظه‌ای از کنش‌ها، تصویر را متوقف کنید و کنش‌ها را جداگانه و تک‌تک، تحلیل و بازتولید کنید. آنها هنگام صحبت درباره تصاویر، از چوب اشاره برای جزئی‌تر کردن تصاویر و جلب بیشتر توجه هیئت‌منصفه به حرکات جزئی کینگ و افسران، استفاده کردند. آنها همچنین عکس‌هایی از ویدئو تهیه کردند - کلوزآپ‌هایی از فریم‌هایی خاص که بزرگنمایی می‌شدند و از آنها بهره‌برداری می‌شد - سپس با قراردادن خط‌هایی بر روی برگه‌هایی شفاف و تأکید بر اهمیت بینش و دانش هیئت‌منصفه، به آنها در نحوه نگاه کردن به موضوع جهت می‌دادند. به این ترتیب، این هماهنگی صحبت‌ها و فناوری به‌طور مشترک، راه خاصی را برای برداشت از صحنه‌هایی که نمایش داده شد، فراهم کرد. با تحلیل گودوین (که من فقط بخش بسیار کوچکی از کارش را شرح دادم) می‌توانیم بفهمیم که چگونه دیدن و شناخت، صرفاً محصول فرایندهای روانشناختی درونی نیستند، بلکه ارتباط تنگاتنگی با کنش‌ها و

تعامل های اجتماعی پیچیده مربوط به یک فضا و موقعیت دارند. قدرت فهمیدن، شناخت و بهره‌گیری از زبان، ارتباط تنگاتنگی با تخصص‌های خاصی دارد، به همین دلیل همگان یکسان از آن بهره‌مند نیستند.

ملاحظات پایان فصل

در این فصل با مرور کوتاهی بر چگونگی ایجاد اسناد و شیوه استفاده از آنها و تفسیرشان تلاش کرده‌ام نکاتی فنی را درباره انواع منابعی که مردم استفاده می‌کنند و اینکه چگونه آنها سؤال‌هایی را درباره مطالب این منابع می‌پرسند، بیان کنم. این منابع؛ شامل نوارهای صوتی و تصویری رویدادهای طبیعی و در برخی موارد، مشاهده‌های میدانی و گردآوری نسخه‌های اسنادی که مشارکت‌کنندگان، استفاده، ایجاد یا درباره آنها صحبت می‌کنند، می‌شود. یک نکته اساسی و سؤال تحلیلی مهم این است که به نقش اسناد یا متون، به عنوان بخشی از رویدادها چگونه نگاه کنیم؟ برای پاسخ به این سؤال، باید آثار احتمالی اسناد را به دقت بررسی کنیم و تأثیر آنها - و دیگر عناصر فرهنگ مادی - را در هماهنگ‌سازی و تولید کنش‌ها و تعامل‌ها تجزیه و تحلیل کنیم.

به محض پرسش از تأثیر مشترک و زمینه‌ای افراد و اشیاء (در کنار یکدیگر)، می‌توانید این را نیز بفهمید که آنها چگونه در یک زمینه، در هر لحظه و مکرر، به‌اصطلاح زمینه‌ها و نهادهای کلان‌تری مانند درمان یا قانون را [که در مثال‌های این فصل به آنها پرداخته شد] بازتولید می‌کنند. همان‌گونه که از مثال‌های این فصل و فصل گذشته پیداست، در واقع، این دو فصل، به بررسی چگونگی تولید و بازتولید نهادها از دل کنش‌ها و تعامل‌های افراد و اشیاء می‌پردازند. بنابراین، آنچه تحلیل محاوره امکان آن را برای ما فراهم می‌کند، تلاش برای مستندسازی چگونگی شکل‌گیری نهادها، هویت‌ها و فعالیت‌های نهادی به وسیله افراد و اشیاء است. از این راه، شما می‌توانید شناختی تحلیلی از نهادهای مختلف حیات اجتماعی پیدا کنید که این شناخت مبتنی بر آنچه واقعاً در این نهادهای مختلف روی می‌دهند، باشد نه بر اساس مفروضات

فصل هفتم - بررسی گفتگو درباره اسناد و با اسناد ۱۹۱

پیشین شما درباره واقعیت های این نهادها. اجرای «صرف» مصاحبه ها یا گروه متمرکز با شرکت کنندگان درباره کنش های آنها یا قرائت «صرف» متونی که کنش های آنها را توصیف می کنند، فقط بخشی از موضوع را روشن می کند و غالباً شیوه های بسیار زیبا، پیچیده و هنرمندانه ای که ما با آنها حیات اجتماعی را بازتولید می کنیم، از دید ما پنهان می مانند.

نکات مهم فصل

- ما هرگز بدون جهت گیری یا در فضایی انتزاعی اسناد را بررسی نمی کنیم، آنها را همواره در زمینه خاص خودشان بررسی می کنیم، از این رو همواره برای انجام دادن کار تخصصی، اسناد با روش های خاصی خوانش یا استفاده می شوند؛
- اسناد - چه کاغذی یا دیجیتال - به همراه مجموعه گسترده ای از اشیاء که در زندگی روزمره با آنها مواجه هستیم، در هماهنگی، متمایزسازی و اثربخشی کنش ها و تعامل هایمان نقشی تعیین کننده دارند؛
- مطالعات مربوط به اینکه چگونه اسناد و دیگر اشیاء و فناوری هایی که در تعامل های جزئی ما استفاده می شوند، می توانند به ما کمک کنند تا چگونگی تولید، سازماندهی و تداوم فعالیت ساختارها و نهادهای حیات اجتماعی، همچون نهادهای خیریه، پزشکی و حقوقی را بشناسیم.

منابع تکمیلی

منابع ذیل، نمونه های بیشتری را از شیوه تحلیل بحث شده در این فصل در اختیار شما می گذارند:

- Livingston, E. (1987) *Making Sense of Ethnomethodology*. London: Routledge & Kegan Paul, chap. 15.
- Prior, L. (2003) *Using documents Social Research*. London: Sage.
- Smith, D.E (1990) *Text, Facts and Femininity: Exploring the Relations of Ruling*. London: Routledge, chap.3.

فصل هشتم

گفتگو و گفتمان کاوی:

مناقشه‌ها و تنگناها

گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها

- نقش پنهان تحلیلگر
- تمرکز بر موقعیت‌های کوتاه تعامل
- بررسی زمینه گروه متمرکز و داده‌های مصاحبه
- بررسی قدرت (و دیگر مفاهیم اساسی)

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- برخی از معضله‌های را که ممکن است هنگام گفتگو و گفتمان‌کاوی با آنها روبه‌رو شوید، بدانید؛
- درباره نحوه شناخت مطلوب داده‌های مصاحبه یا گروه‌های متمرکز و کار با این داده‌ها بیشتر بدانید؛
- درباره نقش خود در ارائه تحلیل درباره موضوع‌ها و بحث‌های نهفته در دل

داده‌هایتان آگاه باشید؛

- بدانید که یک تحلیل تفصیلی درباره بخش کوچکی از گفتار می‌تواند واقعاً درباره چیزهایی مانند قدرت راهگشا باشد.

در دو فصل گذشته، بحث در این باره که چگونه می‌توان تحلیلی از گفتگوها و اسناد رایج ارائه کرد را شروع کردیم. تردیدی نیست که تکنیک‌ها، رویکردها و دیدگاه‌هایی که طرح کرده‌ام، منتقدانی دارند. عمده انتقادها در این خصوص مطرح می‌شود که چگونه این سبک کار، به زمینه‌ها و ساختارهای کلان‌تر که هسته اصلی کار بسیاری از دانشمندان اجتماعی هستند، توجه ندارد یا برای کار و بررسی، آنها را نمی‌پذیرد، منظورم مفاهیمی همچون قدرت یا نابرابری است. به خاطر دارم که فردی به من گفت: احساس می‌شود که انگار مردم خیلی درگیر جزئیات شده‌اند و به اطرافشان توجه نمی‌کنند که واقعاً چه چیزی در جهان در حال رخ دادن است.

ون دایک^۱ (۱۹۹۹) دو جایگاه را برای گفتمان‌کاوان توصیف می‌کند: در یک طرف، تحلیلگرانی هستند که نگران به‌کارگیری دانش اجتماعی خود نیستند و معتقدند که سیاه، زن، جوان یا رئیس بودن، اغلب از نحوه نوشتن و گفتار مردم، روشن می‌شود. فرض این دسته تحلیلگران این است که گفتمان، ممکن است نابرابری اجتماعی را بازتولید کند (۱۹۹۹: ۴۶۰).

در مقابل، گروه دیگری از تحلیلگران معتقدند که چنین رویکردی نباید (حتی در صورت محتمل بودن) تأثیر زمینه و بافت اجتماعی را مسلم و بدیهی فرض کند، بلکه باید با پرداختن به جزئیات آنچه اعضای جامعه در عمل می‌گویند و انجام می‌دهند، آن‌را ثابت کند. در غیر این صورت تحت تأثیر زمینه و بافت اجتماعی عمل کردن و سخن گفتن بی‌معناست، چرا که ارتباطی منطقی بین آنها وجود ندارد (۱۹۹۹: ۴۶۰).

این بحث به بررسی این دو موضع مختلف و بسیار آرمان‌گرایانه می‌پردازد. برای

1. Van Dijk

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۱۹۷

بازکردن بحث، بخشی از گفتگویی را که پیشتر دیدیم، دوباره بررسی می‌کنیم، بحث آشپزخانه درباره «قاعده تهیه خیار». من بخشی از متن را بازتولید کرده‌ام.

قطعه متن ۱ (قاعده تهیه خیار: آشپزخانه ۱۰ : ۳، ۱۷-۲، ۱۷)

۱. جین: همه آنها یخ زده‌ان؟ =
۲. مری: نه. این قسمتش خوبه. خیلی خوبه، وقتی پوستش می‌کنی =
۳. بن: آها
۴. مری: چهار: تا برش بزنی = از طول
۵. بن: [اوه و بعدش فقط]
۶. مری: [و بعدش] فقط دانه‌ها را دربیار =
۷. جین: = یا دو برش مساوی بزنی و از یک قاشق چای خوری استفاده کن
۸. ((صدای تکان خوردن میز)) و آنرا کنار بگذار.
۹. مری: تو می‌تونی هر روشی را که ترجیح می‌دی، انتخاب کنی. =
۱۰. جین: = (و) قطعاً قاعده‌ای وجود خواهد داشت [بستگی به این دارد که کدام روش را انتخاب کنی] =
۱۱. مری: [هوه هه هه هه هه] = قطعاً
۱۲. ((صدای خش خش)) =
۱۳. مری: نه قاعده‌ای نخواهد بود. =
۱۴. ((صدای تکان خوردن میز)) =
۱۵. ((صدای خش خش)) =
۱۶. بن: پس قاعده محرمانه‌ای خواهد بود =
۱۷. مری: هه؟

۱۸. بن: قاعده محرمانه‌ای خواهد بود =

۱۹. = اه هه هه هه هه

بنابراین، ما در یک سو، تحلیلگری فرضی داریم که - با توجه به دانش و تجربه عمومی‌اش درباره موضوعات و مسائلی خاص - تصور می‌کند که یک اثر معین، مثلاً روابط قدرت، نشأت گرفته از دل نهادها و ساختارهای جنسیت و خانواده، به‌طور قطع در این گفتگو (در آشپزخانه) جریان دارد. در سوی دیگر، تحلیلگری فرضی داریم که همه مفروضات را نادیده می‌گیرد و فقط درباره اثر جنسیت یا خانواده در گفتگو، هنگامی که گرایشی آشکار به این دو (جنسیت یا خانواده) وجود دارد یا شرکت‌کنندگان این گرایش را نشان می‌دهند، صحبت می‌کند. مسئله‌ای که این دو تحلیلگر در بحثشان درباره این گفتگو در نظر می‌گیرند، چیست؟ آیا این واقعیت است که «بن»، پسر مری، ۱۶ ساله، نوجوان، دانش‌آموز ممتاز، سفید، مذکر، دارای جسم سالم، انگلیسی یا دارای هر هویت دیگر مرتبط با این تعامل؟ به همین ترتیب، در خصوص مری، کدام یک از هویت‌های او با این گفتگو ارتباط پیدا می‌کند؟ سن مری، سطح تحصیلاتش، جنسیتش، حرفه‌اش، هویتش به عنوان مادر بن، هویتش به عنوان دوست جین؟ یا اینکه در لحظاتی خاص از این گفتگو، هویت‌هایی خاص [از میان هویت‌های مختلف افراد در حال گفتگو] و ساختارهای اجتماعی مربوط به آن هویت‌ها ظهور می‌کنند که با لحظه‌های خاصی از تعامل مشارکت‌کنندگان با یکدیگر ربط و بستگی پیدا می‌کنند؟

برای مثال، بن با دو روش ممکن برای تهیه خیار مواجه است و مری به او می‌گوید: تو می‌توانی هر روشی را که ترجیح می‌دهی، انتخاب کنی که این امکان را به بن می‌دهد یکی از روش‌های ممکن را کنار بگذارد و او مجبور نیست از دستورالعمل‌های مری یا جین پیروی کند. جین سپس اظهارنظر می‌کند: (و) قطعاً قاعده‌ای وجود خواهد داشت. [بسته به اینکه کدام روش را انتخاب کنی]. سؤالی که می‌توان پرسید این است

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۱۹۹

که «قاعده‌ای» که جین به آن اشاره می‌کند، چیست؟ آیا این با نهاد خانواده ارتباط دارد که بن، به عنوان پسر مری با آن مواجه است - اگر او دستورالعمل‌های جین را اجرا کند در نتیجه آیا او با توصیه مادر خود مخالفت می‌کند؟ یا اینکه با نهاد دیگری مثلاً نهاد دوستی [مری و جین] ارتباط دارد؟

چیزی در تصویر نداریم که برای ما مشخص کند آیا این در آن لحظه به هویت‌های متقارن مادر و فرزند نوجوان ربط دارد. هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان، جهت‌گیری آشکاری، در قبال هویت اجتماعی خانواده، حقوق و مسئولیت‌هایی که تعلق به خانواده ایجاد می‌کند، ندارد. گفتگویی که بعد از اظهارنظر جین رخ می‌دهد، به آنها یا ما - مخاطبی که تماشا می‌کند - نشان نمی‌دهد که او دقیقاً به چه چیزی اشاره دارد. مری می‌خندد، سپس با لحنی شوخی در صدایش موافقت خود را اعلام می‌کند، سپس آن موافقت را منتفی می‌کند و کمی جدی‌تر می‌گوید: نه قاعده‌ای نخواهد بود و این هنگامی است که بلند می‌شود میز را ترک کند. سپس بن نظرش را تکرار می‌کند و او (مری) می‌خندد. به نظر می‌رسد همه آنها موضوع را به شوخی می‌گیرند.

بنابراین واقعاً چه چیزی درباره استفاده جین از واژه «قاعده» می‌توان گفت؟ یک گزینه این است که بگوییم جین به معضلی اشاره می‌کند که هر کسی هنگام داشتن دو مجموعه دستورالعمل متعارض با آن مواجه می‌شود و واقعاً ارتباطی با خانواده یا دوستی ندارد. ما می‌توانیم مثال‌های دیگری پیدا کنیم که مردم در مواجهه با معضلی مشابه، چگونه عمل می‌کنند. اما این، احساس مرا - یا ترجیح می‌دهم بگویم فرض مرا - تضعیف نمی‌کند که این، حداقل تا حدودی، با جایگاه بن به عنوان پسر مری ارتباط دارد و اینکه قاعده مورد اشاره جین، حداقل تا حدودی، با روابط میان فردی مادر و پسر و دوستی جین و مری ارتباط دارد. ما می‌توانیم بقیه این تعامل و دیگر تعامل‌های بین افراد را بررسی کنیم و به زمان‌های مشابه دیگر توجه نماییم تا ببینیم که چه هنگام و چگونه رابطه مری و بن به عنوان مادر و فرزند نوجوان، به‌طور صریح مورد گفتگو قرار

۲۰۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

می‌گیرد. این کار ممکن است نشانه‌هایی را در اختیار ما قرار دهد. ما می‌توانیم با مشارکت‌کنندگان صحبت کنیم و از آنها درباره این گفتگو بپرسیم؛ مثلاً بگوییم من آنجا بودم ولی واقعاً منظور از این واژه (قاعده) را به‌خاطر نمی‌آورم.

بنابراین، همان‌گونه که بن با معضل مواجه است، ما به عنوان تحلیلگر نیز با معضل مواجهیم: کدام نسخه را بپذیریم - فقط به آن چیزی که شرکت‌کنندگان در همان لحظه نشان می‌دهند، بچسبیم یا برداشت‌های خودمان را دنبال کنیم؛ یعنی تلاش کنیم دیگر لحظاتی که اتفاق مشابهی رخ می‌دهد را گردآوری کنیم؟ با نگاه کردن به تصاویر ضبط شده دیگر گفتگوها، در کنار اطلاعاتی که من از این گفتگوها دارم، همراه با اطلاعاتی که خودم به عنوان پدر یک نوجوان دارم، به من کمک می‌کند، چرا که معضل «توصیه چه کسی را باید عمل کرد؟» زیاد اتفاق می‌افتد و گاهی اوقات صریحاً در خصوص ارتباط آن با نحوه تربیت فرزند صحبت می‌شود. اما این راه حل تحلیلی من است، دیگران موافق نخواهند بود و می‌گویند من فرض‌های زیاد و دوری را در نظر می‌گیرم و از اتکاء به آنچه خود شرکت‌کنندگان در همان لحظه انجام می‌دهند، دور می‌شوم. بحث من درباره قطعه متن ۱، بحث‌های مرتبط دیگری را پیش می‌آورد، از جمله:

- نقش پنهان دانش تحلیلگر هنگامی که تحلیل می‌کند؛

- بررسی قطعات بسیار کوتاهی از کنش و تعامل؛

- بررسی داده‌ها در فضای طبیعی و زمینه آنها؛

- بحث نشدن درباره قدرت.

نقش پنهان تحلیلگر

آرمینن^۱ (۲۰۰۰)، مثالی را از سخنان فردی در یک جلسه «افراد الکلی که هویتشان فاش نشده»^۲ معروف به «ای ای» ذکر می‌کند. یکی از این افراد، مثلاً اسمش را جیم

1. Arminen
2. Alcoholics Anonymous(AA)

بگذاریم، می‌گوید:

قطعه برگزیده ۲ (آرمینن، ۲۰۰: ۴۳)

با روشی که این فرد مرا هوشیار نگه داشت، باعث شد که خود او نتواند، نخواهد الکل مصرف کند.

جیم می‌توانست این‌گونه بگوید: با روشی که این فرد مرا هوشیار نگاه داشت باعث شد که خود او «نتواند» الکل مصرف کند. اما او صحبتش را این‌گونه به پایان می‌برد: او «نخواهد» الکل مصرف کند.

جیم، جمله‌اش را اصلاح کرد: به‌جای اینکه بگوید، این فرد دیگر «نمی‌توانست» الکل مصرف کند، می‌گوید: او «نمی‌خواست» الکل مصرف کند. بنابراین اصلاح جمله جیم، هویت خاصی به فردی می‌دهد که جیم درباره‌اش صحبت می‌کند. جیم به او هویت الکی ناشناخته (ای ای) می‌دهد - یعنی فردی که هر روز داوطلبانه از مصرف الکل خودداری می‌کند. همان‌گونه که آرمینن می‌گوید بدون دانستن ویژگی‌های داوطلب الکی هویت ناشناخته (ای ای) اهمیت اصلاح جمله جیم، مشخص نمی‌شود چرا که بر اساس تعریف او، یک الکی، همواره الکی است و باید هر روز تصمیم بگیرد که الکل مصرف نکند.

بنابراین برای فهمیدن کاری که جیم انجام داده، شما به عنوان تحلیلگر، باید اطلاعاتی را درباره‌ی اعضا یا شرکت‌کنندگان در جلسه‌های الکی‌های هویت‌ناشناخته کسب کنید. فهم اینکه جیم به دنبال فهماندن چیست و گرفتن موضعی که بدون هیچ‌گونه فرض تحلیلی صرفاً این موضوع را بررسی کند که شرکت‌کنندگان در این جلسه‌ها چه کار می‌کنند و دنبال چه چیزی هستند، به توانایی تحلیلگر در شناخت عوامل موقعیتی مؤثر بر فعالیت‌های شرکت‌کنندگان، بستگی دارد [چیزی که مورد تأکید نگارنده است] (آرمینن، ۲۰۰: ۴۴).

۲۰۲ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

توانایی شنیدن یا دیدن اینکه یک کنش خاص، چه تأثیر خاصی ایجاد می‌کند، تا حدودی به توانایی شما در شناخت اینکه آنها چرا آن کار را که در آن موقعیت خاص انجام می‌دادند، انجام دادند، بستگی دارد. نکته مهم این است که آرمینن (۲۰۰۰) معتقد نیست نزدیک شدن به جهت‌گیری و علائق اعضای یک بافت، صرفاً یک مجاز لفظی است، بلکه او به ما برخی از جنبه‌های مسئله‌ساز این دیدگاه را نشان می‌دهد.

اینکه من خودم چگونه به شناخت موقعیت‌های خاصی از تعامل می‌رسم، گاهی به توانایی من به عنوان یک کارشناس فرهنگی از یک اجتماع خاص مربوط می‌شود. من در سه موقعیت در عمیق‌ترین سطح به این آگاهی رسیدم. دو مورد از این سه موقعیت، جایگاه مرا به عنوان فردی که انگلیسی را بومی صحبت می‌کند و به زبان انگلیسی تسلط کامل دارد، برجسته کرد:

- در یک موقعیت، در یک جلسه بررسی داده‌ها در کنار فردی نشسته بودم که با متن‌هایی پیاده شده کار می‌کرد که از فنلاندی به انگلیسی ترجمه شده بودند. ما از راه‌های مختلف، مربوط بودن داده‌های متن‌های پیاده شده را بررسی کردیم تا به تفاوت شیوه استنباط در زبان فنلاندی با زبان انگلیسی برسیم؛

- مشابه همین قضیه، در فنلاند، در یک جلسه بررسی داده‌ها، با نوارهای صوتی داده‌هایم و دیگر بحث‌ها کار می‌کردم. متوجه شدم که باید برخی از اصطلاحات، واژگان تخصصی و الگوهای بیانی را که شرکت‌کنندگان [انگلیسی زبان] استفاده کرده بودند، در این جلسه توضیح دهم.

موقعیت دیگری به خوبی به من نشان داد که برای فهمیدن پدیده‌ها گاهی باید چیزها را از زاویه دید مشارکت‌کنندگان نگاه کنم؛

- متوجه شدم هنگامی که همسایه‌های روبه‌روی ما منزلشان را ترک کردند، به ماشینم و داخل آن نگاه کردند. ابتدا فکر کردم که این نوع نگاه آنها ناشی از

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۲۰۳

تحسین ماشین جدیدم بود که برق می‌زد یا می‌خواستند بدانند چه چیزی داخل ماشین است. کمی که گذشت و به آنها توجه کردم، فکر کردم که آنها باید واقعاً ماشین مرا دوست داشته باشند. یک روز که کنار ماشینم ایستاده بودم، بالاخره متوجه شدم که به طور قطع چه اتفاقی افتاده بود: آنها از انعکاس شیشه‌های خودرو به عنوان جایگزین آینه برای بررسی ظاهر خود قبل از بیرون رفتن استفاده می‌کردند. از آن زمان به بعد هرگاه آنها را می‌دیدم که به ماشینم نگاه می‌کنند، به کنش‌های آنها دقت می‌کردم و این کار، برداشت مرا تأیید کرد، چرا که آنها پس از نگاه کردن به ماشین، دست روی موهایشان می‌کشیدند یا لباس هایشان را مرتب می‌کردند.

این موقعیت، ضمن اینکه نقش اطلاعات خود شما در شناخت کنش‌ها و حالات مشارکت‌کنندگان را تأیید می‌کند، به نوعی انکار نمی‌کند که شناختن علائق شرکت‌کنندگان در کار تحلیل، نقشی اساسی و مهم دارد. همچنین برخی جنبه‌های مسئله‌ساز احتمالی را که ممکن است در پژوهش‌تان با آنها مواجه شوید، چه در گفتار و کنش‌های تخصصی یا فنی و چه کنش‌های عادی و معمولی، برجسته می‌کند. در چنین مواردی، شما باید سطح معینی از دانش اعضای یک محیط را کسب کنید یا آن‌گونه که «لینچ»^۱ (۱۹۹۳) می‌گوید به «توانمندی متعارف»^۲ زبانی و آداب رایج در محیط پژوهشی‌تان مجهز شوید.

تمرکز بر موقعیت‌های کوتاه تعامل

اکنون شما باید بدانید با توجه به بحث‌های گفته شده، ویژگی اصلی این نوع کار، این است که دلیل اصلی شما برای اثبات ادعاهای تحلیلی‌تان، آن چیزی است که مشارکت‌کنندگان عملاً انجام می‌دهند و می‌گویند. بنابراین وقتی شما ادعا می‌کنید که

1. Lynch
2. Vulgar competence

فردی، سؤالی را می‌پرسد؛ این ادعا عملاً در صورت پاسخ دادن یک فرد دیگر اثبات می‌شود یا در برخی موارد، هنگامی که پاسخی داده نمی‌شود، سؤال‌کننده می‌گوید: «هی از شما سؤال کردم» یا دوباره می‌پرسد و سپس پاسخ را دریافت می‌کند. گاهی به این «رویه دلیل نوبت بعدی» گفته می‌شود، به این معنی که هنگامی که شما می‌خواهید بخش کوتاهی از یک گفتگو یا کنش را بفهمید، می‌توانید:

- به گفته‌ها یا کنش‌های شرکت‌کنندگان دیگر، درست قبل از زمان مورد نظر شما یا نوبت صحبت کردن یا کنش فرد قبل از شرکت‌کننده مورد نظرتان نگاه کنید تا ببینید آن چیزی که این فرد می‌گوید یا انجام می‌دهد، یک واکنش است و پس از این، مشارکت‌کنندگان دیگر تلاش می‌کنند چه کاری انجام دهند؛

- به گفته‌ها یا کنش‌های دیگر مشارکت‌کنندگان درست بعد از زمان مورد نظر شما یا نوبت صحبت کردن یا کنش دیگر افراد به مشارکت‌کننده مورد نظرتان توجه کنید تا ببینید دیگران آن‌را چگونه فهمیدند و واکنش نشان دادند و در نتیجه تشخیص داده‌اند که چه کار کنند.

به‌طور قطع، این روش می‌تواند شیوه‌ای اثربخش برای ارائه تحلیل درباره مطالبتان باشد، به‌ویژه هنگامی که شما متن‌های پیاده‌شده رویدادهایی را که با آنها مواجه شدید (جلسه‌ها یا مصاحبه‌ها و ...) را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهید و آنها می‌توانند ببینند، کنترل کنند و با تحلیل شما مقایسه کنند.

با این حال، تعامل‌ها و گفتگوها همواره به صورت مواجهه‌های «تصادفی» رخ نمی‌دهند، بلکه آنها غالباً بخشی از مجموعه‌ای از مواجهه‌ها و تعامل‌ها هستند. به همین ترتیب، موضوع‌ها یا چیزهایی که در یک موقعیت مطرح می‌شوند، ممکن است در همان موقعیت حل‌وفصل نشوند و کمی بعد در ادامه همان تعامل یا تعامل‌های آینده، حل‌وفصل شوند. مثالی خوب، اما نسبتاً غیرعادی از گفتگوهای سریالی دارم. یکی از

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۲۰۵

دوستانم به نام جان را در خیابان دیدم و گفتگویی پنج دقیقه‌ای درباره استرس در زندگی‌اش و نحوه مقابله او با استرس داشتیم. چند روز بعد نامزد او را دیدم و او پرسید شما از کجا می‌دانستید ما داریم ازدواج می‌کنیم؟

جان گفتگوی ما درباره استرس را به برنامه‌ریزی آنها درباره ازدواج و مراسم عروسی و اینکه نامزد او در این باره با من صحبت کرده، ربط داده بود؛ در حالی که همسر جان از این اتفاق متعجب و مطمئن بود که چیزی درباره ازدواجشان به من نگفته است. من خودم، فکر می‌کردم که استرس جان ناشی از تغییر شغل و خریدن خانه‌ای جدید است. آن چیزی که برای من بسیار جالب است اینکه من و جان، هنگام گفتگو کاملاً صحبت‌های یکدیگر را می‌فهمیدیم یا اینکه ما هر دو «زندگی استرس‌آمیز جان» را به دو نحو مختلف می‌فهمیدیم. گفتگوی ما کاملاً روان بود، مجبور به اصلاح صحبت‌هایمان نشدیم، اما مسئله معنی و مفهوم صحبت‌هایمان چند روز بعد بروز کرد. نکته این قضیه این نیست که شما فقط باید به بررسی مجموعه‌ای سریالی از گفتگوها بپردازید، بلکه می‌خواهم تأکید کنم که شما باید درباره ماهیت زمانی و تکاملی گفتگو، کنش‌ها و معانی در گفتگوها هوشیار باشید و این هوشیاری هم در طول یک گفتگو و هم مجموعه‌ای از تعامل‌های مورد نظر است.

بررسی زمینه گروه متمرکز و داده‌های مصاحبه

فیرث^۱ و کیتزینگر^۲ (۱۹۹۸) روش‌های متفاوت تحلیل گزارش‌های افراد از وضعیت خود را بررسی کرده‌اند. آنها از داده‌های یک گروه متمرکز «زنان نامتمایل به روابط جنسی» برای بحث درباره داده‌های مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز استفاده کرده‌اند تا آنها را در ارتباط با زمینه و بافت خصوصی تولیدشان (شرایطی که در آن ابراز شده‌اند) تحلیل کنند. آنها دو خوانش از اطلاعاتی یکسان از گروه‌های متمرکز زنان در خصوص

1. Firth
2. Kitzinger

موضوع عدم تمایل به روابط جنسی ارائه کرده‌اند.

زنان معمولاً در گروه‌های متمرکز درباره پیامدهای احساسی عدم تمایل به روابط جنسی، به‌ویژه جریحه‌دار کردن احساسات همسرانشان، صحبت می‌کردند. از این‌گونه گزارش‌ها که خود افراد ارائه می‌کنند اغلب با عنوان «تأثیر احساسات» یاد و به عنوان شیوه‌ای «فراتر از فضای گروه متمرکز» برای شناخت رفتار و روانشناسی زنان استفاده می‌شود. تحلیلگران با بهره‌گیری از داده‌های حاصل از «تأثیر احساسات» معتقدند که:

«زنان به عنوان بخشی عادی از تعامل جنسی‌شان با تأثیر احساسات درگیرند... آنها احساسات خود را (در زمینه عدم تمایل به تعامل جنسی) در مقابل احساسات همسرانشان (با ورود به تعامل جنسی هنگام تمایل شوهرانشان) مهار می‌کنند یا آنها (زنان) خود را به‌خاطر ترجیح دادن احساسات خودشان (برای مثال با امتناع از تعامل جنسی اما متعاقباً احساس گناه کردن) تنبیه می‌کنند.» (فیرث و کیتزینگر، ۱۹۹۸: ۳۱۰)

به این ترتیب، از تأثیر احساسات به وسیله تحلیلگر استفاده شده تا تجربه زنان را هنگام عدم تمایل به تعامل جنسی نشان دهد. این تحلیل که زنان، تحت تأثیر تعامل با دیگران در گروه متمرکز، چنین گزارش‌هایی را از وضع خود بیان می‌کنند در زمینه و فضای توصیف‌های خود این زنان مورد اشاره قرار نگرفته است (هیچ صحبتی از آن نشده است).

فیرث و کیتزینگر سپس از مفهوم «تأثیر احساسات» برای دسته‌ای از شرکت‌کنندگان استفاده کرده و نشان داده‌اند که حساسیت آنها به «صحبت درباره احساسات هنگام بحث از عدم تمایل به تعامل جنسی» چگونه از آنها افراد خاصی می‌سازد. این پژوهشگران نشان داده‌اند که چگونه این شیوه صحبت زنان درباره احساساتشان، مردانی را که این زنان از تعامل جنسی با آنها خودداری می‌کنند را «به لحاظ عاطفی آسیب‌پذیر و بدون اعتماد به نفس» معرفی می‌کنند (۱۹۹۸: ۳۱۱). این دسته از زنان با چنین

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۲۰۷

گفتگو‌هایی درباره احساساتشان در گروه‌های متمرکز، خود را به لحاظ عاطفی قوی می‌سازند (چرا که از دید آنها مردان به لحاظ عاطفی ضعیف و نیازمند حمایت هستند) و از این رو نه تنها خود را قربانی نمی‌دانند بلکه برعکس به افرادی مسئول در قبال «تأثیر احساسات» در روابط تبدیل می‌شوند. همان‌گونه که فیرث و کیتزینگر می‌گویند:

«دلایلی که زنان - تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند - یا می‌گویند چنین کاری می‌کنند - ممکن است ریشه در روانشناسی زنان (نیاز آنها به تأیید، طبیعت مشفقانه آنها یا پابندی به کلیشه‌های جنسیتی زنانه) نداشته باشد ... ما معتقدیم موضوع صرفاً این نیست که دنیای ضد مردسالاری باید همچنان‌های احساسی بیشتر زنان را سرکوب و به نفع خود بهره‌برداری کند، بلکه منظورمان این است که صحبت درباره احساسات، ممکن است زیبایی مشروع و به لحاظ اجتماعی پذیرفته شده در اختیار زنان قرار دهد تا کنش‌های خود را تشریح و توجیه نمایند و بتوانند خود را به روشی روشن، بیشتر (به خود و دیگران) معرفی نمایند.» (۱۹۹۸: ۳۱۶)

تحلیل فیرث و کیتزینگر این نکته را برجسته می‌کند که تحلیل داده‌های مصاحبه یا گروه متمرکز باید به شیوه تولید گفتار نیز حساس باشد همان‌طور که آنها می‌گویند:

«اغلب تصور می‌شود که قطعات کوتاه گفتار، گویا هستند اما ... بخش‌هایی از داده‌ها از زمینه خود منفک می‌شوند (فضا و زمینه وقوع آنها در نظر گرفته نمی‌شود) و به گونه‌ای تفسیر می‌شوند که گویا شرکت‌کنندگان در پژوهش، آنها را به صورت خنثی و بدون غرض و با علاقه و نهایت وفاداری، صرفاً برای گزارش دادن درباره واقعیات محض زندگی‌شان تولید می‌کنند. این نگاه، این واقعیت مهم را در نظر نمی‌گیرد که گفتار همواره در یک زمینه و در تعامل با دیگران، رخ می‌دهد و تولید می‌شود - و شرکت‌کنندگان در تولید گفتار، در قبال سؤال‌ها، دغدغه‌ها، فرض‌ها، تفسیرها و داوری‌های دیگران، گرایش و جهت‌گیری دارند... هنگامی که

دانشمندان اجتماعی از آنچه مردم «می‌گویند»، آنچه مردم «باور دارند» یا آنچه آنها «رفتار می‌کنند»، پرش روش‌شناختی می‌کنند، [در واقع] این دانشمندان کارکرد گفتار و نقش آن را در تعامل پنهان می‌کنند.» (۱۹۹۸):

(۳۱۷)

بررسی قدرت (و دیگر مفاهیم اساسی)

انتقادی که غالباً به‌طور گسترده مطرح می‌شود، این است که با بررسی صرف زمینه خاص یک تعامل، ممکن است معمولاً از توجه به ساختارها و نهادهای کلان‌تر و بنیادی غافل شوید. همان‌گونه که تلاش کرده‌ام توضیح دهم - به‌ویژه در فصل آخر درباره کاربرد اسناد - این انتقاد ممکن است باعث فهم نادرست این سبک کار شود. بحث این نیست که قدرت، یا فرادستی - فرودستی در تعامل‌هایی که مورد مطالعه قرار می‌گیرند، وجود ندارد، بلکه قصد این است که شیوه بررسی و پرداختن به این مفاهیم و دیگر مفاهیم فراگیر، دقیق‌تر تشریح شود.

بسیاری از مفاهیمی که در تحلیل فرهنگی، روانشناختی و اجتماعی، کاربرد گسترده دارند - مانند نابرابری، جنسیت، شناخت، نگرش، قانون و ... - اغلب با نگاهی کاملاً غیرانتقادی توسط تحلیلگران به‌کار می‌روند؛ مثلاً در گفتگو درباره «پزشکی»، تعدد زمینه‌ها، شاخه‌ها و بخش‌های پزشکی نادیده گرفته می‌شوند. علاوه بر این، در خود هر یک از این شاخه‌ها و بخش‌های پزشکی، تاریخچه‌ها، نظریات و ابعاد کاربردی رقیب و مکمل یکدیگر درباره شناخت، ادراک و بررسی چیزی با عنوان «بیمار» وجود دارند. به همه اینها، اضافه کنید که چگونه دانشگاه، دولت، مجامع قانونی، سازمان‌های تجاری، مؤسسه‌های خیریه، خانواده‌ها و غیره در جنبه‌های مختلف پزشکی، به هم گره خورده‌اند. در همین موضوع پزشکی، اگر بتوانید با تأمین هزینه (و گرفتن تأییدیه اخلاقی) مورد نیاز برای یک تیم پژوهشی، عملاً یک بیمار مشخص را از هنگام ورود به بیمارستان همراهی کنید، می‌توانید ورود او به بخش، گرفتن نمونه‌های مختلف خون و ادرار را

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۲۰۹

دنبال کنید، سوابق مختلف پزشکی، نمودارها، نتایج و اسکن‌ها، اسناد مختلف کاغذی و الکترونیکی را که بین بخش‌های مختلف بیمارستان جریان دارند (مثلاً بخش‌های پژوهش، حسابداری، آشپزخانه) دنبال کنید، گفتگوهای مختلفی که فقط درباره همان بیمار در بخش، منازل افراد مختلف و ... صورت می‌گیرد را دنبال کنید.

این سبک کار، گاهی، روش‌های کاری دم‌دستی که می‌شناسیم و درباره آنها صحبت می‌کنیم و با آنها کارمان را انجام می‌دهیم، نمی‌پذیرد، بلکه غالباً مضامین و مفاهیم گسترده تحلیل فرهنگی، روانشناختی و اجتماعی را تا حدودی از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، پیچیده‌تر می‌کند.

همان‌گونه که ضرب‌المثل مورد علاقه من می‌گوید: ما کلی فکر می‌کنیم و جزئی زندگی می‌کنیم. به این ترتیب، تمرکز بر زمینه خرد یک موضوع، مضامین و مفاهیم کلان‌تر را نادیده نمی‌گیرد، بلکه از شما می‌خواهد تا درباره آنها متفاوت فکر کنید و در نتیجه شاید سؤال‌های متفاوتی را پرسید. من فقط می‌خواهم مثال بسیار مختصری را که به موضوع قدرت و اختیار در یک فضای خاص پزشکی مربوط می‌شود، ارائه کنم.

در سال‌های اخیر شاهد افزایش درخواست‌ها و دعوت‌ها به «پزشکی بیمارمحور» و پایان دادن به «پدر مآبی پزشکی» بوده‌ایم. توصیه می‌شود که ما نباید چشم و گوش بسته توصیه‌های پزشکان را اجرا کنیم بلکه باید ترغیب شویم که سؤال کنیم، نگرانی‌ها و دیدگاه‌هایمان را بیان کنیم. با این شیوه نوین‌باد، بیماران توانمند می‌شوند. بر اساس این نظریه می‌خواهم یک جلسه مشاوره پزشکی را بررسی کنم که در آن بسیار بد عمل می‌شود و صدای بیمار خاموش می‌شود و شنیده نمی‌شود. این، اولین جلسه بین یک مادر و یک پزشک از بخش کاردیوگرافی (قلب‌نگاری) کودکان است که درباره اقدام بعدی برای معالجه کودک این مادر صحبت می‌کنند:

قطعه برگزیده ۳ (سیلورمن، ۱۹۸۷: ۸۰، متن پیاده شده با اندکی تغییر)

پزشک: خب، به نظرم سوندش باید تکرار بشه. () خب اون کمی نارسایی قلبی داره، کبدش خیلی بزرگه، قلبش بزرگه، می‌دونید، اون واقعاً () کوچکه، خوب رشد نمی‌کنه. ()

پزشک: بنابراین کاری که ما انجام خواهیم داد، بازبینی فیلمه. به نظر می‌رسه که گویی اون کاری انجام داده. ما نمی‌خواهیم ریسک کنیم و آسیبی به مجاری تنفسی‌اش بزنیم.

مادر: نه نه.

پزشک: موقعیت پیچیده‌ایه. تصمیم‌گیری درباره اینکه چه کاری انجام بدیم، آسون نیست. اون کمی افسرده است، واقعاً این‌طور نیست؟ اگر ما

مادر: عبوسه

پزشک: عبوس. اگر ما امتحان کنیم و نواری رو روی شریان ریه‌اش بذاریم. تأثیرش باعث می‌شه اون افسرده‌تر بشه.

مادر: ام م م

پزشک: به هر حال با هم صحبت خواهیم کرد تا ببینیم چه کاری، بهترین کاره

مادر: ام

پزشک: و من برای شما خواهم نوشت. اما من فکر می‌کنم که اون باید یک آزمایش سوند داشته باشد.

توجه کنید که چگونه در این مثال، به سادگی به مادر گفته می‌شود که قرار است چه اتفاقی برای بچه‌اش بیفتد. حتی هنگام تلاش او برای مقاومت در برابر نظر پزشک که می‌گوید: «اون کمی افسرده است. واقعاً این‌طور نیست؟» با گفتن «عبوس» توسط مادر، پزشک صرفاً آن چیزی را که مادر گفته تکرار می‌کند و ادامه می‌دهد که آنها می‌خواهند

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۲۱۱

چه کاری انجام دهند. این سبک مشاوره را با برخورد با مادر دیگری در همان درمانگاه مقایسه کنید.

قطعه برگزیده ۴ (سیلورمن، ۱۹۸۷: ۵-۱۴۲، متن پیاده شده با اندکی تغییر)

پزشک: خُب حالش چگونه؟ دکتر فلانی برای من نامه نوشته و فیلم‌های سوند را هم که در «اُترتون»^۱ انجام شده، فرستاده. اوم م، می‌تونم چند سؤال از شما بپرسم؟ اون تو خونه چگونه؟

مادر: خب، اگر بخوام کاملاً صادقانه بگم، اون دچار سرماخوردگی جزئی، عفونت سینه و گه‌گاهی تنگی نفس می‌شود.

پزشک: فکر می‌کنید تنگی نفس او مزاحم انجام دادن کاراش میشه یا نه؟
مادر: خوب، نه، در حال حاضر نه.

پزشک: ما از سوندی که آقای دکتر فلانی برای ما فرستاده، می‌دونیم که اون یک ناهنجاری قلبی پیچیده داره. مداوای این ناهنجاری، همیشه کار دشواریه.

((پزشک دست آخر صحبتش را با مرور خطرهای جراحی ادامه می‌دهد))

پزشک: ممکنه در مقابل، سؤال بشه که بدون عمل، زندگی اون چگونه خواهد بود؟ احتمالاً بسیار خوب. اون ممکنه دوران کودکی را نسبتاً طبیعی پشت سر بذاره.

مادر: بله

پزشک: (این نقص) شاید تأثیر چندانی بر بازی کردن، راه رفتن و انجام دادن کاراش نداشته باشد.

در این مشاوره، از مادر سؤال‌هایی درباره اینکه او در خصوص کودکش و وضعیت او چه فکر می‌کند، پرسیده می‌شود. همچنین توجه داشته باشید که درباره کودک صرفاً

1. Othertown

با مجموعه‌ای از علائم بیماری و شرایط درمانی صحبت نمی‌شود بلکه به عنوان یک فرد و یک موجود اجتماعی بحث می‌شود.

بر اساس نظریه‌های بیمارمحوری و توانمندسازی بیمار، برخورد دوم، رفتار شایسته‌ای به شمار می‌رود. به دیدگاه مادر اهمیت داده می‌شود، از کودک به عنوان یک فرد صحبت می‌شود نه یک شیء نیازمند تعمیرات فنی. در مقابل، در مثال اول، نتیجه تشخیص بیماری، بسیار رک و بی‌پرده، بدون هیچ‌گونه بحث درباره اینکه بیمار چه چیزی ممکن است بخواهد، ارائه می‌شود. بنابراین ما دو سبک مشاوره را شاهدیم و سیلورمن یادآور می‌شود که نتیجه یکی از سبک‌ها، برخورد با کودک به مثابه یک «شیء کلینیکی» و دیگری به مثابه یک «موجود اجتماعی» است. نکته جالب توجه این است که سبک دوم - که پزشک به مادر اجازه انتخاب درباره اقدام بعدی می‌دهد و او را به توجه به موضوعات غیردرمانی مانند لذت بردن کودک از زندگی یا شخصیت صمیمی توصیه می‌کند - [نوعی رفتار] غیرعادی است. این سبک مشاوره باید فقط در صورتی استفاده شود که کودک به معلولیت سندروم داون دچار و مشکوک به ابتلا به بیماری قلبی باشد. در این موارد، پزشکان فضای غیردرمانی «شادی کودکان هنگام بازی» را توصیف می‌کنند و والدین را به صحبت در این باره تشویق می‌کنند. این سبک مشاوره - مشاوره توانمندسازی و بیمارمحور - برای منصرف کردن والدین از مداخله‌های درمانی بیشتر استفاده می‌شود. سیلورمن (۱۹۸۷) - با نشان دادن یکی از مشاهده‌های مشهور میشل فوکو - نشان می‌دهد که قدرت می‌تواند همان قدر که با تشویق افراد به سخن گفتن مؤثر باشد، با خاموش کردن آنها نیز اثرگذار باشد.

ملاحظات پایان فصل

به نظر من، دانشگاهیان از جمله اقشاری هستند که زمان، انرژی و واژگان زیادی را صرف این می‌کنند که اثبات کنند رویکرد فرد دیگری «تقریباً درست است اما پس از

فصل هشتم - گفتگو و گفتمان کاوی: مناقشه‌ها و تنگناها ۲۱۳

مدتی، مطلقاً غلط است». هیچ پاسخ یا راهکاری برای جدل‌ها و معضلاتی که هنگام پژوهش روی گفتگوها یا متون انجام می‌دهید، وجود ندارد. اغلب بستگی دارد که شما چه چیزی می‌خوانید، چگونه آن را می‌خوانید و در فضای کار خودتان، چه برداشت و فهمی از آن دارید. مهم‌تر از همه، پیشنهاد می‌کنم در حدی که وقت شما اجازه می‌دهد سراغ تجارب دیگران بروید تا تصمیم‌های عملی که آنها اتخاذ کرده‌اند و راهکارهای عملی را که به‌کار گرفته‌اند، شناسایی کنید.

می‌خواهم سخن آخر را به موضوع بحث‌ها و معضلاتی که با آنها سروکار داشته‌ام، اختصاص دهم و در این باره از کسی نقل کنم که مطالعه آثارش را دوست دارم، «هاروی ساکس» (و یادآوری می‌کنم که در این نقل قول، می‌توانیم واژه‌های «گفتار» و «گفتگو» را به جای هم برای «متون» و «گفتمان» استفاده کنیم):

«بنابراین کاری که من انجام می‌دهم درباره گفتار است، درباره جزئیات گفتار است و به یک معنا درباره تأثیر گفتگو است. منظور از تأثیر، تقریباً تغییری است که ایجاد می‌کند و اجازه دهید کمی درباره کاری که می‌خواهم انجام دهم، صحبت کنم. من یک دسته مطلب دارم و می‌خواهم ببینم آیا نظمی در آنها وجود دارد. نه اینکه من برای نظم دادن آنها تلاش کنم، بلکه می‌خواهم ببینم آیا نظمی در خود آنها وجود دارد» (پاییز ۱۹۹۵، شماره ۶۷: ۶۲۲).

نکات مهم فصل

- ضمن تأیید نقش دانش تحلیلگر در فهم اینکه داده‌های گردآوری کرده، گویا و حاوی چه چیزی هستند، باید تحلیلگر در هنگام تحلیل داده‌ها به اهمیت اساسی و ضرورت قرار گرفتن در زمینه و فضای کنش‌ها یا گفتار مشارکت‌کنندگان، توجه داشته باشد؛

- پرداختن به زمینه و فضای خرد تعامل، نفی‌کننده موضوعات و مفاهیم کلان‌تری

مانند قدرت یا نابرابری نیست، بلکه غالباً اقتضاء می‌کند که درباره این مفاهیم، متفاوت اندیشید و در نتیجه، ممکن است سؤال‌های متفاوتی برای تحلیلگر بروز کند.

منابع تکمیلی

منابع ذیل، جزئیات بیشتری را درباره موضوع‌های بحث شده در این فصل در اختیار شما می‌گذارند:

- Billing, M. (1999) Whose terms? Whose ordinariness? Rhetoric and ideology in conversation analysis, *Discourse and Society*, 10(4): 543-58.
- Schegloff, M. (1997) Whose text? Whose context? *Discourse and Society*, 8: 165-87.
- Wetherell, M. (1998) Positioning and interpretative repertoires: conversation analysis and post-structuralism in dialogue, *Discourse and Society*, 9: 387-412.

فصل نهم

بررسی اسناد

بررسی اسناد

- تأمل درباره گفته‌های متن (و ناگفته‌های آن)
- استدلال درباره موضوع
- بسط استدلال
- مسئله چه کسی، راهکار چه کسی؟
- اندیشیدن درباره تاریخچه امروز
- ملاحظات پایان فصل

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- برخی مفروضات و دیدگاه‌های اساسی درباره گفتمان‌کاوی را بدانید؛
- روش‌های گوناگون بررسی اسناد و متون را بدانید؛
- درباره متنی‌هایی که هویت روشنی ندارند، متن‌های انتزاعی یا متن‌های چند لایه که در آنها شناخت خود حیات اجتماعی متن، هدف تحلیل شماسست، بیشتر بدانید؛

- به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و تاکتیک‌های مورد نیازتان برای بررسی متن‌ها دست پیدا کنید؛

- بدانید که «نگرش تحلیلی» به شما کمک می‌کند بفهمید متن‌ها چگونه پدید می‌آیند، چگونه با ما سخن می‌گویند و چگونه می‌توانید از آنها برای شناخت شکل‌گیری نهادهای کنونی سؤال کنید.

تأمل درباره گفته‌های متن (و ناگفته‌های آن)

بررسی یک متن اغلب تا حدود زیادی به بررسی آنچه گفته شده - و اینکه چگونه استدلال، نظر یا مفهوم خاصی تبیین شده - و نیز بررسی آنچه گفته نشده - سکوت‌ها، فاصله‌ها یا حذف‌ها بستگی دارد. برای فهم مقصودم، به یک آگهی ازدواج که در یک روزنامه مجانی محلی پیدا کرده‌ام، توجه فرمایید:

«مردی جذاب، با قد متوسط، مهربان، تحصیل‌کرده، به دنبال همسری

تحصیل‌کرده و اجتماعی می‌گردد.» (نیوکاسل هرالد اند پست ۱، ۲۰۰۴)

در آغاز، چیزی که نبود آن جلب توجه می‌کند، هر گونه اشاره مشخص به سن مرد است. هیچ اشاره‌ای به سن او نشده - مثلاً اصطلاحاتی مانند «جوان» یا عددی مانند ۳۲ ذکر نشده است. همچنین اشاره‌ای به سن فرد دلخواه او برای ازدواج - مثلاً ۳۰-۲۵ ساله یا ۲۵ ساله - صورت نگرفته تا مشخص کند که خود او در چه حدود سنی است. بنابراین، در متن درباره سن، سکوت شده است. روشن است که چیزهای سکوت دیگری نیز هستند و ما با شمار زیادی از چیزهایی که در متن نیستند، مواجهیم. به شماره کفش او، اینکه او مرتب به پزشک مراجعه می‌کند یا اینکه تا به حال به بردن مدال المپیک فکر کرده، اشاره‌ای نشده است. نکته این است که با توجه به زمینه متن و دانش فرهنگی ما درباره ازدواج، سن فرد، احتمالاً، به‌طور عمدی در متن گنجانده نشده

است. اگر شما آگهی‌های ازدواج دیگر را در این صحنه بخوانید، اکثر آنها - ۱۲۱ مورد - اشاره‌ای به سن خود یا سن فردی که می‌خواهند با او ازدواج کنند، داشته‌اند. تنها ۱۱ آگهی اشاره مشخصی به سن ندارند. در اغلب روزنامه‌ها، هنگامی که فردی چنین آگهی‌هایی را می‌خواند، انتظار دارد که سن فرد، درج شده باشد. این موضوع نیز ارتباط نزدیکی با دانش فرهنگی مشترک ما و انتظارات طبیعی فرد که می‌خواهد با فردی در گروه سنی خود ازدواج کند دارد. بنابراین آیا نشانه دیگری برای شناخت سن این فرد داریم؟ خوب، زمینه، ممکن است به ما کمک کند: اگر این آگهی در روزنامه یا مجله‌ای که برای گروه سنی خاصی منتشر شود - مثلاً جوانان بالای ۲۰ سال - خودبه‌خود می‌فهمیم که این فرد از این دسته سنی است یا اینکه تمایل به ازدواج با فردی از این دسته سنی دارد. در این مورد خاص، نشریه، یک روزنامه محلی مجانی است و آگهی‌های دیگر برای سنین متفاوتی است. یک نشانه دیگر را می‌توانیم با بررسی مشخصات ذکر شده در آگهی جستجو کنیم. او خود را مردی تحصیل کرده و به دنبال همسری تحصیل کرده و اجتماعی توصیف می‌کند. دسته سنی مردان و زنان تحصیل کرده، به‌طور قطع در اوایل دهه ۲۰ سن خود نیستند. فردی که به آگهی در روزنامه برای ازدواج روی آورده، به‌طور قطع در آغاز سن ازدواج نیست، بنابراین او باید حداقل ۳۰ ساله باشد. من می‌توانستم همه ۱۳۲ آگهی درج شده در این روزنامه را مطالعه و بررسی کنم و چیزی درباره عنصر سن در آنها و کارکرد سن در این آگهی‌ها، بگویم. طبیعی است که باید همه آگهی‌هایی که سن در آنها تصریح نشده بود را بررسی و تلاش می‌کردم بفهمم سن به صورت ضمنی ذکر شده یا خیر و تأثیر عدم ذکر سن در آگهی‌ها در کنار تأثیر ذکر سن را بررسی نمایم - همچنین ممکن بود به دیگر آگهی‌های ازدواج در نشریات مربوط به سنین مختلف یا مربوط به سبک زندگی، نگاهی بیفکنم و - نقش این آگهی‌ها را در چنین نشریاتی بررسی کنم. روشن است که تحلیل من با بررسی نقاط قوت و ضعف متن و بررسی کارکرد عناصر گوناگون در

متن، صورت می‌گیرد.

استدلال درباره موضوع

هنگام مطالعه متون، علاقه دارید که کارکرد واژه‌ها را در متن بررسی کنید؛ اینکه چگونه موضوع‌های خاصی که در متن مطرح می‌شوند، ساختار و سازمان یافته‌اند و عمدتاً به دنبال این هستید که متن چگونه شما را درباره معتبر بودن شناختی که از موضوع ارائه می‌کند، اقناع می‌نماید. در ادامه، قطعه‌ای از مقاله یک روزنامه را به عنوان «موج تازه مواد پیشرفته الکلی، گرایش نوجوانان به الکل را تشدید می‌کند»، ارائه می‌کنم:

«مصرف الکل در میان نوجوانان [انگلیس] به قدری گسترش یافته است که مصرف آن در طول دهه گذشته، دو برابر شده است. پزشکان با شروع جشن‌های کریسمس، در این باره هشدار می‌دهند.

آمار منتشر شده در هفته گذشته نشان می‌دهد که میانگین مصرف الکل در میان نوجوانان ۱۱ تا ۱۵ ساله، به طور جهشی از ۵/۳ واحد در هفته در سال ۱۹۹۰ به ۹/۸ در هفته در سال گذشته رسید. از ۸۶ درصد افراد ۱۵ ساله که الکل مصرف می‌کنند، پسرها به طور متوسط ۱۳/۸ واحد و دختران ۱۰/۷ واحد مصرف می‌نمایند.

«اندرو مک نیل^۱» از «مؤسسه مطالعات الکل^۲» می‌گوید: «آنچه می‌بینیم، «همه‌گیری» مصرف نوشابه‌های الکلی است. با رسیدن نوجوانان به ۱۵ سالگی، قربانی شدن، بخشی اساسی از فعالیت‌های اجتماعی آنهاست. پژوهشی جدید که اطلاعات آن به تدریج به وسیله وزارت بهداشت از طریق پیمایش در ۲۸۵ مدرسه جمع‌آوری شده است، اشاره به عامل احتمالی این مسئله دارد: نوشابه‌های الکلی یا دارای طعم و بوی نوشیدنی‌های الکلی.

1. Andrew Mc Neil
2. Institute of Alcohol Studies(IAS)

فصل نهم - بررسی اسناد ۲۲۱

در حالی که شمار نوجوانانی که الکل مصرف می‌کنند، افزایش چشمگیری نیافته است - ۲۶ درصد افراد ۱۱ تا ۱۵ ساله در هفته گذشته، در مقایسه با ۲۱ درصد در سال ۱۹۹۹ - گرایش به نوشابه‌های الکلی [در میان نوجوانان انگلیسی] افزایش یافته است. حدود ۶۸ درصد از دانش‌آموزانی که الکل مصرف کرده‌اند، نوشابه‌های الکلی مصرف کرده‌اند، در حالی که این رقم، سه سال پیش، فقط ۳۷ درصد بود. شاید نگران‌کننده‌ترین موضوع این باشد که ۷۷ درصد دختران نوجوان که الکل مصرف می‌کنند به نوشابه‌های الکلی گرایش دارند. این گزارش می‌افزاید به نظر نمی‌رسد عرضه نوشابه‌های الکلی بر تعداد دانش‌آموزانی که الکل مصرف می‌کنند، تأثیر گذاشته باشد اما بر افزایش کل میزان مصرف الکل مؤثر بوده است.» (هال، ۲۰۰۲، گاردین)

نخست به تنوع منابع علمی و اسنادی که مقاله ارائه کرده است، توجه نمایید: هشداریهای پزشکان، وزارت بهداشت و فردی از مؤسسه مطالعات الکل. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که از حداقل سه منبع مختلف دارای صلاحیت علمی بهره گرفته شده است. با این حال، روشن نیست که گزارش وزارت بهداشت را مؤسسه مطالعات الکل تهیه کرده است یا اینکه پزشکان اشاره شده، دقیقاً چه کسانی هستند. در ادامه در مقاله، منابع دیگری را داریم از جمله:

- اساتید دانشگاه - یک استاد داروسازی و یک استاد متخصص قلب؛
- صنعت نوشیدنی‌های الکلی - یک سخنگو، یک مدیرعامل و یک فرد بدون عنوان؛
- مؤسسه‌های خیریه - مدیر مؤسسه «خطر الکل»^۱ و مسئول سیاستگذاری «گروه پرتمن»^۲؛
- مقامات دولتی - یک وزیر پیشین بهداشت.

1. Alcohol concern
2. Portman Group

بدین ترتیب، از مجموعه‌ای از طرف‌های مرتبط و غیرمرتبط برای بررسی و ترسیم زمینه‌های بحث استفاده شده است. متن، متوازن به نظر می‌رسد و روزنامه‌نگار، روزنامه (و فضای روزنامه در مجموع) تشریح‌کننده محض بحث به نظر می‌رسند. توجه داشته باشید که از آرای برخی منابع احتمالی دیگر - مثلاً خانواده‌ها، پلیس، نهادهای دینی - بهره گرفته نشده است. نوجوانان که مشخصاً برای آنها و درباره آنها صحبت می‌شود، منبع دارای اطلاعات و شناخت دیگری هستند که از آنها استفاده نشده است. همچنین توجه داشته باشید که ما چگونه درباره این نوجوانانی که الکل مصرف می‌کنند، اطلاعات کسب می‌کنیم. شکل و وضعیت اطلاعات و اسناد استفاده شده چگونه است؟ صرفاً به ما گفته نشده است که نوجوانان با مسئله مصرف الکل مواجهند، بلکه ابعاد مسئله برای ما ترسیم شده است. به ما آمار و ارقامی درباره واحدهای مصرفی، ارائه شده و نقل‌قول‌هایی دقیق از گزارش وزارت بهداشت صورت گرفته است. به علاوه توجه داشته باشید که چگونه نظر تخصصی مطرح شده است؛ نظر کارشناسی معمولی از مؤسسه مطالعات الکل یا یک سخنگو نقل نشده، بلکه دیدگاه متخصصی برجسته، اندرو مک نیل از مؤسسه مطالعات الکل طرح شده است و این صرفاً ادعای اوست که مصرف الکل، همه‌گیر شده است. هنگامی که اصطلاح «همه‌گیر»، اولین بار در متن استفاده شد، داخل علامت نقل‌قول استفاده شد تا نویسنده مقاله، نگارنده این ادعا شناخته نشود. همچنین پژوهش صرفاً از طریق پیمایش در تعداد نامعلومی مدرسه صورت نگرفته، بلکه پیمایش، دقیقاً در ۲۸۵ مدرسه انجام شده است. بنابراین، در میان چیزهای دیگر، قدرت اعداد، علم آمار و نظر کارشناسان (مورد اعتماد و مستقل) که آنچه اتفاق افتاده را گزارش می‌کنند، داریم.

بسط استدلال

بدون تردید، من می‌توانستم به بررسی مقاله روزنامه به روش‌های متعددی ادامه بدهم. می‌توانستم درباره این موضوع که چگونه این مقاله و دیگر مقالات روزنامه برای

فصل نهم - بررسی اسناد ۲۲۳

بی‌طرف یا بدون جهت‌گیری بحث کردن و ارائه صرف واقعیت‌ها درباره قضیه تلاش می‌کنند، بحث کنم. برای این منظور، می‌خواهم درباره مواقعی که این پوشش بی‌طرفی، دچار لغزش می‌شود و کمی کنار می‌رود، بحث کنم؛ برای مثال، هنگامی که به جای صرف گفتن مصرف الکل، افزایش یافته یا رشد کرده، گفته می‌شود، مصرف الکل، «به‌طور جهشی» افزایش یافته است. البته درک این موضوع دشوار نیست - و این کتاب تا حدودی، دقیقاً به همین نکته می‌پردازد - که هیچ‌گاه توصیف‌ها، خنثی نیستند بلکه نسخه خاصی از شناخت جهان را ارائه می‌کنند.

همچنین ممکن بود به بررسی هویت یا جایگاه موضوعی نوجوانان مصرف‌کننده الکل یا مصرف‌کنندگان الکل در متون مختلف به عنوان یک مسئله، موضوع مورد دغدغه و بحث، پردازم. در مقاله‌ای که درباره آن بحث شد، ما می‌توانیم مسئله را در ارتباط با بهداشت، سن و جنسیت ببینیم. به‌ویژه به پاراگراف آخر توجه داشته باشید که دختران نوجوان، به عنوان دغدغه جدید معرفی شده‌اند. بنابراین، سؤال این است که چگونه هویت‌های جدید خاصی در متون شکل می‌گیرند، تداوم پیدا می‌کنند یا درباره آنها نظر داده می‌شود؟

در مقاله دیگری، همین عناصر را بررسی کرده‌ایم، البته در خصوص زنان جوان. بخشی از مقاله به این شرح است:

«مولی^۱ یک زن ۲۱ ساله، از اینکه به او عنوان معتاد به الکل داده شده، ناراحت است. شبی سه بار و هر شب هفته الکل مصرف کردن، اعتیاد به الکل نیست؟ این، مختل‌کننده زندگی اجتماعی او است. مردانی هستند که بیش از این، الکل مصرف می‌کنند و باید آنها نیز هدف مطالعه قرار گیرند، نه صرفاً دخترانی که نوشابه الکلی مصرف کرده‌اند.» (آستانا^۲ و دووارد^۳،

1. Molly
2. Asthana
3. Doward

در مقایسه با مقاله قبلی، این مقاله شواهدی از رفتار کسانی که معتاد الکل محسوب می‌شوند، ارائه می‌کند و سؤال‌هایی را درباره این هویت جدید مطرح می‌کند. داستان مولی، مجدداً برخی ویژگی‌های گفتمان مصرف الکل را مستند می‌کند:

- بحث‌هایی درباره اینکه مصرف چه میزان الکل، یک فرد را معتاد به الکل می‌کند؛
- بحث‌هایی درباره اینکه مصرف الکل دختران، موضوعی برجسته‌شده‌تر از مصرف الکل توسط مردان معتاد به الکل است.

من می‌توانستم تحلیل موضوع را این‌گونه بسط بدهم که موضوع چگونگی قرارگرفتن زنان جوان و الکل در بخشی از یک بحث گسترده یعنی جایگاه زنان در جامعه بگنجد. گفتمان‌های مربوط به زنان و مصرف الکل، اغلب به‌طور صریح یا ضمنی، بر فرضیه‌های متکی هستند که الکل، رفتارهای تجاوزگرانه، خشونت و زنده‌ای را به همراه نگرانی از سوءاستفاده مردان از زنان الکل مصرف کرده و افول اخلاقی در زندگی اجتماعی، در پی دارد.

در نهایت، می‌توانیم این مقاله‌ها و دیگر متون را برای بررسی برخی مفروضات که مصرف الکل توسط زنان [در انگلیس] را یک مسئله به شمار می‌آروند، بررسی کنیم. می‌توانیم بپرسیم: آیا این یک مسئله پزشکی است؟ آیا یک مسئله مربوط به سلامت عمومی است؟ آیا مسئله‌ای مربوط به نظم عمومی است؟ آیا ترکیبی از هر دو و برخی مسائل دیگر است؟ چگونه به برخی فعالیت‌ها یا گروه‌هایی از مردم، عنوان «مسئله» داده می‌شود و آیا کسی که آن را مسئله می‌نامد و توصیف می‌کند، مجموعه‌ای از راه‌حل‌های احتمالی را ارائه می‌کند؟ با در نظر گرفتن این نکته، می‌خواهم توضیح دهم که چگونه با برخی از متون علمی که درباره مسئله چگونگی انگیزش پزشکان عمومی برای ارائه

مشاوره به بیماران الکلی، بحث می‌کنند، کار کردم.

مسئله چه کسی، راهکار چه کسی؟

به عنوان بخشی از پروژه‌ای درباره اینکه چگونه پزشکان عمومی در مشاوره‌ها درباره الکل صحبت می‌کنند، تصمیم گرفتم که نگاهی به ادبیات علمی مربوط به موضوع بیندازم. خوشبختانه یکی از همکارانم، پژوهش چشمگیری درباره اجرای شکل خاصی از مداخله در مصرف الکل توسط پزشکان عمومی انجام داده بود که به آن «مداخله‌های فشرده»^۱ گفته می‌شود. بنابراین به منظور بررسی اولیه این موضوع، بایستی فقط به اتاقتش می‌رفتم و داخل کشوی فایل‌هایم می‌گشتم. با انبوهی از مقاله‌های پژوهشی درباره موضوع مداخله‌های فشرده مواجه شدم؛ در طول ۲۰ سال گذشته، از طریق حمایت مالی پیوسته سازمان جهانی بهداشت، حوزه‌ای علمی رشد کرده که در پی توسعه، ارزیابی و اجرای مداخله فشرده است. راهکار من برای بررسی آرشیو او این بود که کار را با مطالعه مقاله‌هایی شروع کنم که ابتدای نام خانوادگی نویسنده آنها، حرف «ای» بود و بر روی تک‌تک متن‌ها کار کنم.

هر روز سراغ کشوی فایل‌ها می‌رفتم، مقاله‌ها را بیرون می‌آوردم، از روی آنها نسخه‌برداری می‌کردم و سپس می‌نشستم و آنها را می‌خواندم، مجدداً می‌خواندم و یادداشت‌هایی را روی آنها می‌نوشتم. در آغاز، فقط آنها را می‌خواندم تا بفهمم که چگونه درباره مداخله فشرده در این مقاله‌ها بحث شده و بحث‌ها، جهت‌گیری‌های کلی و سؤال‌هایی را که مقالات به دنبال طرح آنها بودند را درک کنم. سپس تلاش کردم بفهمم که همه این مقالات، چه ارتباطی با یکدیگر دارند - موضوعات فراگیری که همه مقالات به آنها بر می‌گردند، چیستند. داشتم سراغ نویسندگان دارای نام خانوادگی «جی» یا «اچ» می‌رفتم - حدود ۳۰ یا ۴۰ مقاله داشتند

1. Brief Intervention (BI)

- که متوجه خطری در این متون شدم. سپس سراغ برخی مقاله‌های دیگر رفتم تا این برداشت خودم را بررسی کنم. یکی از موضوع‌هایی که مرا به خود جذب کرد و به نظر می‌آمد که مطالب تحلیلی زیادی را ارائه می‌کند- در مقاله‌های متعددی درباره مداخله فشرده مطرح شده بود. متوجه شدم بسیاری از مقاله‌هایی که می‌خوانم بخش‌های مقدماتی بسیار مشابهی دارند. یکی از نمونه‌های بسیار مکرر بخش آغازین این مقاله‌ها در خصوص مداخله فشرده این‌گونه بود:

«مطالعات اخیر مربوط به ارزیابی نتایج، شواهد قانع‌کننده‌ای در اختیار گذاشته است که مداخله فشرده در درمان توسط پزشکان عمومی، باعث کاهش محسوس مسائل خطرناک الکل می‌شود. علی‌رغم این شواهد، اغلب پزشکان عمومی درباره مصرف الکل با بیماران بحث نمی‌کنند یا تنها در مقابل بیمارانی که علائم آشکار مصرف بالای الکل دارند، واکنش نشان می‌دهند.» (آدامز و دیگران، ۱۹۹۷: ۲۹)

به تعارضی که در این جمله‌ها وجود دارد توجه کنید. از یک طرف، شواهد نشان می‌دهد اجرای این سبک از مداخله، باعث کاهش مسائل مربوط به الکل می‌شود. از طرف دیگر، پزشکان عمومی، درباره مصرف الکل با بیماران بحث نمی‌کنند یا فقط با گروهی از بیماران که مسائل حاد الکلی دارند، کار می‌کنند. توجه داشته باشید که صحبت از شواهد صرف نشده است بلکه گفته شده شواهد «قانع‌کننده» و این شواهد حاکی از کاهش نیستند بلکه کاهش «محسوس» را در پی داشته‌اند.

بحث این است که علی‌رغم وجود شواهد در تأیید تأثیر مداخله فشرده، پزشکان عمومی در حال حاضر مایل به اجرای آن نیستند. همچنین این مقاله‌ها ذکر کرده‌اند که پزشکان عمومی در جایگاه مناسبی برای اجرای مداخله فشرده قرار دارند و بیماران از آنها انتظار مشاوره در زمینه سبک زندگی دارند. این مقاله‌ها به منظور رفع ناسازگاری بین شواهد و واقعیت عملی، اغلب به بررسی نگرش‌های پزشکان عمومی، تجارب و

مدیریت آنها در زمینه الکل و مسائل مربوط به الکل پرداخته‌اند. هدف مقاله‌ها یا تحقیقات یاد شده این است که با انجام دادن چنین تحقیقاتی و کار با پزشکان عمومی، پژوهشگران می‌توانند بفهمند چرا آنها در حال حاضر مداخله فشرده را انجام نمی‌دهند و از این رو راه‌های ترغیب پزشکان عمومی به انجام دادن این روش را شناسایی کنند. موضوع ساده است؛ «مسئله» ذکر شده در متون، این است: ما می‌دانیم این روش مؤثر است، ما به شما (پزشکان عمومی) مؤثر بودن این روش را نشان می‌دهیم، اما شما همچنان از انجام دادن آن خودداری می‌کنید. «راه‌حل» این است که تلاش کنیم بفهمیم چرا شما از انجام دادن آن خودداری می‌کنید و سپس راه‌هایی را برای اقناع شما به انجام دادن آن ارائه کنیم.

نکته مهم این است که باید پرسیم پیش‌فرض‌های این متون چیستند؟ یکی از پیش‌فرض‌ها این است که پزشکان عمومی می‌دانند شواهد، «قانع‌کننده» هستند یا موافق این هستند که کاهش مسائل مربوط به الکل از طریق مداخله فشرده، «محسوس» بوده است. بنابراین می‌توانید پرسید: چه کسی این شواهد قانع‌کننده را ارائه کرده است یا چه کسی کاهش مسائل مربوط به الکل را، «محسوس» توصیف کرده است، پزشکان عمومی یا جامعه پژوهشی؟ فرض دیگر، اگر نگوییم تنها فرض، این است که مسئله، پزشکان عمومی هستند. اما می‌توانیم در این باره به گونه دیگری فکر کنیم یعنی این متون و استدلال‌ها را با تردید بخوانیم تا آنها را بد بفهمیم. منظورم از بد فهمیدن، این است که به سادگی بحث ذکر شده در متن را نپذیریم، بلکه پیوسته بحث کنیم و درباره سیر بحث‌ها و استدلال‌ها سؤال کنیم. برای مثال، به جای این که این متون را این گونه بشناسیم که با موضوع‌هایی همچون «بهره‌گیری از مداخله فشرده در پزشکی عمومی» (آلتو^۱ و سپا^۲، ۲۰۰۱: ۴۳۱) در ارتباط هستند، به ما کمک می‌کند فکر کنیم که این روند

1. Aalta
2. Seppa

با مسیر دیگری در ارتباط است یعنی بهره‌گیری از پزشکی عمومی در مداخله فشرده. سؤالی که باید پرسیم، این نیست که «چرا پزشکی عمومی از مداخله فشرده بهره نمی‌گیرد؟» بلکه این است که «چرا مداخله فشرده می‌خواهد از پزشکان عمومی بهره بگیرد؟» به این ترتیب، امکان شناخت موضوع و راهی جایگزین برای مطالعه و تحلیل کردن این متن‌ها به دست می‌آید. این سؤال‌های پژوهشی که مورد علاقه من قرار گرفتند، به سؤال‌هایی از این قبیل مربوط بودند که: چرا آنها پزشکان عمومی را برای اجرای برنامه کاری خود انتخاب کردند؟ سپس به سراغ آرشیوم برگشتم تا پاسخ این پرسش را پیدا کنم. نخستین ارجاع به اینکه «چرا ما باید از پزشکان عمومی استفاده کنیم» با این واژگان مطرح شده است که «ما باید از خدمات بهداشتی درمانی استفاده کنیم» که فعالیت پزشکان عمومی، بخشی از این خدمات به شمار می‌رود. استدلال برای استفاده از روش درمان توسط پزشکان عمومی این‌گونه بود:

«دلیل اصلی برای این انتخاب، ضرورت شروع کار با مدلی است که بتوان

آن را نسبتاً آسان به شکل مجموعه‌ای از سازوکارها و گروه‌های فرهنگی در

آورد.» (باربور و دیگران، ۱۹۸۶: ۲۵)

در اینجا، دلیل اصلی این نیست که درمان توسط پزشکان عمومی، مزیت خاصی (علاوه بر برخورداری از فضای مناسب برای اجرای این کار بین‌المللی) دارد. در واقع، محیط درمان توسط پزشکان عمومی، فضای ضروری و اولیه مورد نیاز برای اجرای کار محسوب می‌شود و فعالیت پزشکی، دانش و تخصص پزشکی، در بهترین حالت، در مرتبه بعد قرار می‌گیرد. سپس متن، دیگر مزایای به‌کارگیری این سازوکار از طریق پزشکان عمومی را بر می‌شمارد:

– فعالیت پزشکان عمومی با موضوع‌هایی در ارتباط است که برای این سازوکار مهم است چرا که مسائل الکل، منشاء مهمی برای بروز مرگ و میر، بیماری و مسائل خانوادگی است؛

فصل نهم - بررسی اسناد ۲۲۹

- این سازوکار، راه‌حلی کم‌هزینه در اختیار می‌گذارد چرا که نیازمند گروهی از متخصصان الکل نیست بلکه اصولاً بر مهارت‌های افرادی که کار خود را انجام می‌دهند و در دسترس مردمی هستند که به آنها خدمت می‌کنند، متکی است؛ (باربور و دیگران، ۱۹۸۶: ۲۵)

- امکان الگوبرداری و گسترش آسان مداخله‌های اثربخش وجود دارد چرا که سازوکارها یکسان است.

برای اطمینان می‌توان گفت: نخستین نکته این است که آثار جسمی و اجتماعی الکل بر افراد، از مسائل اصلی مورد دغدغه پزشکان عمومی است. با این حال، شیوه ارائه خدمات ارزان و در دسترس پزشکان عمومی و نیز فضای فعالیت آنها که به آسانی امکان الگوبرداری و گسترش یک شیوه پژوهشی را فراهم می‌کند، لزوماً با تخصص پزشکی که در این سازوکار (مداخله) ارائه می‌شود، ارتباط ندارد. برخلاف گفتمان گذشته در خصوص مسئله الکل - که پزشکان باید مسئله را در یک الگوی درمان بیماری، تعریف می‌کردند و باید به عنوان کارشناسان درمانی، وارد مسئله می‌شدند - اکنون شیوه‌ای که برای عمل در این زمینه توصیه می‌شود، بسیار فرق کرده است. در چارچوب مداخله فشرده، پزشکان عمومی، صرفاً در جایگاه مناسب برخورد با این مسئله هستند. امیدوارم همان‌گونه که این مثال به خوبی نشان می‌دهد، شما بتوانید به ارزش این نکته پی ببرید که بررسی تردیدآمیز (نقادانه) پیش‌فرض‌های نهفته در متون، نتایج ارزشمندی در بردارد. همچنین تعقیب ظهور و گسترش گفتمان‌های خاص، بسیار مفید است و قرائت‌های جایگزینی را از مسائل و راه‌حل‌های آنها در اختیار ما قرار می‌دهد.

اندیشیدن درباره تاریخچه امروز

برخی از کسانی که با متون کار می‌کنند، به‌طور خاص به بررسی این موضوع

پرداخته‌اند که چگونه افکار، فعالیت‌ها و هویت‌ها ظهور می‌کنند، متحول می‌شوند، تغییر شکل می‌یابند و به چیزهایی نسبتاً پایدار که ما امروز با آنها مواجهیم تبدیل می‌شوند. آنها به دنبال شناخت و تبیین سیر تاریخی افکار، فعالیت‌ها و هویت‌هایی که امروز برای ما شناخته شده‌اند، هستند. این قبیل تاریخچه‌های امروز به ما خاطر نشان می‌کنند که آنچه ما بدیهی و مسلم می‌دانیم، اغلب آغازی پیچیده و غامض داشته‌اند. برای مثال، می^۱ (۱۹۹۷) می‌گوید:

«در آغاز قرن گذشته (نوزدهم) پزشکی و الکل با یکدیگر، دسته جدیدی از افراد را ساختند که در دهه ۱۸۵۰ میلادی انگ «الکلی» گرفتند. در انگلیس، مست بودن به تدریج، به عنوان یکی از حالات هنجاری که تعداد زیادی از مردم تجربه می‌کردند، محسوب نمی‌شد و به یک مسئله که بایستی به طور منطقی بررسی و تحلیل می‌شد، تبدیل شد.» (۱۹۹۷: ۱-۱۷۰)

دایم‌الخمیری اکنون صرفاً یک گناه یا یک مسئله مربوط به نظم اجتماعی شناخته نمی‌شود، بلکه یک بیماری جسمی و روانی و بیشتر با عنوان اعتیاد^۲ و در سال‌های اخیر از آن با عنوان بیماری خودکنترلی و رایج‌تر از آن، وابستگی^۳ یاد می‌شود و در حال حاضر با عنوان وابستگی به الکل یا الکلیسم شناخته می‌شود که موضوعی برای تجزیه و تحلیل منطقی کارشناسان متخصص در رشته‌های مختلف علمی، پزشکی و روانشناسی به شمار می‌رود. این سبک کار، پرسشی را به ذهن متبادر می‌کند که چرا ما به این شیوه عمل می‌کنیم یا چرا گروه‌های خاصی از افراد، دانش، قدرت شناخت و تأثیرگذاری بر دیگران را دارند. مهم‌تر از آن، این شیوه به دنبال ترسیم خط سیر این گفتمان‌هاست تا راهبردهای خاصی را که به «امروز ما» منجر شده‌اند و نیز آنهایی که با

1. May
2. Addiction
3. Dependence

شکست روبرو شدند و به امروز نینجامیدند را تبیین نماید.

روشن است که این سبک کار با توجه به ماهیت تاریخچه‌ای آن، اغلب از اسناد برای بررسی موضوعات یا سؤال‌هایی خاص استفاده می‌کند، اگرچه لازم به ذکر است که چنین تاریخچه‌هایی ممکن است به بررسی چیزی بپردازند که در دهه‌های اخیر ظهور کرده باشد همچون ایدز و نیز ممکن است به دیگر منابع داده‌ها نیز اتکاء کنند. همچنین این مطالعات، به‌جای بررسی جزئیات فراوان در یک متن واحد، به بررسی مجموعه متنوعی از متون می‌پردازند تا ظهور، تثبیت و رقابت سبک‌های فکری را در میان متون علمی نشان دهند؛ برای مثال کار می (۱۹۹۷) برای بررسی ظهور تاریخی و معضلات کنونی اعتیاد به الکل، به بررسی مجموعه‌ای از متون، از جمله یک مقاله متعلق به سال ۱۸۰۴ درباره یک کتاب با موضوع *روان‌رنجوری جنگ*^۱، به همراه آثار علمی امروزی بیشتری درباره تاریخچه اعتیاد و نیز مطالعات روانشناختی که به دنبال درمان معتادان هستند، پرداخته است. می از لابه‌لای این متون، تلاش کرده است تعقیب کند که چگونه کلینیکی یا درمانی شدن اعتیاد به الکل، تنها تا حدودی موفقیت-آمیز بوده است. او اساساً به ما نشان می‌دهد که چگونه:

«شکل‌گیری دیدگاه‌های درمانی درباره اعتیاد به الکل، به اینجا رسیده است که اعتیاد نه تنها یک مسئله اجتماعی به شمار می‌رود، بلکه مسئله‌ای است که خود پزشکی در شناخت آن با مشکل مواجه است ... پزشک ممکن است حالت اعتیاد را تشخیص دهد اما نمی‌تواند اثر آن را درمان کند چرا که بستگی به انگیزه و اراده بیمار دارد.» (۱۹۹۷: ۳۹۷)

صرفاً در نظر بگیرید که اگر بیمار، هویت «اعتیاد» خود را نپذیرد، پزشک قادر به تأثیرگذاری روی آن فرد نیست. اگر بیمار هویت اعتیاد خود را بپذیرد، پزشکی همچنان نسبتاً ناتوان است چرا که پزشکان باید به انگیزه خود بیمار اتکاء کنند و تنها این حالت

1. Shell shock

ممکن است باعث انگیزش پزشکان برای معالجه بیمار شود. به منظور بررسی اینکه چگونه این کار از اسناد استفاده می‌کند، می‌خواهم مثالی را به‌طور مختصر شرح دهم.

مطالعه موردی: یافته پزشکان، «روان‌ها» و «جسم‌ها»

«گوتیل»^۱ و «آرمسترانگ»^۲ (۱۹۹۹) از متون متعددی برای بررسی تاریخچه بحران کنونی هویت و هدف پزشکان عمومی انگلیس استفاده کرده‌اند. بحران در پزشکی عمومی انگلیس، غالباً به موضوع‌هایی مانند افزایش مقررات دولتی، کاهش استقلال حرفه‌ای و افزایش خواسته‌های بیماران مربوط می‌شود که ممکن است منجر به استرس، مسائل بهداشتی روانی، استفاده از مواد مخدر و خودکشی شود. این دو نویسنده می‌خواهند شناخت جدیدی از این معضلات کنونی ارائه کنند، شناختی که به بررسی تصورات شناخته شده کنونی از هویت و نقش پزشکان عمومی می‌پردازد و تبیین جدیدی از هویت و نقش آنها ارائه می‌کند. این نویسندگان، می‌خواهند روایتی از کنش‌های منطقی در روند ساخت یک سوژه انسانی یعنی پزشک، ارائه کنند (۱۹۹۹: ۲).

آنها در آغاز به بررسی یک متن، مقاله «بالینت»^۳ با عنوان «پزشک، بیمار و بیماری» می‌پردازند که در مجله پزشکی «لنست»^۴ در سال ۱۹۹۵ چاپ شده است. دیگر متونی که آرشیو آنها را تشکیل می‌دهند، مقاله‌ها و کتاب‌هایی هستند که در ادبیات مربوط به پزشکی عمومی، بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷ چاپ شده‌اند. آنها می‌گویند:

«البته، ادبیات موضوعی بسیار گسترده‌تری درباره رابطه بیمار - پزشک وجود دارد، بخش زیادی از آن متعلق به علوم اجتماعی است، اما برای اهداف این مقاله، ما خودمان را به متونی محدود می‌کنیم که متعلق به ادبیات پزشکی عمومی است تا تفسیرها و برداشت‌های کسانی که خارج از

1. Gothil
2. Armstrong
3. Balint
4. Lancet

این حوزه هستند.» (۱۹۹۹: ۱۱)

بنابراین، آرشیو آنها (گوتیل و آرمسترانگ) از مجموعه‌ای بسیار مرزبندی‌شده از لحاظ زمانی و دامنه موضوعی تشکیل شده است. لازم به ذکر است که چنین مرزبندی سفت و سختی درباره حوزه گفت‌وگو، امری رایج نیست اما ممکن است نشان‌دهنده برخی خواسته‌های عمل‌گرایانه از پروژه‌ای که آنها انجام می‌دادند، باشد. آنها از دل متون و با کمک متون، شکل‌گیری مفهوم کنونی پزشک را کشف، تعقیب و توصیف کرده‌اند. آنها این روند را به سه مرحله تقسیم کرده‌اند: شروع، بسط و کنترل که من آنها را به سه دوره زمانی تقسیم کرده‌ام:

- دهه ۱۹۵۰: آنها (گوتیل و آرمسترانگ) با بررسی مقاله تأثیرگذار بالینت (۱۹۹۵)، نشان می‌دهند که چگونه ذهن بیمار و زندگی خصوصی او، به چیزی مشروع برای بررسی پزشکان تبدیل شد. همان‌گونه که بالینت توضیح می‌دهد: بیماران، نه تنها تمایل به تحت مطالعه قرار گرفتن نداشتند، بلکه خواستار یک بررسی روانشناختی بودند (۱۹۹۵: ۶۸۵). به این ترتیب تکنیک‌های روان‌کاوی وارد اتاق مشاوره شد و تجارب شخصی بیمار - همه رفتار آنها - منبع مطالب بالقوه برای تشخیص پزشک شد. گوتیل و آرمسترانگ درباره مقاله بالینت چنین می‌گویند:

«بخش عمده‌ای از این مقاله به معضلات اخلاقی که در هر جلسه با یک بیمار بروز می‌کرد، می‌پرداخت: تصمیم‌گیری درباره اینکه چه چیزی دیده شود و چه چیزی دیده نشود، چه چیزی گفته شود و چه چیزی گفته نشود؛ چه چیزی سامان پیدا کند و چه چیزی سامان پیدا نکند.» (۱۹۹۵: ۳).

در برخورد با این معضلات اخلاقی، پزشک به موضوعی ویژه و منحصر به فرد برای مطالعه تبدیل شد تا صرف یک گره بررسی‌های غیرشخصی جمعی پزشکی. یک راه، برای این کار، تشکیل «گروه‌های بالینت» بود که در آنها گروه‌هایی از پزشکان درباره موارد خاص، بحث و بررسی می‌کردند و تلاش می‌کردند این تکنیک‌ها را با حساسیت

۲۳۴ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

و صمیمیت به کار بگیرند. آنها بایستی یاد می‌گرفتند از «برداشت سوءاستفاده» یا «آلوده شدن روابط شخصی و حرفه‌ای» جلوگیری کنند (۱۹۹۹: ۴). نقش سرپرست گروه این بود که به مطالعه این بررسی‌های پس از مشاوره درباره رابطه بین پزشک و بیمار بپردازد تا اینکه آشکارا زندگی خصوصی پزشکان یا بیماران را بررسی کند و گروه به عنوان یک «شخص سوم» عینی در ارزیابی رفتارهای اتاق مشاوره عمل می‌کرد. همان‌گونه که گوتیل و آرمسترانگ می‌گویند:

«می‌توان نتیجه گرفت که شخص سوم «معقول و عینی» در واقع به‌طور قاجاق وارد اتاق مشاوره شد و در هویت تازه آسیب‌دیده پزشک متخصص خودآگاه پنهان شد.» (۱۹۹۹: ۵)

دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰: آنها سپس به بررسی مجموعه‌ای از متون پرداختند که بحث بالینت را بسط می‌داد و نشان می‌داد چگونه فناوری‌های مختلف برای شناخت، بررسی و نامگذاری این فعالیت‌های جدید پزشک/بیمار ظهور کرد. این رابطه جدید، از پزشکی «بیماری‌محور»^۱ به «فردمحور»^۲ تغییر نام داد. یک مطالعه، صدای مشاوره‌های پزشک/بیمار را ضبط و پیاده کرد و سبک‌ها و تکنیک‌های مشاوره را با عنوان «پزشک‌محور» و «بیمار‌محور» توصیف کرد. گوتیل و آرمسترانگ توضیح می‌دهند که چگونه:

«واژگانی که پیش‌تر چیزهای مختلف را با اصطلاحات پزشکان تعریف می‌کردند (یعنی با واژگانی مانند بیماری یا بیمار)، تغییر اساسی یافته بود و موضوع از نگاه بررسی‌کننده و در نتیجه شخصیت او تعریف می‌شد.» (۱۹۹۹: ۵)

یک تحقیق درباره سبک مشاوره، به مطالعه زبان در بررسی آناتومی و فیزیولوژی افراد (جنبه‌های جسمانی) و دیگری به بررسی بیوگرافی افراد و روانشناسی (جنبه‌های

1. illness-centered
2. Person-centered

روانی) پرداخته بود. نکته مهم این بود که برخلاف بحث‌های اخیر، هیچ‌یک از رویکردها چندان بیماران را توانمند نمی‌کرد؛ در آن مقطع، مسئله این بود که کدام سبک مشاوره ترجیح داده شود. با این حال، کسانی که به سبک‌های بیمارمحور اشتغال داشتند و از آنها حمایت می‌کردند، می‌توانستند خود را از دیگران متمایز و خود را «انسانی» تر معرفی کنند. اکنون پزشک، ابزارها و تکنیک‌های خاصی برای بررسی «جهان درونی» بیمار داشت، اما هیچ‌یک از آنها به تنهایی کاربرد نداشت.

دهه ۱۹۱۰ و ۱۹۹۰: آنها ترسیم کرده‌اند که چگونه تمرکز متون آنها از رابطه پزشک/بیمار به تمرکز بر مشاور تغییر یافت که مهارت‌های خاص مشاوره، مطالعه، آموخته و اجرا می‌شدند. دانشجویان می‌توانستند این مهارت‌ها را از طریق نوارهای ویدئویی جلسات مشاوره فرا بگیرند، سپس در طول جلسات بازخور درباره آنها با کارشناسان دیگر بحث کنند. به این ترتیب، پزشکان می‌توانستند فرا بگیرند که اثربخش‌تر باشند. آن‌گونه که آنها (گوتیل و آرمسترانگ) توضیح می‌دهند:

*«هدف این فرایند، ایجاد یک بازنمایی تصویری از سبکی تجویز شده بود
تصویری از پزشک بر روی صفحه تلویزیون که نه تنها چندان ابزار یادگیری
نبود، بلکه خودش هدف مورد نظر بود؛ خلق یک پزشک به وسیله یک پزشک
برای اینکه دیگر پزشکان ببینند؛ پزشکی که در مطالعه «بیرنه ۱» و «لانگ ۲»
صاحب صدا شده بود اکنون جسم هم پیدا کرده بود، البته منظور، تصویری
مجازی است که بر روی صفحه تلویزیون نمایش داده می‌شد، یک چیز که
ارتباط برقرار می‌کرد و با «خود» فرد تماشاگر که به دنبال مشاهده، یادگیری و
کنترل آن بود، بسیار فاصله داشت.» (۱:۱۹۹۹)*

آنها (گوتیل و آرمسترانگ) سپس به بررسی متن دیگری پرداختند که گفتگوهای درونی یا صحبت‌های آنها در دلشان را هنگام مشاوره با بیماران تشریح می‌کرد: مثلاً

نارضایتی آنها از حضور مزاحم پزشکان، انتقادات و اظهارنظرهای مبهم آنها درباره خود (۱۹۹۹: ۸). بدن پزشکان، تک تک انگشتان دست چپ، باید بر روی نقاط بازرسی گذاشته می‌شد تا به آنها خاطرنشان کند که جنبه‌های مهم مشاوره را اجرا کنند. همچنین احساسات پزشک باید در وضع منظمی قرار می‌داشت؛ احساسات مخرب - غیرمنطقی بودن و خودخواهی - بایستی کنار گذاشته می‌شد، در مقابل احساسات مثبت - شهود و احساس متقابل - بایستی تقویت می‌شدند. بنابراین پزشکانی جدید، خودآگاه و مراقب خود ظهور می‌کردند که اندیشه‌ها و احساسات آنها، اساس هر تعریف یا ارزیابی بیرونی از کار «خوب» بود.

همان‌گونه که می‌بینید، این سبک کار، کمتر به تشریح جزئیات ریز و پیچیده، تولید واژه به واژه یا خط به خط گفتمان متکی است، بلکه بیشتر مروری دارد بر تغییرات و جهت‌گیری‌های اساسی در مسیر یک حرکت خاص، به‌طور کلی کار آنها (گوتیل و آرمسترانگ) سه ایده به هم مرتبط را ترسیم می‌کند:

- فهم ناقص درمانی که بدون توجه به هویت و شخصیت بر روی بدن افراد کار می‌کرد، متحول شده و اکنون هم به تجارب درونی و فردی بیماران و هم به‌طور روزافزونی به این دسته از تجارب پزشکان می‌پردازد؛

- مجموعه‌ای از فناوری‌ها از جمله گروه‌های «اقرار»، تسهیل‌کننده‌ها، نوارهای صوتی، متن‌های دقیق پیاده شده، دوربین‌های تصویربرداری، دستگاه‌های پنخس تصاویر ویدیویی و کارشناسان ارتباطات، در این تحولات نقش اساسی داشته‌اند؛

- نکته این است که قدرت و کنترل بیرونی، از جانب دولت یا بیماران شاکی - باعث این تغییر هویت‌ها و روابط نشده است. نکته اساسی در این بحران این است که خود بیماران و پزشکان به‌طور پیوسته، نکات ظریف کارهایشان، «خود»شان و کارهای دیگران را زیر نظر گرفته و در آنها بازنگری کرده‌اند.

کار آنها (گوتیل و آرمسترانگ)، در ارائه تاریخ امروز ما، به برخی نوشته‌های میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی، بسیار نزدیک است. یکی از علائق فوکو این بود که چگونه گفتمان‌های خاص و اشکالی خاص از آنچه او قدرت/ دانش می‌نامید (در مورد تشریح شده، گفتمان‌های پزشکی و روانشناختی)، سوژه (فاعل)‌های خاصی (در این مورد، پزشکان عمومی) را تولید می‌کنند، شکل می‌دهند و توانمند می‌سازند. تصور اینکه بتوان با این روش، انبوهی از موضوعات ذهنی را بررسی کرد، دشوار نیست؛ مثلاً بیماران دیابتی یا افراد بی‌خانمان و منابع متنی احتمالی که بر اساس آن بتوان تحلیل کرد چگونه این افراد پدید آمده‌اند.

ملاحظات پایان فصل

در این سفر کوتاه کار با اسناد یا متن‌ها، نمی‌توان حق منابع احتمالی گسترده مطالب یا روندهای تحلیلی احتمالی که می‌توانید طی کنید، را ادا کرد. روشن است که با توجه به تعداد زیاد متن‌هایی که ما به‌طور روزانه می‌توانیم با آنها کار کنیم - متن‌هایی که ما را با شیوه خاصی از دانستن، عمل کردن، زندگی در این جهان و شناخت آن، پیوند می‌دهند- اهمیت دادن به بررسی متن‌ها، نکته‌ای اساسی در اندیشیدن درباره نهاد‌های کنونی حیات اجتماعی است. اگر بررسی متن‌ها همه وقت شما را می‌گیرد یا آنها بخشی از آرشیو شما هستند، بهترین توصیه‌ام این است که آنها را مکرر بخوانید و مهم‌تر از همه، به آنها نگاه انتقادی داشته باشید.

نکات مهم فصل

- بررسی یک متن، غالباً تا حد زیادی به بررسی آنچه گفته شده - و اینکه چگونه یک استدلال، ایده یا مفهوم خاص پرورش داده شده - و نیز بررسی آنچه گفته نشده - سکوت‌ها، فاصله‌ها یا حذف‌ها - بستگی دارد. شما می‌توانید به بررسی این موضوع بپردازید که چگونه عناصر متن با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا به موازات

مفروضات نهفته در متن، برخی معانی را تقویت یا سست کنند؛
- هنگام مطالعه یک متن، شما به این نیز علاقه‌مندید که چگونه موضوع‌های خاصی که متن مطرح می‌کند، ساخت پیدا می‌کنند و منتظم می‌شوند و متن چگونه می‌خواهد شما را درباره اعتبار فهمش از یک موضوع مورد بحث متقاعد کند. شما ممکن است بخواهید در کنار اشکال و الگوهای کنونی دانش و اسناد که مورد استفاده قرار می‌گیرند، مجموعه متنوعی از دیگر منابع دانش و اسناد را نیز بررسی کنید؛
- شما اغلب تلاش می‌کنید گفتمان‌های خاصی را که متن تقویت می‌کند (و نیز گفتمان‌هایی را که تضعیف می‌کند) به موازات هویت‌های خاصی که در این گفتمان‌ها تولید می‌شوند، تداوم پیدا می‌کنند و درباره آنها بحث می‌شود را مستند کنید.

منابع تکمیلی

شیوه استفاده مناسب از اسناد در منابع ذیل، تبیین شده است؛

- Edley, n. (2001) *Analysing masculinity: interpretative repertoires, ideological dilemmas and subject Positions*, in m. Wetherell, S. Taylor and S.J Yates (eds), *Discourse as Data: A Guide to Analysis*. London: Sage, in association with the Open University, PP. 189-228.
- Potter, J. (1996a) *Discourse analysis and constructionist approaches: theoretical background*, in J. Richardson (ed.) *Handbook of Qualitative Research Methods for Psychology and the Social Sciences*. Leicester: BPS, pp. 125-40
- Wetherell, M, Taylor, S. and Yates, S.J. (eds), *Discourse Theory and Practice: A Reader*. London: Sage, in association with The Open University.

فصل دهم

مطالعه گفتمان: دیدگاه‌های تکمیلی

مطالعه گفتمان: دیدگاه‌های تکمیلی

- کدگذاری، تحلیل و تأمل با بهره‌گیری از آرشیوتان
- پرسش‌هایی درباره کیفیت و بازتاب واقعیت
- گام‌ها و نکات مهم تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

اهداف فصل

پس از مطالعه این فصل باید:

- درباره شیوه ایجاد آرشیو پژوهشی خود، یعنی داده‌هایی که به طور روزمره با آنها سروکار خواهید داشت، بیشتر بدانید؛
- دیدی گسترده درباره شیوه کدگذاری و تحلیلی هر نوع داده استدلالی داشته باشید؛
- بدانید که چگونه از تلفیق روش‌های مختلف برای پرسش از کیفیت تحلیل، بهره بگیرید؛

- برخی گام‌های اساسی و اصلی در اجرای این کار را بدانید.

هدف این کتاب، راهنمایی خواننده در زمینه برنامه‌ریزی، آمادگی و تحلیل گفتگو، گفتمان و سند است. امید است با مطالعه این کتاب، شناخت کافی درباره روش‌های مختلف اجرای پروژه‌های پژوهشی، پیدا کرده باشید. در پایان این فصل می‌خواهم یک فهرست کنترل از چیزهایی که باید هنگام کارتان در نظر داشته باشید، ارائه کنم. اما ابتدا می‌خواهم برخی دیدگاه‌های کلی را درباره نکات علمی مربوط به کدگذاری، تحلیل و تکمیل گزارش تشریح کنم.

کدگذاری، تحلیل و تأمل با بهره‌گیری از آرشیوتان

در طول این کتاب، در موارد متعدد، دیدگاه‌هایی درباره راه‌های ممکن برای کدگذاری و تحلیل آرشیو مطالبان ارائه کرده‌ام (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به گیس، ۲۰۰۷). در یک سطح، فرایند کدگذاری و تحلیل ممکن است بسیار معمولی دیده شود. شما مطالبان را در اختیار دارید، آنها را می‌خوانید یا گوش می‌دهید یا تماشا می‌کنید، مجدداً می‌خوانید یا گوش می‌دهید یا تماشا می‌کنید. سپس از موضوع‌ها، ایده‌ها یا چیزهایی که برای شما تازه یا غیرعادی به نظر می‌رسند، یادداشت برمی‌دارید. پس از آن، با استفاده از کدها، واژگان مهم یا یادداشت‌هایی که در حاشیه‌های متن‌هایتان نوشته‌اید، موضوعات خاص و متمایز را برجسته می‌کنید. سپس دوباره می‌خوانید و با استفاده از داده‌هایتان، به‌طور پیوسته بین و درون موضوع‌ها به مقایسه می‌پردازید و به‌طور پیوسته کدهای خود را اصلاح می‌کنید. امید است با موارد منفی یا غیرعادی (بخش‌هایی از مطالبان که با شناخت و فهم قبلی شما تطابق ندارد یا تعارض دارد) چندانی برخورد نکنید که شما را به تأمل دوباره و سپس اصلاح کل تحلیلتان وادارد (سیل، ۱۹۹۹).

تحلیل شما تا جایی ادامه پیدا می‌کند که داده‌های پژوهشی بیشتر، موضوع جدیدی

فصل دهم - مطالعه گفتمان: دیدگاه‌های تکمیلی ۲۴۳

برای تحلیل ایجاد نکند. سپس کار را با مجموعه‌ای از قطعات متن‌ها یا گفتگوها برای هر موضوع یا کد و مجموعه‌ای از ایده‌هایی که فکر می‌کنید ارزش انتقال دادن به دیگران دارند، تکمیل می‌کنید. شما اکنون یافته‌هایی «معتبر» و «روا» را ایجاد کرده‌اید. بنابراین گزارش خود را درباره آنچه یافته‌اید، می‌نویسید (برای مطالعه بیشتر، رجوع کنید به فلیک، ۲۰۰۷، ب).

اکنون این یک راه برای تبیین فرایندی است که شما اغلب هنگام تحلیل طی می‌کنید یا می‌توان گفت این راه با بیانی عملی‌تر، آنچه شما گاهی در عمل انجام می‌دهید را بیان می‌کند. با این حال، فرایندهای کدگذاری، تحلیل و کنترل یافته‌هایتان، همواره پردردسرت‌تر از این هستند. نخستین و مهم‌ترین چیزی که باید توجه داشته باشید این است که تحلیل، همواره فرایندی جاری است که معمولاً پیش از ورود به محیط پژوهش، بازدید فلان کتابخانه یا ضبط صدای یک برنامه رادیویی شروع می‌شود. من به محض اینکه به موضوع خاصی، علاقه‌مند می‌شوم، شروع به گردآوری ادبیات موضوعی مربوط به آن - هم ادبیات علمی و هم غیرعلمی - می‌کنم. این مطالعه در کنار گفتگو با کارشناسان و تجارب گذشته در کنار جرقه‌های ذهنی‌ام (اغلب هنگام خوردن یک قهوه تلخ) به من علائم اولیه سیر احتمالی پروژه‌ام را می‌دهد. همچنین برخی پرسش‌های پژوهشی، موضوع‌های تحلیلی و کدها روشن می‌شوند. این منابع متنوع دانش، غالباً به موضوع‌های تحلیلی تبدیل می‌شوند که من آنها را ابتدا در آرشیو مطالبم بررسی می‌کنم. دیگر مضامین، موضوعات و ایده‌ها عموماً به صورت تصادفی و پیش‌بینی نشده در طول پژوهش ظهور می‌کنند.

هنگامی که ایجاد آرشیو را شروع می‌کنم، چه یافتن متن‌ها باشد یا ضبط گفتگویی معمولی یا مصاحبه‌های غیررسمی، درباره این فرایند یادداشت‌برداری می‌کنم. این یادداشت‌ها اغلب به ثبت موفقیت‌ها و ناکامی‌های هنگام گزینش شرکت‌کنندگان و فرایند ضبط به همراه خلاءهایی که در ادبیات موضوعی وجود دارد، می‌پردازد.

همه اینها، مضامین، موضوعات یا سؤال‌های دیگری را برای پرسش از آرشیوم به‌وجود می‌آورد. در طول این فرایند، همواره تحلیل‌هایی را در خصوص اینکه چه چیزی برای پژوهش مهم است و پژوهش به بررسی چه چیزی خواهد پرداخت (و چه چیزی را بررسی نخواهد کرد) انجام می‌دهم - اگر چه اغلب اوقات محدودیت‌های زمانی و مالی و مشکلات عملی دسترسی به اسناد یا افراد بر این موضوع تأثیر می‌گذارند.

هنگامی که یادداشت میدانی برمی‌دارم، رویدادها را ضبط می‌کنم یا با متن‌ها کار می‌کنم، غالباً تلاش می‌کنم تا بفهمم چگونه مضامین یا ایده‌هایی که به آنها فکر می‌کنم را با آن چیزی که الان درگیر کار با آن هستم، مقایسه کنم. به این معنا، این فرایندهای بسیار عملی پژوهش که پیوسته تأملات و برداشت‌های شما درباره هر جزء کوچکی از داده‌ها را کنترل می‌کند، یک نسخه بسیار غیررسمی و برنامه‌ریزی نشده از «روش مقایسه مستمر» است. آن لحظه‌های غیرعادی و استثنایی بسیار به یادماندنی یا موارد نامتعادل - که «امرسون»^۱ (۲۰۰۴) آنرا «رویدادهای کلیدی» می‌نامد - نیز نسخه‌ای اساسی و عملی از «تحلیل موارد غیرطبیعی و دارای انحراف» هستند. اینها موقعی هستند که شما مقاله‌ای پژوهشی را پیدا می‌کنید که درباره یک مورد بسیار متفاوت با همه آنهایی که شما مطالعه کرده‌اید، بحث می‌کند، جلسه یا مصاحبه‌ای را ضبط می‌کنید که برای همه شرکت‌کنندگان، نوعی ناکامی در تعامل به نظر می‌رسد؛ ممکن است معذب‌کننده، تهدیدکننده یا صرفاً مضحک باشد. شما هنگام رویارویی با این چیزها (بخش‌هایی از متن‌ها یا گفتگوهایی که باعث شود درباره ادراکات قبلی خود، مجدداً تأمل کنید) معمولاً خوشحال می‌شوید و به سراغ دیگران می‌روید تا تجربه خود را برای آنها بازگو کنید. این لحظات، معمولاً به یادماندنی و قابل بازگو کردن هستند آنها با شما می‌مانند، شما آنها را در گفتگوهای رسمی و غیررسمی خود با شرکت‌کنندگان و

1. Emerson

فصل دهم - مطالعه گفتمان: دیدگاه‌های تکمیلی ۲۴۵

همکاران خود بازگو می‌نمایید و آنها اغلب هنگام تکمیل گزارش کارتان، یافته‌هایی کلیدی و مهم به نظر می‌رسند. هنگامی که با نوارهای صوتی یا تصویری کار می‌کنم، در آغاز فقط در حد زمانی که دارم به نوارها گوش می‌دهم یا آنها را نگاه می‌کنم. یادداشت‌های مختصری هم برمی‌دارم و اگر بخش‌هایی از آنها بسیار جلب توجه کنند، ممکن است حتی با دقت بسیار آن لحظاتی که احساس می‌کنم جالب یا قابل توجه هستند را پیاده کنم. هنگامی که وقت بیشتری دارم چندین بار نوارها را گوش می‌دهم یا نگاه می‌کنم تا برداشت‌های تحلیلی‌ام را ایجاد، کنترل، حک و اصلاح کنم. اگر با تعداد بسیار کمی نوار کار می‌کنم یا اگر فکر می‌کنم یک مطلب ضبط شده، خاص و مهم است، آن‌را تا سطحی از جزئیات که مفید بدانم، پیاده می‌کنم. در خصوص آرشیوهای بزرگ یا مطالب ضبط شده گسترده، معمولاً فقط بخش‌های مهم را (که آنها یا واقعاً نمونه‌های مناسبی از رویدادهای عادی هستند یا به این دلیل که آنها خلاف قاعده و نامعمول هستند و از این رو چیزهای معمول را بهتر منعکس می‌کنند) پیاده می‌کنم. هنگامی که کار را از طریق مصاحبه یا گروه‌های متمرکز انجام می‌دهم، معمولاً نوارهایم را برای فردی که پیاده می‌کند، می‌فرستم و این بدین معناست که همواره باید متن پیاده شده را با نوار مطابقت دهم و جزئیات مورد علاقه‌ام (مکت، تأکید، صحبت‌های هم‌زمان) را به متن پیاده شده بیفزایم. هنگامی که زمان نهایی شدن تحلیلم فرا می‌رسد، همواره ترجیح می‌دهم به موازات مطالعه مجدد متن‌ها، نوارها را هم مجدداً گوش کنم. این کار به من امکان می‌دهد به یک دریافت برسم و دوباره به خاطر بیاورم که دقیقاً چه اتفاقی افتاد تا اینکه بخواهم مقدار زیادی متن پیاده شده یکدست و یکنواخت و بی‌روح را بخوانم.

پس از آن تلاش می‌کنم گزارش پژوهش را بنویسم (و آن‌را چند بار بنویسم) و در طول این فرایند نوشتن هنگامی که برای نوشتن، ایده‌های خود را پالایش می‌کنم، تحلیل بیشتری رخ می‌دهد. هم‌زمان، در طول فرایندی که پیش‌تر توصیف کردم، شیوه ادراک و

دریافت من از آرشیوم نیز به وسیله مقاله‌های علمی یا کتاب‌هایی که وقت خواندن آنها را پیدا کرده‌ام، جهت داده می‌شود. بنابراین، امیدوارم بتوانید بفهمید که تحلیل، به معنی «تولید دانش» درباره مجموعه‌ای خاص از مطالب، مهارتی است که به‌طور ذاتی و خودبه‌خود جریان پیدا می‌کند. نکته مهم این است که این فرایند تحلیلی، باید بسیاری از دغدغه‌های عملی و نیز نظری را منعکس کند. با این حال، همچنان باید به یک موضوع نهایی پردازیم: چرا باید همگان اندیشه‌های شما درباره مطالب خاصی را باور کنند؟

پرسش‌هایی درباره کیفیت و بازتاب واقعیت

گفته می‌شود که همه پژوهشگران کیفی اکنون با یک «بحران دو وجهی» مواجهند:

- بحران بازنمایی^۱ - تصور این است که متن پژوهشی نمی‌تواند تجربه زندگی شده را به‌چنگ آورد یا «واقعیات» را به‌گونه‌ای که زمانی ممکن به نظر می‌رسید، بازنمایی کند؛

- «بحران مشروعیت»^۲ - به این معنی که معیارهای گذشته برای ارزیابی قابل اعتماد بودن گزارش‌های پژوهش کیفی، کارا نیستند.

این بحران در تضاد مستقیم با پژوهش‌های کیفی پیشین است که (ظاهراً) بدون ابهام برای واژگانی همچون «اعتبار»^۳ و «روایی»^۴ ارزش قائل بود و از آنها استفاده می‌کرد. همان‌گونه که «نرمن دنزین»^۵ می‌نویسد:

«واژگانی همچون نظریه، فرضیه، مفهوم، شاخص، شیوه کدگذاری، نمونه‌گیری، اعتبار و روایی از بین رفته‌اند. به‌جای آنها زبان جدیدی پدید آمده است: متن‌های

1. Crisis of representation
2. Crisis of legitimacy
3. Validity
4. Reliability
5. Norman Denzin

فصل دهم - مطالعه گفتمان: دیدگاه‌های تکمیلی ۲۴۷

خوانشی، شیوه‌های گفتمان، بوطیقای فرهنگی، ساختارشکنی...» (۱۹۸۸: ۴۳۲).
فهرست دنزین ادامه دارد و او به ما زبان جدیدی از پژوهش ارائه می‌کند که ممکن است برخی از شما با آن آشنا باشید.

به بیانی ساده، بحران مشروعیت به پرسش درباره دو مفهوم پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) درباره کیفیت پژوهش می‌پردازد: اعتبار و روایی. این اصطلاحات و رویکردی که پشتیبانی می‌کنند، در آغاز از یک چشم‌انداز مورد اجماع درباره امکان پیشرفت علمی پدید آمد و معتقد بود که علم در فرایند تولید دانش عینی و آفاقی^۱ می‌تواند و باید حقیقت جهان‌شمول تولید کند. بنابراین اعتبار، از این دیدگاه به چیزی جز حقیقت اشاره ندارد، حقیقتی که از طریق زبان دال بر یک واقعیت اجتماعی پایدار شناخته می‌شود (سیل، ۱۹۹۹: ۳۴). همان‌گونه که بایستی تاکنون فهمیده باشید، تمام این کتاب به استدلال علیه امکان دیدگاه مذکور پرداخته است (رجوع کنید به فلیک، ۲۰۰۷، ب؛ کواله، ۲۰۰۷).

با مطالعه گفتمان درمی‌یابید که چگونه «یک حقیقت» وجود ندارد بلکه «حقیقت‌ها» یا نسخه‌های گوناگون و گاه متعارض از آن وجود دارد. همچنین زبان بر یک واقعیت پایدار دلالت نمی‌کند بلکه فهم‌های ممکن متعددی از واقعیت تولید می‌کند. با این حال، این موضوع نباید به وقفه کامل بیانجامد به گونه‌ای که کار شما نتواند درباره پدیده‌های در حال وقوع در متن یا گفتاری که مطالعه می‌کنید چیزی بگوید. نکته مهم این است که از طریق تحلیل‌تان و در نوشتن، نشان دهید که چگونه حقیقت‌ها یا نسخه‌های خاصی از جهان تولید می‌شوند. کار شما این است که دیگران را متقاعد کنید که ادعاها و تفسیرهای شما هم «قابل قبول» و هم «ممکن» هستند و اینکه شما این ادعاها و تفسیرها را بدون مبنا ارائه نکرده‌اید یا اینکه آنها صرفاً برداشت مبهم شما نیستند، بلکه بحث و استدلال شما بر مبنای مطالب آرشیو شماست.

شما راهکارهای عملی ارزشمندی در اختیار دارید تا به دیگران ثابت کنید که استدلال‌تان متقاعدکننده و مبتنی بر مطالبی است که جمع‌آوری کرده‌اید:

- تشریح می‌نمایید که چگونه آرشیو مطالبتان را ایجاد و آنها را بررسی و تحلیل کرده‌اید. شما باید هم موضوع‌های عملی و هم نظری را که به این فرایند جهت داده‌اند، تبیین کنید؛

- ایده‌ها و افکار خود را به‌طور مکرر با مطالب جمع‌آوری شده، کنترل کرده و به دنبال مثال‌ها و مواردی بوده‌اید که ممکن است ادعاهای شما را رد کنند یا با آنها در تناقض باشند. این کار غالباً از طریق نوعی روش مستقیم مستمر و تحلیل موارد غیرطبیعی و نابهنجار انجام می‌شود؛

- برای نکات تحلیلی اساسی یا اصلی‌تان باید به‌طور جزئی و تفصیلی مطالبی را که منجر به ارائه این ادعاها شده است، در اختیار خواننده‌تان قرار دهید. برای ادعاهای فرعی یا جزئی‌تر، ارائه شواهد و دلایل کمتری مورد نیاز است. معمولاً باید بخش‌ها یا نقل‌قول‌هایی از متن‌های پیاده شده یا متن‌ها را ذکر کنید؛

- باید نشان دهید که ایده‌تان را با کارهای قبلی انجام شده به وسیله دیگر نویسندگان درباره موضوع، مقایسه و کنترل نموده‌اید. اگر یافته‌های شما تفاوت بنیادی با کارهای قبلی دارند، باید مطالب بیشتری را برای تأیید یافته‌هایتان ارائه کنید؛

- توضیح دهید یا در این باره بحث کنید که اگرچه یافته‌هایتان را با همه منابع ممکن، تطبیق نداده‌اید اما حداقل با آنهایی که مطالعه نموده‌اید، تطبیق داده‌اید و آیا تبیین شما از نظر کسانی که با آنها بحث می‌کنید، منطقی است؟ نباید انتظار داشت و گفت که باید آنها موافق شما باشند. غالباً این‌گونه نیست. چنین بحث‌هایی به شما کمک می‌کند که بدانید آیا درباره موضوع مهمی، ساکت بوده‌اید یا از آن

غفلت کرده‌اید یا خیر.

باید فرایندها، یافته‌ها و از همه مهم‌تر نمونه‌هایی از داده‌هایی که تحلیل‌تان را مبتنی بر آنها ارائه کرده‌اید با خوانندگان در میان بگذارید.

بحران دیگری که پیش‌تر به آن اشاره کردم یعنی بحران بازنمایی، ارتباط نزدیکی با این دارد که چگونه نشان دهید روایت شما عملی و ممکن است. همان‌گونه که گفتار یا متن‌ها را تحلیل می‌کنیم تا استدلال‌هایی متقاعدکننده ارائه کنیم، باید در این باره نیز بیندیشیم که بازنمایی‌ها و گزارش‌های پژوهش ما نسخه خاصی از واقعیت را ارائه می‌کنند. پژوهشگران معتقدند که ما باید موضعی بی‌پرده‌تر و بازتاب‌دهنده‌تر در قبال شیوه‌های تولید دانش و متون علمی مان داشته باشیم. گزارش‌های پژوهش ما نباید فقط شکل یا گونه مقاله‌های علمی معمول را به خود بگیرد - که از مقدمه، مروری بر ادبیات موضوعی، روش‌شناسی و غیره تشکیل شده‌اند - چرا که در این مقاله‌ها، مؤلف جایگاهی ندارد و مسائل و معضلات اخلاقی و سیاسی که در تحقیق با آنها مواجه می‌شوید، مورد بحث واقع نمی‌شوند. برخی پژوهشگران پژوهش خود را از طریق آشکال ادبی جدیدی مانند شعر، متن ادبی، نمایشنامه یا خاطره ارائه می‌کنند یا چیزهایی مانند دیالوگ‌ها را نیز در متن گنجانده‌اند. این دیالوگ‌ها غالباً بین نویسنده و یک فرد خیالی دیگر رخ می‌دهند و برای بحث در خصوص دیدگاه‌ها یا آراء مخالف در مورد مفروضات استدلال‌های مؤلف استفاده می‌شوند. چنین کاری، برخی شیوه‌های معمول که ما دانشگاهیان برای ساخت استدلال‌های خودمان به کار می‌بریم را در ذهن تداعی می‌کنند و مفروضات خودمان درباره شیوه نوشتن مان و شیوه ما برای تولید دانش را به چالش می‌کشند. شما می‌توانید نوعی کار مطالعاتی در این باره که کتاب حاضر چگونه درباره بحث‌هایش شما را متقاعد می‌کند، انجام دهید.

برای تقریباً همه مسائلی که در این کتاب بحث کرده‌ام، هیچ پاسخ درست یا غلطی

۲۵۰ راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

وجود ندارد. بهترین توصیه‌ای که می‌توانم ارائه کنم، این است که برای آرشیو خود، مطلب فراهم کنید. پس از اینکه مطالب را تا سطحی مطلوب از جزئیات پیاده کردید، هرگاه تصمیم گرفتید که بحثی را در یک متن که تازه پیدا کرده‌اید، نادیده بگیرید و نیز هرگاه نتایج مطالعه پژوهشی خود را می‌نویسید، درباره کارهای خود بیندیشید، با نگاهی انتقادی درباره چشم‌انداز خاصی که از جهان ارائه می‌کنید، تأمل کنید.

گام‌ها و نکات مهم تحلیل گفتگو، گفتمان و سند

می‌خواهم این فصل را با ارائه نکاتی به پایان ببرم که باید هنگام مطالعه گفتگو، گفتمان و سند در نظر داشته باشید. این نکات، به هیچ‌وجه فهرستی ثابت از کارهایی که شما مجبورید یا بهتر است انجام دهید، نیست بلکه مجموعه‌ای از اقدامات عملی است که برای پژوهش‌تان مفید خواهد بود:

۱. پرسش‌های پژوهشی اولیه خود را تدوین کنید. پرسش‌های پژوهشی شما ممکن است در طول پژوهش‌تان تغییر کنند؛
۲. یادداشت‌های پژوهشی را شروع کنید. به‌طور پیوسته از همه اقدامات و اندیشه‌های (تحلیلی) خود در طول کل پروژه یادداشت بردارید؛
۳. منابع احتمالی مطالب را پیدا و بکشید که آرشیوی را ایجاد کنید. این آرشیو با گردآوری داده‌های موجود (اسناد، نوارهای صوتی یا تصویری) و تولید داده توسط خودتان از طریق ضبط تعامل‌ها (صوتی یا تصویری) ایجاد خواهد شد. بخشی از آرشیو شما را مطالب **به‌دست** آمده از منابع علمی و نیز مباحث غیرعلمی (مانند یادداشت‌هایی درباره یک برنامه رادیویی) مربوط به موضوعات پژوهشی شما تشکیل خواهد داد؛
۴. متن‌ها را تا سطحی مطلوب از جزئیات پیاده کنید. سطح جزئیات، بستگی به علائق تحلیلی شما خواهد داشت. اگر یک آرشیو بسیار بزرگ دارید (حداقل)

فصل دهم - مطالعه گفتمان: دیدگاه‌های تکمیلی ۲۵۱

بخشی از آرشیو خود را پیاده کنید. برخی متون، به‌ویژه اسناد نیاز به پیاده‌سازی ندارند؛

۵. متن‌ها را با دید انتقادی و بازجو مآبانه بخوانید. متن‌ها را بازخوانی کنید. نوارها را دوباره گوش دهید و نگاه کنید. شما باید آرشیو خودتان را بهتر از هر کس دیگری بشناسید؛

۶. کدگذاری کنید. در مراحل اولیه، تا جای ممکن چیزی را کنار نگذارید. نگران نباشید که کدهای شما هم‌پوشانی داشته باشند. سپس از شیوه مقایسه مستمر برای به‌کارگیری یک شیوه کدگذاری جامع و نظام‌مند استفاده کنید. شما با بررسی بیشتر آرشیوتان (به‌طور مکرر) درباره شیوه کدگذاری‌تان تجدیدنظر خواهید کرد؛

۷. تحلیل کنید؛ از طریق:

الف. بررسی انتظام و تنوع داده‌ها؛

ب. ایجاد یافته‌های موقت (قطعیت‌نیافته). هرگز نخواهید توانست تحلیلی تفصیلی و جزئی درباره همه چیزهایی که پیدا می‌کنید، ارائه دهید. به خاطر داشته باشید که شما می‌توانید مکرر به آرشیوتان برگردید تا دنبال چیزهایی بگردید که پیش‌تر فرصت کافی برای بررسی نداشته‌اید؛

۸. اعتبار و دقت را کنترل کنید؛ با:

الف. تحلیل موارد غیرطبیعی و نابهنجار؛

ب. مقایسه یافته‌هایتان با کارهای پیشین؛

ج. نشان دادن داده‌هایتان به افراد دیگر؛ این افراد معمولاً همکاران دانشگاهی یا ناظران و سرپرستان کارهای پژوهشی شما هستند اما آنها ممکن است شرکت‌کنندگان در پژوهش شما نیز باشند؛

۹. گزارش پژوهش را بنویسید. به تحلیل خودتان بیندیشید و بنویسید (بر اساس گیل، ۲۰۰۰).

ملاحظات پایانی فصل و کتاب

در مطالعه گفتگوها، گفتمان و اسناد، می‌توانید کار را با مجموعه متنوعی از چیزها، موضوع‌ها یا ایده‌هایی که شما یا دیگران آنها را بدیهی و مسلم می‌پندارید، شروع کنید. می‌توانید کار را با پرسش (و گاهی با ترس) از شیوه‌های شگفت‌انگیز و غیرعادی ساخت زندگی اجتماعی شروع کنید. می‌توانید از رویدادهایی که با آنها مواجه شده‌اید یا متونی که با آنها سروکار دارید، توصیفی جدید ارائه کنید و می‌توانید از کارها و آثار فعلی انتقاد کنید یا آنها را تحسین کنید و می‌توانید راه‌هایی جدید برای شناخت مسائل و معضلات کنونی‌مان ارائه دهید. پس از گفتن همه اینها می‌خواهم تأکید کنم که این کار عمیقاً انگیزاننده و مهم‌تر از همه جذاب و مفرح است.

منابع تکمیلی

- آثار ذیل موضوع‌های مربوط به کیفیت در پژوهش کیفی را عمیق‌تر بررسی کرده‌اند.
- Flick, U. (2007b) *Managing Quality in Qualitative Research* (book 8 of The SAGE Qualitative Research Kit). London; Sage.
 - Perakyla, A. (2004) *Reliability and validity in research based on transcripts*, in D. Silverman, *Qualitative Research: Theory, Method and Practice* (2nd ed). London: Sage, pp. 201-19.
 - Seale, C. (1999) *The Quality of Qualitative Research*. London: Sage.
 - Taylor, S. (2001b) *Evaluation and applying discourse analytic*, in M. Wetherell, S. Taylor and S.J. Yates (eds), *Discourse as Data: A Guide for Analysis*. London: Sage, in association with The Open University, pp. 311-30.

فهرست اصطلاحات

آرشیو (Archive):

مجموعه‌ای متنوع از مطالب که به شما امکان می‌دهد، مسئله یا پرسش‌های پژوهش را بررسی و درباره آنها تأمل کنید. آرشیو شما ممکن است از منابع سندمحور (متنی)، صوتی، تصویری و نیز مقاله‌های پژوهشی و یادداشت‌های خودتان تشکیل شده باشد؛ در واقع، هر چیزی که به تحلیل شما کمک می‌کند.

تحلیل گفتگو (Conversation analysis):

کسانی که تحلیل گفتگو انجام می‌دهند به بررسی کنش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که در گفتار و گفتگو رخ می‌دهند، می‌پردازند. آنها غالباً به بررسی ویژگی‌های گفتگو می‌پردازند مانند اینکه: گفتگوکنندگان چگونه در گفتگو نوبت می‌گیرند، چگونه کنش‌های پیشین، گفتگوی کنونی را شکل می‌دهند و گفتگوی کنونی، کنش‌های بعدی را شکل می‌دهد و چگونه گفتگو برای اجرای کنش‌هایی معین طراحی می‌شود: افراد گفتگوکننده از چه واژگانی استفاده می‌کنند و چگونه خط سیر کلان گفتگو سازماندهی می‌شود. منابع اصلی مشاهده گفتگوها، مطالب

صوتی و تصویری ضبط شده از گفتگوها و تعامل‌ها در حالت طبیعی آنها هستند.

تحلیل گفتمان (Discourse analysis):

کسانی که گفتمان را مطالعه می‌کنند به این موضوع علاقه‌مندند که چگونه از زبان در زمینه‌هایی خاص بهره گرفته می‌شود. آنها به بررسی این موضوع می‌پردازند که چگونه هویت‌ها، کنش‌ها، دانش یا معانی خاصی به وسیله تبیین چیزی به روشی خاص، تولید می‌شوند. این به معنی بررسی زبان در موارد خاصی از تعامل است؛ مانند هنگام بازی کودکان یا در متن‌هایی مربوط به یک موضوع خاص، همچون گزارش‌های روزنامه‌ها درباره یک فاجعه و در سطح گسترده‌تر که غالباً تاریخی است به بررسی سیستم‌های دانش می‌پردازند مانند بررسی کلینیکی شدن اختلال بیش‌فعالی ناشی از کمبود توجه.

روانشناسی گفتمانی یا استدلالی (Discursive psychology):

این [شاخه از روانشناسی] غالباً از عناصر تحلیل محاوره، تحلیل گفتمان و الفاظ برای بررسی این موضوع استفاده می‌کند که چگونه عناصر روانشناختی به ظاهر درونی مانند حافظه، عواطف یا نگرش‌ها، در کنش‌ها و تعامل‌های اجتماعی و متون، تولید می‌شوند، تحقق می‌یابند و درباره آنها تبادل نظر می‌شود.

داده‌های طبیعی رخ داده (Naturally occurring data):

برخی محققان داده‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: پژوهشگرساخته یا پژوهشگرمحور - همچون مصاحبه یا گروه‌های متمرکز - و داده‌های طبیعی - مانند نوارهای صوتی گفتگوهای خانواده هنگام صرف غذا یا نوارهای تصویری دریافت مشاوره پزشکان - که بدون حضور یا کنشی از طرف محقق نیز امکان

وقوع این تعامل‌ها وجود دارد - با این حال، منظورم از بررسی داده‌های طبیعی، این است که باید از داده‌ها استفاده کنید تا بفهمید چگونه فعالیت یا عاملی، چه مشاوره باشد یا یک مصاحبه کیفی، در حالت معمول، طبیعی و عادی خود رخ می‌دهد. به این معنا، هر داده‌ای را می‌توان داده طبیعی دانست.

بازتاب‌پذیری (Reflexivity):

همان‌گونه که به تحلیل این می‌پردازیم که چگونه گفتار یا متن‌ها، استدلال‌هایی متقاعدکننده تولید می‌کنند، باید در این‌باره بیندیشیم که چگونه بازنمایی‌ها و گزارش‌های پژوهش خود ما نسخه خاصی از واقعیت تولید می‌کنند. محققان بر این باورند که ما باید موضعی صریح‌تر و منعکس‌کننده اندیشه‌مان در خصوص شیوه‌هایی که دانش و متون علمی خودمان را تولید می‌کنیم، داشته باشیم.

فن بلاغت (Rethoric):

هنگام مطالعه فن بلاغت، شما علاقه‌مندید بدانید که چگونه یک متکلم سند یا متن می‌خواهد از میان معانی مختلف ممکن، معنی خاصی را منتقل یا تثبیت نماید. شما ممکن است بررسی کنید که چگونه از گفتمان برای متقاعد کردن شما درباره صلاحیت جایگاهش استفاده و چگونه باعث مسکوت شدن قرائت‌های ممکن دیگر می‌شود.

ساخت‌گرایی اجتماعی (Social Constructionism):

این پارادایم بر این اصل استوار است که زبان هیچ‌گاه، بی‌طرف، شفاف و ابزار ارتباط نیست. اگر ادراک ما از چیزها، مفاهیم یا ایده‌هایی که برای ما مسلم و بدیهی هستند را در نظر بگیرید مثلاً کودکی، سند یا انگیزه، اینها چیزهایی

کاملاً خنثی یا مشخص نیستند، بلکه بیشتر محصول کنش‌ها و تعامل‌های انسانی، تاریخ، جامعه و فرهنگ هستند.

متن‌ها (Texts):

این اصطلاح به همه سندهای مکتوب و تصویری اشاره دارد که ما می‌خوانیم، استفاده می‌کنیم و به عنوان بخشی از زندگی روزمره‌مان با آنها سروکار داریم. همچنین به چیزهایی مانند کفش‌های ورزشی یا رویدادهایی همچون مسابقه‌های فوتبال یا چیزهایی مانند غذا یا سبک‌های راه رفتن دلالت می‌کند.

پیاده‌سازی یا ترانویسی (Transcription):

فرایند پیاده کردن مطالب صوتی یا تصویری به شکل متن مکتوب. رایج‌ترین شکل پیاده‌سازی این است که متن به صورت موبه‌مو پیاده شود. این در مواردی است که شما تلاش می‌کنید عبارت‌های به‌کار رفته را همراه با مشخص کردن گوینده آنها، مستند کنید. متن پیاده شده همچنین شامل ویژگی‌های تعاملی گفتار مانند مکث‌ها، خنده و تداخل‌ها [با گفتار دیگران] و نیز جزئیات، ژست‌ها، حرکات، نحوه نگاه کردن و استفاده از اشیاء می‌شود. متن‌های پیاده شده نوعی برگردان و ترجمان هستند؛ آنها همواره بازنمایی‌های ناقص و گزینشی هستند. فرایند عملی ایجاد متن‌های پیاده شده تفصیلی و دارای جزئیات، به شما امکان می‌دهد با آنچه مشاهده می‌کنید، آشنا شوید.

مأخذ

- Aalto, M. and Seppa, K. (2001) At which drinking level to advise a patient? General practitioners views, Alcohol, 36: 431-3.
- Adams, P.J., Powell, A., McCormick, R. and Paton-Simpson, G. (1997) Incentives for general practitioners to provide brief intervention for alcohol problems, N.Z. Medical Journal, 110:291-4.
- Allistone, S. (2002) A conversation analytic study of parents evening, unpublished PhD dissertation, Goldsmiths College, University of London.
- Angrosino, M. (2007) Doing Ethnographic and Observation Research (Book 3 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Antaki, C. (2002) An Introductory Tutorial in Conversation Analysis. Online at <http://www.staff.lboro.ac.uk/~ssca1/sitemenu.htm>; accessed on 5 Oct. 2005.
- Arminen, I.(2000) On the context sensitivity of institutional interaction, Discourse and Society, 11:435-58.
- Ashmore, M. and Reed, D. (2000) Innocence and nostalgia in conversation analysis: the dynamic relations of tape and transcript, Forum Qualitative Sozialforschung/Forum:
Qualitative Social Research (Online Journal), 1(3). Onlie at <http://www.qualitative-research.net/fqs-texte/3-00/3-00ashmorereed-e.htm> accessedon 112 jan.2006.

- Asthana, A and Doward, D. (2003) Binge drinking: do they mean us?, The Observer, Sunday 21 Dec.
- Babor, T.F., Riston, B.E. and Hodgson, R.J.(1986) Alcohol-related problems in the primary health care setting: a review of early intervention strategies, British Journal of Addiction, 81;23-46.
- Balint, M. (1955) The doctor, his patient and the illness, The Lancet, i: 683-8.
- Banks, M. (2007) Using Visual Data Qualitative research (Book 5 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Barbour, R. (2007) Doing Focus Groups (Book 4 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Beach, W.A. and Metzinger, T.R. (1997) Claiming insufficient knowledge, Human Communication research, 23(4): 562-88.
- Billing, M. (1999) Whose terms? Whose ordinariness? Rhetoric and ideology in conversation analysis, Discourse and Society, 10(4): 543-58.
- Branlry, D. (2004) making and managing audio recording, in C. Seake (ed.), Researching and culture (2nd end). London: Sage, PP. 207-24.
- Burr, V. (1995) An Introduction to Social Constructionism. London: Routledge.
- Davidson, J. (1984) Subsequent version of ivitations, offers, requests and proposals dealing with potential or actual rejection, in J.M. Atkinson and j. Heritage (eds), Structures of Social Action: Studies in Coversational /analysis. Cambridge: Cambridge University Press, PP. 102-28.
- Denzin, N. (1988) Qualitative analysis for social scientists, Contemporary Sociology, 17: 430-2.
- Drew, P. (1984) Speakers reportings in invitation sequences, in J.M. Atkinson and J. Heritage eds), Structures of Social Action: Studies in Conversational Analysis. Cambridge: Cambridge University Press, PP. 129-51.
- Drew, P.(1992) Contested evidence in courtroom cross-examination: the case of a trial for rape, in P. Drew and J. heritage (eds), Talk at Work: Interaction in Interaction in Institutional settings. Cambridge: Cambridge University Press, PP. 470-520.
- Derw, P. and Heritage, J. (1992) `Analyzing talk at work: an introduction,

- in P. Drew and J. Heritage (eds). *Talk at work: Interaction in Institutional Settings*. Cambridge: Cambridge University Press, PP. 3-65.
- Economic and Social Research Council (2005) ESRC Research Ethics Framework. Online at <http://www.esrc.ac.uk/ref>; accessed on 21 Feb. 2006.
 - Edley, N. (2001) 'Analysing masculinity: interpretative repertoires, ideological dilemmas and subject positions', in M. Wetherell, S. Taylor and S.J. Yates (eds), *Discourse as Data: A Guide to Analysis*. London: Sage, in association with the Open University, PP. 189-228.
 - Edley, N. and Wetherell, M. (1997) 'Jockeying for position: the construction of masculine identities', *Discourse and Society*, 8:203-17.
 - Emerson, R.M. (2004) 'Working with "key incidents"', in C. Seale, G. Gobo, J.F. Gubrium and D. Silverman (eds), *Qualitative Research practice*. London: Sage, PP. 457-72.
 - Frith, H. and Kitzinger, C. (1998) "Emotion work" as a participants resource: a feminist analysis of young women's talk in interaction, *Sociology*, 32(2): 299-320.
 - Flick, U. (2007a) *Designing Qualitative Research* (book 1 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
 - Flick, U. (2007b) *Managing Quality in Quality in Qualitative research* (book 8 of The SAGE Qualitative research Kit). London: Sage.
 - Garfinkel, H. (1967) *Studies in Ethnomethodology*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
 - General Medical Council (2002) *Making and Using Visual and Audio Recordings of Patients*, http://www.gmc-uk.org/standards/AUD_VID.HTM.
 - Gibbs, G. (2007) *Analyzing Qualitative data* (book 6 of The SAGE Qualitative Research kit). London: Sage.
 - Gidley, B. (2003) *Citizenship and belonging: East London Jewish Radicals 1903-1918*, unpublished PhD dissertation, Goldsmiths College, University of London.
 - Gidley, B. (2004) *doing historical and archival research*, in C. Seale (ed.), *Researching Society and Culture* (2nd edn). London: Sage, PP. 249-64.
 - Gill, R. (2000) *discourse analysis*, in M.W. Bauer and G. Gaskell (eds), *Qualitative Researching with text, Image and Sound*. London: Sage, pp. 172-90.

- Glaser, B.G. (1965) The constant comparative method of qualitative analysis, *Social, Social problems*, 12: 436-45.
- Goodwin, C. (1994a) Professional vision, *American Anthropologist*, 96(3): 606-33
- Goodwin, C. (1994b) Recording human interaction in natural settings, *Pragmatics*, 3(2): 181-209.
- Gothill, M. and Armstrong, D. (1999) Dr No-body: the construction of the doctor as an embodied subject in British general practice 1955-1997, *Sociology of Health and Illness*, 21: 1-12.
- Hak, T. (1992) Psychiatric records as transformatis of other texts in G. Watson and R.M. Seiler (eds), *Text in Context: Contributions to Ethnomethodology*. Newbury park, CA: Sage, pp. 135-55.
- Hak, T. (1998) There are clear delusions: the production of a factual account, *Human Studies*, 21: 419-36.
- Hall, S. (2002) New wave of “sophisticated” alcopops fuels teenage binge drinking, *The Guardian*, Saturday 14 Dec.
- Hepburn, A. and Potter, J.(2003). Discourse analytic practice, in C. Seale, D. Silverman, J. Gubrium and G. Gobo (eds), *Qualitative Research Practice*. London: Sage, pp. 180-96.
- Heritage, J. (1984) *Garfinkel and Ethnomethodology*. Cambridge: polity Press.
- Heritage, J. (1997) Conversation analysis and institutional talk: analysing data, in D. Silverman (ed.), *Qualitative Research: Theory, Method and Practice*. London: Sage, pp. 222-45.
- Heritage, J. and Greatbatch, D. (1991) on the institutional character of institutional talk: the case of new interviews, in D. Boden and D.H. Zimmerman (eds), *Talk and Social Structure: Studies in Ethnomethodology and Conversation Analysis*. Berkeley: University of California Press, pp. 93-137.
- Holstein, J.A. and Gubrium, J.F. (1995) *The Active Interview*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hutchby, I. (1996) *Confrontation Talk: Arguments, Asymmetries, and Power on Talk Radio*.
- Mahwah, NJ: Lowrence Erlbaum.

- Jefferson, G. (2004) Glossary of transcript symbols with an introduction, in C.H. Lerner (ed.) *Conversation Analysis: Studies from the First Generation*. Philadelphia: John Benjamins, pp. 13-23.
- Jenkins, K.N. and Barber, N. (2004) What constitutes evidence in hospital new drug decision making? *Social Science and Medicine*, 58: 1757-66.
- Jenkins, K.N. and Barber, N. (2006) Same evidence, different meanings: transformation of textual evidence in hospital new drug committees *Text and Talk*, 26(2): 169-89.
- Kelly, M. and Ali, S. (2004) Ethics and social research, in C. Seale (ed.). *Researching Society and Culture* (2nd edn). London: Sage, pp. 115-28.
- Kitzinger, C. and Firth, H. (1999) Just say no? The use of conversation analysis in developing a feminist perspective on sexual refusal, *Discourse and Society*. 10(3): 293-316.
- Kvale, S. (2007) *Doing Interview* (Book 2 of The SAGE Qualitative Research Kit). London: Sage.
- Lee, J. (1984) Innocent victims and evil-doers, *Women's Studies International Forum*, 7: 69-73.
- Livingston, E. (1987) *Making Sense of Ethnomethodology*. London: Routledge & Kegan Paul, chap. 15.
- Lynch, M. (1993) *Scientific Practice and Ordinary Action*. Cambridge: Cambridge University Press.
- May, C.R. (1997) Pathology, identity and the social construction of alcohol dependence, *Sociology*, 35: 358-401.
- Maynard, D.W. (1991) On the interactional and institutional basis of asymmetry in clinical discourse, *American Journal of Sociology*, 92(2): 488-95.
- Maynard, D.W. (1992) On clinicians co-implicating recipients perspective in the delivery of diagnostic news, in P. Drew and J. Heritage (eds), *Talk at Work: Interaction in Institutional Settings*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 331-58.
- Moerman, M. (1988) *Talking Culture: Ethnography and Conversation Analysis*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Moerman, M. (1992) Life after C.A., in G. Watson and R.M. Seiler (eds), *Text in Context: Contributions to Ethnomethodology*. New York: Sage, pp.

20-34.

- Newcastle Herald and Post (2004) Herald and Post Meeting Place, Wednesday 4 Aug.
- Perakyla, A. (2004) Reliability and validity in research based on transcripts, in D. Silverman, *Qualitative Research: Theory, Method and Practice* (2nd ed). London: Sage, pp. 201-19.
- Poland, B.D. (2002) Transcription quality, in J. Gubrium and J. Holstein (eds), *Handbook of Interview Research: Context and Method*. Thousand Oaks, CA: Sage, pp. 629-50.
- Pomerantz, A.(1984) Agreeing and disagreeing with assessment: some features of preferred/dispreferred turn shapes, in J.M. Atkinson and J. Heritage (eds), *Structure of Social Action: studies in Conversation analysis* Cambridge: Cambridge University press, pp. 57-101.
- Potter, J. (1996a) Discourse analysis and constructionist approaches: theoretical background, in J. Richardson (ed.) *Handbook of Qualitative Research Methods for Psychology and the Social Sciences*. Leicester: BPS, pp. 125-40.
- Potter, J. (1996b) Representing reality: discourse, Rhetoric and Social Construction. London: Sage.
- Potter, J. (1997) Discourse analysis as a way of analysing naturally occurring talk, in D. Silverman (ed), *Qualitative Research: Theory, Method and Practice*. London: Sage, pp. 200-20.
- Prior, L. (2003) *Using documents Social Research*. London: Sage.
- Rose, N. (1998) Life, reason and history: reading Georges Canguilhem today, *Economy and Society*, 27(2-3): 154-70.
- Rubin, H.J. and Rubin, I.S. (1995) *Qualitative Interviewing: The Art of Hearing Data*. Thousand oaks, C.A: sage.
- Ryan, A. (2005) Ethical issues, in C. Gobo, J.F. Gubrim and D. Silverman (eds), *Qualitative Research Practice*. London: Sage, pp. 230-47.
- Sacks, H. (1974) Notes on methodology, in J.M. Atkinson and J.Heritage (eds), *Structures of Social Action: Studies in Conversation Analysis*. Cambridge: Cambdrige University Press, pp.. 21-7.
- Sacks, H. (1995) *Lectures on Conversation*. Oxford: Blackwell.
- Schegloff, E.A. (1999) *Discourse, pragmatics, conversation, analysis*,

مأخذ ٢٦٣

Discourse Studies, 1(4): 405-35.

- Schegloff, M. (1997) Whose text? Whose context? Discourse and Society, 8: 165-87.
- Scott, J. (1990) a Matter of Record: Documentary Sources in Social Research. Cambridge: polity press.
- Seale, C. (1999) The Qualitative Research. London: Sage.
- Seale, C. (2002) Cancer heroics: a study of news reports with particular reference to gender, Sociology. 36: 107-26.
- Silverman, D. (1987) Communication and Medical Practice. London: sage.
- Silverman, D. (1998) Hervey Sacks: Social Science and Conversation Analysis. Cambridge: Polity Press.
- Smith, D.E (1990) Text, Facts and Femininity: Exploring the Relations of Ruling. London: Routledge.
- Strong, P.M. (1980) Doctors and dirty work - the case of alcoholism, Sociology of Health and Illness, 2: 24-47.
- Taylor, S. (2001a) Locating and conducting discourse analytic research, in M. Wetherell, S. Taylor and S.J. Yates (eds) Discourse as Data: A Guide for Analysis. London: Sage, in association with The Open University, pp. 5-48.
- Taylor, S. (2001b) Evaluation and applying discourse analytic, in M. Wetherell, S. Taylor and S.J. Yates (eds), Discourse as Data: A Guide for Analysis. London: Sage, in association with The Open University, pp. 311-30.
- Ten Have, P (1999) Doing Conversation analysis: A Practical Guide. London: Sage.
- Van Dijk, T.A. (1999) Critical discourse analysis and conversation analysis, Discourse and Society, 9(3): 459-60.
- Von Lehm, D, Heath, C. and Hindmarsh, J. (2002) Exhibiting interaction: conduct and Society, 9(3): 459-60.
- Von Lehm, D, Heath, C. and Hindmarsh, J. (2001) Exhibiting interaction: conduct and collaboration in museums and galleries, Symbolic Interaction, 24: 189-216.
- Wetherell, M. (1998) Positioning and interpretative repertoires: conversation analysis and post-structuralism in dialogue, Discourse and Society, 9: 387-412.

- Wetherell, M. (2001) Themes in discourse research: the case of Diana, in M. Wetherell, S Taylor and S.J Yates (eds), Discourse Theory and Practice: A Reader, London: Sage, in association with The Open University, pp. 14-28.
- Wetherell, M, Taylor, S. and Yates, S.J. (eds), Discourse Theory and Practice: A Reader. London: Sage, in association with The Open University.
- Williams, C, Kitzinger, J. and Henderson, H. (2003) Envisaging the embryo in stem cell research: rhetorical strategies and media reporting of the ethical debates, *Sociology of Health and Illness*, 25: 793-814.



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کتابی که پیش رو دارید، برگردان یکی از کتاب‌های مجموعه هشت جلدی بسته تحقیقات کیفی سیج یعنی کتاب «راهنمای عملی تحلیل گفتگو، گفتمان و سند» نوشته «تیم رپلی» است. نگارنده کتاب، تلاش کرده است مطالبی بسیار عملیاتی و کاربردی برای علاقه‌مندان به تحلیل گفتگو، گفتمان و سند ارائه نماید. محققانی که مشتاق بهره‌گیری عملی از تحلیل گفتگو، گفتمان و سند و نیز به کارگیری مصاحبه، گروه متمرکز، قوم‌نگاری یا دیگر روش‌های مشابه در تحقیقات خود هستند، با مطالبی جالب و خواندنی در این کتاب مواجه خواهند شد.